صفحات تکراری دارد



رمن

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۷۸۳۱

رده‌بندی دیویی: ۱۳۰۴ آ ت / م ۹۱۳ ش ۲۹۷/۷۷۲

سرشناسه: شیخ بهائی، محمد بن حسین، ۹۵۳ - ۱۰۳۱ ق.

عنوان قراردادی: مفتاح الفلاح، فارسی - عربی

عنوان: مفتاح الفلاح

کاتب: ابوطالب ابن علی اکبر جرمی تاریخ کتابت:

محل نشر: [بمبئی] ناشر: [بی نا] تاریخ نشر: ۱۳۰۴ ق

صفحه شمار: ۱۷۹ ص مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: عربی / فارسی ابعاد: ۲۰×۱۴ نوع خط: نسخ و نستعلیق

روش تهیه: وقفی☑ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐

توضیحات: عبدالباقی آیت اللهی شیرازی تاریخ ثبت: الحمد ۱۳۷۶

یادداشتها:

دارای حواشی در ارتباط با متن و ترجمه آن با رفرا جم، است.

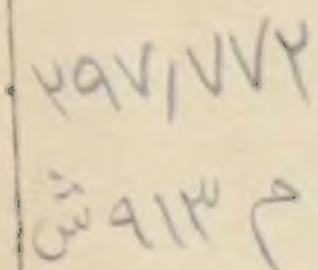
موضوع(ها):
۱. دعاها
۲. اعمال السنة

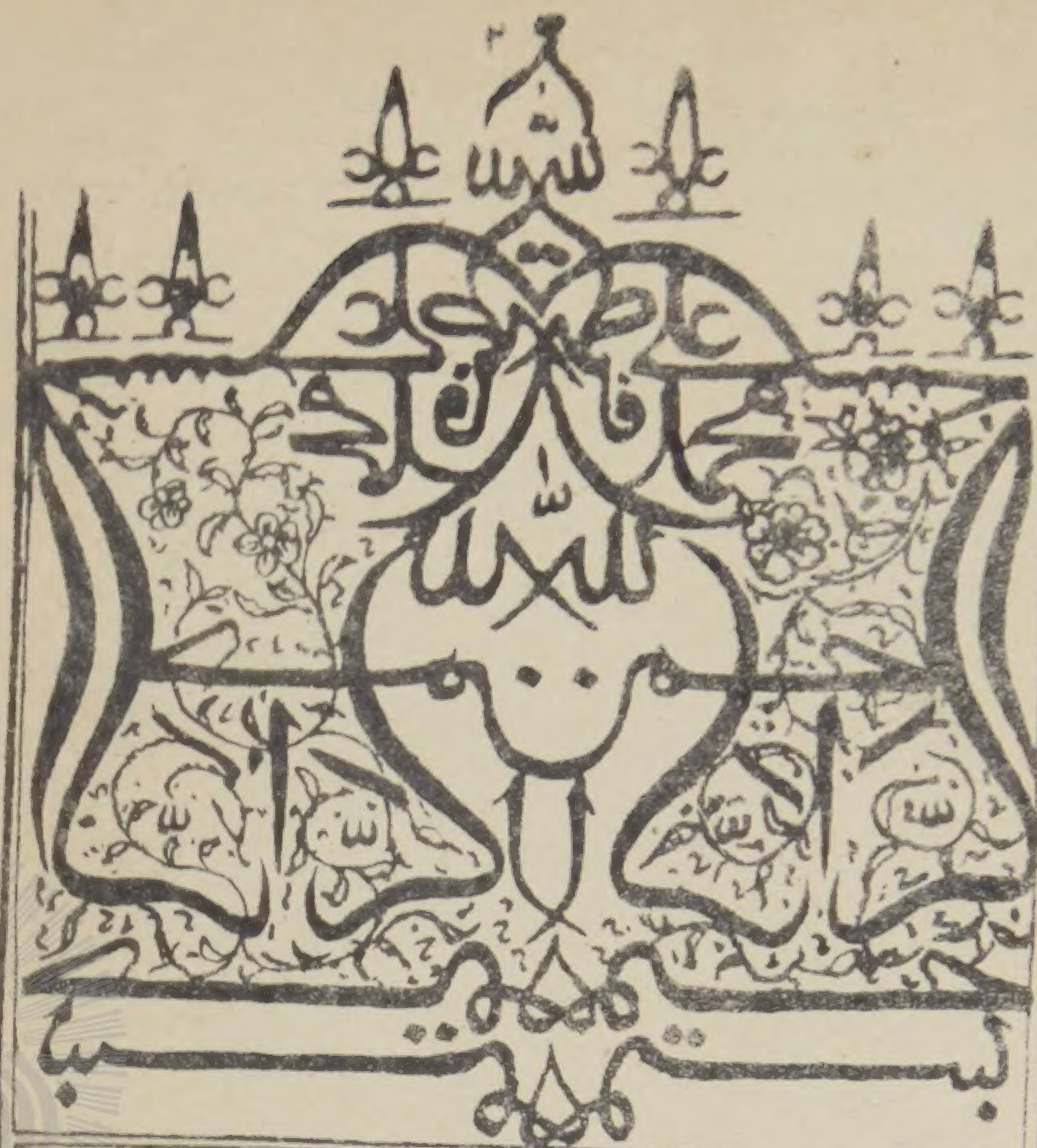
شناسه(های) افزوده: الف. آقا جمال خوانساری، محمد حسین، - ۱۱۲۵ ق.، مترجم. ب. جرمی، ابوطالب، کاتب. ج. آیت اللهی شیرازی، عبدالباقی، واقف. د. عنوان.

فهرستنگار: شیبانی تاریخ فهرستنگاری: تیر ۸۸

هذا کتاب مفتاح الفلاح

سنه ۱۳۱۳





مفتاح فلاح دنیا وعقبی ومقدمه نجاح اخرت واولی حمد وثنای بارکاه کبریایی
کویست کمدعا را کلید خزاین فضل واحسان ومفتاح ابواب طول وامتنان
ساخته هر کم در شبستان شب زنده داری عبادتش مصباح دعائی افروخت
صبح اجابتش پیش از صبح دمید وهر کم در زاویه اطاعتش بمناجات صبحکاهی برخواست
نخستین چهره مقصود خویش دید صحیفه اعمال داعیان در کاهش با برات امان
از راست وچپ در پرواز وسمات اجابت سائلان بارکاهش واضح ولایح در
اغاز رحیمی کم بر پشت کرمی رحمتش راه سرد کنه کاران خرمن خرمن و زد عصیان
درهم سوزد کم بدستکیری تعویذش تیر دعای مظلومان صد جوشن وخفتان
برهم خورد بخواندن یک ایة الکرسی صد مطلب بر کرسی نشاند وبیک اشاره
حرب البحر بنیاد کروه ستمکاران باب رساند سیفی را اثری بخشید کم باضربت
ان جوشن داودی سود ندهد وجوشن را تعویذی نکرداینده کم سیف مصری

بان کزندی رساند در سفک منهج اعداء دین علوی مصیر اقالیم مقام ذوالفقار
حیدری کردانیده ودر حفظ ارباب ایمان ویقین حرز یمانی را سد مسد سد
اسکندری تعالی شانه وعظم امتنانه ووسیله وصول مطالب دارین وذریعه حصول
مقاصد نشاتین صلوة ودرود برسول واجب لشکریست که نخستین حرز تمجید
ورفعتش دنی فتدلی واولین پایه قرب منزلتش قاب قوسین او ادنی طایر بلند
پرواز وصفش را اشیان برشاخ سدرة المنتهی وکمیت خوش خرام نعتش را میدان
ولسوف یعطیک ربک فترضی کردیدن افتاب برکت دعاء اجابت قرینش کالقمر
اذا نجم وفرو نشستن اتش کده فارس در شب میلاد سعادت بنیادش کالنار علی
علم تسبیح حصیات در کف معجز نمایکی از معجزات ظاهره اش که بیکزاف زیاده از ریک
بیابان است وملازمت ابر بافرق فرقدان سایکی از ایات باهره اش که بالغ افزون
از قطرات باران شکستن طاق کسری هنکام طلوع کوکب سعادت نما براعت استهلال
بود ظاهر شکافتن بدر منیر که باشاره سرانکشت معجز نمایش مانند افتاب تابان
مشاهده شد وفرو رفتن اب دریا در شب میلاد میمنت پیرا مقدمه بود لایح از
معجزات صافیه که از سرچشمه ید وبیضاش فزون از محیط وعمان روان کردید روح
الامین که سرخیل همه روحانیانست اکر بسعادت ملازمتش ببالد چه عجب پروبال
داده خدمت اوست وسلالة طین که مسجود تمامی کروبیانست اکر بشرف انتسابش
بنازد چه شکفت از خاک برداشته نسبت اوست اردو روز شفاعتش کمترین کنامی را
بسرابستان جنان سراسر که فروخت کم دعوی غبنش در محکمه قضا بمحل نرسید
ودر روز دیوان عدالتش عبادت صد ساله بیولای ال اطهارش که غرض
نمود که بجزای ان بقید دوام مقید وسلاسل نکردید صلوات الله علیه وعلیهم
اجمعین الی یوم الدین **وبعد** بر مرایای حقایق نمای هوشمندان حقیقت
کزین که پرتو هدایت افتاب یزدانی وهمرهی خضر عنایت سبحانی بسرچشمه
حیوان تحقیق وایقان بی برده جمال مشاهده حقایق اشیا را کماهی درا ینه

سکندری ظهور جلوه کر یافته اند محتجب و مختفی نخواهد بود که علت غائی و غرض
اصلی از ابداع انشا و اختراع این زبده بنتایج ارکان و خلاصه ازدواجات عالم
امکان بر وفق طغرای غرای وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون مواظبت
بر طاعات و اشتغال بعبادات است تا اینکه هر کس درخور استعداد و قابلیت که
بسبب آنها اکتساب نماید و بازای استحقاق و اهلیت که از آنها اقتباس فرماید
سزاوار رحمت بی منتها و مستحق نعمتهای لاتعد ولاتحصی کردیده در مرتبه
خود در درجات عدن بعضها فوق بعض قرار کیرند و چون از کتب مصنفه در این
باب کتاب مفتاح الفلاح که حضرت شیخ محقق و نحریر مدقق وحید زمانه
و علامه اوانه الشیخ بهاء الملة والدین محمد العاملی عامله الله بلطفه الخفی و
الجلی در صلوات و ادعیه شبانروزی تالیف فرموده کتابیست جلیل القدر
و عزیز المنال عظیم الشان عدیم المثال قبای قلمی بیست و نه حرف بر قامت
توصیفات نارسی و جامه طویل الذیل الفاظ در بر تعریف آن کوتاه شعر ففی کل
سطر منه روض من المنی وفی کل شطر منه عقد من الدرر لیکن چون بزبان
عربی سمت تحریر یافته و جمعی را که لغت فارسی مانوس و مالوف بوده باشد
از آن چندان تمتع و بهره میسر نیست بخاطر فاتر این بنده محتاج بعفو باری جمال
الدین محمد بن حسین خوانساری رسیده که آنرا بزبان فارسی ترجمه نماید تا همکی
طوایف انام از خواص و عوام از آن محظوظ و بهره مند کردند بنا بر آن اقدام بر آن
نموده آنچه کلام شیخ ره بود ترجمه نموده بترجمه آن اکتفا نمود و ادعیه را نقل نمود
ترجمه آنرا در تحت آن قلمی کردانید و در هر جا که احتیاج بتوضیحی بود خواه از فقرات
دعا و خواه از ترجمه کلام شیخ در حاشیه توضیح آن نمود و همچنین آنچه از مسائل
خلافی در این کتاب مذکور شده نقل اقوال علما در آنها و ترجیح هر طرف
باعتقاد فقیر ترجیح داشته در حاشیه قلمی شده و آنچه شیخ ره در توضیح بعضی
فقرات ادعیه قلمی نموده اند بعضی بعبارتها ترجمه شده و در حاشیه نوشته شده

و سند آنش رقم شده و بعضی دیکر مضمون آن در ما بعضی حواشی از شیخ نقل شده
و سخنان دیکر بآن الحاق شده و از سخنان شیخ چیزی بیرون نرفته مگر از این دو قسم مگر
قلیلی از آیات که ترک نمود ذکر آنها را بجهة آنکه مناسب این ترجمه و آنچه غرض از
وضع آن بود نمیدانست و همچنین هر جا که در کلمات شیخ باعتقاد این فقیر خللی
بود در حواشی آن اشاره نمود مگر بعضی مواضع که ذکر آن نیز مناسب این
ترجمه نبود و آنچه حواشی این فقیر است سند آن جم رقم شده و بحمد الله والمنه چهل
این تمنا بر وفق مدعی پیرایه اختتام در بر کرده زینت افزای انجمن ارباب عرفان
و خرمن بخش چمن اصحاب ایقان کردید فحمدا له ثم حمدا له و از آنجا که عادتیست قدیم
و رسمی کهن و بر همکی ارباب دانش و بینش بملاحظه احوال خویشتن ظاهر و روشن که
هر کس را تمنای آن که آنچه عزیز داند و تحفه شمارد بجانب برکزیده دوران و فرمان
فرمای زمان اهدا و اتحاف نماید چنانکه حکایت ملخ و مور و اعرابی و آب شور
بر همه السنه و افواه مذکور و مشهور است این قلیل البضاعت را نیز هوای آن
بر سر افتاده که این کمترین مختصر منظور نظر ایستادکان پایه سریر کردون نظیر
سلطان زمان و شهنشاه دوران یعنی صاحبقران کیتی ستان انجم سپاه کردون
بارکاه شهریار عادل باذل دریا دل که در طی وادی مدیحش شهباز بلند پرواز
سخن صد باره بال کذاشته و کمیت خوش خرام قلم هر قدم چندین نعل انداخته پیر
خرد که سیاح عوالم لفظ و معنیست از برای در نوشتن این بیابان بی پایان بیهنا
قلم عصای فولاد بر داشته و دبیر ناطقه که سیاح بحار نظم و نثر است بجهت هر
شعبه این بحر بیکران سفینها ساخته **بیت** شه عالم ستان آسمان تخت
جهان کیر و جهان بخش جوان بخت هم آغوش همزوی دین و دولت بهم
نازان ز عدلش ملک و ملت همه روی زمین زیر نکینش فلک فیروزه
انکشتر یمینش بقصر دولتش چون طاق بستند دوباره طاق کسری را
شکستند فلک حیران فرا سر اوست قیامت موج جوش لشکر اوست جهه

برخاک درکاهش مالیدن سر افتخار بر عرش برین سودن سجده برد آستان
ملایک پاسبانش کردن سر بر زمین و اسمان فرود نیاوردن حلقه اطاعتش
درکوش کردن خود را بزیور سلطانی ناراستن غاشیه دولتش بردوش کشیدن
دوش یاد وش دولت جاودانی دفتن اکر فعل یکرانش حلقه درکوش هلال کند
جادارد و اکر شمسه طاق ایوانش لب برلب جام خورشید کذارد میرسد اکر
علو قدرش باکرانی حلمش قد رنشدی زمین در اب غرق کشتی و اکر ماء معین
لطفش تا اتش قهرش نیامیختی جهان سراسر سوختی بحر سخایش زر بمیان در
کنار مفلسان کذارد که اکر وزدی ایشان را روی صد بونک ماهی زایل
کند و سحاب عطایش لالی ابدار بر سر روی سائلان نثار کند تا قطرهای خون
خجالت دران مشتبه کرد د تیغ ابدارش اتش در جان دشمنان اندازد و سنان
اتش بارش جوی خون در میدان روان سازد و هنکام بالا بردن تیغ ماهی سمان
در شکم برچیدن و در وقت پائین اوردن کاو زمین در پشت زدیدن چین
جبینش شاه راه عدل و انصاف زیر نکینش از قاف تا بقاف از رشک کهر پاشی دست
سخایش از بس خون در عروق ابر بحران کرده برنک کل بحری براید و از شرم در افشانی
کف عطایش از بس دریا رنک برنک کشته ابری بنظر در اید اکر سکه همایون بر ورق
کل محمدی زند بازار بستکی بشکند و اکر بجای زر لاله عباسی مقرر سازند دیکر
اشرفی بیکدینار خرج نشود در جنب ایستادکان پایه سریر کردون نظیر ملوک عجم کیانند
و در برابر اسباب بساط فلک انبساط اینه سکندر و جام جم چه نمایند هر انجا اکر کشتی حلمش
لنکر اندازد اکر همه کوه باشد کمر بیازد و بر هر جا که کوه شکوهش سایه افکند اکر همه
قاف باشد ناف کذارد در زمان عدالت توامانش بره از پستان کرک شیر کیرد و شعله
در بال و پر پروانه جامه پرنیان و حریر صرصر خزامزایا دای ان نه کر رنک چهره کلی
بشکند و باد مهرکان را قدرت ان کجا که سر زلف سنبلی تاب دهد ستمکر را خنده
ونشاط همین بهره که در قلعه قهقهه جا دارد و فتنه جو را از عمر و حیات همان قدر

حظ کردم ابی از لب تیغش بیاشامد دوران سخاوت بنیانش مروارید جان ابچشم
افتاده که بجز صدف کسی در کوش نکند و یاقوت هرچند مشواب در رنک کند از سفال
کرویز به لعل کران بها در نظرها سبکتر از سنک و نجربا این همه حوصله از دست
مرجان تنک دیده صدف در انتظار مشتری ابر مروارید اورده و چشم در ره بخرید
سفید شده عجب انکه از رشک دست زر افشانش کان را تب کرفته و دریا در بحران
افتاده و طرفه اینکه از بیم کف کهر بخشش دریا را لرزه بر اندام افتاده و کان منقل پر
اخکر از لعل و یاقوت پیش خود نهاده هر کوهری که در بیضه صدف چشم باز کند بجاب
ان بحر کرم و جود غلطان و هر لعلی که بخون دل ابروی کار اورد بطرف انمعدن
همت و مخاروان حاصل بحرین بکهر افشانی یکلحظه کف عطایش وفا نکند و خراج عرین
بزر پاشی یکروزه دست سخایش نرسد و در عهد شجاعتش اکر کویم اطفال شیر
خوار بر سر پهلوان جهان زنند راست و اکر دعوی ان کنم که کودکان لب از شیر ناشسته
پنجه شیر در هم شکنند درست تیر خدنکش اکر از پی تسخیر بالف رواج دشمنان بد
کیش قدم از خوانه بیرون کذارد تمام ان مملکت را بیک نفس بقبضه تصرف در اورد
و اکر بعزم چله نشینی کوشه کمان نشیند چنان چله بر ظالمان بدانداش نشاند که
همواره از سهم ان مو بر بدن نشان تیر کشد افتاب تیغش بر سر کهر پرتو افکند که شب
ظلمانی عمرش در دم سیری نشد و همای تیرش بطرف که کذر کرد کرمرغ روحش در
قفس پرواز نکرد با تیغ ابدار بطرف هر که روی اورد اکر همه رستم دستان باشد
دست از جان بشوید و با سنان جان ستان بجانب هر که حمله کند اکر صد جوشن
خفتان پوشد باید که دعا بکوید **بیت** زبیم شش پرش خصم بداختر
کند چون خار پشت از سینه مغفر بمیدانش کند کر رستم اهنک نیابد
فرصت پریدن رنک تن اهن قبایان روز بیکار ز شمشیرش دو پیکر هم چو
پرکار قره باصره سلطنت و جهانبانی غره ناصیه عظمت و کشور ستانی غزل
بند چمن سعادت اقبال نهال برومند کلشن دولت و اجلال دیباچه دفتر وجود

سرلوح صحیفه جود نسیم گلستان عدل و انصاف شعله نیستان جود و اعتساف مؤسس قوانین نصفت و معدلت مؤکد قواعد رافت و مرحمت خلف اصدق خاندان خلافت درة التاج دودمان ولایت باده نوش بزم تقربات ربانی صدر نشین محفل عنایات یزدانی سلطان شاه صفی ثانی لازال محفوفا بالنصر و التایید السبحانی کردد و چون در شریعت غرای بزرگی و حشمت و ملت بیضاء سروری و رفعت قبول هدایا لازم و متحتم و ملاحظه قابلیت و شایستگی ان نکومید و ناشایست یقین این کمترین هدیه مقبول نظر و انکور الاشکوه کردیده بنوازش گوشه چشم التفاتی کله گوشه افتخار را اطلس چرخ اعتبار خواهد یافت و اکنون هنگام شروع است در ترجمه کتاب و الله ولی التوفیق فی کل باب

ترجمه هذا دعاء مفتاح الفلاح

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس مر خدای را که دلالت کرد ما را بر جاده بجاده نجات و هدایت فرمود ما را بسوی انچه واجب میکرداند بلند درجات را و درود برو بر اشراف فرید کان و افضل اهل زمین و اسمانها محمد و ال او انانکه بدوستی ایشان میشود نمازها و ببرکتهای ایشان مستجاب میکردد دعاها **و بعد** پس بدرستیکه کمترین بندکان از روی عمل و بیشترین ایشان از روی لغزشها محمد مشتهر ببهاء الدین توفیق دهد خدا او را برای عمل در روز او جهت فردای او پیش ازانکه بیرون رود امر از دست او میکوید که بتحقیق که التماس کردند از من جمعی از برادران دین و دوستان یقین تالیف مختصری که مشتمل باشد بر انچه ناچار است مر اهل دیانت را از بیان ان در هر روز و شب از واجب عبادات و مندوبات انها و پسندیده اداب و مرغوب انها اقتصار کننده در اعمال سنتی بر انچه قلیل المؤنه و کثیر المعونه باشد پس اجابت کردم مسئول ایشان و نامیدم انرا مفتاح الفلاح و بجا اوردم بتوفیق الله تعالی مامول ایشان را سؤال کننده از خدای سبحانه انکه نفع بخشد بان طالبان را

بکردانند انرا از بهترین ذخیرها از برای روز جزا و ترتیب دادم این را بر شش باب توکل کنند بر الهام کننده صواب در هر باب **باب اول** در بیان انچه کذارده میشود در میانه طلوع صبح صادق تا طلوع افتاب **باب دویم** در انچه کذارده میشود در میانه طلوع افتاب تا پیشین **باب سیم** در انچه کرده میشود در میان پیشین تا غروب **باب چهارم** در انچه کرده میشود در میانه غروب تا وقت خواب **باب پنجم** در انچه کرده میشود در میانه وقت خواب تا نصف شب **باب ششم** در انچه کرده میشود در میانه نصف شب تا طلوع صبح **باب اول** در انچه کرده میشود در میانه طلوع صبح تا طلوع افتاب و این مشتمل است و چند فصل **مقدمه** روایات بسیار از اصحاب عصمت صلوات الله علیهم در فضیلت این وقت نقل شده و انرا ساعت غفلت میکویند[۲] و سزاوار انست که ادمی در این وقت بیدار باشد چه خواب این وقت شومست روایت کرده رئیس محدثین محمد بن بابویه در کتاب من لا یحضره الفقیه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام بدرستیکه خواب صبح شوم است منع میکند روزی را و زرد میکند رنگ را و تغییر میدهد انرا و این خواب هر شومیست بدرستیکه خدای تبارک و تعالی قسمت میفرماید روزیها را در میان طلوع صبح تا طلوع افتاب پس حذر کنید شما از خواب در اینوقت و روایت کرده است نیز در کتاب مذکور از امام ابی الحسن الرضا ع در تفسیر قول خدای تعالی فالمقسمات امرا که انحضرت فرمود که ملائکه قسمت میکنند روزیهای بنی ادم را در میانه طلوع صبح تا طلوع افتاب پس هر که بخوابد در میانه این دو وقت میخوابد از روزی خود و روایت شده است که نماز صبح نوشته میشود در عملهای شب و عملهای روز هر دو و روایت کرده است ثقة الاسلام محمد بن یعقوب کلینی در کتاب کافی از حضرت صادق علیه السلام در تفسیر ایه شریفه ان قران الفجر کان مشهودا که انحضرت فرمود یعنی نماز صبح میشنوند انرا ملائکه روز و ملائکه شب و ملائکه روز در این مقام اشکالی هست و ان

[۲] چنانکه میانه غروب افتاب و برطرف شدن شفق را نیز ساعت غفلت میگویند

انست که روایت کرده اند جماعتی از علماء ما از حضرت صادق علیه السلام که انحضرت فرموده که مردی از نصاری پرسید از پدر من حضرت باقر علیه السلام از ساعتی که نیست از ساعات شب و نه از ساعات روز پس انحضرت فرمود که این ساعتی است که میانه طلوع صبح است تا طلوع افتاب و پوشیده نیست که این منافات دارد با انچه نقل کرده اند اصحاب ما بر ان اجماع کرده اند که نماز صبح از نماز روز است و اینکه مخالفت نکرده است درین مگر سلیمان بن مهران اعمش که ان نماز صبح را از نماز شب شمرده و استدلال کرده بقول پیغمبر صلی الله علیه واله که نماز روز عجماست یعنی اهسته گذارده میشود و استدلال کرده اند نیز از جانب اعمش بانچه روایت کرده رئیس محدثین در کتاب فقیه از حضرت ابی جعفر علیه السلام که انحضرت فرمود که پیغمبر صلی الله علیه واله نماز نمیکرد در روز هیچ نمازی تا اینکه زوال افتاب میشد و ممکنست خلاصی از این اشکال باینکه روایت وارد شده است بانکه ان شخصیکه از حضرت باقر سؤال کرده کشیشی بوده از علماء نصاری و سؤال کرده از انحضرت مسئله چند که معروف نبوده مگر میان اکابر علمای ایشان و این مسئله از جمله انها بوده پس شاید که امام علیه السلام جواب فرموده باشد او را از انچه موافق عرف و اعتقاد او باشد و این منافات ندارد با اینکه روز در شرع ما حقیقت باشد در انچه میانه طلوع صبح باشد تا غروب افتاب و امّا انچه استدلال کرده است بان اعمش از قول پیغمبر صلی الله علیه واله که نماز روز عجماست پس جواب گفته اند از ان علمای ما قدس الله ارواحهم باینکه ان از باب غالب کردانیدن اکثر است بر اقل و اینکه انحضرت کردانیده است نماز صبح را از نماز شب جهة مبالغه در تغلیس یان پس بتحقیق که روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه تغلیس میفرمود بنماز صبح حتی اینکه هرگاه فارغ میشد از ان بر میگشتند زنان و ایشان شناخته نمیشدند بسبب تاریکی و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه که یحیی بن اکثم سؤال کرد از حضرت ابو الحسن اوّل علیه السلام از نماز صبح که چرا بلند میکنند در ان قرائت را

وحال

وحال انکه ان از نماز روز است پس انحضرت علیه السلام فرمود که جهة انکه پیغمبر صلی الله علیه واله تغلیس میفرمودند بان پس نزدیک میکردند انرا بشب و بانچه ذکر کردیم ظاهر میشود جواب از انچه استدلال کرده اند بان از جانب اعمش بانکه ظاهر انست که مراد امام علیه السلام نفی نماز سنتی است جهة رد بر سنیان که نماز چاشت را سنت میدانند تبصره که قصوری نیست در تحقیق صبح اوّل و دویم بنقل کلامی در اینمقام که ذکر کرده آنرا علامه جمال الملّة والحق والدّین در کتاب منتهی المطلب و ان این است بدانکه روشنی روز از روشنی افتابست و روشن نمیشود بافتاب چیزی مگر که تیره باشد فی نفسه و کثیف باشد فی ذاته مانند زمین و ماه و اجزای زمین خواه متصل باشد بزمین و خواه جدا باشد از ان و هرچه روشن میشود بسبب افتاب پس می افتد سایه از ان بطرف دیگران و بتحقیق که تقدیر کرده است خدای تعالی بحکمت لطیف خود گردیدن افتاب را دور زمین پس هرگاه افتاب زیر زمین باشد می افتد سایه زمین بالای زمین بر شکل مخروطی و احاطه میکند هوائی که روشن شده بروشنی افتاب همه اطراف این مخروط پس روشن میشود اطراف این سایه مخروطی بروشنی ان هوای روشن لیکن روشنی هوا چون ضعیفست بسبب انکه بالذّات نیست و از دیگر کسب شده نفوذ نمیکند بسیار در اجزای ان مخروط بلکه هرچند دور میشود ان روشنی زیاده میشود ضعف ان پس هرگاه بوده باشیم ما در وسط آن مخروط خواهیم بود در تاریکی سخت پس چون نزدیک شود آفتاب بافق شرقی میل میکند ان مخروط سایه از بالای و بطرف مغرب می افتد و نزدیک میشود ببصر ان اجزای که در اطراف سایه روشن شده بودند بروشنی هوای که از افتاب روشن شده بود و در اینوقت اندک قوتی میگیرد روشنی ان اجزا پس ادراک میکند انرا بصر نزدیک صبح و همچنین هرچند زیاده میشود نزدیکی افتاب بافق زیاده میشود نزدیکی روشنی اطراف سایه ببصر تا وقتی که طلوع میکند افتاب و اول مرتبه که ظاهر میشود روشنی نزدیک صبح باریک و بلنداست مانند ستون و از صبح کاذب

میکویند وشبیه است بدم کرك بسبب تاریکی وبلندی که دارد وصبح اوّل نیز میکویند باعتبار انکه قبل از صبح دویمست که مذکور خواهد شد وانرا کاذب جهت ان میکویند که افق درانوقت تاریکست وبالاتر ازان روشن شده پس اکر ان راست میکفت که روشنی افتابست بایستی که انچه نزدیك باشد بافتاب که ان افق است روشن باشد نه انچه دور است ازان که بالای افق باشد واین روشنی صبح کاذب ضعیف و باریکست ودرانوقت باقیست روی زمین بر تاریکی خود که بسبب سایهٔ خود دارد بعد ازان زیاده میشود ان روشنی تا انیکه میرود بطرف طول وعرض وپهن میشود درعرض افق بشکل نصف دایره واین صبح دویمست واین را صادق میکویند باعتبار اینکه راست خبر داده است ترا از صبح وظاهر کرده است صبح را از برای تو اینست کلام علامه بلند کرداند خدا تعالی مقام اورا وبدانکه تعلق نکرفته است بطلوع صبح اوّل مکر قلیلی از عبادات مثل دخول وقت فضیلت نماز وتر چه افضل اوقات ان میان صبح اوّل ودویمست چنانکه روایت کرده شیخ طایفه شیخ ابو جعفر طوسی رحمه الله درکتاب تهذیب بسند صحیح از اسمعیل بن سعد اشعری که کفت سؤال کردم از حضرت ابو الحسن رضا علیه السّلام از ساعتهای وتر پس انحضرت علیه السّلام فرمود که دوستترین انها بسوی من صبح اوّلست وروایت شده است که مردی سؤال کرد از حضرت امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام از وتر اوّل شب پس انحضرت جواب نفرمود پس چون میانهٔ صبح اوّل ودویم بیرون امد انحضرت علیه السّلام بسوی مسجد وسه مرتبه ندا فرمود که چه شد انکسی که سؤال کرد از وتر خوب ساعتیست از برای وتر این ساعت بعد ازان برخاست انحضرت ووتر کزارد وامّا صبح دویم پس عبادات متعلق بان بسیار است پس هرکاه بتحقیق کردی طلوع انرا بخوان دعا را

یَا فَالِقَهُ مِنْ حَیْثُ لَا اَرٰی وَمُخْرِجَهُ مِنْ حَیْثُ اَرٰی صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
ای شق کنندهٔ صبح از هر جائی که نمی بینم وبیرون اورندهٔ او از هر جائی که می بینم رحمت فرست بر محمد

وَاٰلِهٖ وَاجْعَلْ اَوَّلَ یَوْمِنَا هٰذَا صَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ فَلَاحًا وَاٰخِرَهُ
وال او وبکردان اول روز ما که اینست صلاحی ومیان انرا نجاتی واخر انرا
نَجَاحًا وبخوان بر انچه روایت کرده است انرا رئیس اخر از فیروزی محدّثین در فقیه از حضرت صادق علیه السّلام که انحضرت فرمود که نوح علیه السّلام هر صبح وشام این دعا میخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُشْهِدُكَ اَنَّهُ مَا اَصْبَحَ
خداوندا بدرستیکه من کواه میکیرم ترا که هرچه داخل شده است
بِیْ مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِیَةٍ فِیْ دِیْنٍ اَوْ دُنْیَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِیْكَ
با من از نعمتی وعافیتی دردین یا دنیا پس از جانب تست درحالیکه یکانه ایست
لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ بِهَا عَلَیَّ حَتّٰی تَرْضٰی وَبَعْدَ الرِّضَا
از برای تو از برای تست سپاس واز برای تست شکر بسبب انها برمن تا انکه راضی شوی وبعد از رضا
ومیخواند این را در صبح ده مرتبه ودر شام وبعد از رضا ده مرتبه پس بسبب این نامیده شده بعبد شکور یعنی بندهٔ بسیار شکر کننده وبخوان نیز انچه روایت کرده است انرا ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت ابی عبد الله علیه السّلام که بدرستی که امیر المؤمنین علیه السّلام میخواند در صبح سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوْسِ سه مرتبه این میکفتند وبعد ازان میکفتند تسبیح میکنم تسبیح پادشاه پسیار پاکیزه اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِیْلِ
خداوندا بدرستیکه من پناه می اورم بتو از زایل شدن نعمت تو واز تحویل
عَافِیَتِكَ وَمِنْ فُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا
کردیدن عافیت تو واز ناکاه رسیدن عقاب تو واز دریافتن بدبختی واز شر انچه
سَبَقَ فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَ
کذشته است در شب وروز خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بغلبه پادشاهی تو و
بِشِدَّةِ قُوَّتِكَ وَبِعِظَمِ سُلْطَانِكَ وَبِقُدْرَتِكَ عَلٰی خَلْقِكَ اَنْ
وشدت قوه تو وبزرکی سلطنت تو وبتوانائی بر خلق تو اینکه

تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي كَذا وَكَذا واز دعاهاي كه
رحمت فرستی بر محمد وال محمد وانیکه بکنی با من چنان وچنان خوانده میشود
نزد طلوع صبح دعائیست که روایت کرده است ازثقة الاسلام در کافی بسند صحیحی ازحضرت باقر علیه السلام که انحضرت فرمود که
کذشت رسول خدا صلی الله علیه واله بمردی که میکاشت درخت در باغ
که از برای او بود پس انحضرت در انجا توقف فرمود وفرمود که ایا راه نمایم
ترا بر درختی که ثابت تر باشد بیخ ان و زود تر باشد هنکام چیدن میوهٔ
ان ونیکو تر باشد میوهٔ ان وباقی تر باشد کفت ان مرد بلی راه بنما مرا ای
رسول خدا پس فرمود انحضرت صلی الله علیه واله که هرکاه صبح شوی و
داخل شام شوی پس بکو سُبْحانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ
اللّٰهُ اَكْبَرُ پس بدرستیکه
تسبیح میکنم تسبیح خدا وسپاس مر خدا راست ونیست خدائی مگر خدا وخدا بزرکتر است
از برای تست اکر بکوئی این را بعوض هر تسبیحی ده درخت در
بهشت از انواع میوه واینها از جملهٔ باقیات صالحاتند حضرت باقر علیه السلام
فرمود که پس کفت ان مرد پس بدرستیکه من کواه میکیرم ترا ای رسول خدا که این
باغ صدقه است قبض کرده شده برای فقرای مسلمانان که اهل صدقه باشند
پس خدای تعالی فرستاد این ایه را از قران فَاَمّا مَنْ اَعْطىٰ وَاتَّقىٰ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنىٰ
فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرىٰ وروایت کرده سید جلیل جمال عارفین رضی الدین علی بن
طاوس قدس الله روحه از حضرت باقر علیه السلام که انحضرت فرمود که هرکه
صبح کند و براو انکشتری باشد که نکین او عقیق باشد واو در دست راست انکشت
کرده باشد پس صبح کند پیش از انکه ببیند کسی را پس بکرداند نکین او را بطرف
باطن کف وبخواند سورهٔ انّا انزلناه فی لیلة القدر تا آخر وبعد از ان بکوید
اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ
ایمان اورده ام بخدا درحالتیکه تنهاست نیست شریکی از برای او وکفر اورده ام بجبت وطاغوت

وَاٰمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلانِيَتِهِمْ وَظاهِرِهِمْ وَباطِنِهِمْ وَاَوَّلِهِمْ وَآخِرِهِمْ
وایمان اوردم بپنهان ال محمد واشکار ایشان وظاهر ایشان وباطن ایشان واول ایشان واخر ایشان
نکهدارد او را خدای تعالی در ان روز از شر انچه فرود اید از اسمان وانچه بالا میرود
در ان وانچه فرو میرود در زمین وانچه بیرون می اید از ان وبوده باشد در پناه
خدای تعالی وسایهٔ او تا انکه داخل شام شود واز انچه خوانده میشود در صبح
دعائیست که روایت شده از حضرت علیه السلام اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْعَلِيَّ
الْاَعْلَى الْجَليلَ الْعَظيمَ ديني وَنَفْسي وَاَهْلي
طلب نکاهداری میکنم از خدای بزرک بلند مرتبه بزرکوار بزرک دین مرا ونفس مرا واهل مرا
وَمالي وَوُلْدي وَاِخْواني الْمُؤْمِنينَ وَجَميعَ ما رَزَقَني رَبّي وَجَميعَ
ومال مرا وفرزندان مرا وبرادران مؤمن مرا وهمه انچه را که روزی مرکرده پروردکار من وهمه انچه
مَنْ يَعْنيني اَمْرُهُ اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْمَخُوفَ الْمَرْغُوبَ الْمَرْهُوبَ الْمُتَضَعْضِعَ
اهتمام دارم امر انرا طلب نکاهداری میکنم از خدای که ترس داشته شده ورغبت داشته شده وبیم داشته شده فروتنی کننده
لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ ديني وَنَفْسي وَاَهْلي وَمالي وَوُلْدي وَاِخْواني
از برای بزرکی او هرچیزی دین مرا ونفس مرا واهل مرا ومال مرا وفرزندان مرا وبرادران
الْمُؤْمِنينَ وَجَميعَ ما رَزَقَني رَبّي وَجَميعَ مَنْ يَعْنيني اَمْرُهُ
مؤمن مرا وهمه انچه را که روزی مرکرده پروردکار من وهمه انچه را که اهتمام دارم امر ان
میخواند این سه مرتبه **فصل** پس اکر نزد طلوع صبح با وضو نباشی پس بشتاب
بسوی وضو تا اینکه در وقت اذان صبح با طهارت باشی وما اینه ذکر میکنیم
ما در اینجا کیفیت وضوی کامل پس میکوئیم که هرکاه ارادهٔ وضو داشته باشی
ابتدا کن پیش از ان بمسواك وباید که مالیده شود مسواك برعرض دندانها نه
برطول انها ومجزیست انکشت بعوض مسواك روایت کرده شیخ طایفه در تهذیب
از حضرت صادق علیه السلام که پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود کسی که مسواك
بکند بانکشت شست وانکشت شهادت مسواك کردنست وسنت است رو

کردن بقبله در حال وضو واکثر علمای ما قدس الله ارواحهم ذکر نکرده اند
این را و بعضی ذکر کرده اند این را و مستند ساخته اند بانچه روایت شده است
از ائمه ما علیهم السلم که بهترین مجالس مجلسی است که بوده باشد رو بان
بجانب قبله پس اگر وضو میسازی از ظرفی که ممکن است بکف اب برداشتن
از ان بگذار انرا بجانب راست خود اگر وضو میسازی از نهری یا حوضی مثلاً پس
سزاوار انست که بنشینی که بوده باشد بجانب راست تو و اگر معارضه کند
گردانیدن ان بجانب راست و رو کردن بقبله پس ظاهر انستکه رو کردن بقبله
باید ترجیح داد بگو وقت نگاه کردن باب اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ
طَهُوْرًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ نَجِسًا سپاس مر خدایرا که گردانیده است آب را
پاک کننده و نگردانیده او را نجس بعد از ان بشوهر دو دست را تا بند سر دست پیش از انکه
داخل ظرف کنی یکمرتبه اگر وضوی تو از حدث خواب باشد یا از حدث بول و دو مرتبه
اگر از حدث غایط باشد و سنّت نیست شستن دستها از غیر این سه حدث
و اگر وضوی تو از حوض یا ابریق بوده باشد پس اکثر برانند که شستن دستها
در کار نیست و بعضی میل باین کرده اند که سنّت است و این قصوری ندارد
بعد از ان بگذار دست راست را در آب و بسم الله بگو چنانکه روایت کرده
شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت باقر علیه السلام که انحضرت
فرمود که هرگاه بگذاری دست خود را در اب بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ
اجْعَلْنِیْ مِنَ التَّوَّابِیْنَ وَاجْعَلْنِیْ مِنَ الْمُتَطَهِّرِیْنَ بنام خدای یاری خواهم بخدا خداوندا
بگردان مرا از توبه کنندگان و بگردان مرا از پاکیزه گان بعد از ان سه بار
مضمضه کند بسه کف اب بعد از ان استنشاق بکن بر همان نحو و بگو در عقب
هر یک از اینها انچه نقل خواهم کرد در فصل بعد از این بعد از ان بردار بدست
راست یک کف اب و نیّت بکن بجا آوردن وضوی واجب جهت فرمانبردن
امر خدای تعالی و امّا افعال سنّتی ان پس داخل در این نیّت میشود هرگاه

قصد کنی بجا اوردن افضل در وفرد واجب را و اگر قصد کنی هر یک از واجبها و
سنتها را علیحده نزد بجا اوردن ان هر اینه بهتر خواهد بود و مقارن دار
نیّت با شستن بالای روی خود و همیشه باش در حکم ان نیّت تا فارغ شوی
بگو نزد شروع در شستن رو بِسْمِ اللهِ چنانکه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی
از حضرت باقر علیه السلام و ظاهر انست که تسمیهٔ اوّل وضو که سابقا مذکور
شد غنی نمیسازد از این چه این تسمیه نزد شروع در واجبست و ان از برای
سنّت بود و تجویز کرده اند علما مقارن ساختن نیّت را با شستن دستها که
در اوّل وضو مذکور شد هرگاه جمع شده باشد شرایط ان و با مضمضه و
استنشاق نیز و چنین گفته اند که اینها از جملهٔ افعال وضوی کامل اند و ابن
طاوس رحمه الله توقف کرده است در جواز مقارن ساختن نیّت با غیر
شستن رو و احتیاط با اوست پس هرگاه بریزی اب بر روی سزاوار انست که
بکشی دست خود را بران جهت اقتدا بانچه نقل کرده اند از اصحاب عصمت سلام
الله علیهم نزد حکایت ایشان وضوی بیانی را و جهت بیرون امدن از خلاف
بعضی علمای ما که واجب میدانند انرا و واجب نیست بر تو که مقدم داری
هر جزو از اجزای رو را بر انچه پائین تر باشد بلکه همین که در اوّل ابتدا کردی
بشستن بالای رو کافیست و حدّ رو در طول و عرض انقدر یست که بگردد
بران انگشت بزرگ و انگشت میان چنانکه ناطق است بان حدیث صحیح ز
راره از حضرت باقر علیه السلم و ما بسط داده ایم کلام را در این مقام در شرح
حدیث چهارم از کتاب اربعین و واجبست تخلیل موی که دیده شود پوست رو
از زیران در مجلس گفتگو بر نحوی که برسد اب بران بروشی که شسته شود
امّا انچه دیده نمیشود پوست رو از زیران پس در کار نیست تخلیل ان بلکه
واجب نیست بر تو مگر شستن انچه مواجهه میکنی بان از رو و باز کن
چشمهای خود را در وقت وضو پس بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین

در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه واله که فرمود بازکنید چشمهای خود را نزد وضو شاید که نبینند آتش جهنّم را واکثر علمای ما ذکر نکرده اند این را در سنّتهای وضو وگاه باشد که گمان شود که سبب واگذاشتن ایشان این را اینست که نقل کرده است شیخ اجماع علما را براینکه سنّت نیست رساندن اب وضو باندرون چشمها وشیخ ما شیخ شهید رحمه الله در ذکری که گفته که منافات نیست میانهٔ این دو امر زیرا که چشم بازکردن لازم ندارد رساندن اب را باندرون چشمها واینسخن خوبست ودور نیست که مرتّب شود ثواب بر دیگر انچه بجا می آورد از او وضو سازنده از افعال وضو تتمّه پس هرگاه فارغ شوی از شستن رو پس بردار یک کف اب بدست چپ چنانکه ذکر کرده است حضرت باقر علیه السّلم نزد بیان وضوی پیغمبر صلی الله علیه واله وبشوی بان دست راست را در حالتی که ابتدا کنی از مرفق وبکشی دست را بر ان تا سرهای انگشتان چنانکه گذشت در رو لیکن واجبست در اینجا تخلیل مو هرچند پوشیده باشد زیر خود را وابتدا بکن تو بشستن ظاهر زراع وان ابتدا بکند بباطن ان بعد از ان بردار یک کف دیگر بدست راست وبشوی چپ را مثل دست راست وباید که بوده باشد شستن هر یک از رو ودستها یکمرتبه نه بیشتر چنانکه مختار ثقة الاسلام است در کافی ورئیس محدّثین در فقیه وما بسط داده ایم کلام را در این باب در کتاب مشرق الشمسین ودر کتاب حبل المتین بعد از ان مسح کن پوست پیش سر خود را یا موی ان را که در نرود بسبب کشیدن از حدّ پیش سر بمقدار سر انگشت مضموم بتری دست وبقیّهٔ ان تری مسح کن پشت پای راست خود را از سر انگشتان تا کعب یعنی مفصل ساق وقدم وجزئی نیست مسح تا پائین تر از ان بتحقیق که ما بیان کردیم این را در این دو کتاب مذکور با چیز زیاده بران نباشد وبعد از ان مسح کن پشت پای چپ خود را بتری دست چپ وباید که

مسح

مسح سر و پاها بکف دست باشد نه بپشت ان مگر جهت ضرورتی وناچار از کشیدن کف بر محل مسح پس کافی نیست گذاشتن کف بران بی کشیدن ان وسزاوار انستکه مسح کنی پاها را بتمام کف چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیحی از احمد بن ابی نصر بزنطی که گفت سؤال کردم از حضرت ابو الحسن رضا علیه السّلم از مسح بر پاها چگونه است ان پس گذاشتند کف مبارک بر سر انگشتان بعد از ان مسح کردند تا کعبها پس گفتم من که اگر مردی بکند بدو انگشتان انگشتان خود همچنین تا کعبها انحضرت فرمودند نه مگر بکف تمام ان وباید که بوده باشد افعال وضوی تو پی در پی بیفاصله میان انها ورعایت کرده شود در انها ترتیب مذکور حتی در مسح پاها نیز چنانکه مختار جماعتی از متقدّمین علمای ماست وروایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسندی حسن از حضرت صادق علیه السّلم که فرمودند که مسح بکن بر پاها وابتدا بکن بطرف راست وسزاوار انست که خوانده شود نزد هر فعلی از شستنها ومسحها دعائی که وظیفه انست چنانکه خواهد امد در فصل اینده پس هرگاه فارغ شوی از وضو بکو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ روایت کرده است این را در تهذیب سپاس مر خدایرا که پروردگار عالمیان است بسند صحیح بعد از ان بکو

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ التَّوَّابِینَ وَاجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَطَهِّرِینَ اَللّٰهُمَّ

خداوندا بگردان مرا از توبه کنندگان وبگردان مرا از پاکیزه گان خداوندا

اِنِّی اَسْئَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ وَتَمَامَ الصَّلٰوةِ وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ وَالْجَنَّةَ

بدرستیکه من سؤال میکنم ترا تمام بودن وضو وتمام بودن نماز وتمام بودن رحمت تو وبهشت

وبدانکه اکثر فعلها وجمیع ذکرها که مذکور شد سنّتست وافعال واجبی همین ده چیز است نیّت در حالی که حکم ان باقی باشد تا اخر وضو وسه شستن وسه مسح سر لیکن بشرط انکه متّصل باشد مسحهای اخر از سر پاها

تاکعبها و ترتیب پی در پی بودن و مباشرت این افعال را بنفس خود
مکر بسبب ضرورتی و سزاوارست که ترک تمندل کند از وضو پس روایت
کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام که فرمودند
هر که وضو سازد و تمندل کند خواهد بود از برای او یک حسنه و اگر وضو
بسازد و تمندل نکند تا آنکه خشک شود آب وضوی او خواهد بود از
برای او سی حسنه و ظاهر آنست که عمداً خشک کردن بآفتاب یا باتش مثلاً حکم
تمندل دارد و قصوری ندارد وضو ساختن در مسجد از غیر حدث بول و غایط
امّا ازین دو حدث مکروهست چنانکه روایت کرده است از ثقة الاسلام
در کافی بسندی صحیح فصـــل روایت کرده است ثقة الاسلام در
کافی و رئیس محدثین در فقیه و شیخ طایفه در تهذیب از عبد الرحمن بن کثیر
هاشمی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که فرمودند در اثنای آنکه حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام یکروزی نشسته بودند با پسر خود محمّد بن حنفیّه
رضی الله عنه ناگاه فرمودند با وای محمّد بیار از برای من ظرفی از آب که وضو
بسازم از برای نماز پس آورد محمّد برای آنحضرت پس آنحضرت بدست راست
بر دست چپ ریخت پس فرمود بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ
طَهُورًا وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجِسًا
بنام خدا و سپاس مر خدا را که گردانیده است آب را
پاک و نگردانیده است او را نجس
حضرت ابو عبد الله علیه السلام فرمودند که
بعد از آن آنحضرت استنجا کردند و فرمودند اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَ
اَعِفَّهُ وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ
خداوندا بازدار فرج مرا
از حرام و عفیف گردان او را و پوشان عورت مرا و حرام گردان مرا از آتش
و بعد از آن مضمضه کردند
و فرمودند اَللّٰهُمَّ لَقِّنِّي حُجَّتِي يَوْمَ اَلْقَاكَ وَاَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ
خداوندا تعلیم کن حجت مرا روزی که ملاقات کنم ترا و روان گردان زبان مرا بذکر خود
بعد از آن
استنشاق کردند و فرمودند اَللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ
خداوندا حرام مگردان بر من بوی بهشت را و

اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشَمُّ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَطِيبَهَا بعد از آن شستند روی
بگردان مرا از آنکه ببویم بوی او را و نسیم خوش او را و طیب او را
مبارک خود را و فرمودند اَللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ
خداوندا سفید گردان روی مرا روزی که سیاه میشود در او
الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ فِيهِ الْوُجُوهُ بعد از آن
روها و سیاه مگردان روی مرا روزی که سفید میشود در او روها
شستند دست راست خود را و فرمودند اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي كِتَابِي
بِيَمِينِي وَالْخُلْدَ فِي الْجِنَانِ بِيَسَارِي
خداوندا بده کتاب مرا
بدست راست من و همیشه بودن در بهشت بدست چپ من
وَحَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا
بعد از آن شستند دست چپ خود را و فرمودند
و حساب کن مرا حساب آسان
اَللّٰهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً
خداوندا مده کتاب مرا بدست چپ من و مگردان او را غل کرده شده
اِلَى عُنُقِي وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النِّيرَانِ بعد از آن مسح کردند
در گردن من و پناه میبرم بتو از جامهای بریده شده آتشها
سر مبارک خود را و فرمودند اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي رَحْمَتَكَ وَبَرَكَاتِكَ
بعد از آن مسح کردند پاهای
خداوندا بپوشان مرا رحمت خود و برکتهای خود
خود را و فرمودند اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ
فِيهِ الْاَقْدَامُ وَاجْعَلْ
خداوندا ثابت گردان مرا بر صراط روزی که میلغزد
در او قدمها و بگردان
سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْاِكْرَامِ بعد از آن بالا
سعی مرا در آنچه راضی گرداند ترا از من ای صاحب بزرگی
و گرامی داشتن کردند سر مبارک را ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن خود را
و نگاه کردند بمحمّد و فرمودند ای محمّد هر که وضو بسازد مثل این وضوی من
و بگوید مثل این گفته من خلق کند خدای تعالی از برای او از هر قطره فرشته

کہ تقدیس کند او را و تسبیح کند و تکبیر کند او را پس مینویسد خدای تعالی از برای او ثواب نزا تا روز قیامت و بدانکہ اندک اختلافی ہست درمیان نسخہا کافی و فقیہ و تہذیب در بعضی الفاظ این دعاها و آنچہ من نقل کرده ام درین کتاب روشیست کہ شیخ رحمه الله در تہذیب نقل کرده و نسخۂ تہذیب کہ نزد منست نسخۂ معتمدیست بخط پدرم طاب ثراه و خوانده است نزد جناب شیخ شہید ثانی قدس الله روحه و در اخر آن ہست اجازه بخط او نور الله مرقده **فصل** پس ہرگاه فارغ شوی از وضو متوجه شو بجانب مسجد روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام کہ ہر کہ برود بسوی مسجد نمیگذارد پای را بر ہیچ تری و نہ خشکی مگر اینکہ تسبیح کند از برای او زمین تا زمین ہفتم و سزاوار انست کہ بخوانی نزد بیرون آمدن از خانۂ خود این دعا را بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَ

الَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ رَبِّ هَبْ لِي

حُكْماً وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

حکمی و ملحق گردان مرا بصالحان و بگردان از برای من زبان راستی در آیندگان

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ وَاغْفِرْ لِأَبِي پس بتحقیق کہ

و بگردان مرا از آنانکه میراث می برند بهشت نعمت را و بیامرز پدر مرا روایت کرده است

جمال سالکین در کتاب عدة الداعی از پیغمبر صلی الله علیه و آله کہ ہر کہ وضو کند پس بیرون رود بسوی مسجد و بگوید در وقتی کہ بیرون رود از خانۂ خود بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ راه نماید او را خدای تعالی بصواب و ایمان و ہرگاه بگوید وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ اطعام کند

خدای تعالی او را از طعام بهشت و بیاشاماند او را از شراب بهشت و ہرگاه بگوید وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ بگرداند خدای تعالی آنرا کفاره گناهان او و ہرگاه بگوید وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ بمیراند خدای تعالی او را مردن شهیدان و زنده گرداند او را زنده شدن نیکبختان و ہرگاه بگوید أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ بیامرزد او را خدای تعالی از برای او خطاهای او را تمام و ہرچند بیشتر باشد از کف دریا و ہرگاه بگوید رَبِّ هَبْ لِي حُكْماً وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ببخشد خدای تعالی مر او را علم و علم و ملحق گرداند بصالحان ہر کہ پیش از او بوده باشد و صالح ہر کہ بعد از او بوده باشد و ہرگاه بگوید وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ بنویسد خدای تعالی از برای او در ورق سفیدی اینکہ فلان بن فلان از جمله راستگویانست و ہرگاه بگوید وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ عطا کند خدای تعالی او را منزلها در بهشت نعیم و ہرگاه بگوید وَاغْفِرْ لِأَبِي بیامرزد خدای تعالی پدر و مادر او را و ہرگاه خواهی کہ داخل مسجد شوی پس ملاحظه کن نعلین خود را و پیش

گذار پای راست را و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمِنَ اللّٰهِ وَإِلَى اللّٰهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ

بنام خدا و بخدا و از خدا و بسوی خدا و بهترین نامها

كُلِّهَا لِلّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ اللّٰهُمَّ

تمام آنها برای خداست توکل کردم بر خدا کہ نیست حرکتی و نہ قوتی مگر بخدا خداوندا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَتَوْبَتِكَ وَأَغْلِقْ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگشای برای من درهای رحمت خود و توبه خود و ببند

عَنِّي أَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ زُوَّارِكَ وَعُمَّارِ مَسَاجِدِكَ

از من درهای نافرمانی تو و بگردان مرا از زیارت کنندگان تو و عمارت کنندگان مسجدهای تو

وَمِمَّنْ يُنَاجِيكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ

و از آنکه راز گوید با تو در شب و روز و از آن جمعی کہ ایشان در نماز خود

خَاشِعُونَ وَادْحَرْ عَنِّي

زاری کننده اند و دور کن از من

الشَّیطانَ الرَّجیمِ وَجُنُودَ اِبْلیسَ اَجْمَعینَ پس هرکاه خواهی بکنی

شیطان رانده شده را و لشکرهای شیطان را تمام

نعلین خود را پس بکن از پای چپ پیش از راست بعکس پوشیدن واکر بوده باشد نعلین تو عربی وممکن باشد کراورا نکنی پس مکن انها را چه در نماز در انها سنت است اما بشرط انکه پاك باشند وبتحقیق که روایت کرد شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیحی از معوّیة بن عمّار که کفت دیدم حضرت ابا عبد الله علیه السّلم که نماز میکرد در نعلین خود زیاده از یکبار وندیدم انحضرت که بکند انها را هرکز و روایت کرده است عبد الرّحمن بن ابی عبد الله از حضرت ابی عبد الله علیه السّلم که فرمود هرکاه نماز کنی پس نماز کن در نعلین خود هرکاه بوده باشد پاك پس بدرستیکه میکویند که این سنّت است وقول انحضرت پس بدرستیکه میکویند تا اخر ظاهر امراد انست که هرکاه نماز کردی تو در نعلین خود معلوم میشود شیعه را که نماز در انها از سنّت است وقایل میشوند باین چه راوی از جملهٔ اعیان اصحاب حضرت صادق علیه السّلم است که اعتماد بوده بر اقوال بوده وافعال ایشان بعد از ان اذان بکو پس بدرستیکه اذان نماز صبح از متینها است حتّی اینکه سیّد مرتضی قایل شده است بوجوب ان بر مردان وموافقت کرده است با او ابن ابی عقیل وزیاد کرده بر اینکه قایل شده ببطلان نماز صبح بسبب ترك اذان وصورت اذان اینست اللهُ اَکْبَرُ چهار مرتبه وهریك از شهادتین وحیّ علی الصّلوة و حیّ علی الفلاح وحیّ علی خیر العمل والله اکبر ولا اله الّا الله دو مرتبه وباید که ایستاده باشی در حال اذان رو بقبله کنی باواز بلند واز ردیف تا اتی بکوئی وبکذاری دو انکشت خود را در کوشهای خود ووقف کنی بر هریك ازین هیجده فصل والتفات نکنی بطرف راست وچپ وحرف نزنی در اثنای ان وصلوة بفرست بر پیغمبر صلّی الله علیه واله نزد ذکر انحضرت

پس بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدّثین در فقیه بسند صحیحی از حضرت ابی جعفر علیه السّلم که فرمود صلوة بفرست بر پیغمبر صلّی الله علیه واله هرکاه ذکر کنی اورا یا ذکر کند اورا ذکر کننده نزد در اذان وغیر ان و پوشیده نماند که ظاهر این حدیث دلالت میکند بر وجوب صلوة بر ان حضرت بر هر ذکر کننده وشنونده هرکاه ذکر اورا یا بشنود ذکر اورا صلّی الله علیه واله وبعضی از اهل سنّت رفته اند بوجوب صلوة بر انحضرت در تمام عمر یکمرتبه وبعضی در هر مجلسی یکمرتبه وبعضی در هر مرتبه که ذکر شود واین مذهب رئیس محدّثین است قدّس الله روحه واما انچه مذهب ووست از عدم وُجوب صلوة بر پیغمبر صلّی الله علیه واله در تشهّد اوّل در نماز پس مراد انست که جزء نماز نیست وباعتبار ان واجب نیست نه انیکه نام انحضرت مذکور شده نیز واجب نیست پس منافاتی نیست میان این کلامهای او اعلی الله درجته وبتحقیق که موافقت کرده است با او صاحب کنز العرفان در وجوب صلوة که هرکاه ذکر شود انحضرت واین قول صحیح است وبتحقیق که استدلال میکند برین بقول خدایتعالی وَلَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَیْنَکُمْ کَدُعَاءِ بَعْضِکُمْ بَعْضًا یعنی مکردانید خواندن رسول را در میان خود مثل خواندن بعضی از شما بعضی دیکر را والله تعالی یعلم وبانچه روایت شده است از انحضرت صلّی الله علیه واله که فرمود که هر کس که مذکور شده ام من نزد او پس صلوات نفرستاده است بر من پس داخل شده است اتش را پس دور کردانیده است خدایتعالی اورا وبانچه روایت شده است که سؤال کرده شد انحضرت صلّی الله علیه واله از قول خدای تعالی اِنَّ اللهَ وَمَلَائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یَا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِیمًا یعنی بدرستیکه خدای وملائکه او صلوة میفرستند بر پیغمبر ای جماعتی که ایمان اورده اید صلوة بفرستید بر او درود بفرستید درود فرستادنی والله تعالی یعلم

پس انحضرت صلّی الله علیه واله فرمود که این از علم مکنونست واگر نمی
بود اینکه شما سؤال کردید ازان اخبار نمیکردم شمارا بان بدرستیکه موکّل
کرده است خدای تعالی بمن دو فرشته پس ذکر کرده نمیشوم نزد هیچ مسلمانی
که صلوة بفرستند بر من مگر اینکه بگویند مرا وران فرشتگان که بیامرزد خدای
تعالی ترا وبگویند خدای تعالی وفرشتگان او امین وذکر کرده نمیشوم نزد هیچ
مسلمانی که صلوة نفرستند بر من مگر اینکه بگویند مرا وران فرشتگان
نیامرزد خدای تعالی ترا وبگویند خدای تعالی وفرشتگان او امین وپوشیده
نماند که ظاهر قول حضرت باقر علیه السّلم در حدیث اوّل که هرگاه ذکر کنی تو
اورا یا ذکر کند او را ذکر کننده اقتضا میکند وجوب صلوة را خواه مذکور
شود انحضرت صلّی الله علیه واله بنام مبارك یا بلقب یا بکنیت و
ممکنست که مذکور شدن انحضرت صلّی الله علیه واله بضمیریکه راجع
باو باشد نیز چنین باشد واطلاع نیافته ام در کلام علمای ما قدّس الله
ارواحهم درین باب چیزی واحتیاط موجب انست که ما گفتیم که در همه
صورتهای مذکوره صلوة فرستاده شود وبدانکه ظاهر ترانست که قدر واجب
ادا میشود بگفتن اللّهمّ صلّ علی محمّد وال محمّد واما انچه روایت شده است
که چون نازل شد ایهٔ مذکوره گفتند یا رسول الله هذا السّلم علیك قد عرفنا
فکیف الصّلوة علیك یعنی این سلام بر تو بتحقیق که دانسته ایم انرا پس چگونه
است صلوة بر تو پس انحضرت صلّی الله علیه واله فرمود که بگوئید
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِیْمَ
خداوندا رحمت بفرست بر محمّد وال محمّد چنانکه رحمت فرستادی بر ابراهیم وال ابراهیم
وَبَارِكْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِیْمَ اِنَّكَ
و زیاده ده بر محمّد وال محمّد چنانکه زیادتی دادی بر ابراهیم وال ابراهیم بدرستیکه
حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ پس ظاهر انست که مراد بان بیان افضل کیفیات صلوة بران

حضرت

حضرت است نه اینکه خصوص این نحو واجب باشد وسزاوار انست که
هرگاه صلوة بفرستی برین نحو ملاحظه کنی این راکه انحضرت صلّی الله
علیه واله از جملهٔ ال ابرهیم است پس صلوة بر انحضرت صلّی الله علیه
واله فرستاده میشود اوّلاً در ضمن صلوة بر ابرهیم علیه السّلم وغرض از
تشبیه انست که مخصوص شوند پیغمبر ما وال او صلوات الله علیهم بصلوة
دیگر علیحده مثل ان صلوتی که شامل بود ایشانرا وغیر ایشانرا از بقیهٔ ال
ابرهیم علیه السّلم پس بنا براین لازم نمی اید خلاف قاعده که مقرّر شده میان
اهل بلاغت که هرگاه چیزیرا بچیزی تشبیه کند باید که مشبّه به اقوی باشد
از مشبّه وحال انکه پیغمبر ما افضل بود از ابرهیم علیه السّلم پس تشبیه صلوة
بر انحضرت که باید افضل باشد بصلوة بر ابرهیم علیه السّلم منافی از قاعده
مینماید زیرا که بسبب ملاحظه مذکوره منطبق میشوند کلام بران قاعده چه
شکی نیست که صلوتی که شامل همهٔ ال ابرهیم باشد من حیث العموم اقویست
از انچه مخصوص ببعضی باشد پس مشبّه به یعنی بر همهٔ ال که پیغمبر ما صلّی الله
علیه واله وال او علیهم السّلام از جملهٔ ایشانند اقویست از مشبّه یعنی صلوة
بر خصوص پیغمبر ما وال او صلوات الله علیهم پس مخالفت قاعدهٔ مذکور لازم
نیامد وبعضی توجیه کرده اند این تشبیه را باینکه صلوات بر حضرت ابرهیم
علیه السّلام باعتبار اینکه بیشتر واقع شده اقویست ومحض همین کافیست
در تشبیه هرچند مشبّه باعتبار کیفیت اقوی باشد وتوجیه کرده اند نیز
باینکه مشبّه صلوة بر ال تنها است پس جایز است صلوة بر ابرهیم وال او
علیهم السّلم اقوی باشد از صلوة بر ایشان وضعیف شمرده اند توجیه اوّل
بسبب قول انحضرت صلّی الله علیه واله کُنْتُ نَبِیًّا وَاٰدَمُ بَیْنَ الْمَاۤءِ وَالطِّیْنِ
یعنی من پیغمبر بودم وحال انکه ادم هنوز میان اب وگل بود پس چگونه صلوة بر
حضرت ابرهیم علیه السّلم مقدّم باشد بر صلوة بر او صلّی الله علیه واله

وتوجیه دویم را نیز ضعیف شمرده اند باعتبار انکه خلاف متبادر بفهم است
چه ایشان سؤال کردند از کیفیت صلوة بر پیغمبر صلی الله علیه واله پس قول
باینکه غرض تشبیه صلوة بر ال تنها است خلاف ظاهر است واین توجیهات
دیگر کرده اند وما بعضی از انها را ذکر کرده ایم در مبحث تشهد از کتاب حبل
المتین **فصل** پس هرگاه فارغ شدی از اذان پس فاصله کن میان ان
واقامت بسجدهٔ یا نشستنی ویکو در حالی که در سجده باشی یا نشسته باشی

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قَلْبِیْ بَارًّا وَعَیْشِیْ قَارًّا وَرِزْقِیْ دَارًّا وَاجْعَلْ لِیْ
خداوندا بگردان دل مرا طاعت کننده وزنده کی مرا قرار کرده شده وروزی مرا فزاینده وبگردان برای من
عِنْدَ قَبْرِ رَسُوْلِكَ مُسْتَقَرًّا وَقَرَارًا بعد از ان میخوانی هر دعائی راکه میخواهی
نزد قبر رسول خود مکان قرار وقرار کرفتنی
وسوال میکنی حاجت خود را پس
بتحقیق که روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه واله که دعا میان
اذان واقامت رد کرده نمیشود بعد از ان برمیخیزی جهت اقامت وفصول ان
هم دوتا دوتا است مکر لا اله الا الله که در اخر اقامت یکبار کفته میشود
وزیاده میشود بعد از حی علی خیر العمل قد قامت الصلوة دو مرتبه وبجا
می اوری در ان جمیع اداب اذان مکر تانی وکذاشتن انکشتان در کوشها
وبلند کردن اواز بلکه باید که در اقامت اهسته تر باشد وتاکید طهارت
داشتن وایستادن در حال اقامت بیشتر است از حال اذان حتی اینکه واجب
دانسته است انها را سید مرتضی رضی الله عنه ومیکوئی هرکاه فارغ شوی
از اقامت وحال انکه رو بقبله باشی اَللّٰهُمَّ اِلَیْكَ تَوَجَّهْتُ وَمَرْضَاتَكَ
طَلَبْتُ وَثَوَابَكَ ابْتَغَیْتُ وَبِكَ
طلب کرده ام وثواب ترا خواسته ام وبتو
بار خدایا بسوی تو متوجه شده ام وخوشنودی ترا
اٰمَنْتُ وَعَلَیْكَ تَوَکَّلْتُ اَللّٰهُمَّ
ایمان اورده ام وبر تو توکل کردم خداوندا
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ
رحمت فرست بر محمد وال محمد وبکشای
قَلْبِیْ لِذِکْرِكَ وَثَبِّتْنِیْ عَلٰی دِیْنِكَ
دل مرا برای ذکر خود وثابت دار مرا بر دین خود

وَلَا تُزِغْ قَلْبِیْ بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنِیْ وَهَبْ لِیْ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً
ومیل مفرمای دل مرا بعد از انکه راه نمودی مرا وبخش مرا از نزد خود رحمتی
اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ وباید که بایستی در نماز با وقار وخشوع وبکذاری
بدرستیکه توئی بسیار بخشنده
دستهای خود را بر روی رانها مقابل زانوها
وبکشائی قدمهای خود را بقدر سه انکشت کشاده از یکدیکر تا یک شبر و
نکاه کنی بموضع سجود خود وبلند نکنی نکاه خود را بطرف اسمان ودر اوری
بخاطر خود که این نماز کسی است که وداع میکند از نماز بعد از ان قصد کن
ادای نماز صبح واجب جهت فرمانبرداری امر خدای تعالی ومقارن دار نیت
را بیکی از هفت تکبیر که در اول نماز کفته میشود وبلند میکنی در هریک
ازین تکبیرها دستهای خود را بعنوانی که کف دستها بطرف قبله باشد
وانکشتان بیکدیکر چسپیده باشند غیر شستها که انها باید که کشاده باشند
ونمیکذرانی کف دستها را از برابر کوشهای خود وابتدا میکنی بتکبیر نزد ابتدای
دست برداشتن وتمام میکنی انرا نزد تمام شدن ان وبدانکه بعضی از علمای
متاخرین اطناب نموده اند در باب نیت ودر دراز کرده اند عنان کلام را در ان
ودر احادیث ائمه علیهم السلم نیست چیزی از ان بلکه مستفاد از تتبع انچه
وارد شده است از ایشان علیهم السلم در باب وضو ونماز وباقی عبادات که
تعلیم کرده اند انها را بشیعه خود اینست که امر نیت سهل است واینکه ان
غنی است از بیان وقرار کرفته در خاطر جمیع عقلا وقت صادر شدن فعلهای
اختیاری از ایشان واز برای این است که قدمای فقهای ما رضی الله عنهم
متعرض بحث از ان نشده اند وخوض نکرده اند در ان مکر جماعتی از متاخرین
ورانده اند کلام را در ان بر وجهی که موهم اینست که مرکب است نیت از اجزای
بسیار واین باعث دشواری ان شده است بر بسیاری از مردم وکشانده است
ایشان را بوسواس ونیست نیت در حقیقت مکر قصد بسیطی بواقع ساختن

فعل معیّن ازبرای علّت غائی ان ونیست ترکیب در فعل منوی و این قصد نزدیك نیست که جدا شود ازان عاقلی نزد هر فعلی که بجا اورد حتّی اینکه کفته اند بعضی از علمای ماکه اکر تکلیف میکرد مارا خدایتعالی بواقع ساختن فعلی معیّن بی نیّت هر اینه تکلیف کرده بود بچیزی که طاقت ان نبود وحاضر کردن فعل منوی در ذهن بعنوانی که تمیز دهد انرا ازغیران وقصد جا اوردن ان جهت فرمانبرداری امر خدای تعالی در نهایت اسانیّت مثلا نماز ظهر که ما مکلفیم باداء ان دریوقت تصوّر کرده ایم انرا باین وصف عنوانی که ممتاز میشود بان ازجمیع ماعدای خود ازعبادات وغیر عبادات وقصد کردن واقع ساختن ان جهت فرمانبرداری امر خدایتعالی نیست دشواری دران اصلا چنانکه حکم میکند بان وجدان صحیح وهرکه این را دشوار داند سوال میکنم از خدایتعالی که باصلاح اورد وجدان او را بدرستیکه او برهمه چیز بغایت تواناست وبخوان میان ان هفت تکبیر واین سه دعا را که روایت کرده است ثقة الاسلام درکافی بسندی حسن ازحضرت صادق علیه السّلم پس بعد از تکبیر سیوم اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ

خداوندا تولی پادشاه حق نیست خدای مگر تو تسبیح

اِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی ذَنْبِی اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ

میکنم ترا که من ستم کرده ام بنفس خود را پس بخش از برای من گناه مرا بدرستیکه نمی بخشد گناهان کسی مگر تو

وبعد از تکبیر پنجم لَبَّیْكَ وَسَعْدَیْكَ وَالْخَیْرُ فِی یَدَیْكَ وَالشَّرُّ

ایستاده ام میکنم خدمت ترا ویاری میکنم ترا یاری کردنی ونیز در دستهای تست وشر

لَیْسَ اِلَیْكَ وَالْمَهْدِیُّ مَنْ هَدَیْتَ لَا مَلْجَاَ مِنْكَ اِلَّا اِلَیْكَ

نیست بسوی تو وهدایت کرده شده کسیست که هدایت کردی تو او را نیست پناهی از تو مگر بسوی تو

سُبْحَانَكَ وَحَنَانَیْكَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَیْتَ سُبْحَانَكَ رَبَّ

تسبیح میکنم ترا وسوال میکنم رحمت ترا از رحمتی بعد از تو وبلندی تو تسبیح میکنم ترا ای پروردگار

اَلْبَیْتِ الْحَرَامِ وبعد از تکبیر هفتم چون تکبیرة الاحرام باشد یا غیر از وجّهت

خانه حرام

گردانیدم

وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ عَالِمِ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ

روی خود را بجانب کسی که خلق کرده است اسمانها وزمین را دانای پنهان وحاضر را

حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِینَ اِنَّ صَلٰوتِی وَنُسُكِی وَ

درحالی که مایلم از باطل ومسلمانم ونیستم من از مشرکان بدرستیکه نماز وعبادتهای من و

مَحْیَایَ وَمَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ

زندگی ومردن من از برای خداست که پروردگار عالمیان است نیست انبازی از برای او وباین

اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ ودر روایت دیکر باین نحو واقع شده وجّهت

امر کرده شده ام ومن از مسلمانانم

گردانیدم

وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ عَلٰی مِلَّةِ اِبْرٰهِیمَ وَدِینِ

روی خود را بجانب کسی که افرید اسمان وزمین را درحالی که ملّت ابراهیم ودین

مُحَمَّدٍ وَمِنْهَاجِ عَلِیٍّ حَنِیفًا مُسْلِمًا تا اخر بی اضافه عالم الغیب و

محمّد ومنهاج علی مایلم از باطل وکجی مسلمانم

والشهادة واتفاق کرده اند علمای ما براینکه جایز است مقارن داشتن نیّت با هر یك ازین هفت تکبیر پس تو مخیّری دران وهر تکبیری که مقارن داری نیّت را بان بکردان انرا تکبیرة الاحرام وبتحقیق که ترجیح داده شیخ طائفه نوّر الله مرقده در مصباح کردانیدن تکبیر اخر را تکبیرة الاحرام وانچه ظاهر میشود از حدیث صحیح زراره در افتتاح پیغمبر صلّی الله علیه واله نماز را بتکبیر متابعت کردن امام حسین علیه السّلم انحضرت را انست که تکبیر اوّل را تکبیرة الاحرام کرده بودند چنانکه ذکر کرده ایم در مقاله اثنی عشریه وبسط داده ایم کلام را در حبل المتین بعد ازان استعاذه میکنی بعد از فراغ از دعای سیوم پس میکوئی اَعُوذُ بِاللّٰهِ السَّمِیعِ الْعَلِیمِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ واستعاذه نزد

پناه میبرم بخدا که شنوا ودانا است از شیطان رانده شده

ما مخصوص بركعت اول وبس واهسته ميكوئى انرا بعد ازان بخوان سورهٔ
حمد را ترتيل كنند وبلند بخوان انرا رعايت كنند وقفهاى انرا درجاى ان
وحاضر كنند قلب خود را تفكر كنند در معانى ان وساكت ميشوى بعد ازان
بقدر نفسى بعد ازان بخوان سوره بهمان نحو وبايد كه بوده باشد سورهٔ
نبا يا غاشيه يا قيامه يا دهر يا انچه مانند اينها باشد در درازى چنانكه
روايت كرده است از شيخ طائفه در تهذيب بسند صحيح از حضرت ابى
عبد الله عليه السلام وساكت ميشوى بعد ازان چنانكه ساكت شدى قبل
ازان بعد ازان برميدارى دستهاى خود را چنانكه برداشتى در ان هفت
تكبير وميكوئى اَللّٰهُ اَكْبَرُ بعد ازان بركوع برو بعنوانى كه بكذارى دست
راست بر زانوى راست پيش از دست چپ بر زانوى چپ وپر كن كفها را
بزانوهاى خود ولقمه سازى انها را بسر انكشتان خود وبر كردانى انها را بطرف
پشت وهموار كنى پشت خود را وبكشى كردن خود را وبرهم كذارى چشمهاى
خود را يا نكاه كنى بميان قدمهاى خود بعد ازان ميكوئى انچه روايت كرده
است ثقة الاسلام در كافى بسند صحيح از حضرت صادق عليه السلام وان
اينست اَللّٰهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ وَعَلَيْكَ
خداوندا براى تو ركوع كردهام وترا اطاعت كردهام وبتو ايمان اوردهام وبر تو
تَوَكَّلْتُ وَاَنْتَ رَبِّي خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي
توكل كردهام وتو پروردكار منى فروتنى كرده است براى تو كوش من وديدهٔ من وموى من وپوست من
وَلَحْمِي وَدَمِي وَمُخِّي وَعَصَبِي وَعِظَامِي وَمَا اَقَلَّتْهُ قَدَمَايَ غَيْرَ
وكوشت من وخون من ومغز من وپى من واستخوانهاى من وانچه برداشت پاهاى من
مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ بعد ازان بكو سُبْحَانَ رَبِّيَ
وازمن ونه استكبار كننده ونه تعب كشنده تسبيح ميكنم تسبيح پروردكار خود
الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وبايد كه اين هفت مرتبه كفته شود يا پنج مرتبه يا سه
كه بزرك است در حالتى كه مشغولم بحمد او

بعد ازان راست شو وميكوئى سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بعد ازان تكبير ميكوئى
وبرو بسجود بخضوع وخشوع در حالى كه بكذارى بر زمين كفها را پيش از زانوها
وچنان ميكنى كه دستها در وقت سجود بمنزله بالها شوند از براى تو وپهن
ميكنى كفها را در حالى كه انكشتان مضموم باشد در برابر دوشها وروى خود
ونميكذارى هيچ عضوى از بدن خود را بر روى عضوى ديكر وميكذارى پيشانى
خود را بر زمين وافضل انست كه ان تربت حسينيه باشد على صاحبها افضل
التسليمات وميكردانى بينى خود را مشتى مساجد سبعه وبخاك ميمالى از ونكا
ميكنى در وقت سجود بسر بينى بعد ازان ميكوئى انچه روايت كرده است نيز در كافى
بسند حسن از انحضرت عليه السلام اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ اٰمَنْتُ
وَلَكَ اَسْلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ خداوندا از براى تو سجده كردم وبتو ايمان اوردم
وَاَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي ودر ترا اطاعت كردم وبر تو توكل كردم
خَلَقَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ وتو پروردكار منى سجده كرده است روى من از براى كسيكه
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تَبَارَكَ افريده است او را وشكافته كوشش او را وديده او را
اللّٰهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِينَ بعد ازان بكو وسپاس مر خدا را پروردكار عالميان است منزه است
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلٰى وَبِحَمْدِهِ وبايد خداى بهترين افريننده كان
كه بوده باشد چنانكه در ركوع مذكور تسبيح ميكنم پروردكار خود را كه بلند مرتبه است در حالتى كه مشغولم بحمد او
شد وبعد ازان سر خود را برميدارى وتكبير ميكوئى وميشينى تورك كنند
وميكوئى اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ بعد ازان انچه روايت
كرده است طلب امرزش ميكنم از خدائى كه پروردكار من است وتوبه ميكنم بسوى او ثقة الاسلام بهمان سند
سابق از انحضرت عليه السلام اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَاَجِرْنِي
وَادْفَعْ عَنِّي اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ خداوندا بيامرز مرا ودر رحم كن بر او اصلاح كن شكستكى مرا
اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ ودفع كن از من بدرستيكه من از انچه را بر فرستى
بسوى من از خير محتاجم منزه است خداوند پروردكار

الْعَالَمِينَ وبعدازان تکبیر احرام میکوئی و برو بسجدهٔ دویم مثل سجدهٔ اول
عالمیان است پس بردار سر خود را و می نشینی بعنوان تورک یک لحظه و این را
جلسهٔ استراحت میکویند و وامکذار انرا پس بتحقیق که واجب است انرا
سید مرتضی رحمه الله و دعوی اجماع برین کرده بعدازان برخیز بنحویکه
برداری زانوها را پیش از دستها و اعتماد کن در وقت برخواستن بر دستها
بکوی بِحَوْلِ اللهِ تَعَالَى وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ وَأَرْكَعُ وَأَسْجُدُ پس
بحول خدای تعالی و قوت او بر میخیزم و می نشینم و برکوع میروم و سجده میکنم و راست
هرگاه ایستادی بخوان حمد و سوره چنانکه کذشت در رکعت اول و باید که بوده
باشد سورهٔ قل هو الله احد بعدازان ساکت میشوی بقدر نفسی پس تکبیر
میکوئی از برای قنوت و قنوت میکنی کلمات فرج را در حالی که بلند کنی
دستها را در برابر روی خود و بکردانی کف دستها را بطرف اسمان و بهم کذاری
انکشتها را غیر از شستها پس میکوئی لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ
إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ نیست خدای که خدای بردبار جود کننده نیست خدایی
رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ که خدای بلند مرتبه و بزرک پاکست خدا که
السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ پروردکار اسمانها هفتکانه و پروردکار زمینها
وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ هفتکانه و انچه در انهاست و انچه میانه انهاست
الْعَالَمِينَ اینست کلمات فرج بر ان و پروردکار عرش بزرک و سپاس مر خدایرا که پروردکار
عالمیان است بنحویکه روایت کرده است بسند حسن از حضرت باقر علیه السلام
و در بعضی کتابهای وَمَا تَحْتَهُنَّ بعد از و ما بینهن زیاده شده و در بعضی
وَمَا فَوْقَهُنَّ بعد از و ما تحتهن و در بعضی و هو رب العرش العظیم و نیافته ام
من این زیادتیها را در انچه مطلع شده ام بران از کتابهای معتبرهٔ احادیث و میکوئی
بعد از کلمات فرج اَللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا
خداوندا بیامرز مارا و رحم کن مارا و عافیت ده مارا و عفو کن از ما

فِي الدُّنْيَا

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بعدازان میکوئی اَللَّهُمَّ
در دنیا و اخرت بدرستیکه تو بر همه چیز تو توانائی خداوندا
إِلَيْكَ شَخَصَتِ الْأَبْصَارُ وَنُقِلَتِ الْأَقْدَامُ وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي وَ
بسوی تو کشوده است دیدها و حرکت داده شده است پاها و بلند کرده شده است دستها و
مُدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَأَنْتَ دُعِيتَ بِالْأَلْسُنِ وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ
کشیده شده است کردنها و تو خوانده شده بزبانها و بسوی تست پنهان و راز ایشان
فِي الْأَعْمَالِ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ
در کردارها خداوندا حکم کن میان ما و میان قوم ما بحق و تو بهترین حکم کنندکانی
اَللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَغَيْبَةَ إِمَامِنَا وَقِلَّةَ
خداوندا بدرستیکه ما شکوه میکنیم بسوی تو نبودن پیغمبر ما و غیبت امام ما و کمی
عَدَدِنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَتَظَاهُرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ الْفِتَنِ
عدد ما و بسیاری دشمنان ما و ظاهر شدن دشمنان بر ما و در رسیدن فتنها
بِنَا فَفَرِّجْ ذَلِكَ اَللَّهُمَّ بِعَدْلٍ تُظْهِرُهُ وَإِمَامِ حَقٍّ نَعْرِفُهُ إِلَهَ
بما پس برطرف کن انرا خداوندا بعدلی که ظاهر کنی انرا و امام حقی که بشناسیم او را
الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ بعدازان میکوئی اَللَّهُمَّ مَنْ كَانَ أَصْبَحَ
ای خدای حق مستجاب کن دعای مرا ای پروردکار عالمیان خداوندا هر که صبح کند
وَلَهُ ثِقَةٌ أَوْ رَجَاءٌ غَيْرُكَ فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي يَا أَجْوَدَ مَنْ
و بوده باشد او را اعتمادی یا امیدی غیر تو پس توئی اعتماد من و امید من ای بخشنده ترین کسی
سُئِلَ وَيَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ ارْحَمْ ضَعْفِي وَمَسْكَنَتِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي
که سؤال کرده شده و ای رحیم ترین کسیکه طلب رحم کرده شده رحم کن ضعف مرا و درویشی مرا و کمی چاره مرا
وَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَعَافِنِي فِي نَفْسِي
و منت کذار بر من به بهشت و رها کردن مرا از اتش و عافیت ده مرا در نفس من
وَفِي جَمِيعِ أُمُورِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و هر که خواهد طول
و در جمیع کارهای من برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندکان

دهد قنوت را پس اضافه کند باین هر چیرا خواهد از قنوتهای دیگر که ذکر میکنم انها را در باب ششم ان شاء الله بعد ازان بلند میکنی دستها را بتکبیر و رکوع کن و سجود کن دو سجده چنانکه کذشت بعد ازان بنشین از برای تشهد تورّک کننده و تکاه کننده بکنار خود و میکوئی بِسْمِ اللهِ

وَبِاللهِ وَخَيْرُ الْاَسْمَاءِ كُلُّهَا لِلّهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ

وبیاری خدا و بهترین نامهای او که همه از برای خداست کواهی میدهم که نیست خدای مکر خدای که شهست

لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ

نیست انبازی مراورا و کواهی میدهم که محمد بنده او و رسول اوست فرستاده است اورا که بشارت

بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ وَاَشْهَدُ اَنَّ رَبِّي نِعْمَ الرَّبُّ

دهنده است متلبس بحق در حالی که ترساننده است در پیش روی قیامت و کواهی میدهم باینکه پروردکار من خوب پروردکاریست

وَاَنَّ مُحَمَّدًا نِعْمَ الرَّسُولُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ

و باینکه محمد خوب رسولیست خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و

تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِي اُمَّتِهِ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ بعد ازان حمد میکنی خدا را

قبول کن شفاعت اورا در باره امت او و بلند کن مرتبه اورا دو مرتبه یا سه مرتبه

و واجب ازین تشهد همین شهادتها است و صلوة بر پیغمبر و ال و صلوات الله علیهم بعد ازان سلام بده قصد کننده بان بیرون امدن از نماز را پس میکوئی اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و قصد میکنی بان

درود بر شما باد و رحمت خدا و برکتهای او

انبیا و ائمه و حفظه را و اشاره میکنی بکوشه چشمها بطرف راست خود و بدانکه جمیع انچه ذکر کرده شده درین فصل سنّتست مکر انچه ابتدا کرده شده بفعل امر بان واجب است

فصــــل و هرکاه فارغ شدی از نماز پس شروع کن در تعقیب پس بتحقیق که وارد شده در تفسیر قول خدای تعالی فَاِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَاِلٰى رَبِّكَ فَارْغَبْ که مراد اینست که هرکاه فارغ شوی از نماز

واجبی پس تعب بکش بسوی پروردکار خود در دعا و رغبت کن بسوی او در سوال که عطا میکند بتو و روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السّلم که فرمود که تعقیب مبالغه کننده ترست در طلب روزی از رفتن بتجارت در شهرها میخواهد بتعقیب دعا خواندن در عقب نماز و روایت کرده است نیز در تهذیب بسند صحیح از احدهما علیهما السّلم که دعا در عقب نماز واجب افضل است از دعا در عقب نماز سنّت مثل فضیلت نماز واجب بر سنّت و روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت باقر علیه السّلم که دعا بعد از نماز واجب افضل است از نماز سنّت و روایت درین باب از ائمه علیهم السّلم بسیار است و افضل تعقیبات تسبیح حضرت فاطمهٔ زهراست علیها السّلم و روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السّلم که هرکه تسبیح کند تسبیح فاطمه زهرا علیها السّلم پیش از انکه بکرداند پاهای خود را از نماز واجب امرزیده میشود او و ابتدا میشود بتکبیر و روایت کرده است نیز ازان حضرت علیه السّلم که فرمودند که ما امر میکنیم اطفال خود را بتسبیح فاطمه زهرا چنانکه امر میکنیم ایشانرا بنماز پس ملازم شو انرا بدرستی که ملازم نشد انرا بنده که بدبخت شود و انحضرت علیه السّلام که فرمودند که تسبیح فاطمهٔ زهرا علیه السّلم در هر روز عقب هر نماز دوستتر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز و از حضرت باقر علیه السّلم مرویست که فرمودند که نیست بندهٔ که عبادت کند خدا را بچیزی از تمجید افضل از تسبیح فاطمه زهرا علیها السّلم و اکر می بود چیزی افضل ازان هر اینه عطا میکرد انرا پیغمبر صلی الله علیه واله بفاطمه علیها السّلم و روایت در فضیلت تسبیح فاطمه زهرا علیها السّلم بشمار در نمی اید و باید که بوده باشد نشستن تو در تعقیب متصل بنشستن تو در تشهد و بر همان هیئات از رو بقبله بودن و تورّک و ترک کن در اثنای

ان کلام والتفات ومانند انرا پس بتحقیق که روایت شده است که انحضرت
میرساند بنماز ظهر میرساند بتعقیب پس هرگاه سلام دادی پس تکبیر بگو
سه تکبیر وبلند کن در هر یك دستها را تا برابر روی خود بعنوانی که پشت
انها بطرف روی خود باشد وکف انها بطرف قبله واین تکبیرها اول تعقیب است

بعدازان میکوئی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

نیست خدا مگر خدای خدای است یکتا و ما از برای او اطاعت کننده ایم

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِلٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

نیست خدا مگر خدای خدائی است یکتا و ما از برای او … نیست خدا مگر خدای

لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ لَا

که پرستش نمیکنیم مگر او را در حالیکه خالص کرده ام برای او دین را و هرچند که ناخوش دارند مشرکان نیست

اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْاَوَّلِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ

خدا مگر خدای که پروردگار و پروردگار پدران پیشینیان نیست خدا مگر خدای که تنهاست

وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ

و یگانه بجا آورده است وعده خود را و یاری کرده است بنده خود را و عزیز گردانیده است لشکر خود را و گریزانیده است گروهها را

وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ

به تنهائی پس مر او راست پادشاهی و برای اوست سپاس که زنده میکند و میمیراند و میمیراند و زنده میکند و او

حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ

زنده است که نمی میرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیز توانا است طلب آمرزش میکنم از خدا

الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

که نیست خدا مگر او که زنده پاینده و توانا است

وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اللّٰهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَاَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ

و توبه میکنم بسوی او خداوندا هدایت کن مرا از نزد خود و بریز بر من از فضل خود

وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ سُبْحَانَكَ

و پراکنده کن بر من از رحمت خود و فرود آر بر من از برکتهای خود تسبیح میکنم ترا

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ

نیست خدای مگر تو بیامرز از برای من گناهان من همه تمام پس بدرستیکه نمی بخشد

الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا اِلَّا اَنْتَ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

گناهان را همه تمام کسی مگر تو خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از هر خیری که

اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

فرا گرفته است او را علم تو و پناه می برم بتو از هر بدی که فرا گرفته است او را علم تو

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي اُمُورِي كُلِّهَا وَاَعُوذُ بِكَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم عافیت ترا در امرهای من تمام آنها و پناه میبرم بتو

مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْآخِرَةِ وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ

از رسوائی دنیا و عذاب آخرت و پناه می آورم بذات کریم تو

وَسُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ وَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَقُدْرَتِكَ الَّتِي لَا

و پادشاهی تو که قدیمست و عزت تو که طلب کرده میشود و قدرت تو که اباء نمیکند

يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنْ شَرِّ الْاَوْجَاعِ

از آن چیزی از شر دنیا و آخرت و از شر دردها

كُلِّهَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى

تمام آنها و نیست قدرتی و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ توکل کردم بر

الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ

زنده دائمی که نمی میرد و سپاس از برای خدائی است که فرا نگرفته است فرزندی و نبوده

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ

شریکی برای او در پادشاهی و نبوده از برای او دوستی از خواری و تعظیم کن او را

تَكْبِيرًا بعدازان تسبیح میکنی بعدازان ده مرتبه میکوئی واین مخصوص
تعظیم کردنی

بتعقیب صبح است لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ

نیست خدا مگر خدای که تنهاست نیست شریکی از برای او

لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ

مر او راست پادشاهی و از برای اوست سپاس که زنده میگرداند و می میراند و زنده میگرداند و او زنده است

لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وده مرتبه و این نیز

که نمی میرد بدست اوست خیر و او بر همه چیز توانا است

مخصوص بتعقیب صبح است سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ

تسبیح میکنم خدا را که بزرگ است و ملتبسم بحمد او و نیست قدرتی

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وصد مرتبه مَا شَاءَ اللهُ كَانَ

و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ آنچه خواست خدای هست

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وصد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللهَ

نیست قدرتی و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ طلب آمرزش میکنم

رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وصد مرتبه أَسْتَجِيرُ بِاللهِ مِنَ النَّارِ وَأَسْأَلُهُ

از خدای پروردگار من و توبه میکنم بسوی او پناه میبرم بخدا از آتش و سؤال میکنم از او

الْجَنَّةَ وصد مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ

بهشت را خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و تعجیل کن

فَرَجَهُمْ وده مرتبه أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ

راحت ایشان را گواهی میدهم باینکه نیست خدای مگر خدایی که یکتاست نیست انبازی

لَهُ إِلٰهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

برای او خدائی است یکتائی یگانه تنهای بی نیاز که فرا نگرفته است زنی و نه فرزندی

وسی مرتبه سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ

تسبیح میکنم تسبیح خدای و سپاس از برای خداست و نیست خدائی مگر خدای و خدای بزرگتر است

و سزاوار است که شمرده شود این ذکرها و تسبیحها بسبحه از تربت امام حسین علیه السلام پس بتحقیق که روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیحی از حضرت صاحب الامر علیه السلام که سبحه

افضل چیزیست که تسبیح کرده شود بان و بدرستی که تسبیح کننده فراموش میکند تسبیح را و میگرداند سبحه را پس نوشته میشود از برای او آن تسبیح بعد از آن میگوئی و این نیز مخصوص بتعقیب صبح است يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ

ای گرداننده دلها

وَالْأَبْصَارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَدِينِ

و دیدها رحمت بفرست بر محمد و آل او و ثابت گردان دل مرا بر دین تو و دین

نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي

پیغمبر تو که رحمت کناد خدای بر او و بر آل او و میل مده دل مرا بعد از آنکه راه نمودی مرا

وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

و ببخش مرا از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو بسیار بخشنده خداوندا بدرستیکه

أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَتَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ فَجْأَةِ

من پناه می آورم بتو از زایل شدن نعمت تو و گردیدن عافیت تو و از ناگاه رسیدن

نِقْمَتِكَ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا سَبَقَ فِي الْكِتَابِ

عقاب تو و از دریافتن بدبختی و از شر آنچه پیشی گرفته در کتاب

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ مُلْكِكَ وَعِظَمِ سُلْطَانِكَ وَشِدَّةِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم بغلبه پادشاهی تو و بزرگی سلطنت تو و سختی

قُوَّتِكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

توانائی تو بر همه آفریدگان تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و

أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا وبعد از ان میگوئی أُعِيذُ نَفْسِي وَدِينِي

اینکه با من فلان و فلان پناه می برم نفس خود را و دین خود

وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَجَمِيعَ

و اهل خود را و مال خود را و فرزندان خود را و برادران خود را و آنچه روزی کرده است مرا پروردگار من همه

مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِاللهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ

آنکه اراده اهتمام دارم درباره ان بخدای یگانه تنهای بی نیازی که نزاینده است و زائیده

وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ وَبِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا
نزاده است و نیست مراورا همتا کسی و پناه میبرم به پروردگار سپیده صبح از شر آنچه

خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ
آفریده است و از شر شب بسیار تاریک که هرگاه داخل شود و از شر زنان باد دمنده در گرهها

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ وَبِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ
و از شر حسودی که هرگاه حسد برد و پناه میبرم به پروردگار آدمیان پادشاه آدمیان معبود

النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ
آدمیان از شر وسوسه تاخر کننده که وسوسه میکند در سینه های

النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ بعد از آن بخوان سوره فاتحه را و آیة
مردم از جنیان و آدمیان

الکرسی اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ
خدائی که نیست خدای مگر او همیشه زنده و برپاست فرا نمیگیرد او را سستی و

وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ
نه خواب مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینهاست کیست که شفاعت کند

عِنْدَهُ اِلَّا بِاِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ
نزد او مگر باذن او میداند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پشت سر ایشان است و احاطه

بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ اِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ
نمیکنند آنها بچیزی از علم او مگر بآنچه خواهد وسعت دارد کرسی او که آسمانها و زمین است

وَلَا يَؤُدُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ
و سنگینی نمیکند او را نگاهداری آنها و اوست بلند مرتبه بزرگ نیست اکراهی جبری در دین

قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّٰهِ
بتحقیق که ظاهر شده و جدا شده رشد از گمراهی پس هر که کفر آورد به شیطان و ایمان آورد بخدای

فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللّٰهُ سَمِيعٌ
پس بتحقیق که دست زده است بدست آویز محکم که نیست شکستگی مر او را و خدای شنوا

عَلِيمٌ اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ اٰمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ
و داناست خدا دوست آنکسانیست که ایمان آورده اند بیرون می آورد ایشان را از تاریکیها بسوی روشنائی

وَالَّذِينَ كَفَرُوا اَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ
و آنانکه کفر آورده اند دوستان ایشان شیطان اند بیرون می آورند ایشان را از نور

اِلَى الظُّلُمَاتِ اُولٰئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَاٰيَةُ
بسوی تاریکیها ایشان صاحب آتشند ایشان در آن خواهند بود همیشه

شهادت شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَاُولُوا
گواهی داد خدا که نیست خدای مگر او و فرشتگان و خداوندان

الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاٰيَةُ الملك
علم در حالی که بپا دارنده اند عدل نیست خدای مگر او که غلبه کننده و داناست

قُلِ اللّٰهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ
بگو ای محمد خداوندا ای صاحب پادشاهی که میدهی پادشاهی کسی را که میخواهی و میگیری

الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ
پادشاهی از کسی که میخواهی و عزیز میکنی کسی را که میخواهی و خوار میکردانی کسی را که میخواهی بدست

الْخَيْرُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ
خیر بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی داخل میکنی شب را در روز و داخل میکنی

النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ
روز را در شب بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون می آوری مرده را از

الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَاٰيَهٔ سخره اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ
زنده و روزی میدهی هر کرا که میخواهی بی حساب بدرستیکه پروردگار شما خدا

الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى
که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز پس مستولی شد

عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ
بر عرش می پوشاند شب را در روز طلب آن میکند شتابان و آفرید آفتاب را

وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ

و ماه و ستارگان را در حالی که رام کرده شده اند بفرمان او آگاه باشید که از برای خداست خلق و امر بزرگ است

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

خدا که پروردگار عالمیان است بخوانید پروردگار خود را از روی زاری کننده و پنهان بدرستیکه او دوست نمیدارد

الْمُعْتَدِينَ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ

از حد گذرندگان را و فساد مکنید در زمین بعد اصلاح آن و بخوانید خدا را

خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ورد وآية آخر

خوف دارنده و طمع کننده بدرستیکه رحمت خدا نزدیک است به نیکوکاران

کهف قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ

بگو ای محمد اگر بوده باشد دریا مداد از برای نوشتن کلمات پروردگار من هر آینه تمام شود دریا پیش

أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ

از آنکه تمام شود کلمات پروردگار من و هر چند بیاوریم مثل آنرا از برای مداد بگو بدرستیکه نیستم من مگر آدمی

مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ

مثل شما فرستاده شده است وحی بسوی من بدرستیکه خدای شما خدائی است یگانه پس هر که داشته باشد لقاء

رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا وازاول

پروردگار خود پس عمل کند عمل نیکو و شریک نگرداند بعبادت پروردگار خود کسی را

صافات بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ وَالصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِرَاتِ

بنام خدای بخشنده مهربان قسم بگروههای که صف بسته اند صف بستنی پس انداز زنندگی

زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

پس خوانندگان ذکر کردنی بدرستیکه پروردگار شما هر آینه یکی است که پروردگار آسمانها و زمین است

وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ

و آنچه میان آنهاست و پروردگار مشرقهاست بدرستیکه زینت داده ایم آسمان دنیا را که نزدیکتر است بزینت

الْكَوَاكِبِ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ

که آن ستارهاست و حفظ نمودیم از هر شیطانی سرکش میشنوند گوش نمی اندازند بسوی گروه

الْأَعْلَىٰ وَيُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ

بلند و رانده میشوند از هر جانب جهت رندان و ایشانراست عذاب دایم شدید

إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ وسرآية خرصافات

مگر آنکه ربود ربودنی پس پی او در آمد شهاب درخشان

سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ

پاکست پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند و سلام بر پیغمبران و

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وسرآية از سوره رحمن يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ

سپاس از برای خدا که پروردگار عالمیان است ای گروه جن

وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

و انس اگر میتوانید که بیرون روید از اطراف آسمانها و زمین

فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس بیرون روید بیرون نمیروید مگر بقوتی پس بکدام نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ وچهارآیه

فرستاده میشود بر شما ها زبانه از آتش و دودی پس باز نمیدارید عذاب را از آن

آخر سوره حشر لَوْ أَنْزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا

اگر میفرستادیم این قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی آنرا زاری

مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ

و شکافته شده از ترس خدا و این مثلها میزنیم آنها را برای مردمان

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ

شاید که ایشان تفکر کنند اوست خدا که نیست خدائی مگر او دانای غیب

وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

و شهادت اوست رحمن رحیم اوست خدای که نیست خدائی مگر او

الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ

پادشاه بسیار پاکیزه سلام امان دهنده حفظ کننده عزیز جبار

المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ
متکبر است خدای از آنچه شریک میکنند از مشرکان اوست خدای آفریننده تقدیر کننده

المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات و
صورت بخشنده از برای اوست نامهای نیکو تسبیح میکند از برای او آنچه در آسمانها و

الارض وهو العزيز الحكيم بعد از ان میخوانی سورهٔ قل هو الله
زمین است و اوست عزیز حکیم

احد دوازده مرتبه بعد از ان
میکوئی در حالی که کشاده باشی دستهای خود را برابر روی خود

اللهم انی اسئلك باسمك المكنون المخزون الطهر الطاهر
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق نام خود که پنهان کرده شده و خزانه کرده شده پاک پاکیزه

المبارك واسئلك باسمك العظيم وسلطانك القديم يا
مبارک و سوال میکنم ترا بحق نام عظیم تو و پادشاهی قدیم تو ای

واهب العطايا يا مطلق الاسارى يا فكاك الرقاب من النار
بخشنده عطاها ای رها کنندهٔ اسیران ای خلاص کنندهٔ گردنها از آتش

اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تعتق رقبتي
سوال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه آزاد کنی گردن مرا

من النار وان تخرجني من الدنيا امنا وتدخلني الجنة سالما
از آتش و اینکه بیرون بری مرا از دنیا ایمن و داخل کنی مرا در بهشت سالم

وان تجعل دعائي اوله فلاحا واوسطه نجاحا واخره صلاحا
و اینکه بگردانی دعای مرا اول آنرا نجات و میان آنرا فیروزی و آخر آنرا اصلاح

انك انت علام الغيوب بعد از ان میکوئی و این مخصوص صبح است
بدرستیکه تو دانای غیبهائی

بتعقیب صبح اللهم انی اصبحت اشهدك وكفى بك شهيدا
خداوندا بدرستیکه من داخل صباح شدم پسندم تو برای گواهی

واشهد

واشهد ملائكتك وحملة عرشك وسكان سمواتك وارضك
و گواه میگیرم فرشتگان ترا و بردارندگان عرش ترا و ساکنان آسمانهای ترا و زمین ترا

وانبياءك ورسلك وورثة انبيائك ورسلك والصالحين
و پیغمبران ترا و رسولان ترا و صالحان

من عبادك وجميع خلقك فاشهد لي وكفى بك شهيدا
از بندگان ترا و همه آفریدگان ترا پس گواه شو برای من و بس است ترا برای گواهی

اني اشهد انك انت الله لا اله الا انت المعبود وحدك
بدرستیکه من گواهی میدهم بدرستیکه توئی خدای تنها

لا شريك لك وان محمدا صلى الله عليه واله عبدك و
نیست شریک و انبازی از برای تو و اینکه محمد رحمت کناد خدای بر او و آل او بندهٔ تو و

رسولك وان كل معبود مما دون عرشك الى قرار ارضك
رسول تست و اینکه هر عبادت کرده شده از زیر عرش تو تا قرار زمین

السابعة السفلى باطل مضمحل ما عدا وجهك الكريم فانه
هفتمین پائین تو باطل است و مضمحل غیر از ذات کریم تو پس بدرستیکه

اعز واكرم واجل واعظم من ان يصف الواصفون كنه
عزیزتر است و گرامی‌تر و جلیل‌تر و بزرگتر از اینکه وصف کنند وصف کنندگان نهایت

جلاله او تهتدي القلوب الى كنه عظمته يا من فاق مدح
بزرگی او را یا اینکه راه یابند دلها بسوی کنه عظمت او ای آنکه بالاتر است از مدح

المادحين فخر مدحه وعدا وصف الواصفين مآثر حمده
مدح کنندگان فخر مدح او و تجاوز کرده است از وصف وصف کنندگان نکوئیهای حمد او

وجل عن مقالة الناطقين تعظيم شانه صل على محمد
و بلندتر است از گفتن حرف زنندگان تعظیم شأن او رحمت بفرست بر محمد

وال محمد وافعل بنا ما انت اهله يا اهل التقوى واهل
و آل محمد و بکن با ما آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری و سزاوار

الْمَغْفِرَةِ بعدازان میکوئی سُبْحَانَ اللهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللهَ شَيْءٌ وَ

اورش تسبیح میکنم تسبیح خدا هرگاه تسبیح کند خدارا چیزی و

كَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ

چنانکه دوست میدارد خدای که تسبیح کرده شود و چنانچه او سزاوار ازبرای کرمی

وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ

ذات او و غلبه بزرگی او و سپاس ازبرای خداست هرگاه حمد کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد

اللهُ أَنْ يُحْمَدَ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ

خدای حمد کرده شود و چنانکه او سزاوار است و چنانکه سزاوار باشد ازبرای کرمی ذات او و غلبه بزرگی

وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ

او و نیست خدای بجز خدای هرگاه تهلیل کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا که

يُهَلَّلَ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ

تهلیل کرده شود و چنانکه او سزاوار است و چنانکه سزاوار است ازبرای ذات او و غلبه بزرگی او

وَاللهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُكَبَّرَ

و خدای بزرگتر است هرگاه تکبیر کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا که تکبیر کرده شود

وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ سُبْحَانَ

و چنانکه او سزاوار است و چنانکه او سزاوار است برای کرمی ذات او و غلبه بزرگی او تسبیح میکنم

اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ كُلِّ نِعْمَةٍ

تسبیح خدا و سپاس مر خدا راست نیست خدای بجز خدائی و خدا بزرگتر است بر هر نعمتی که

أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ وَعَلَىٰ كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ

انعام کرده است بآن بر من و بر هر احدی از آفریدگان خود از آنکه بوده است یا خواهد بود

إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

تا روز قیامت خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا آنکه رحمت بفرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا أَرْجُو وَخَيْرَ مَا لَا أَرْجُو وَأَعُوذُ

وآل محمد و سؤال میکنم ترا خیر آنکه امید دارم و خیر آنچه امید ندارم و پناه می آورم

بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَا أَحْذَرُ بعد از آن میکوئی و این

بتو از شر آنچه خوف دارم و از شر آنچه خوف ندارم

دعا ها کر در شب نیز خوانده میشود بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ بِسْمِ اللهِ رَبِّ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ

بنام خدا بهترین نامها بنام خدا پروردگار زمین و آسمان بنام

اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ سَمٌّ وَلَا دَاءٌ بِسْمِ اللهِ أَصْبَحْتُ

خدا که ضرر نمیرساند با نام او سمی و نه کوفتی بنام خدا داخل صباح شدم

وَعَلَى اللهِ تَوَكَّلْتُ بِسْمِ اللهِ عَلَىٰ قَلْبِي وَنَفْسِي بِسْمِ اللهِ عَلَىٰ دِينِي

و بر خدای توکل کردم بنام خدا بر دل من و نفس من بنام خدا بر دین من

وَعَقْلِي بِسْمِ اللهِ عَلَىٰ أَهْلِي وَمَالِي بِسْمِ اللهِ عَلَىٰ مَا أَعْطَانِي

و عقل من بنام خدا بر اهل من و مال من بنام خدا بر آنچه عطا کرده است

رَبِّي بِسْمِ اللهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي

پروردگار من بنام خدائی که ضرر نمیرساند با نام او چیزی در زمین و نه در

السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللهُ اللهُ رَبِّي حَقًّا لَا أُشْرِكُ

آسمان و او شنوا و دانا است خداست خدائی که پروردگار من حق است شریک نمیکنم

بِهِ شَيْئًا اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ اللهُ أَكْبَرُ أَعَزُّ وَأَجَلُّ مِمَّا

با او چیزی خدای بزرگتر است خدای بزرگتر است خدای غالبتر است و بزرگتر از آنکه

أَخَافُ وَأَحْذَرُ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ

میترسم و خوف دارم عزیز است همسایه تو و بزرگ است ثنای تو و پاکیزه است نامهای تو

وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ

و نیست خدای غیر تو بار خدایا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از شر نفس خود و از شر

كُلِّ سُلْطَانٍ شَدِيدٍ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَمِنْ شَرِّ

هر پادشاه سختی و از شر هر شیطان سرکش و از شر

كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ شَرِّ قَضَاءِ السُّوءِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ

هر جبر کننده عنیدی و از شر قضای بد و از شر هر جنبنده

أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ

که تو گرفته باشی ناصیه او را بدرستیکه تو بر راه راستی و تو بر همه

شَيْءٍ حَفِيظٌ إِنَّ وَلِيِّيَ اللّٰهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى

چیز نگاهبانی بدرستیکه دوست من خداییست که فرو گذارده است قرآن را و او متولی

الصَّالِحِينَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ

صالحین است پس اگر اعراض کنند پس بگو بس است خدای که نیست مگر او بر او

تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ

توکل کردم و او است پروردگار عرش بزرگ پس زود باشد که کفایت کند خدای امر ایشان را و او

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ

شنوا و دانا و نیست حول و نه قوت مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ و

صَلَّى اللّٰهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ بعد از ان میگوئی

و رحمت کند خدای بر بهترین آفریدگان خود که محمد است و آل او که پاکانند

واین مخصوص است بتعقیب صبح بِسْمِ اللّٰهِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

بنام خدا و رحمت کند خدا بر محمد و آل و

أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ فَوَقَاهُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِ

وا میگذارم امر خود را بسوی خدا بدرستیکه خدا بیناست به بندگان پس نگاه داشت خدا از بدیهای

مَا مَكَرُوا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ

مکر ایشان نیست خدایی مگر تو بپاکی یاد میکنم ترا بدرستیکه من بوده‌ام از ستم کنندگان

فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ حَسْبُنَا

پس اجابت کردیم او را و نجات دادیم او را از غم و همچنین نجات میدهیم مؤمنان را بس است ما را

اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ

خدای و بهترین وکیل است پس برگشتند ایشان بنعمتی از جانب خدا و زیادتی نرسید بر ایشان

سُوءٌ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا

هیچ بدی آنچه خواسته است خداست حول و نه قوتی مگر بخدا آنچه خواسته است خدای

ماشاء

مَا شَاءَ النَّاسُ مَا شَاءَ اللّٰهُ وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ حَسْبِيَ الرَّبُّ

واقع شده نه آنچه خواسته اند مردم آنچه خواسته است خدا و اگر چه بد آید مردم بس است مرا پروردگار

مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الرَّازِقُ

از پرورده شده‌ها بس است مرا آفریننده از آفریده شده‌ها بس است مرا روزی دهنده

مِنَ الْمَرْزُوقِينَ حَسْبِيَ اللّٰهُ الَّذِي لَمْ يَزَلْ حَسْبِي حَسْبِي مَنْ كَانَ

از روزی داده شده بس است مرا خدای که همیشه بس کننده بوده مرا بس است مرا آنکه

مُذْ كُنْتُ حَسْبِي حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ

از آنگاه که من بودم بس است مرا بس است مرا خدای نیست خدای مگر او بر او توکل کردم و او است

رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ بعد از ان میگوئی اَللّٰهُمَّ أَصْبَحَ ظُلْمِي

پروردگار عرش بزرگ خداوندا داخل صباح شده‌ام که ظلم من

مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ وَأَصْبَحَ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَأَصْبَحَ

پناه جوینده بعفو تست و داخل صباح شده‌اند گناهان من پناه جوینده بآمرزش تست و داخل صباح

خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِأَمَانِكَ وَأَصْبَحَ فَقْرِي مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ وَ

شده‌ام که ترس من پناه جوینده بامان است و داخل صباح شده‌ام که درویشی من پناه جوینده بتوانگری تست و

أَصْبَحَ ذُلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ وَأَصْبَحَ ضَعْفِي مُسْتَجِيراً بِقُوَّتِكَ

داخل صباح شده‌ام که خواری من پناه جوینده است بعزت تست و داخل صباح شده که ضعیفی من پناه جوینده بقوت تست

وَأَصْبَحَ وَجْهِيَ الْفَانِي مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا كَائِناً قَبْلَ

و داخل صباح شده‌ام که ذات فانی من پناه جوینده بذات باقی تست ای موجود پیش از

كُلِّ شَيْءٍ وَيَا كَائِناً بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ صَلِّ

هر چیزی و ای موجود بعد از هر چیزی و ای موجود کننده هر چیز رحمت فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِي

بر محمد و آل محمد و بگردان از برای من از امر من گشایشی و بیرون شدنی و روزی ده مرا

مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ بعد از ان میگوئی هفت

از جایی که گمان دارم و از جایی که گمان ندارم

نسخه بدل أصبحت

مرتبه وحال انکه کرفته باشی ریش خود را بدست راست وکشوده

باشی کف دست چپ را بسوی اسمان یا ربّ محمّد وال

محمّد صلّ علی محمّد وال محمّد وعجّل فرج محمّد وال محمّد

ای پروردگار محمّد وال محمّد رحمت بفرست بر محمّد وآل محمّد وتعجیل کن راحت محمّد وال محمّد

وهفت مرتبه یا ربّ محمّد وال محمّد صلّ علی محمّد وال محمّد

ای پروردگار محمّد وال محمّد رحمت بفرست بر محمّد وال محمّد

واعتق رقبتی من النّار بعد از ان میکوئی یا الله یا رحمن یا رحیم

وازاد کن گردن مرا از اتش ای خدا ای بسیار بخشنده ای مهربان

یا حیّ یا قیّوم برحمتك استغیث اللّهمّ انت ثقتی فی کلّ

ای زنده همیشه ای بخود بر پا رحمت تو طلب فریادرسی میکنم خداوندا تو اعتماد منی در هر

کربة وانت رجائی فی کلّ شدّة وانت لی فی کلّ امر نزل بی

اندوهی وتو امید منی در هر سختی وتوئی از برای من در هر امری که فرود اید بمن

ثقة وعدّة فاغفر لی ذنوبی کلّها واکشف همّی وفرّج غمّی

اعتمادی وتهیه پس بیامرز از برای من گناهان مرا تمام وزایل کن اندوه مرا وبرطرف کن غم مرا

اللّهمّ اغننی بحلالك عن حرامك وبفضلك عمّن سواك

خداوندا بی نیاز گردان مرا بحلال تو از حرام تو وبفضل تو از کسیکه غیر تو باشد

وعافنی فی اموری کلّها وعافنی من خزی الدّنیا وعذاب

وعافیت ده مرا در امرهای من تمام وعافیت ده مرا از رسوائی دنیا وعذاب

الاخرة بعد از ان میکوئی واین دعا خوانده میشود در شام اصبحت

آخرة داخل صباح شدم

اللّهمّ معتصما بذمامك المنیع الّذی لا یحاول ولا یطاول

خداوندا دست زننده بحرمت قوی غالب تو قصد کرده نمیشود ونزاع کرده نمیشود

من شرّ کلّ غاشم وطارق من سائر ما خلقت من خلقك

از شر هر ستم کننده ووارد شونده در شب از جمیع انچه افریده از افریدگان

الصامت

الصّامت والنّاطق فی جنّة من کلّ مخوف بلباس سابغة

خاموش وگویا در سلاحی که پوشاننده نگاهدارنده از هر مخوف بزره فراخی که ان دوستی

ولاء اهل بیت نبیّك علیه وعلیهم محتجبا من کلّ قاصد

دوستی اهل بیت پیغمبر تو محمد است در حجابهای ایشان پوشیده شده از هر که قصد کند

لی اذیّة بجدار حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقّهم والتّمسّك

مرا بازار رسانیدن بدیوار محکم اخلاص در اعتراف بحق ایشان ودست زدن

بحبلهم موقنا بانّ الحقّ لهم ومعهم وفیهم وبهم اوالی من والوا واجانب

بریسمان ایشان یقین دارنده باینکه حق برای ایشان است وبا ایشان است دوستی میکنم هر که

من جانبوا فصلّ علی محمّد وال محمّد واعذنی اللّهمّ بهم من

ایشان دوستی کرده‌اند ودوری میکنم هر که دوری کرده پس رحمت بفرست بر محمد وال محمد وپناه ده مرا خداوندا بسبب ایشان

شرّ کلّ ما اتّقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنّی ببدیع السّموات

از شر هر چه حذر دارم ای بزرگ منع کردم دشمنان را از خود بپدید اورنده اسمانها

والارض انّا جعلنا من بین ایدیهم سدّا ومن خلفهم سدّا

وزمین که گردانیدیم از پیش روی ایشان سدی که از پشت سر ایشان سدی

فاغشیناهم فهم لا یبصرون بعد از ان میکوئی واین مخصوص است

پس پوشانیدیم ایشان را پس ایشان نمیدیدند

بتعقیب صبح الحمد لله الّذی اذهب اللّیل بقدرته وجاء

سپاس مر خدایرا که برد شب بقدرت خود واورد

بالنّهار برحمته خلقا جدیدا ونحن فی عافیة بمنّه وجوده

روز را برحمت خود در حالی که افریده شده تازه وما عافیتیم بنعمت او وجود او

وکرمه مرحبا بالحافظین والتفات کن بطرف راست وبکو

وکرم او مرحبا بدو فرشته حفظ کننده

وحیّاکما الله تعالی من کاتبین والتفات کن بجانب چپ خود وبکو

وسلام بفرستند برشما خدای تعالی از دو نویسنده

اُكْتُبَا رَحِمَكُمَا اللّٰهُ تَعَالٰى بِسْمِ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ

نویسید رحمت کند شما را خدا تعالی بنام خدا گواهی میدهم که نیست خدا مگر خدا

وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ

که تنهاست نیست شریکی از برای او و گواهی میدهم که محمد بنده او و رسول اوست و

اَشْهَدُ اَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي

گواهی میدهم که قیامت آینده است نیست شکی در آن و اینکه خدای تعالی بر می‌انگیزاند هر که را که در

الْقُبُورِ عَلٰى ذٰلِكَ اَحْيٰى وَعَلَيْهِ اَمُوتُ وَعَلَيْهِ اُبْعَثُ اِنْ شَاءَ

قبرهاست بر این اقرار زنده‌ام و بر همین می‌میرم و بر همین برانگیخته شوم اگر خواسته باشد

اللّٰهُ تَعَالٰى اَقْرِاْ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ مِنِّي السَّلَامَ بَعْدَ

خدا تعالی برسانید محمد را که رحمت کناد خدای بر او و آل او از جانب من سلام را بعد

اَذَانٍ سَيَكُونُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي النَّهَارِ اِذَا

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در روز که هرگاه

تَجَلّٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ اِذَا يَغْشٰى وَصَلِّ عَلٰى

ظاهر شود و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در شب که هرگاه بپوشاند و رحمت بفرست

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فِي الْاٰخِرَةِ وَالْاُولٰى وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

محمد و آل محمد در آخرت و دنیا و رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ مَا لَاحَ الْجَدِيدَانِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ مَا اَطَّرَدَ

محمد مادامی که ظاهر باشید دو تازه یعنی روز و شب رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادامی که باقی باشند

الْخَافِقَانِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ مَا حَدَى الْحَادِيَانِ وَصَلِّ

مشرق و مغرب و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد مادام که براند دو راننده و رحمت بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ مَا عَسْعَسَ لَيْلٌ وَمَا اَدْلَهَمَّ ظَلَامٌ وَمَا

بر محمد و آل محمد مادام که بیاید شبی و مادام که شدید شود تاریکی و مادام

تَنَفَّسَ صُبْحٌ وَمَا اَضَاءَ فَجْرٌ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا خَطِيبَ وَفْدِ

که نفس بکشد صبح و مادام که روشن شود فجری خداوندا بگردان محمد خطیب وارد شوندگان

الْمُؤْمِنِينَ اِلَيْكَ وَالْمَكْسُوَّ حُلَلَ الْاَمَانِ اِذَا وَقَفَ بَيْنَ

از مؤمنان بسوی تو و پوشیده شده جامه‌های امان هرگاه بایستد در برابر

يَدَيْكَ وَالنَّاطِقَ اِذَا خَرِسَتِ الْاَلْسُنُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ اَللّٰهُمَّ

تو و گویا شدن هرگاه گنگ شوند زبانها بستایش بر تو خداوندا

اَعْلِ مَنْزِلَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَاَظْهِرْ حُجَّتَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ

بلند گردان منزلت او را و برتر کن مرتبه او را و ظاهر گردان حجت او را و قبول کن شفاعت او را

وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَاغْفِرْ لَهُ مَا اَحْدَثَ

و برسان او را بمنزله پسندیده که وعده کرده‌ای و بیامرز از برای او که احداث

الْمُحْدِثُونَ مِنْ اُمَّتِهِ بَعْدَهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ مُوجِبَاتِ

کنند احداث کنندگان از امت او بعد از او خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو واجب کننده‌های

وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ

و لازم کننده‌های آمرزش ترا و غنیمت بردن از هر احسانی و سلامتی از هر

اِثْمٍ اَسْئَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى

گناهی سؤال میکنم ترا فیروزی به بهشت و خلاصی از آتش خداوندا رحمت بفرست

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي فِي صَلَوٰتِي وَدُعَائِي بَرَكَةً تُطَهِّرُ

محمد و آل محمد و بگردان از برای من در نماز من و دعای من برکتی که پاک گرداند

بِهَا قَلْبِي وَتُؤْمِنُ بِهَا رَوْعِي وَتَكْشِفُ بِهَا كَرْبِي وَتَغْفِرُ

بآن دل مرا و امان دهی بآن خوف مرا و رفع کنی بآن اندوه مرا و بیامرزی بآن

بِهَا ذَنْبِي وَتُصْلِحُ بِهَا اَمْرِي وَتُغْنِي بِهَا فَقْرِي وَتُذْهِبُ

گناه مرا و اصلاح کنی بآن حال مرا و توانگر گردانی درویشی مرا و ببری

بِهَا ضُرِّي وَتُفَرِّجُ بِهَا هَمِّي وَتُسَلِّي بِهَا غَمِّي وَتَشْفِي بِهَا

بآن بدی حال مرا و زایل کنی بآن هم مرا و تسلی فرمائی بآن غم مرا و شفا دهی بآن

سُقْمِي وَتُؤْمِنُ بِهَا خَوْفِي وَتَجْلُو بِهَا حُزْنِي وَتَقْضِي بِهَا دَيْنِي

بیماری مرا و ایمن گردانی بآن ترس مرا و برطرف کنی بآن اندوه مرا و ادا کنی بآن قرض مرا

وتجمع بها شملي وتبيض بها وجهي واجعل ما عندك
وجمع کن پراکندگی مرا و سفید گردان بان روی مرا و گردان آنچه نزد تست

خيراً لي بعد از آن میگوئی اللهم اني ادعوك لهم لا يفرجه
خیر از برای من خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا از برای اندوهی که نگشاید

غيرك ولرحمة لا تنال الا منك ولحاجة لا يقضيها الا
آنرا کسی غیر تو و میخوانم ترا از برای رحمتی که نمیرسد مگر از جانب تو و میخوانم ترا از برای حاجتی که بر نمی آورد آنرا مگر

انت يا كريم اللهم كما كان من شأنك ما اردتني به من
تو ای بسیار خداوندا چنانکه بود از امر تو آنچه اراده کردی بمن از

ذكرك والهمتنيه من شكرك ودعائك فليكن من شأنك
یاد آوری و در دل من انداخته بودی آنرا از شکر تو و خواندن تو پس باید باشد از امر تو

الاجابة لي فيما دعوتك والنجاة مما فزعت اليك منه فان
اجابت کردن مرا در آنچه خوانده ام و نجات دادن مرا از آنچه پناه آورده ام بسوی تو از آن پس

لم اكن اهلاً ان ابلغ رحمتك فان رحمتك اهل ان تبلغني
اگر نبوده باشم سزاوار آنکه برسم برحمت تو پس بدرستیکه رحمت تو سزاوار است که برسد بمن

وتسعني لانها وسعت كل شيء وانا شيء فلتسعني رحمتك
و گنجایش داده باشد زیرا که آن گنجایش داده هر چیز را و من نیز چیزی ام پس باید که گنجایش دهد مرا رحمت تو

يا مولاي بعد از آن میگوئی و حال آنکه گریه کنی یا خود را بگریه بداری
ای پروردگار من

الهي ان ذنوبي وكثرتها قد غبرت وجهي عندك وحجبتني
ای خدای من بدرستیکه گناهان من و بسیاری آنها بتحقیق غبار آلوده کرده است روی مرا نزد تو و مانع شده است

عن استيهال رحمتك وباعدتني عن استنجاز مغفرتك و
مرا از مستوجب شدن برحمت تو و دور کرده است مرا از استحقاق آمرزش تو و

لولا تعلقي بآلائك وتمسكي بالرجاء لما وعدت امثالي
اگر نبودی چسبیدن من بنعمتهای تو و دست زدن من بامیدواری تو بانچه وعده کرده تو امثال

من المسرفين واشباهي من الخاطئين بقولك يا عبادي الذين
از اسراف کنندگان و مانند مرا از گناهکاران بگفته تو که فرموده ای بندگان من آنانکه

اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر
اسراف کرده اند بر نفسهای خود نومید نشوید از رحمت خدا بدرستیکه خدا می آمرزد

الذنوب جميعاً انه هو الغفور الرحيم وحذرت القانطين
گناهان را بتمام بدرستیکه خدای تعالی اوست بسیار آمرزنده بسیار مهربان و ترسانیده نومیدان را

من رحمتك فقلت ومن يقنط من رحمة ربه الا الضالون
از رحمت تو پس گفته و هر که نومید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان

ثم ندبتنا برحمتك الى دعائك فقلت ادعوني استجب
پس خوانده ما را برحمت خود بسوی خواندن تو پس فرموده که بخوانید مرا اجابت کنم

لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم
دعای شما را بدرستیکه آنانکه تکبر می ورزند از عبادت و خواندن من زود باشد که داخل شوند بجهنم

داخرين الهي لقد كان ذل الاياس علي مشتملاً والقنوط
خوار شدگان ای خدای من هر آینه بود بذلت نومیدی بر من مشتمل و نومیدی

من رحمتك بي ملتحفاً الهي قد وعدت المحسن ظنه بك
از رحمت تو بمن لاحق است ای خدای من بتحقیق وعده کرده کسی را که نیکوست گمان او بتو

ثواباً واوعدت المسيء ظنه بك عقاباً اللهم وقد اسبل
ثواب را و وعده کرده کسی را که بد است نسبت بتو گمان او عذاب را خداوندا و بتحقیق که روان

دمعي حسن الظن بك في عتق رقبتي من النار وتغمد
اشک را نیکوئی گمان بتو در آزاد کردن گردن از آتش و پوشیدن

زللي واقالة عثرتي وقلت وقولك الحق الذي لا خلف
گناهان مرا در گذشتن از لغزش و خطای من و گفته و حال آنکه گفته تو حق است که نیست خلافی در آن

فيه ولا تبديل يوم ندعو كل اناس بامامهم اللهم اني
و نه تغییری که روزی که بخوانیم هر طایفه از مردمان را با پیشوای ایشان خداوندا بدرستیکه

أقرّ واشهد واعترف ولا اجحد واسرّ واظهر واعلن و
اقرار میکنم و گواهی میدهم و اعتراف میکنم و انکار نمیکنم در پنهان و آشکارا و ظاهر و
ابطن بانّك انت الله الّذي لا اله الّا انت وحدك
باطن باینکه توئی تو خدائی که نیست خدائی مگر تو تنهائی
لا شريك لك وانّ محمّداً عبدك ورسولك وانّ عليّاً
نیست شریکی مر ترا و گواهی میدهم باینکه محمد ص بندهٔ تو و رسول تست و گواهی میدهم باینکه علی
امير المؤمنين وسيّد الوصيّين ووارث علم النبيّين و
امیر مؤمنان است و بزرگ جانشینان و وارث علم پیغمبران و
قاتل المشركين وامام المتّقين ومجاهد الناكثين والقاسطين
کشنده مشرکان و پیشوای پرهیزکاران و جهاد کننده با جمعی پیمان شکنان و جمعی که جور کننده اند
والمارقين امامي وحجّتي وصراطي ودليلي ومحجّتي ومن
و جمعی که بیرون از دین رونده اند امام و پیشوا و حجت من و راه من بسوی خدا و راهبر من بحجت آشکار و کسیکه اینها
لا اثق بالاعمال وان زكت ولا اراها منجية لي وان صلحت
که اعتماد ندارم بعملها و کارها و اگرچه پاکیزه باشند و نمی بینم آنها را نجات دهنده مرا و هرچند نیکو باشند
الّا بولايته والايتمام به والاقرار بفضائله والقبول
مگر بدوستی و محبت او و پیروی و اقتدا با او و اقرار کردن بفضیلتهای او و قبول کردن
من حملتها والتسليم لرواتها اللّهمّ واقرّ باوصيائه
از فضیلتها از نقل کنندگان آن و گردن نهادن از روایت کنندگان خداوندا و اقرار میکنم بجانشینان او
من ابنائه ائمّة وحججاً وادلّة وسرجاً واعلاماً ومناراً
از پسران او که امامانند و برهانانند و راهنمایانند و چراغهای روشنند و نشانها و علامتهای [illegible]
وسادة ابراراً واؤمن بسرّهم وجهرهم وظاهرهم وباطنهم
و بزرگان نیکوکارند و اعتقاد دارم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و ظاهر ایشان و باطن ایشان
وحيّهم وميّتهم وشاهدهم وغائبهم لا شكّ في ذلك
و زنده ایشان و مرده ایشان و حاضر ایشان و غائب ایشان نیست شکی در این

ولا

ولا ارتياب ولا تحوّل عنه ولا انقلاب اللّهمّ فادعني
و نه ارتیابی و نیست گردیدنی از این اعتقاد و نه برگشتنی خداوندا پس بخوان مرا
يوم حشري وحين نشري بامامتهم واحشرني في زمرتهم
روز حشر من و هنگام برانگیختن بامامت ایشان و محشور گردان مرا در زمرهٔ ایشان
واكتبني في اصحابهم وانقذني بهم يا مولاي من حرّ النيران
و بنویس در شمار اصحاب ایشان و برهان مرا بسبب ایشان ای [illegible] از گرمی آتشها
فانّك ان اعفيتني منها كنت من الفائزين اللّهمّ وقد
پس بدرستیکه تو اگر عافیت دادی مرا از آن آتش هستم من از جملهٔ ظفر یافتگان خداوندا بتحقیق
اصبحت في يومي هذا لا ثقة لي ولا مفزع ولا ملجأ
صباح کرده ام در این روز خود و حال آنکه نیست اعتمادی مرا و نه کسی که بسوی او بگریزم و نه پناهی
ولا ملتجا غير من توسّلت بهم اليك من آل رسولك
و نه پناهگاهی غیر آنکسانی که توسل جسته ام بایشان بسوی تو از آل رسول تو
عليّ وفاطمة والحسن والحسين وعليّ ومحمّد وجعفر
علی و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر
وموسى وعليّ ومحمّد وعليّ والحسن ومحمّد صلواتك
و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد رحمتهای تو
عليهم اجمعين اللّهمّ فاجعلهم حصني من المكاره و
بر ایشان باد همه خداوندا پس بگردان ایشان حصار من از مکروهها و
معقلي من المخاوف ونجّني بهم من كلّ عدوّ وطاغ وفاسق
پناه من از آنچه خوف از آن باشد و رهائی ده مرا بسبب ایشان از هر دشمنی از حد گذرنده و فاسقی
باغ ومن شرّ ما اعرف وما انكر وما استتر عليّ وما
ستمکار و از شر آنچه میشناسم آن را و آنچه نمی شناسم و آنچه پوشیده است بر من و آنچه
ابصر ومن شرّ كلّ دابّة ربّي آخذ بناصيتها انّ ربّي
می بینم و از شر هر جانوری که پروردگار من گرفته است ناصیهٔ او را بدرستیکه پروردگار من

علی صراطٍ مستقیمٍ اللّهم بوسیلتی الیک بهم وتقرّبی

بر راه راست است خداوندا توسل جستن مر بسوی تو با ایشان و نزدیکی جستن

بمحبّتهم افتح علیّ ابواب رحمتک ومغفرتک وحبّبنی

بدوستی ایشان بگشای بر من درهای رحمت خود را و آمرزش خود را و دوست گردان

الی خلقک وجنّبنی عداوتهم وبغضهم انّک علی کلّ شیءٍ

بسوی خلق خود و دور گردان از دشمنی ایشان و کینه ایشان بدرستیکه تو بر همه چیز

قدیرٌ اللّهم ولکلّ متوسّلٍ ثوابٌ ولکلّ ذی شفاعةٍ حقٌّ

توانائی خداوندا و از برای هر وسیله جوینده ثوابی هست و از برای هر شفاعتی حقی هست

فاسئلک بمن جعلتهم الیک سببی وقدّمتهم امام

پس سؤال میکنم ترا بآنکه گردانیده ام ایشانرا بسوی تو سبب خود و مقدم داشته ام ایشانرا پیش حاجت

طلبتی ان تعرّفنی برکة یومی هذا وشهری هذا وعامی

و مطلب خود اینکه بشناسانی مرا برکت این روز من و این ماه من و این سال من

هذا اللّهم فهم معوّلی فی شدّتی ورخائی وعافیتی و

خداوندا پس ایشانند محل پناه من در سختی حال من و در رفاهیت حال من و در عافیت من و

بلائی ونومی ویقظتی وظعنی واقامتی وعسری ویسری

در بلای من و در خواب من و بیداری من و در سفر من و اقامت من و در دشواری من و آسانی من

وصباحی ومسائی ومنقلبی ومثوای اللّهم فلا تخلنی بهم

و در صباح من و شام من و در مکان من و مقام من خداوندا پس خالی مگردان مرا بحق

من نعمتک ولا تخیّبنی بهم من نائلک ولا تقطع رجائی

ایشان از نعمت خودت و نومید مگردان مرا بسبب ایشان از عطای خودت و مبر امید مرا از رحمت

من رحمتک ولا تفتنّی باغلاق ابواب الارزاق وانسداد

از رحمت خودت و گرفتار مکن مرا به بستن درهای روزیها و بند کردن

مسالکها وارتتاج مذاهبها وافتح لی من لدنک فتحاً یسیراً

راههای آنها و بستن طریقهای آنها و بگشای از برای من از نزد خود گشادن آسانی

واجعل لی من کلّ ضنکٍ مخرجاً والی کلّ سعةٍ منهجاً

و بگردان از برای من از هر تنگی بدر روی و بسوی هر گشایش راهی

برحمتک یا ارحم الرّاحمین اللّهم واجعل اللّیل والنّهار

برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا و بگردان شب و روز را

مختلفین علیّ برحمتک ومعافاتک ومنّک وفضلک

گردنده بر من برحمت تو و معافیت تو و دادن تو و انعمت تو و فضل تو

ولا تفقرنی الی احدٍ من خلقک برحمتک یا ارحم الرّاحمین

و محتاج مگردان مرا بسوی هیچکس از خلق تو برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

انّک علی کلّ شیءٍ قدیرٌ وبکلّ شیءٍ محیطٌ بعد از آن میگوئی

بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی و بر هر چیز احاطه کننده

اللّهم انّی اسئلک یا مدرک الهاربین ویا ملجأ الخائفین

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا ای دریابنده گریزندگان و ای پناه ترسندگان

ویا صریخ المستصرخین ویا غیاث المستغیثین ویا منتهی

و ای فریادرس فریاد طلبان و ای غیاث مستغیثان و ای منتهی

غایة السّائلین ویا مجیب دعوة المضطرّین یا ارحم

غایت سؤال کنندگان و ای اجابت کننده دعاهای بیچارگان ای رحم کننده ترین

الرّاحمین یا الله یا ربّاه یا عزیز یا حکیم یا غفور یا رحیم

رحم کنندگان ای خدای پروردگار ای غالب ای حکم کننده ای بسیار آمرزنده ای بسیار مهربان

یا قاهر یا علیم یا سمیع یا بصیر یا لطیف یا خبیر یا قهّار

ای قهر کننده ای دانا ای شنوا ای بینا ای لطف کننده ای مطلع بر حقیقت چیزها

یا جبّار یا رحمن یا منّان یا سبّوح یا قدّوس یا مبدئ یا

ای غلبه کننده ای بسیار جبر کننده ای بسیار بخشنده ای بسیار نعمت دهنده ای بسیار منزه ای بسیار پاکیزه ای پدید آورنده

یا معید یا باعث یا وارث یا فارج الهمّ یا کاشف الغمّ یا منزل

ای برگرداننده ای برانگیزاننده ای بسیار میراث برنده ای دفع کننده اندوه ای زایل کننده غم ای نازل کننده

الْحَقَّ يَا قَائِلَ الصِّدْقِ يَا ذَا الْبَلَآءِ الْجَمِيلِ وَالطَّوْلِ الْعَظِيمِ
حق ای قول کننده راستی ای صاحب آزمایش نیکو و نعمت بزرگ

يَا مَعْرُوفًا بِالْاِحْسَانِ يَا مَوْصُوفًا بِالْاِمْتِنَانِ يَا مَنْ قَصُرَتْ
ای شناخته شده باحسان ای وصف کرده شده بنعمت دادن ای آنکه کوتاه است

عَنْ وَصْفِهِ اَلْسُنُ الْوَاصِفِينَ وَانْقَطَعَتْ عَنْهُ اَفْكَارُ
از وصف کردن او زبانهای وصف کنندگان و بریده شده است از او فکرهای

الْمُتَفَكِّرِينَ يَا شَاهِدَ النَّجْوٰى يَا كَاشِفَ الْغَمِّ وَدَافِعَ الْبَلْوٰى
فکر کنندگان ای دانای راز ای زایل کننده غم و دفع کننده بلاها

يَا نِعْمَ النَّصِيرُ وَالْمَوْلٰى يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ
ای خوب یاری کننده و پروردگار ای نعمت دهنده ای تفضل کننده ای احسان کننده ای نیکوئی کننده

يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ صَغِيرٌ عَنْ كَبِيرٍ وَلَا حَقِيرٌ عَنْ خَطِيرٍ يَا مَنْ
ای کسیکه مشغول نمیسازد او را چیز کوچک از بزرگ و نه حقیری از چیز عظیم ای کسیکه

بَدَاَ بِالنِّعْمَةِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا وَبِالْفَضِيلَةِ قَبْلَ اسْتِيجَابِهَا
ابتدا کرده است بنعمت دادن پیش از استحقاق آن و بتفضیل پیش از استیجاب آن

يَا اَحَقَّ مَنْ عُبِدَ وَحُمِدَ وَرُجِيَ وَاعْتُمِدَ اَسْئَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ
ای سزاوارترین کسی را که پرستنده شود و ستایش کرده شود و امید و اعتماد کرده شود سؤال میکنم ترا بحق هر نامی

مُقَدَّسٍ مُطَهَّرٍ مَكْنُونٍ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَكُلِّ ثَنَآءٍ عَالٍ
که پاکیزه کرده شده پاک گردانیده پنهان کرده شده که برگزیدی برای خود و هر ثنای بلند

رَفِيعٍ كَرِيمٍ رَضِيتَ بِهِ مِدْحَةً لَكَ وَبِحَقِّ كُلِّ مَلَكٍ قَرَّبْتَ
برتر نیکوئی که راضی شده بآن از برای مدح کردن مر ترا و بحق هر فرشته نزدیک

مَنْزِلَتَهُ عِنْدَكَ وَبِحَقِّ كُلِّ نَبِيٍّ اَرْسَلْتَهُ اِلٰى عِبَادِكَ وَ
گردانیده تو نزد خود و بحق هر پیغمبری که فرستاده او را بسوی بندگان خود و

بِحَقِّ كُلِّ شَيْءٍ جَعَلْتَهُ مُصَدِّقًا لِرُسُلِكَ وَكُلِّ كِتَابٍ
بحق هر چیزی که گردانیده او را تصدیق کننده برای رسولان خود و هر کتابی که

فصلته

فَصَّلْتَهُ وَاَحْكَمْتَهُ وَشَرَعْتَهُ وَكُلِّ دُعَآءٍ سَمِعْتَهُ فَاَجَبْتَهُ
تفصیل داده او را و محکم گردانیده او را و سنت قرار داده او را و هر دعائی که شنیده او را پس اجابت کرده او را

وَعَمَلٍ رَفَعْتَهُ وَاَسْئَلُكَ بِكُلِّ مَنْ عَظَّمْتَ حَقَّهُ وَاَعْلَيْتَ
و عملی که بلند کرده او را و سؤال میکنم ترا بحق هر که بزرگ گردانیده حق او را و برتر گردانیده

قَدْرَهُ وَعَرَّفْتَنَا اَمْرَهُ وَمَنْ لَمْ تُعَرِّفْنَا مَقَامَهُ وَلَمْ تُظْهِرْ
قدر او را و شناسانیده بما شان او را و کسیکه نشناسانیدی مقام او را و ظاهر نکرده

لَنَا شَاْنَهُ مِمَّنْ خَلَقْتَهُ مِنْ اَوَّلِ مَا ابْتَدَاْتَ بِهِ مِنْ خَلْقِكَ
از برای ما شان او را از آنکه آفریدی او را از اول آنکه ابتدا کرده بآن از آفریدگان خود

وَمِمَّنْ تَخْلُقُهُ اِلَى انْقِضَآءِ الدَّهْرِ وَاَسْئَلُكَ بِتَوْحِيدِكَ
و از آنکه خلق خواهی کرد تا انقضای روزگار و سؤال میکنم ترا بحق یگانه دانستن تو

الَّذِي فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ وَاَخَذْتَ بِهِ الْمَوَاثِيقَ وَ
که خلق کرده بر آن عقلها را و فرا گرفته بآن عهدها و پیمانها را

اَرْسَلْتَ بِهِ الرُّسُلَ وَجَعَلْتَهُ اَوَّلَ فُرُوضِكَ وَنِهَايَةَ
و فرستاده بآن رسولان را و گردانیده او را اول واجبهای خود و نهایت

طَاعَتِكَ وَاَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِجُودِكَ وَمَجْدِكَ وَكَرَمِكَ وَعِزِّكَ
طاعت خود و متوجه میشوم بسوی تو به بخشش تو و بزرگی تو و کرم تو و عزت تو

وَجَلَالِكَ وَعَفْوِكَ وَامْتِنَانِكَ وَتَطَوُّلِكَ وَاَسْئَلُكَ يَا
و عظمت تو و عفو تو و منت گذاشتن تو و تفضل کردن تو و سؤال میکنم ترا ای

اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ
خدا ای خدا ای خدا ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار و رغبت میکنم بسوی تو

خَاصًّا وَعَامًّا وَاَوَّلًا وَاٰخِرًا بِحَبِيبِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ
در خاص و عام و اول و آخر بحق حبیب تو و رسول تو محمد

سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَاَشْرَفِ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَبِالرِّسَالَةِ
بزرگ رسولان و شریفترین گذشتگان و آیندگان و برسالتی

الّتي اَدّاها والعبادة الّتي اجتهد فيها والمحنة الّتي صبر
که ادا کرد انرا و عبادتی که صرف طاقت کرد دران و محنتی که صبر کرد
عليها والمغفرة الّتي دعا اليها والديانة الّتي حضّ عليها
بران و آمرزشی که خواند بسوی ان و اطاعتی که تحریص کرد بران
منذ وقت رسالتك اياه الى ان توفّيته وبما بين ذلك
از وقت فرستادن تو او را تا وقتی که رحلت فرمودی او را و بانچه درمیانه ان واقع شد
من اقواله الحكيمة وافعاله الكريمة ومقاماته المشهودة
از اقوال محکم و افعال نیکوی ان و مقامهای حاضر کرده شده
وساعاته المعدودة ان تصلّي عليه كما وعدته من نفسك
و ساعتهای شمرده شده اینکه رحمت فرستی براو چنانکه وعده کرده انرا از جانب خود
وتعطيه افضل ما امّلته من ثوابك وتزلف لديك منزلته
و عطا کنی باو افضل انچه قصد کرده است از ثواب تو و نزدیک نزد خود مرتبه او را
وتعلي عندك درجته وتبعثه المقام المحمود وتورده
و بلند کردانی نزد خود مرتبه او را و بفرستی او را بجایگاه پسندیده و وارد سازی او را
حوض الكرم والجود وعلى اله الطيّبين الاطهار المنتجبين
بر حوض کرم و جود و رحمت بفرستی بر ال او که پاکیزه کانند و پاکان و گزیدگان
الابرار وعلى جبرئيل وميكائيل والملائكة المقرّبين
نیکوکارانند و بر جبرئیل و میکائیل و بر فرشتگان مقربین
وعلى جميع الانبياء والمرسلين والشهداء والصالحين
و بر جمیع پیغمبران و رسولان و شهیدان و صالحین
اللّهمّ انّي اصبحت لا املك لنفسي ضرًّا ولا نفعا ولا موتا
خداوندا که من داخل صباح شده‌ام درحالیکه نیستم برای نفس خود ضرری و نه نفعی و نه مردنی
ولا حيوة ولا نشورا قد انقطعت وسائلي وذهبت
و نه زندگی را بتحقیق که بریده شده است و وسیله‌های من و رفته است

مسائلي وذلّ ناصري واسلمني اهلي وولدي اللّهمّ وقد
سوالهای من و خوار شده است یاری کننده من و خوار کرده است مرا اهل من و فرزندان من خداوندا و بتحقیق
اكدى الطلب واعيت الحيل الّا عندك وانقطعت الطرق
که دشوار است طلب دعا عاجز مانده شده است چاره‌ها مگر نزد تو و بریده شده است راهها
وضاقت المذاهب الّا اليك ودرست الامال وانقطع
و تنگ شده است راهها مگر بسوی تو و محو شده است امیدها و بریده شده است
الرجاء الّا منك وكذب الظنّ واخلفت العدات الّا عداتك
ارزوها مگر از تو و دروغ شده است گمان و خلاف شده است وعده‌ها مگر وعده تو
اللّهمّ انّ مناهل الرجاء لفضلك مترعة وابواب
خداوندا بدرستیکه منهل امید بر فضل ترا مملوات و درهای
الدعاء لمن دعاك مفتّحة والاستعانة لمن استعان بك
دعا از برای کسی که دعای که بخواند ترا گشوده است و یاری جستن برای کسی که یاری جوید بتو
مباحة والاستغاثة لمن استغاث بك موجودة وانت
جایز و حلال است و طلب فریادرسی از برای کی که طلب فریادرسی کند بتو موجود است و توئی که
لداعيك بموضع اجابة وللصارخ اليك وليّ الاغاثة
خواننده خود را محل اجابتی و توئی که از برای فریادکننده بسوی تو متولی فریادرسیدن از برای
وللقاصد اليك قريب المسافة وانت لا تحتجب عن خلقك
قصدکننده بسوی تو قریب المسافتی و توئی که پوشیده نمیشوی از خلق خود
الّا ان تحجبهم الاعمال السيّئة وقد علمت انّ افضل
مگر اینکه بپوشاند ایشانرا کردارها زشت و بتحقیق که میدانم که بهترین
زاد الراحل اليك عزم ارادة واخلاص نيّة وقد دعوتك
توشه رحلت کننده بسوی تو عزم اراده است و خلاص نیت است و بتحقیق که من خواندم
بعزم ارادتي واخلاص طويّتي وصادق نيّتي فها انا ذا
بعزم اراده خود و اخلاص طویت خود و راستی نیت خود پس اینکه من

مسكينك بآئسك اسيرك فقيرك سائلك منيخ بفنائك

مسکین توام محتاج توام اسیر توام فقیر توام سؤال کننده توام اقامت کننده کوبنده ام

قارع باب رجائك وانت اولى بنصر الواثق بك واحق

بدرگاه تو در امید ترا و توئی اولی بیاری کردن اعتماد کننده بتو وسزاوارتر

برعاية المنقطع اليك سري لك مكشوف وانا اليك

برعایت کردن بریده شده بسوی تو سر من برای تو ظاهر است و من بسوی تو

ملهوف اذا اوحشتني الغربة آنسني ذكرك واذا

ملهوفم که هرگاه بوحشت اندازد مرا غریبی انس میدهد مرا یاد آوری و هرگاه

صبت علي الامور استجرت بك واذا تلاحكت علي

ریخته شود برمن امرها پناه می آورم بتو و هرگاه متداخل شوند برمن

الشدائد املتك واين يذهب بي يا رب عنك وازمة

سختیها امیدوارم ترا و کجا برده میشوم من ای پروردگار من از تو و مهارهای

الامور كلها بيدك صادرة عن قضائك مذعنة

عنانهای امرها تمام آنها بدست تست صادر شوند از قضای تو فروتنی میکنند

بالخضوع لقدرتك فقيرة الى عفوك ذات فاقة الى

بخضوع کردن مر قدرت ترا و فقیر اند بسوی عفو تو و صاحب احتیاجند بسوی

رحمتك وقد مسني الفقر ونالني الضر وشملتني

رحمت تو و بتحقیق که رسیده است بمن فقیر و رسیده است بمن بدحالی و فرو گرفت مرا

الخصاصة وعرتني الحاجة وتوسمت بالذلة وعلتني

بدحالی و شامل من شده است و نشان کرده شده ام بخواری و غلبه کرده است

المسكنة وحقت علي الكلمة واحاطت بي الخطيئة

برمن درویشی و سزاوار شده است برمن کلمه عذاب و احاطه کرده است بمن گناه

وهذا الوقت الذي وعدت اولياءك فيه الاجابة فامسح

و این است وقتی که وعده کرده دوستان خود را در آن باجابت کردن پس ببر

ما بي بيمينك الشافية وانظر الي بعينك الراحمة و

آنچه درمن است بدست راست شفا دهنده و نگاه کن بسوی من بدیده رحم کننده خود و

ادخلني في رحمتك الواسعة واقبل علي بوجهك ذي

داخل گردان مرا در رحمت واسع خود و رو کن بطرف من بروی خود که صاحب

الجلال والاكرام فانك اذا اقبلت على اسير فككته وعلى

بزرگی و کرامت گردانت پس بدرستیکه هرگاه رو کنی بر اسیری که رها میکنی بر

ضال هديته وعلى حائر آويته وعلى ضعيف قويته

گمراهی که راه مینمائی او را و بر حیرانی که پناه میدهی او را و بر ضعیفی که بگردانی او را

وعلى خائف آمنته اللهم انك انعمت علي فلم اشكر

و بر ترسنده که ایمان میکنی او را خداوندا بدرستیکه تو نعمت دادی بر من پس شکر نکردم ترا

وابتليتني فلم اصبر فلم يوجب عجزي عن شكرك منع

و گرفتار کردی مرا ببلا پس صبر نکردم پس باعث نمیشود ضعف من از شکر تو منع کردن

المؤمل من فضلك واوجب عجزي عن الصبر على بلائك

امید من شده از فضل تو و واجب ساخت ضعف من از صبر بر بلاهای تو

كشف ضرك وانزال رحمتك فيا من قل عند بلائه

رفع کردن تو بدحالی مرا و فرستادن تو رحمت خود را پس ای کسی که کم بود نزد بلای تو

صبري فعافاني وعند نعمائه شكري فاعطاني اسئلك

صبر من پس عافیت داد مرا و نزد نعمتهای او شکر من پس عطا کردی مرا سؤال میکنم ترا

المزيد من فضلك والايزاع لشكرك والاعتداد بنعمائك

زیادتی از فضل تو و در دل انداختن بر شکر ترا و پرورش یافتن بنعمتهای تو

في اعفى العافية واسبغ النعمة انك على كل شئ قدير

در عافیت دهنده عافیتی و کاملترین نعمتی بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

اللهم لا تخلني من يدك ولا تتركني لقا لعدوك و لا

خداوندا وامگذار مرا از دست خود و مگذار مرا که روانه شده از برای دشمن تو و نه

لِعَدُوِّي وَلَا تُوحِشْنِي مِنْ لَطَائِفِكَ الْخَفِيَّةِ وَكِفَايَتِكَ

از برای دشمن خود و وحشت مده مرا از لطفهای پنهان تو و کارگذاری

الْجَمِيلَةِ هٰذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ اللَّائِذِ بِعَفْوِكَ الْمُسْتَجِيرِ

نیکوی تو این مقام کسیست که پناه آورنده باشد التجا آورنده باشد بعفو تو جوینده باشد

بِعِزِّ جَلَالِكَ قَدْ رَأَىٰ أَعْلَامَ قُدْرَتِكَ فَأَرِهِ آثَارَ رَحْمَتِكَ

بغلبه بزرگی تو بتحقیق که دیده باشد نشانهای قدرت ترا این بنما باو آثار رحمت را

اللّٰهُمَّ تَوَلَّنِي وَلَايَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ سِوَاهَا وَأَعْطِنِي

خداوندا متولی شو مرا متولی شدن که بی نیاز گردانی مرا بسبب آن از غیر آن و عطا کن

عَطِيَّةً لَا أَحْتَاجُ إِلَىٰ غَيْرِكَ مَعَهَا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِبِدْعٍ مِنْ

عطیه که محتاج باشم بسوی غیر تو با وجود آن پس بدرستیکه تازه نیست و غریب نیست از

وِلَايَتِكَ وَلَا بِنُكْرٍ مِنْ عَطِيَّتِكَ ارْفَعِ الصَّرْعَةَ وَانْعَشِ

مدد کردن و یاری کردن تو و نه دور و دشوار از بخشش تو بلند کن افتاده را و بر خیزان

السَّقْطَةَ وَتَجَاوَزْ عَنِ الزَّلَّةِ وَاقْبَلِ التَّوْبَةَ وَارْحَمِ الْهَفْوَةَ

لغزیده را و بگذار کن از لغزش و قبول کن توبه مرا و رحم کن لغزش

وَأَنْجِ مِنَ الْوَرْطَةِ وَأَقِلِ الْعَثْرَةَ يَا مُنْتَهَىٰ الرَّغْبَةِ وَغِيَاثَ

و نجات ده از هلاک و فسخ کن لغزیده را ای منتهای رغبت و فریادرس

الْكُرْبَةِ وَوَلِيَّ النِّعْمَةِ وَصَاحِبًا فِي الْغُرْبَةِ فِي الْكُرْبَةِ وَ

اندوه و صاحب نعمت و یار در غم در اندوه و بسیار

رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ خُذْ بِيَدِي مِنْ دَحْضِ الْمَزَلَّةِ فَقَدْ

بخشنده در دنیا و آخرت بگیر دست مرا از محل لغزیدن پس تحقیق

كَبَوْتُ وَثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَإِلَّا غَوَيْتُ يَا هَادِيَ

بروز و ثابت دار مرا بر راه راست اگر نه گمراه خواهم بود ای نشان

الطَّرِيقِ يَا فَارِجَ الْمَضِيقِ يَا جَارِيَ لِلصِّيقِ يَا رُكْنِيَ الْوَثِيقِ

دهنده راه ای گشاینده تنگی ای همسایه در پهلوی من ای رکن محکم من

أَحْلِلْ عَنِّيَ الْمَضِيقَ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا أُطِيقُ وَشَرَّ مَا لَا أُطِيقُ

بگشای از من تنگی و کفایت کن برای من شر آنچه طاقت دارم و شر آنچه طاقت ندارم

يَا أَهْلَ التَّقْوَىٰ وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ وَالْعِزَّةِ وَالْقُدْرَةِ وَالْآلَاءِ

ای اهل پرهیزکاری و اهل آمرزش و عزت و توانائی و نعمت

وَالْعَظَمَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَأَكْرَمَ النَّاظِرِينَ وَرَبَّ

و بزرگی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و گرامی ترین نظر کنندگان و پروردگار

الْعَالَمِينَ لَا تَقْطَعْ مِنْكَ رَجَائِي وَلَا تُخَيِّبْ دُعَائِي وَلَا

عالمیان مبر از تو امید مرا و ناچیز مگردان دعای مرا و سخت

تُجْهِدْ بَلَائِي وَلَا تُسِئْ قَضَائِي وَلَا تَجْعَلِ النَّارَ مَأْوَايَ

مگردان بلای مرا و ناخوش مگردان قضای و مگردان آتش را جایگاه من

وَاجْعَلِ الْجَنَّةَ مَثْوَايَ وَأَعْطِنِي مِنَ الدُّنْيَا مُنَايَ وَبَلِّغْنِي

و بگردان بهشت را مقام من و عطا کن مرا از دنیا آرزوی مرا و برسان مرا

مِنَ الْآخِرَةِ أَمَلِي وَرِضَايَ وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي

از آخرت بامید من و خشنودی من و بده بمن در دنیا نیکوئی و در

الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي عَذَابَ النَّارِ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آخرت نیکوئی و نگاهدار مرا از عذاب آتش بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

وَبِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ بعد از آن میخوانی دعای صباح سید العابدين عليه السلام

و بهمه چیز احاطه کننده

و آن از دعاهای صحیفه کامله است الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ

سپاس مر خدایرا که آفرید شب

وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ وَمَيَّزَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لِكُلِّ وَاحِدٍ

و روز را بقوت خود و جدائی داد میانه ایشان بقدرت خود و گردانید از برای هر کس

مِنْهُمَا حَدًّا مَحْدُودًا وَأَمَدًا مَوْقُوتًا مَمْدُودًا يُولِجُ كُلَّ

از آنها نهایتی معین و غایت معین کرده شده داخل میسازد هر یک

وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي صَاحِبِهِ وَيُولِجُ صَاحِبَهُ فِيهِ بِتَقْدِيرٍ مِنْهُ لِلْعِبَادِ

فِيمَا يَغْذُوهُمْ بِهِ وَيُنْشِئُهُمْ عَلَيْهِ فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا

فِيهِ مِنْ حَرَكَاتِ التَّعَبِ وَنَهَضَاتِ النَّصَبِ وَجَعَلَهُ لَهُمْ

لِبَاساً لِيَلْبَسُوا مِنْ رَاحَتِهِ وَمَنَامِهِ فَيَكُونَ ذَلِكَ لَهُمْ

جَمَاماً وَقُوَّةً وَلِيَنَالُوا بِهِ لَذَّةً وَشَهْوَةً وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ

مُبْصِراً لِيَبْتَغُوا فِيهِ وَلِيَتَسَبَّبُوا إِلَى رِزْقِهِ وَيَسْرَحُوا فِي أَرْضِهِ

طَلَباً لِمَا فِيهِ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ دُنْيَاهُمْ وَدَرَكُ الْآجِلِ فِي

أُخْرَاهُمْ بِكُلِّ ذَلِكَ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ وَيَبْلُو أَخْبَارَهُمْ وَيَنْظُرُ

كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ طَاعَتِهِ وَمَنَازِلِ فُرُوضِهِ وَمَوَاقِعِ أَحْكَامِهِ

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاؤُا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا فَلَقْتَ لَنَا مِنَ الْإِصْبَاحِ وَمَتَّعْتَنَا

بِهِ مِنْ ضَوْءِ النَّهَارِ وَبَصَّرْتَنَا بِهِ مِنْ مَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ وَ

وقيتنا

وَقَيْتَنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْآفَاتِ أَصْبَحْنَا وَأَصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ

كُلُّهَا بِجُمْلَتِهَا لَكَ سَمَاؤُهَا وَأَرْضُهَا وَمَا بَثَثْتَ فِي كُلِّ وَاحِدٍ

مِنْهُمَا سَاكِنُهُ وَمُتَحَرِّكُهُ وَمُقِيمُهُ وَشَاخِصُهُ وَمَا عَلَا فِي

الْهَوَاءِ وَمَا كَنَّ تَحْتَ الثَّرَى أَصْبَحْنَا فِي قَبْضَتِكَ يَحْوِينَا

مُلْكُكَ وَسُلْطَانُكَ وَتَضُمُّنَا مَشِيَّتُكَ وَنَتَصَرَّفُ عَنْ أَمْرِكَ

وَنَتَقَلَّبُ فِي تَدْبِيرِكَ لَيْسَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ

وَلَا مِنَ الْخَيْرِ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ اللَّهُمَّ وَهَذَا يَوْمٌ حَادِثٌ جَدِيدٌ

وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ إِنْ أَحْسَنَّا وَدَّعَنَا بِحَمْدٍ وَإِنْ أَسَأْنَا

فَارَقَنَا بِذَمٍّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَارْزُقْنَا حُسْنَ

مُصَاحَبَتِهِ وَاعْصِمْنَا مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِارْتِكَابِ جَرِيرَةٍ

أَوِ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كَبِيرَةٍ وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ

وَأَخْلِنَا فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَامْلَأْ لَنَا مَا بَيْنَ طَرَفَيْهِ حَمْداً

وَشُكْراً وَأَجْراً وَذُخْراً وَفَضْلاً وَإِحْسَاناً اَللّٰهُمَّ يَسِّرْ عَلَى
و شکرگذاری و اجر و ذخیره آخرت و فضل و احسان خداوندا آسان کن بر
الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَؤُونَتَنَا وَامْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَائِفَنَا
فرشتگان کرامی که عملهای ما را مینویسند زحمت ما را و پر کن از برای ما از حسنات ما ورقهای اعمال ما را
وَلَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ
و رسوا مگردان ما را نزد فرشتگان بسبب کردارهای ما خداوندا بگردان ما را در هر
سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظّاً مِنْ عِبَادَتِكَ وَنَصِيباً مِنْ شُكْرِكَ
ساعتی از ساعتهای این روز بهره از پرستش خود و نصیبی از شکرگذاری
وَشَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
و گواه راستی از فرشتگان خود خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او
وَاحْفَظْنَا فِيهِ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَمِنْ خَلْفِنَا وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَ
و نگاهدار ما را در امروز از پیش روی ما و از پس ما و از جانبهای راست
عَنْ شَمَائِلِنَا وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا حِفْظاً عَاصِماً مِنْ مَعْصِيَتِكَ
و از جانبهای چپ ما و از همه جانبهای ما نگاهداشتنی که نگاهدارنده باشد از معصیت تو
هَادِياً إِلَى طَاعَتِكَ مُسْتَعْمِلاً لِمَحَبَّتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
راه نماینده باشد بسوی طاعت تو کار فرموده باشد برای دوستی تو خداوندا رحمت بفرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَفِّقْنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا وَلَيْلَتِنَا هَذِهِ وَفِي جَمِيعِ
محمد و آل او و توفیق ده ما را در روز ما این و شب ما که این است و در همه
أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ الْخَيْرِ وَهِجْرَانِ الشَّرِّ وَشُكْرِ النِّعَمِ وَاتِّبَاعِ
روزهای ما از برای کار خیر کردن و دوری کردن از شر و از برای شکرگذاری نعمتها و پیروی کردن
السُّنَنِ وَمُجَانَبَةِ الْبِدَعِ وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ
طریقهای پیغمبر و دوری کردن بدعتها و امر کردن بچیزهای نیکو و نهی کردن از چیزهای ناشایست
وَحِيَاطَةِ الْإِسْلَامِ وَانْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ وَنُصْرَةِ
و محافظت کردن بر مسلمانان و کم نمودن باطل و خوار کردن آن و یاری دادن

الْحَقِّ وَإِعْزَازِهِ وَإِرْشَادِ الضَّالِّ وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ وَإِدْرَاكِ
حق و گرامی کردن آن و راه نمودن گمراه و یاری کردن ضعیف و دریافتن
اللَّهِيفِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ أَفْضَلَ يَوْمٍ
ستمدیده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و بگردان این روز را بهترین روزی که
عَهِدْنَاهُ وَأَيْمَنَ صَاحِبٍ صَحِبْنَاهُ وَخَيْرَ وَقْتٍ ظَلِلْنَا فِيهِ
دریافته‌ایم آن را و مبارکترین مصاحبی که صحبت داشته‌ایم و بهترین وقتی که بسر برده‌ایم در آن
وَاجْعَلْنَا مِنْ أَرْضَى مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ مِنْ جُمْلَةِ
و بگردان ما را از خوشنودترین کسی که گذشته است بر او شب و روز از جمله
خَلْقِكَ أَشْكَرَهُمْ لِمَا أَوْلَيْتَ مِنْ نِعَمِكَ وَأَقْوَمَهُمْ بِمَا
آفریدگان تو شکرکننده‌ترین ایشان مر آنچه عطا کرده‌ای از نعمتهای خود و پا برجاترین ایشان در کردن آنچه
شَرَعْتَ مِنْ شَرَائِعِكَ وَأَوْقَفَهُمْ عَمَّا حَذَّرْتَ مِنْ نَهْيِكَ
شروع ساخته‌ای از شریعتهای خود و باز ایستاده‌ترین ایشان از آنچه ترساننده از مناهی خود
اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً وَأُشْهِدُ سَمَاءَكَ
خداوندا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا و بسنده تو برای گواهی و گواه میگیرم آسمان ترا
وَأَرْضَكَ وَمَنْ أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَسَائِرِ خَلْقِكَ
و زمین ترا و هر که را ساکن گردانیده در آنها از فرشتگان تو و باقی آفریده‌های تو
فِي يَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ وَلَيْلَتِي هَذِهِ وَمُسْتَقَرِّي
در این روز و این ساعت من و درین شب من و درین جایگاه من
هَذَا إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
باینکه من گواهی میدهم که تویی آن خدائی که نیست خدائی مگر تو
قَائِمٌ بِالْقِسْطِ عَدْلٌ فِي الْحُكْمِ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ مَالِكُ الْمُلْكِ
پایدار به انصاف عادلی در حکم بسیار مهربان به بندگان مالک پادشاهی
رَحِيمٌ بِالْخَلْقِ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَخِيَرَتُكَ
رحم کننده بخلایق و اینکه محمد بنده تست و رسول تست و برگزیده تست

مِنْ خَلْقِكَ حَمَّلْتَهُ رِسَالَتَكَ فَاَدّاهَا وَاَمَرْتَهُ بِالنُّصْحِ

از میان خلق تو تکلیف کردی اورا برداشتن پیغام تو پس رسانید انرا و امر کردی اورا بنصیحت

لِاُمَّتِهِ فَنَصَحَ لَهَا اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاَكْثَرَ

امت او پس نصیحت کرد ایشانرا خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او تمامترین

مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَاٰتِهِ عَنَّا اَفْضَلَ مَا اٰتَيْتَ

انچه رحمت فرستادی بر کسی از خلق خود و عطا کن اورا از جانب ما کاملترین انچه عطا کرده

اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ وَاَنِلْهُ اَفْضَلَ مَا اَنَلْتَ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ

احدیرا از بندگان خود و برسان باو افضل انچه رسانیدی باحدی از بندگان خود

وَاجْزِهِ عَنَّا اَفْضَلَ وَاَكْرَمَ مَا جَزَيْتَ اَحَدًا مِنْ اَنْبِيَائِكَ

و پاداشتن ده اورا از جانب ما کاملترین و گرامترین انچه پاداش داده کسیرا از پیغمبران تو

عَنْ اُمَّتِهِ اِنَّكَ اَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْجَسِيْمِ الْغَافِرُ لِلْعَظِيْمِ وَاَنْتَ

از جانب امت او بدرستیکه توئی تو عطا کننده نعمت بزرگ امرزنده هر گناه بزرگرا و توئی

اَرْحَمُ مِنْ كُلِّ رَحِيْمٍ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ

مهربان تر از هر مهربان و رحمت کناد خدای بر بزرگ ما و پیغمبر ما محمد و آل

الطَّاهِرِيْنَ الْاَخْيَارِ الْاَنْجَبِيْنَ وبدانکه دعاها و ذکرها که

که پاکیزگان و خوبانند و گرامی ترین مردمانند وارد شده است از اصحاب

عصمت سلام الله علیهم در تعقیبات خصوصا تعقیب صبح بسیار است

جدًّا وما اکتفا کردیم باین قدر بجهت اختصار والله ولیّ الاعانة و

التوفیق وبدانکه انچه ما ذکر کردیم انرا از تعقیب ماخوذ است از دعوات

متعدده و مجتمع نشده اند و در روایت واحدی بس تراست که اقتصار

کنی بر بعضی از ان هرگاه وسعت نداشته باشد وقت تو از برای همه

وهرگاه بیابی از نفس خود سستی و ماندگی پس تعقیب را تکلیف مفرما

اورا بتمام کردن ان از بی میل بسوی ان و اقبال بران زیرا که توجه و اقبال

روح

روح عبادت و دعاست و سنت است نشستن تو در مصلای خود بعد

از فراغ از نماز صبح تا اینکه طلوع کند افتاب و هرچند نبوده باشی مشغول

بتعقیب پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

که فرمودند که هر که نماز کند و بنشیند در مصلای خود تا طلوع افتاب

خواهد بود از برای او سپری از اتش و سزاوار است خواندن یٰس بعد

از تعقیب پس بدرستیکه خواننده ان در صباح همیشه محفوظ است و

روزی داده شده است تا انکه شام کند و این سوره یٰس را دافعه میگویند

جهت انکه دفع میکند از خواننده خود هر شری را و قاضیه نیز میگویند

باعتبار انکه برمی اورد از برای خواننده خود هر حاجتی فصل

بدانکه وارد است قسمت روز بدوازده ساعت نسبت هر ساعتی بیکی

از ائمه اثنی عشر علیهم السلام و تخصیص ان بدعائی که خوانده شود

دران و من ذکر میکنم هر یک از انها را با دعای ان در محل خود انشاء الله

پس ساعت اول همین ساعتیست که کلام ما درین باب در انست یعنی

میانه طلوع صبح تا طلوع افتاب و این منسوبست بحضرت امیر المؤمنین

علیه السلام و این دعای انست اَللّٰهُمَّ رَبَّ الظَّلَامِ وَالْفَلَقِ وَالْفَجْرِ

خداوندا ای پروردگار تاریکی و روشنی و صبح

وَالشَّفَقِ وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ خَالِقَ الْاِنْسَانِ

و شفق و شب و انچه جمع کند انرا و ماه هرگاه مجتمع شود ای افریننده انسان

مِنْ عَلَقٍ اَظْهَرْتَ قُدْرَتَكَ بِبَدِيْعِ صَنْعَتِكَ وَخَلَقْتَ عِبَادَكَ

از پاره های خون ظاهر کردی تو قدرت خود بصنعت بدیع خود و افریدی بندگان خود را

لِمَا كَلَّفْتَهُمْ مِنْ عِبَادَتِكَ وَهَدَيْتَهُمْ بِكَرَمِ فَضْلِكَ اِلٰى سُبُلِ

برای انچه تکلیف کردی ایشانرا از عبادت خود و راه نمودی ایشانرا ببب بزرگواری فضل خود بسوی راههای

طَاعَتِكَ وَتَفَرَّدْتَ فِيْ مَلَكُوْتِكَ بِعَظِيْمِ السُّلْطَانِ وَتَوَدَّدْتَ

طاعت خود و یگانه در پادشاهی خود بسلطنت عظیم و اظهار کردی دوستی

اِلیٰ خَلْقِكَ بِقَدِیْمِ الْاِحْسَانِ وَتَعَرَّفْتَ اِلیٰ بَرِیَّتِكَ بِجَسِیْمِ

خلق خودرا باحسان قدیم واظهار خود کرده بافریدکان خود بنعمت دادن

الْاِمْتِنَانِ یَا مَنْ یَسْئَلُهُ مَنْ فِی السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ کُلَّ یَوْمٍ

جسیم ای کسی که سؤال میکند اورا هرکه در اسمانها ودر میانست هر روز

هُوَ فِیْ شَاْنٍ اَسْئَلُكَ اللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیّیْنَ الَّذِیْ

او درکاری واز تست سؤال میکنم خداوندا بحق محمد اخر پیغمبران که

نَزَلَ بِهِ الرُّوْحُ الْاَمِیْنُ عَلیٰ قَلْبِهِ لِیَکُوْنَ مِنَ الْمُنْذِرِیْنَ

فرود امده است بقران جبرئیل بر دل او تا بوده باشد از ترسانندکان

بِلِسَانٍ عَرَبِیٍّ مُبِیْنٍ وَبِاَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلِیِّ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ

بلسان عربی ظاهر وبحق امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب

اِبْنِ عَمِّ الرَّسُوْلِ وَبَعْلِ الْبَتُوْلِ الَّذِیْ فَرَضْتَ وِلَایَتَهُ عَلَی

وپسر عم رسول وشوهر بتول که فرض کرده دوستی اورا بر

الْخَلْقِ وَکَانَ یَدُوْرُ حَیْثُ دَارَ الْحَقُّ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ

خلق وبود چنین که میکشت حق هرجا که میکشت او اینکه رحمت بفرستی بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ جَعَلْتُهُمْ وَسِیْلَتِیْ اَمَامِیْ وَبَیْنَ یَدَیَّ

وال محمد پس بتحقیق که کردانیده ام ایشانرا وسیله خود ومقدم داشتم ایشانرا پیش پیش خود

حَوَائِجِیْ وَاَنْ تَغْفِرَ لِیْ ذَنْبِیْ وَتُطَهِّرَ قَلْبِیْ وَتَسْتُرَ عَیْبِیْ

در پیش حاجتهای خود واینکه بیامرزی کناه مرا وپاک کردانی دل مرا وبپوشانی عیب مرا

وَتُفَرِّجَ کَرْبِیْ وَتُبَلِّغَنِیْ مِنْ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ اَمَلِیْ

ودفع کنی اندوه مرا وبرسانی مرا از طاعت تو وعبادت تو ارزوی مرا

وَتَقْضِیَ لِیْ حَوَائِجِیْ لِلدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

وبرآوری برای من حاجتهای مرا ازبرای دنیا واخرت ای رحم کننده ترین رحم کنندکان

وجایز است اکر بکردانی این دعا را ازجمله تعقیب وباید که بوده باشد

اخرانچه بجامی اوری انرا بعد از نماز سجدهٔ شکر پس بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدّثین در فقیه از حضرت ابی عبدالله علیه السّلم که فرمودند که سجدهٔ شکر واجبست بر هر مسلمانی وتمام میکنی بان نماز خودرا وراضی میکردانی بان پروردکار خودرا وبشکفت می ایند ملائکه از تو وبدرستیکه بنده هرکاه نماز کند وبعد ازان سجده کند سجدهٔ شکررا میکشاید پروردکار حجاب را میان بندهٔ وسیان ملائکه پس میفرماید ای ملائکه من نکاه کنید بر بندهٔ من که بجا اورده است فرض مرا وتمام کرده است عهد مرا پس سجده کرده است برای من جهة شکر برانچه انعام کرده ام من بان بروای ملائکه من چه چیز است برای او پس میکویند ملائکه پروردکارما رحمت تو باز میفرماید خدای تعالی پس ازان دیکر چه چیز پس میکویند ملائکه ای پروردکارما کفایت مهم ومطلب او باز میفرماید خدا یتعالی پس ازان دیکر چه چیز پس باقی نمیماند چیزی از خیر مکر اینکه میکویند انرا ملائکه پس میفرماید خدای تعالی ای ملائکه من پس ازان دیکر چه چیز پس میکویند ملائکه ای پروردکارما نیست علمی از برای ما پس میفرماید خدا یتعالی هر اینه شکر میکنم من اورا چنانکه او شکر کرد مرا وروی اوردم سوی او وبفضل خود ومینمایم باو رحمت خودرا وسنّت است طول دادن این سجدها پس بتحقیق که روایت کرده است در فقیه نیز که حضرت کاظم علیه السّلم بسجود میرفتند بعد ازانکه نماز صبح میکردند پس برنمیداشتند سر مبارک را تا انیکه بلند میشد روز وهرکاه بکنی این دو سجده را پس میکنی ذراعهای خودرا بر زمین ومیچسپانی سینهٔ خودرا وشکم خودرا بر زمین ومیخوانی انچه را روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از حضرت ابی الحسن علیه السّلم اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُشْهِدُكَ وَ

پس میکوئی در سجدهٔ اوّل خداوندا بدرستیکه من کواهی میکیرم ترا

اشهد ملائكتك وانبيائك ورسلك وجميع خلقك

وگواه میگیرم فرشتگان ترا و پیغمبران ترا و رسولان ترا جمیع آفریدگان ترا

انك انت الله ربي والاسلام ديني ومحمدا صلى الله عليه

بآنکه توئی خدای پروردگار من و اسلام دین منست و محمد که رحمت کناد خدای براو

واله نبيي وعليا والحسن والحسين وعليا ومحمدا

وآل او پیغمبر من و علی و حسن و حسین و علی و محمد

وجعفرا وموسى وعليا ومحمدا وعليا والحسن ومحمد

و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و محمد

سلام الله عليهم ائمتي بهم اتولى ومن اعدائهم اتبرا

رحمت خدا برایشان باد امامان من اند محبت میکنم ایشان را و از دشمنان ایشان بیزاری میخواهم

بعد ازان میکوئی سه مرتبه اللهم اني انشدك دم المظلوم بعد

خداوندا بدرستیکه من قسم میدهم ترا بحق خون مظلوم

ازان میکوئی اللهم اني انشدك بايوائك على نفسك لاوليائك

خداوندا بدرستیکه من قسم میدهم ترا بحق عهدی که تو کرده بر نفس خود از برای دوستان خود

لتظفرنهم بعدوك وعدوهم ان تصلي على محمد وال

بآنکه فیروزی دهی ایشان را بر دشمن تو و دشمن ایشان آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

محمد وعلى المستحفظين من ال محمد صلى الله عليه

محمد و بر حفظ کنندگان از آل محمد رحمت کناد خدای براو

واله وبعد ازان میکوئی سه مرتبه اللهم اني اسئلك اليسر

و آل او خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آسانی را

بعد العسر بعد ازان میکذاری کونه راست خود را بر زمین و میکوئی

بعد از تنگی و دشواری

يا كهفي حين تعييني المذاهب وتضيق علي الارض بما

ای پناه من در وقتی که بتعب می اندازد مرا راهها و تنگ میشود بر من زمین با همه

رحبت يا باري خلقي رحمة بي وكان عن خلقي غنيا صل

وسعت آن ای آفریننده خلق من جهة رحمت بر من و بود از آفریدن من بی نیاز رحمت

على محمد وال محمد وعلى المستحفظين من ال محمد صلى الله

بفرست بر محمد و آل محمد و بر حفظ کنندگان از آل محمد رحمت کناد خداوند

عليه واله بعد ازان میکذاری کونه چپ خود را بر زمین و میکوئی

براو و آل او

سه مرتبه يا مذل كل جبار ويا معز كل ذليل قد وعزتك بلغ

ای خوار کننده هر جبار و ای عزیز کننده هر خوار تحقیق قسم بعزت تو رسیده است

بي مجهودي بعد ازان میکوئی سه مرتبه يا حنان يا منان يا

در من شقت ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده

كاشف الكرب العظام بعد ازان اتیان میکنی بسجده دوئم و میکوئی

ای دفع کننده اندوه های بزرگ و آن صد مرتبه شکرا شکرا بعد ازان سؤال

میکنی حاجت خود را و روایت شده از انحضرت علیه السلام که میفرمودند

در سجده شکر باواز حزین و حال انکه اشکهای او روان میشد

عصيتك يا رب بلساني ولو شئت وعزتك لاخرستني

عصیان کرده ام ترا ای پروردگار من بزبان خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه گنگ میکردی مرا

وعصيتك ببصري ولو شئت وعزتك لاكمهتني

و عصیان کرده ام من ترا بچشم خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه کور میکردی مرا

وعصيتك بسمعي ولو شئت وعزتك لاصممتني و

و عصیان کرده ام ترا بگوش خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه کر میکردی مرا و

عصيتك بيدي ولو شئت وعزتك لكنعتني وعصيتك

عصیان کردم بدست خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه شل میکردی مرا و عصیان

برجلي ولو شئت وعزتك لجذمتني وعصيتك بفرجي

کرده ام بپای خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه مبتلا بجذام میکردی مرا و عصیان کرده ام ترا بفرج خود

اشهد ملائکتک وانبیائک ورسلک وجمیع خلقک

وگواه میگیرم فرشتگان ترا وپیغمبران ترا ورسولان ترا جمیع آفریدگان ترا

انک انت الله ربی والاسلام دینی ومحمدا صلی الله علیه

اینکه توئی خدای پروردگار من واسلام دین منست ومحمد که رحمت کناد خدای براو

واله نبیی وعلیا والحسن والحسین وعلیا ومحمدا

وآل او پیغمبر من وعلی وحسن وحسین وعلی ومحمد

وجعفرا وموسی وعلیا ومحمدا وعلیا والحسن ومحمدا

وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی وحسن ومحمد

سلام الله علیهم ائمتی بهم اتولی ومن اعدائهم اتبرا

رحمت خدا برایشان باد امامان من اند محبت میکنم ایشان را واز دشمنان ایشان بیزاری میخواهم

بعد از آن میگوئی سه مرتبه اللهم انی انشدک دم المظلوم بعد

خداوندا بدرستیکه من قسم میدهم ترا بحق خون مظلوم

از آن میگوئی اللهم انی انشدک بایوائک علی نفسک لاولیائک

خداوندا بدرستیکه من قسم میدهم ترا بحق عهدی که تو کرده بر نفس خود از برای دوستان خود

لتظفرنهم بعدوک وعدوهم ان تصلی علی محمد وال

باینکه فیروزی دهی ایشان را بر دشمن تو ودشمن ایشان اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل

محمد وعلی المستحفظین من ال محمد صلی الله علیه

محمد وبر حفظ کنندگان از آل محمد رحمت کناد خدای براو

واله وبعد از آن میگوئی سه مرتبه اللهم انی اسئلک الیسر

وآل او خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آسانی را

بعد العسر بعد از آن میگذاری گونه راست خود را بر زمین ومیگوئی

بعد از تنگی ودشواری

یا کهفی حین تعیینی المذاهب وتضیق علی الارض بما

ای پناه من وقتی که بتعب می اندازد مرا راهها وتنگ میشود بر من زمین با همه

رحبت

وعصیان کرده ام من ترا بچشم خود واگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه کور میکردی مرا

وعصیتک بسمعی ولو شئت وعزتک لاصممتنی و

وعصیان کرده ام ترا بگوش خود واگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه کر میکردی مرا و

عصیتک بیدی ولو شئت وعزتک لکنعتنی وعصیتک

عصیان کردم بدست خود واگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه شل میکردی مرا وعصیان

برجلی ولو شئت وعزتک لجذمتنی وعصیتک بفرجی

کرده ام بپای خود واگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه مبتلا میکردی مرا وعصیان کرده ام ترا بفرج خود

بسم الله خیر الاسماء

[illegible]

محمّد — و بر حفظ کننده کان

وَ اٰلِهِ و بعدازان میکوئی سه مرتبه اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ الیُسْرَ

وال او — خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آسانی را

بَعْدَ العُسْرِ بعدازان میکذاری کونه راست خود را بر زمین ومیکوئی

بعد از تنگی و دشواری

یا کَهْفی حینَ تُعْیِینِی المَذاهِبُ وَتَضیقُ عَلَیَّ الاَرْضُ بِما

ای پناه من در وقتی که بتعب می اندازد مرا راهها و تنگ میشود بر من زمین با همه

رحبت

رَحُبَتْ یا بارِئَ خَلْقی رَحْمَةً بی وَکانَ عَنْ خَلْقی غَنِیّاً صَلِّ

وسعت آن ای آفریننده خلق من بجهة رحمت بر من و حال اینکه بودی بی‌نیاز از خلق من پس رحمت

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَی المُسْتَحْفَظینَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ

بفرست بر محمّد و آل محمّد و بر حفظ کنندگان از آل محمد رحمت کند خداوند

عَلَیْهِ وَ آلِهِ بعدازان میکذاری کونه چپ خود را بر زمین و میکوئی

بر او و آل او

سه مرتبه یا مُذِلَّ کُلِّ جَبّارٍ وَیا مُعِزَّ کُلِّ ذَلیلٍ قَدْ وَعِزَّتِكَ بَلَغَ

ای خوار کننده هر جبار و ای عزیز کننده هر خوار تحقیق قسم بعزت تو رسیده

بی مَجْهُودی بعدازان میکوئی سه مرتبه یا حَنّانُ یا مَنّانُ یا

ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده — در من شفقت

کاشِفَ الکُرَبِ العِظامِ بعدازان اتیان میکنی بسجده دویم و میکوئی

ای دفع کننده اندوه های بزرگ — در آن صد مرتبه شکراً شکراً بعدازان سؤال

میکنی حاجت خود را و روایت شده از آنحضرت علیه السلام که میفرمودند

در سجده شکر باواز حزین و حال آنکه اشکهای او روان میشد

عَصَیْتُكَ یا رَبِّ بِلِسانی وَلَوْشِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَاَخْرَسْتَنی

عصیان کرده ام ترا ای پروردگار من بزبان خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه لال میکردی مرا

وَعَصَیْتُكَ بِبَصَری وَلَوْشِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَاَکْمَهْتَنی

و عصیان کرده ام ترا بچشم خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه کور میکردی مرا

وَعَصَیْتُكَ بِسَمْعی وَلَوْشِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَاَصْمَمْتَنی وَ

و عصیان کرده ام ترا بگوش خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه کر میکردی مرا و

عَصَیْتُكَ بِیَدی وَلَوْشِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَکَنَعْتَنی وَعَصَیْتُكَ

عصیان کرده ام بدست خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه شل میکردی مرا و عصیان

بِرِجْلی وَلَوْشِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَجَذَمْتَنی وَعَصَیْتُكَ بِفَرْجی

کرده ام بپای خود و اگر میخواستی قسم بعزت تو هر آینه مبتلا بجذام میکردی مرا و عصیان کرده ام ترا بفرج خود

وَلَوْ شِئْتَ وَعِزَّتِكَ لَعَقَمْتَنِي وَعَصَيْتُكَ بِجَمِيعِ جَوَارِحِي

و اگر میخواستی قسم بعزت تو هرآینه عقیم میکردانیدی مرا و عصیان کرده ام بجمیع اعضای خود

الَّتِي اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَلَيْسَ هٰذَا جَزَاؤُكَ مِنِّي بعد ازان میکفتند

که انعام کرده بان بر من و نیست این جزای تو از جانب من هزار مرتبه

العَفْوُ العَفْوُ بعد ازان میچسپانیدند کونه راست خود را بر زمین

و میکفتند باواز حزین بُؤْتُ اِلَيْكَ بِذَنْبِي عَمِلْتُ سُوءً وَ

ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي اقرار کرده بسوی تو بگناه خود که کرده ام بدی و

ذُنُوبِي فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرُكَ ستم کرده ام نفس خود را پس بیامرز

مَوْلَايَ بعد ازان میچسپانیدند برای من گناهان پس بدرستیکه نمی امرزد گناهان را کسی غیر تو

ای سید و کارمن کونه چپ خود را بر زمین و میکفتند سه مرتبه اِرْحَمْ

مَنْ اَسَاءَ وَاقْتَرَفَ وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ و میکوئی هرگاه برداری

رحم کن کسی را که بد کرده و کسب گناه کرده و فروتنی کرده و اعتراف کرد بعد سر خود را از سجده شاکر

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي وَلَمْ اَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً رَبِّ

خداوندا مر ترا ست سپاس چنانکه آفریدی مرا و نبودم من چیزی یاد کرده شده ای پروردگار

اَعِنِّي عَلَى اَهْوَالِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَ

مدد کن مرا بر هولهای دنیا و مصیبتهای روزگار و نکبتهای زمان و

مُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْاَيَّامِ وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ

مصیبتهای شبها و روزها و کفایت کن از من شر آنچه میکنند ستمکاران

فِي الْاَرْضِ وَفِي سَفَرِي فَاصْحَبْنِي وَفِي اَهْلِي فَاخْلُفْنِي وَفِيمَا

در زمین و در سفر من پس رفیق باش با من و در اهل من پس جانشین من باش در

رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَفِي نَفْسِي لَكَ فَذَلِّلْنِي وَفِي اَعْيُنِ

آنچه روزی کرده مرا پس برکت ده برای من و در نفس من برای تو پس خوار بفرما و در دیدهای

النَّاسِ فَعَظِّمْنِي وَاِلَيْكَ فَحَبِّبْنِي وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي

مردم پس بزرگ گردان مرا و بسوی تو پس محبت گردان مرا و بسبب گناهان من پس رسوا مکن مرا

وَبِعَمَلِي فَلَا تُبْسِلْنِي وَبِسِرِّي فَلَا تُخْزِنِي وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ

و بسبب کردار من پس گرفتار مکن مرا و بسبب نهانی من پس رسوا مکن مرا و از شر جن

وَالْاِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَلِمَحَاسِنِ الْاَخْلَاقِ فَوَفِّقْنِي وَمِنْ مَسَاوِي

و انس پس سالم دار مرا و برای خوبیهای اخلاق پس توفیق ده مرا و از بدیهای اخلاق

الْاَخْلَاقِ فَجَنِّبْنِي اِلَى مَنْ تَكِلُنِي يَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ

نکوهیده پس دور کن مرا بسوی که میگذاری مرا ای پروردگار ضعیف شمرده شدگان

وَاَنْتَ رَبِّي اِلَى عَدُوٍّ مَلَّكْتَهُ اَمْرِي اَمْ اِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي

و تو پروردگار منی بسوی دشمن که گردانیده او را مالک امر من یا بسوی دوری که ترشروئی کند با من

فَاِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ يَا رَبِّ فَلَا اُبَالِي غَيْرَ اَنَّ

پس اگر نیستی تو غضبناک بر من ای پروردگار من پس پروا ندارم من غیر اینکه

عَافِيَتَكَ اَوْسَعُ لِي وَاَحَبُّ اِلَيَّ اَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ

عافیت تو فراختر است برای من و دوست تر است بسوی من پناه می آورم بنور روی تو

الَّذِي اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ

که روشن است بان آسمانها و زمین و منکشف شده است بسبب آن ظلمتها

وَصَلُحَ عَلَيْهِ اَمْرُ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اَنْ يَحِلَّ عَلَيَّ غَضَبُكَ

و بصلاح آمده است بران امر گذشتگان و آیندگان از اینکه فرود برمن غضب تو

وَيَنْزِلَ بِي سَخَطُكَ لَكَ الْحَمْدُ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا

و نازل شود بر من سخط تو از برای تست سپاس تا آنکه خوشنود شوی و بعد از خوشنود شدن

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ باب دوم در آنچه کرده

و نیست گردیدنی و نه قوتی و نه طاعتی مگر بسبب تو میشود میانه طلوع آفتاب تا پیشین

بتحقیق که گذشت در اواخر باب اول اینکه وارد شده است قسمت روز

بدوازده ساعت و اینکه از برای هر یک از ائمه اثنی عشر علیهم السلام

ساعتیست و از برای هر ساعت دعائی که مخصوص بانست پس ساعت

اول کهان میانهٔ طلوع صبحست تا طلوع افتاب از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلم است و ذکر کردیم ما دعائی را از جملهٔ اعمال آن وقت پس همین
ذکر میکنیم در اینمقام انچه مخصوص باینوقتست پس میگوئی که ساعت
دوم از طلوع افتابست تا برطرف شدن سرخی ان و این از حضرت امام حسن
علیه السلم و میخوانی دران این دعا را اَللّٰهُمَّ یا خالِقَ السَّمٰواتِ
خداوندا ای آفریننده آسمانها

وَالْاَرْضِ وَمالِكَ الْبَسْطِ وَالْقَبْضِ وَمُدَبِّرَ الْاِبْرامِ وَالنَّقْضِ وَ
و زمین و مالک گشادن و درهم کشیدن و تدبیر محکم کردن و سست کردن

مَنْ لا یُجیبُ الْمُضْطَرَّ اِذا دَعاهُ وَیَكْشِفُ السُّوءَ یا مالِكُ یا جَبّارُ
و کسی که نومید نمیکند بیچاره را هرگاه بخواند او را و برطرف میکند ناخوشی را ای خداوند همه ای جبر کننده

یا واحِدُ یا قَهّارُ یا عَزیزُ یا غَفّارُ یا مَنْ لا تُدْرِكُهُ الْاَبْصارُ
ای یگانه بسیار قهر کننده ای غالب ای بسیار بخشاینده ای کسی که ادراک نمیکنند او را دیدها

وَهُوَ یُدْرِكُ الْاَبْصارَ یا مَنْ لا یُمْسِكُ خَشْیَةَ الْاِنْفاقِ وَلا
و او ادراک میکند دیدها را ای کسی که امساک نمیکند از ترس نفقه دادن و کم نمیکند

یُقَتِّرُ خَوْفَ الْاِمْلاقِ یا كَریمُ یا رَزّاقُ یا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ
از خوف فقیر شدن ای بزرگوار ای بسیار روزی دهنده ای ابتدا کننده بنعمتها قبل از

الْاِسْتِحْقاقِ یا مَنْ یُنَزِّلُ الرُّوحَ مِنْ اَمْرِهِ عَلیٰ مَنْ یَشاءُ مِنْ
استحقاق ای کسی که فرو میفرستد روح را از امر خود بر هر که میخواهد از

عِبادِهِ لِیُنْذِرَ یَوْمَ التَّلاقِ كَبُرَتْ نِعْمَتُكَ عَلَيَّ وَصَغُرَ
بندگان خود تا که بترساند از روز ملاقات بزرگ است نعمت تو بر من و کوچک است

فی جَنْبِها شُكْری وَدامَ غِناكَ عَنّی وَعَظُمَ اِلَیْكَ فَقْری اَسْئَلُكَ
در جنب آن شکر من و همیشه است بی نیازی تو از من و بزرگ است بسوی تو حاجتم سؤال میکنم

یا عالِمَ سِرّی وَجَهْری یا مَنْ لا یَنْفَدُ سِواهُ عَلَی الْكَشْفِ ضُرّی
تو را ای دانای نهانی من و آشکار من ای کسی که قادر نیست غیر او بر دفع کردن بدحالی من

اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الْمُخْتارِ وَحُجَّتِكَ عَلَی الْاَبْرارِ
اینکه رحمت بفرستی بر محمد که رسول برگزیده تست و برهان تست بر نیکوکاران

وَالْفُجّارِ وَعَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ الطّاهِرینَ الْاَخْیارِ وَاَتَوَسَّلُ اِلَیْكَ
و بدکاران و بر اهل بیت او که پاکان و خوبانند و توسل میجویم بسوی تو

بِالْاَنْزَعِ الْبَطینِ عِلْماً وَبِالْاِمامِ الزَّكِیِّ الْحَسَنِ الْمَقْتُولِ سَمّاً
بانزعی که بطین است از علم و بامام پاکیزه حسن علیه السلام که کشته شده بزهر

فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ اِلَیْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمامی وَبَیْنَ یَدَیْ
پس بتحقیق که شفاعت میجویم بایشان بسوی تو و مقدم داشته ام ایشانرا پیش خود و پیش

حَوائِجی اَنْ تَزیدَنی مِنْ لَدُنْكَ عِلْماً وَتَهَبَ لی حُكْماً وَتَجْبُرَ
حاجتهای خود اینکه زیاد کنی مرا از نزد خود علمی و ببخشی برای من حکمی و اصلاح کنی

كَسْری وَتَشْرَحَ بِالتَّقْویٰ صَدْری وَتَرْحَمَنی اِذَا انْقَطَعَ مِنَ
شکستگی مرا و بگشائی به پرهیزکاری سینهٔ مرا و رحم کنی مرا هرگاه ببرد نشو از

الدُّنْیا اَثَری وَتَذْكُرَنی اِذا نُسیتُ فیها ذِكْری بِرَحْمَتِكَ یا
دنیا نشان من و یاد کنی مرا هرگاه فراموش شود یاد من برحمت خود ای

اَرْحَمَ الرّاحِمینَ ساعت سیم که از برطرف شدن سرخی افتابست تا
رحم کننده ترین رحم کنندگان بلند شدن روز از حضرت امام حسین علیه السلام
و میخوانی دران این دعا را اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْبابِ وَمُسَبِّبَ الْاَسْبابِ
خداوندا ای پروردگار پروردندها و سبب سازندهٔ سببها

وَمالِكَ الرِّقابِ وَمُسَخِّرَ السَّحابِ وَمُسَهِّلَ الصِّعابِ یا حَلیمُ
و مالک گردنها و مسخر کنندهٔ ابر و آسان کنندهٔ دشوارها ای بردبار

یا تَوّابُ یا كَریمُ یا وَهّابُ یا مُفَتِّحَ الْاَبْوابِ یا مَنْ حَیْثُ ما
ای بسیار توبه قبول کننده ای بزرگوار ای بسیار بخشنده ای گشاینده درها ای کسی که هرجا

دُعِیَ اَجابَ یا مَنْ لَیْسَ لَهُ حاجِبٌ وَلا بَوّابٌ یا مَنْ لَیْسَ
خوانده شود جواب داده ای کسی که نیست از برای او حاجب و نه دربانی ای کسی که نیست از برای

لِخَزائِنِهِ قُفْلٌ وَلا بابٌ يا مَنْ لا يُرْخى عَلَيْهِ سِتْرٌ وَلا يُضْرَبُ

خزانه های او قفلی و نه دری ای کسی که او بخته نمیشود براو پرده و زده نمیشود

دُونَهُ حِجابٌ يا مَنْ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ يا غافِرَ

نزد او حجابی ای کسی که روزی میدهد هر کرا میخواهد بغیر حساب ای بخشنده

الذَّنْبِ وَقابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقابِ اَللّٰهُمَّ انْقَطَعَ

گناه و قبول کننده توبه صاحب عقاب خداوندا بریده شده است

الرَّجاءُ اِلّا مِنْ فَضْلِكَ وَخابَ الْاَمَلُ اِلّا مِنْ كَرَمِكَ

ارزو مگر از فضل تو و نومید شده است مگر از کرم تو

فَاَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ وَبِعَلِيِّ بْنِ اَبِيطالِبٍ صَفِيِّكَ

پس سؤال میکنم ترا بحق محمد رسول تو و بحق علی بن ابی طالب ع برگزیدهٔ تو

وَبِالْحُسَيْنِ الْاِمامِ التَّقِيِّ الزَّكِيِّ الَّذِي اشْتَرى بِهِ نَفْسَهُ ابْتِغاءَ

و بحق حسین ع امام پرهیزکار که فروخت نفس خودرا جهة طلب کردن

مَرْضاتِكَ وَجاهَدَ النّاكِثِينَ عَنْ صِراطِ طاعَتِكَ فَقَتَلُوهُ

رضای تو و جهاد کرده است با عدول کنندگان از راه طاعت تو پس کشتند اورا

ساغِباً ظَمْآناً وَهَتَكُوا حُرْمَتَهُ بَغْياً وَعُدْواناً وَحَمَلُوا

گرسنه و تشنه و دریدند پردهٔ حرمت اورا از روی تعدی و ظلم و بردند

رَأْسَهُ فِي الْآفاقِ وَاَحَلُّوهُ مَحَلَّ اَهْلِ الْعِنادِ وَالشِّقاقِ

سر اورا در اطراف و فرود آوردند اورا محل اهل عناد و عداوت

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَجَدِّدْ عَلَى الْباغِي عَلَيْهِ مُخْزِياتِ

خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و تازه گردان بر ستم کنندگان براو رسوا کنندگان

لَعْنِكَ وَانْتِقامِكَ وَمُرْدِياتِ سَخَطِكَ وَنَكالِكَ اَللّٰهُمَّ

لعن خودرا و انتقام خودرا و هلاک کنندگان غضب خود و عقوبت خودرا خداوندا

اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَسْتَشْفِعُ بِهِمْ اِلَيْكَ وَاُقَدِّمُهُمْ

بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق محمد و آل او و شفاعت میجویم بایشان بسوی تو و مقدم میدارم ایشانرا

اَمامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوائِجِي اَنْ لا تَقْطَعَ رَجائِي مِنْ اِمْتِنانِكَ

پیش خود و پیشاپیش حاجتهای خود اینکه نبری ارزوی مرا از انعام تو

وَلا تُخَيِّبَ تَأْمِيلِي فِي اِحْسانِكَ وَنَوالِكَ وَلا تَهْتِكَ السِّتْرَ

و نومید نگردانی امید مرا در احسان تو و عطای تو و ندری پردهٔ مرا

الْمَسْدُولَ عَلَيَّ مِنْ جِهَتِكَ وَلا تُغَيِّرَ عَنِّي عَوائِدَ طَوْلِكَ

که پوشیده شده است بر من از جانب تو و تغییر ندهی از من صلههای فضل خود

وَنِعَمِكَ وَوَفِّقْنِي لِما يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ وَاصْرِفْنِي عَمّا يُباعِدُنِي

و نعمتهای خودرا و توفیق بده مرا برای آنچه نزدیک میگرداند بسوی تو و بگردان مرا از آنچه دور میگرداند مرا

عَنْكَ وَاَعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ اَفْضَلَ مِمّا اَرْجُو وَاكْفِنِي مِنَ الشَّرِّ

از تو و عطا کن مرا از خیر افضل از آنچه امید دارم و کفایت کن برای من از شر

ما اَخافُ وَاَحْذَرُ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وساعت چهارم

آنچه میترسم و خوف دارم برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

از بلند شدن روز است تا پیشین و این از حضرت سید العابدین علیه السلام میخوانی در آن این دعا را اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمالِكُ الْمَلِيكُ

خداوندا توئی پادشاه صاحب ملک

الْمالِكُ وَكُلُّ شَيْءٍ سِوى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ هالِكٌ سَخَّرْتَ

مالک امور و هر چیزی غیر ذات بزرگوار تو هلاک شونده رام کرده

بِقُدْرَتِكَ النُّجُومَ السَّوالِكَ وَاَمْطَرْتَ بِقُدْرَتِكَ الْغُيُومَ

بقدرت خود ستارهای سیر کننده و بباریدن آورده بقوه خود ابرهای

السَّوافِكَ وَعَلِمْتَ ما فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي

ریزاننده را و دانسته آنچه در صحرا و دریاست و آنچه می افتد از برگی در

الظُّلُماتِ الْحَوالِكِ يا سَمِيعُ يا بَصِيرُ يا بَرُّ يا شَكُورُ يا

تاریکیهای بسیار سیاه ای شنوا ای بینا ای نیکوکار ای بسیار جزا دهنده

غَفُورٌ یا رَحیمُ یا مَنْ یَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْیُنِ وَما تُخْفِی
ای بسیار بخشنده ای مهربان ای کسی که میداند نگاه دزدیده چشمها و آنچه پنهان میدارد

الصُّدُورُ یا مَنْ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاُولی وَالْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَکیمُ
سینه‌ها ای کسی که برای اوست سپاس در دنیا و آخرت و اوست حکیم

الْخَبیرُ اَسْئَلُکَ سُؤالَ الْبائِسِ الْحَسیرِ وَاَتَضَرَّعُ اِلَیْکَ
دانا سؤال میکنم ترا سؤال کردن بسیار محتاج درمانده و فروتنی میکنم بسوی تو

تَضَرُّعَ الضّالِعِ الْکَسیرِ وَاَتَوَکَّلُ عَلَیْکَ تَوَکُّلَ الْخاشِعِ
فروتنی کردن خم شده شکسته شده توکل میکنم بر تو توکل کردن زاری کننده

الْمُسْتَجیرِ وَاَقِفُ بِبابِکَ وُقُوفَ الْمُؤَمِّلِ الْفَقیرِ وَاَتَوَسَّلُ
زنهار جوینده می‌ایستم بدرگاه تو ایستادن امیدوار محتاج و متوسل میشوم

اِلَیْکَ بِالْبَشیرِ النَّذیرِ وَالسِّراجِ الْمُنیرِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ
بسوی تو بر بشارت ترساننده و چراغ روشن محمد خاتم پیغمبران

وَابْنِ عَمِّهِ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَبِالْاِمامِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ زَیْنِ
و پسر عم او امیر المؤمنین و بامام علی بن الحسین زینت

الْعابِدینَ وَاِمامِ الْمُتَّقینَ الْمُخْفی لِلصَّدَقاتِ وَالْخاشِعِ
عبادت کنندگان و پیشوای پرهیزکاران پنهان دهنده تصدقات و خشوع کننده

فِی الصَّلَواتِ وَالدّائِبِ الْمُجْتَهِدِ فِی الْمُجاهَداتِ السّاجِدِ ذِی
در نمازها و تعب کشنده جد کننده در مجاهدها سجده کننده

الثَّفِناتِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ
پینه‌ها اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس بتحقیق که متوسل شده‌ام

بِهِمْ اِلَیْکَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمامی وَبَیْنَ یَدَیْ حَوائِجی وَاَنْ
بایشان بسوی تو و مقدم داشتم ایشان را پیش خود و پیش حاجتها و اینکه

تَعْصِمَنی مِنْ مُواقَعَةِ مَعاصیکَ وَتُرْشِدَنی اِلی مُوافَقَةِ
نگاه داری مرا از مجامعه معاصی تو و راهنمائی مرا بسوی موافقت

ما یُرْضیکَ وَتَجْعَلَنی مِمَّنْ یُؤْمِنُ بِکَ وَیَتَّقیکَ وَیَخافُکَ وَ
آنچه خوشنود میگرداند ترا و بگردانی مرا از آنها که ایمان آورد بتو و می‌پرهیزد از تو و میترسد از تو و

یَرْجُوکَ وَیُراقِبُکَ وَیَسْتَحْییکَ وَیَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِمُوالاتِ
امید میدارد از تو و انتظار میبرد ترا و شرم میدارد و نزدیکی میجوید بسوی تو بدوست داشتن

مَنْ یُوالیکَ وَیَتَحَبَّبُ اِلَیْکَ بِمُعاداتِ مَنْ یُعادیکَ وَ
کسی که محبت میکند ترا و اظهار محبت میکند بسوی تو بر دشمنی کردن با کسی که دشمنی میکند با تو و

یَعْتَرِفُ لَدَیْکَ بِعَظیمِ نِعَمِکَ وَاَیادیکَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
اعتراف میکند نزد تو ببزرگی نعمتهای تو و احسانهای تو برحمت تو ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

وبدانکه نسخهای دعای ساعتها اختلاف بسیار دارد بزیادتی ونقصان وانچه اورده ام من ازادرین کتاب انست که وثوق دارم بان واعتماد دارم بران وخداست ولی توفیق

فصل

وازانچه سزاوارست که کرده شود در اول روز تصدقست بهرچه میسر شود وهرچند حقیری باشد روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود که صبح پگاه بدهید صدقه پس بدرستیکه بلا تجاوز نمیکند از ان وروایت کرده است نیز در کافی از ان حضرت علیه السلام که فرمود صبح پگاه بدهید صدقه ورغبت کنید دران پس نیست مؤمنی که تصدق کند بصدقه که اراده کند انچه را نزد خداست جهة اینکه دفع کند خدا از وبسبب ان صدقه شر انچه فرود می اید در انروز وازانچه کرده میشود در اول روز مسح کردن بکلابست پس در حدیث از اصحاب عصمت سلام الله علیهم وارد شده که هرکه مسح کند روی خودرا بکلاب نمیرسد اورا در انروز احتیاجی ونه فقری وباید که مسح کرده شود رو ودستها وصلوة فرستاده شود بر پیغمبر صلی الله علیه واله وازانچه کرده میشود در اول روز در غالب اوقات مندیل پیچیدنست وپوشیدن

جامها و موزه و نعل پس هر اینه ذکر میکنیم ما بعضی از اداب و دعاهای
انها را پس میگوئیم اما مندیل پیچیدن پس بتحقیق که روایت شده است که
سزاوار انست که گفته شود نزد ان اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِي بِسِيمَاءِ
الْإِيمَانِ وَتَوِّجْنِي بِتَاجِ الْكَرَامَةِ وَقَلِّدْنِي
خداوندا نشان کن مرا بنشان
حَبْلَ الْإِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ
ایمان و تاج ده مرا بتاج گرامی بودن و در گردن کن
الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِي و مندیل مپیچ در
انداز ریسمان اسلام و بیرون مکن ربقه
ایمان از گردن من حالی که نشسته باشی و هرگاه مندیل پیچید پس
تحنک کن بمندیل خود بدرستیکه تحنک سنت مؤکد است و روایت کرده
است شیخ طایفه در تهذیب بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام
که فرموده بدرستیکه من تعجب میکنم از کسی که شروع کند در حاجت خود
و حال انکه بی وضو باشد چگونه بر نمی اید[2] و بدرستیکه من تعجب میکنم از کسی
که شروع کند در حاجت خود و حال انکه گردانیده باشد عمامه را از زیر حنک
خود چگونه بر نمی اید حاجت او و احادیث ترغیب در تحنک بسیار است و
بتحقیق که منعقد شده است اجماع شیعه بران و عجبست از مخالفین ما
که چگونه انکار میکنند انرا با انکه روایت کرده اند در کتابهای خود از پیغمبر
صلی الله علیه و اله که نهی فرموده است از اقتعاط و امر کرده تلحی گفته است
در کتاب صحاح اقتعاط بستن عمامه است بر سر بی گردانیدن زیر حنک
و در حدیث واقع شده است که پیغمبر صلی الله علیه و اله نهی کرده است از
اقتعاط و امر کرده است بتلحی تمام شد کلام صحاح و تلحی گردانیدن عمامه است
زیر لحیین و بدانکه استحباب تحنک عام است در جمیع اوقات و حالات
مخصوص نیست بحال نماز و هرچند نماز در ان افضل است بلکه ان سنتی است
بسر خود خواه نماز کرده شود در ان یا نه و نیست استحباب ان از برای نماز چنانکه
ظاهر میشود از کلام بعضی از علمای ما و نیافته ام من در احادیثی که در کتب

هر که عمامه بپیچد و نگرداند عمامه را از زیر حنک خود پس مبتلا باو گردد بدردی که دوا نباشد پس ملامت نکند مگر نفس خود را روایت کرده اند رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام که فرمود
صحیح
[2] حاجت او

اصول ما نقل شده چیزی را که دلالت میکند بر استحباب ان از برای نماز
بلکه احادیثی که درین باب واقع شده همه عامست و بتحقیق که تصریح کرده است
بان علامه قدس الله روحه در منتهی المطلب چون اورده است احادیثی را
که دلالت میکند بر انکه تحنک سنتی است فی نفسه بعد از ان فرموده
بتحقیق که ظاهر شد باین احادیث استحباب تحنک مطلقا خواه بوده باشد
در نماز یا در غیر ان تمام شد کلام او پس سزاوار انست که هرگاه تحنک کنی نزد
اراده نماز را قصد کنی استحباب انرا لنفسه مانند اکثر مستحبات انرا
لنفسه مانند اکثر مستحبات نه انکه از برای غیر خود یعنی نماز مانند ردا
و بودن تحنک شرط در زیادتی ثواب نماز اقتضا نمیکند استحباب انرا از
برای نماز و این ظاهر است اما اداب در پوشیدن جامها پس سزاوار کوتاه
کردن جامه است پس بتحقیق که نقل شده است در تفسیر قول خدای تعالی
وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ که مراد اینست که جامه خود را کوتاه کن و سزاوار انست که
نکذرد استین از سر انگشتان و جامه بدله مکن جامه صوف بر او مپوش
جامه شهرت و بپوش در نماز جامه سفید و بتحقیق که روایت شده است
از حضرت صادق علیه السلام که مکروهست سیاهی در همه چیز مگر موزه و
عمامه و عبا اما دعا نزد پوشیدن جامه پس بتحقیق که روایت شده است
از حضرت صادق علیه السلام که گفته میشود نزد پوشیدن جامه
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَبَرَكَةٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ شُكْرَ
خداوندا بگردان این جامه را یمن و برکت. خداوندا روزی کن مرا در ان شکر
نِعْمَتِكَ وَحُسْنَ عِبَادَتِكَ وَالْعَمَلَ بِطَاعَتِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
نعمت تو و نیکوئی عبادت تو و عمل بطاعت تو سپاس مر خدایرا که
رَزَقَنِي مَا أَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتِي وَأَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ و روایت
که روزی کرده مرا انچه میپوشم بان عورت خود را و زینت میکنم بان در میان مردم شده است

ازحضرت باقر علیه السلام که گفته میشود نزد پوشیدن جامه نو

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ ثَوْبَ يُمْنٍ وَتَقْوىً وَبَرَكَةٍ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي

خداوندا بگردان این جامه را یمن وپرهیزکاری وبرکت خداوندا روزی کن مرا

فِيهِ حُسْنَ عِبَادَتِكَ وَعَمَلاً بِطَاعَتِكَ وَاَدَاءَ شُكْرِ نِعْمَتِكَ

دران نیکوئی عبادت و عمل بطاعت تو و بجا اوردن شکر نعمت تو

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي كَسَانِي مَا اُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَاَتَجَمَّلُ بِهِ

سپاس مر خدای که پوشانید انچه پنهان میکنم بان عورت خود و زینت میکنم بان

فِي النَّاسِ وروایت شده است که گفته میشود نزد پوشیدن زیرجامه

درمیان مردم اَللّٰهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَآمِنْ رَوْعَتِي وَاَعْفِفْ فَرْجِي

خداوندا بپوشان عورت مرا و ایمن گردان ترس مرا و پرهیزکار گردان فرج مرا

وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِي ذٰلِكَ نَصِيباً وَلَا لَهُ اِلَى ذٰلِكَ

و مگردان برای شیطان درین بهره و نه از برای او بسوی ان

وُصُولاً فَيَضَعَ لِيَ الْمَكَائِدَ وَيُهَيِّجَنِي لِارْتِكَابِ مَحَارِمِكَ

رسیدنی پس قرار دهد برای من مکرها و برانگیزاند مرا برای ارتکاب چیزهائی که تو حرام کرده

وسزاوار نیست که پوشیده شود زیرجامه رو بقبله واما پوشیدن موزه ونعل پس باید که بوده باشد درحالی که نشسته باشد ومیپوشد نعل پای راست را پیش از چپ ونزد کندن میکند بعکس این درحالی که ایستاده باشد ومیگوید نزد پوشیدن هریک از موزه ونعل

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَيَّ

بنام خدای و بخدا خداوندا رحمت بفرست بر محمد و ال محمد و راه بر با بسپار پاهای مرا

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْاَقْدَامُ

در دنیا و اخرت و ثابت گردان انهارا بر صراط روزی که میلغزد دران پاها

ومیگوئی نزد کندن انها بِسْمِ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي

بنام خدا و سپاس مر خدا را که روزی کرد مرا

مَا اُوَقِّي بِهِ قَدَمَيَّ مِنَ الْاَذَى اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا عَلَى صِرَاطِكَ

انچه حفظ کنم بان پاهای خود از ازار خداوندا ثابت گردان انهارا بر صراط خود

وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِيِّ وروایت شده است ازحضرت

و مغزان انهارا از صراط راست خود صادق علیه السلام پوشیدن

موزه سرخ درحضر نه درسفر وروایت شده است ازانحضرت علیه السلام که فرمودند که ازجمله سنتست موزه سیاه ونعل زرد ومکروه شمرده اند انحضرت علیه السلام پوشیدن نعل سیاه را وروایت شده ازانحضرت علیه السلام که هرکه بپوشد نعل زرد کهنه نمیکند انرا تا اینکه بهم رساند مالی وهم ازانحضرتست علیه السلام که هرکه بپوشد نعل زرد خواهد بود درسرور وشادی تا کهنه کند انرا **فصل** وانچه جاری شده است عادت بان دراثنای این وقت یعنی میان طلوع افتاب وزوال اکل وشربست پس هر اینه ذکر میکنیم ما پارهٔ ازاداب انها وادعای انها اگر روایت شده است ازاصحاب عصمت سلام الله علیهم پس میگوئیم که هرگاه میخواهی چیزی بخوری پس بنشین برجانب چپ خود ومنشین مربع پس بدرستیکه ان نشستنی است که ناخوش میدارد انرا خدای تعالی ودشمن میگردد صاحب انرا چنانکه روایت شده است ازحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وهرگاه درازکنی دست جهت اکل پس بگو بسم الله والحمد لله رب العالمین پس بتحقیق که روایت شده است ازحضرت صادق علیه السلام که مرد هرگاه خواهد که چیزی بخورد پس پائین کند دست خود را وبگوید بسم الله والحمد لله رب العالمین میامرزد خدای تعالی او را پیش ازانکه برسد لقمه بدهن او وروایت شده است استحباب تسمیه برهر رنگی وروایت شده است نیز استحباب ان برهر ظرفی که مائده باشد وهرچند ازیکرنگ باشد وهرکه فراموش کند تسمیه را برهر رنگی پس بگوید بسم الله علی اوله واخره روایت

کرده است این را رئیس محدّثین در فقیه و از آنچه سزاوار است که گفته شود نزد شروع در اکل این دعاست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی یُطْعِمُ وَلَا یُطْعَمُ

سپاس مر خدایرا که اطعام میکند و او را در نهار نمیدهد

وَیُجِیْرُ وَلَا یُجَارُ عَلَیْهِ وَیَسْتَغْنِیْ وَیُفْتَقَرُ اِلَیْهِ اَللّٰهُمَّ لَکَ

دستگیری نهار نمیده برا د وبی نیاز است و در احتیاج همه سوی دست خداوندا از برای

اَلْحَمْدُ عَلٰی مَا رَزَقْتَنَا مِنْ طَعَامٍ وَاِدَامٍ فِیْ یُسْرٍ مِنْکَ وَعَافِیَةٍ

سپاس بر آنچه روزی کردی مارا از طعام و نانخورش در آسانی از تو و عافیت

مِنْ غَیْرِ کَدٍّ مِنَّا وَلَا مَشَقَّةٍ بِسْمِ اللّٰهِ خَیْرِ الْاَسْمَاءِ بِسْمِ اللّٰهِ رَبِّ

بی کدی از ما و بی مشقتی بنام خدا که بهترین نامهاست بنام خدا که پروردگار

الْاَرْضِ وَالسَّمَاءِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِیْ لَا یَضُرُّ مَعَ اِسْمِهٖ شَیْءٌ فِی الْاَرْضِ

زمین و آسمان است بنام خدا که ضرر نمیرساند با نام او چیزی در زمین

وَلَا فِی السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ اَللّٰهُمَّ اَسْعِدْنِیْ فِیْ

و نه در آسمان و اوست شنوا دانا خداوندا نیکبخت کن مرا در

مَطْعَمِیْ هٰذَا بِخَیْرِهٖ وَاَعِذْنِیْ مِنْ شَرِّهٖ وَاَمْتِعْنِیْ بِنَفْعِهٖ وَسَلِّمْنِیْ

طعام من که اینست بخیر آن و پناه ده مرا از شر آن و بهره‌مند گردان مرا بنفع آن و سلامت دار

مِنْ ضَرِّهٖ و سزاوار است که بود باشد اول آنچه بخوری هر روز ناشتا از قرار بیست و یکدانه مویز سرخ پس روایت شده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که هر که بخورد هر روز ناشتا بیست و یکدانه مویز سرخ بیمار نشود مگر بیماری که در آن بمیرد و بشوید دستهای خود را هر دو پیش از طعام و بعد از آن و هر چند بوده باشد چیز خوردن تو بیک دست و روایت کرده است رئیس محدّثین در فقیه از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرموده که هر که بشوید دست خود را پیش از طعام و بعد از آن تعیّش در فراخی و عافیت داده شود از بلائی که در بدن او باشد و بتحقیق که روایت شده است

از حضرت

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که این زیاده میکند در عمر و جلا میدهد چشم را و ابتدا کن تو اگر تو صاحب طعام باشی بشستن اول بعد از آن بشوید بعد از تو کسی که بر طرف راست تو باشد و در شستن دویم میشوی تو آخر همه و ابتدا میکند کسی که بر طرف چپ تو باشد و روایت شده است ابتدا در شستن دویم هم که بر طرف راست تو باشد خواه آزاد باشد یا بنده و پاک مکن دست خود را بمندیل بعد از شستن اول و پاک کن آنرا بان بعد از شستن دویم بعد از آنکه مالیده باشی تری آنرا بچشمهای خود و پاک مکن دست خود را بمندیل هرگاه در آن اثر طعام باشد تا اینکه بلیسی آنرا و تکرار کن حمد خدا تعالی را اثنای اکل و ابتدا کن باکل پیش از حاضران اگر بوده باشی تو صاحب طعام و فرا گیرد دست خود را از آن بعد از ایشان و سزاوار نیست چیزی خوردن بدست چپ و نه آب آشامیدن بان و نه چیزی خوردن بدو انگشت و هرگاه حاضر شود نان پس انتظار مکش حاضر شدن غیر آنرا از اطعمه و مگذار نان را زیر کاسه و مبر نان را بکارد و ابتدا کن بنمک و ختم کن بان و روایت شده است ختم بسرکه نیز و سنّت است حاضر کردن سبزی تازه بر مائده و مخور گوشت در یکروز دو مرتبه و بخورد هر سه روز و مکروه است ترک آن تا چهل روز و خالی مکن تمام گوشت استخوان را بلکه بگذار در آن بقیه پس بتحقیق که روایت شده است که از برای جنّ در آن بهره‌ایست و اینکه هر که بکند این را میرود از خانه او آنچه بهتر باشد و سنّت است طول دادن نشستن بر مائده اگر بوده باشی تو صاحب طعام پس بتحقیق که روایت کرده ثقة الاسلام در کافی بسند حسن از زراره که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که فرمودند که سه چیز است که هرگاه بیاموزد آنها را مرد خواهند بود آنها زیادتی در عمر او و بقای نعمت بر او پس گفتم من که چیست فرمودند طول دادن در رکوع و سجود در نماز و طول دادن نشستن بر طعام هرگاه چیزی بخورد بر مائده

خود وبجا آوردن احسان بسوی اهل وبکو بعد از فراغ از اکل انچه روایت
شده است ازحضرت صادق علیه السلام الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی اَطعَمَنا
فی جائِعینَ وَسَقانا فی ظَمآنینَ
سپاس مرخدایرا که اطعام کرد مارا
وَکَسانا فی عارینَ وَهَدانا
درمیان گرسنگان وسیراب گردانید مارا درمیان تشنگان
فی ضالّینَ وَحَمَلَنا فی راجِلینَ
درخت پوشانید مارا درمیان برهنگان وراه نمود مارا
وَآوانا فی ضاحینَ واَخدَمَنا
درمیان گمراهان وسوار کرد مارا درمیان پیادگان
فی عانینَ وَفَضَّلَنا علی کَثیرٍ
وجا داد مارا درمیان نشستگان وخدمتکاران
درمیان تعب کشندگان وزیادتی داد مارا بر بسیاری مِنَ العالَمینَ واما انچه مشهور
شده است درین زمان از خواندن سورهٔ فاتحه بعد
از عالمیان
انطعام پس اطلاع نیافتم من بران در کتابهای حدیث وسزاوار است
که بشویند حاضران دستهای خود را همه دریک طشت وبر ندارند
ونریزند تا پر نشود وسنّتست خلال کردن ومکروهست خلال ساختن
از برك خرما واز نی وریحان ومورد وانار وسزاوار است بیرون انداختن
انچه بیرون اید از میان دندانها بخلال وفرو بردن انچه بیرون اید بزبان
وسزاوار است که بوده باشد انچه میخوری توموافق انچه بخواهند انرا
عیال تو نه انچه میخواهی تو انرا توونه ایشان پس بتحقیق که روایت کرده ثقة
الاسلام در کافی ازحضرت صادق علیه السلام که فرمودند که پیغمبر
صلی الله علیه واله فرمود که مؤمن میخورد بخواهش اهل خود ومنافق میخورد
اهل او بخواهش او واما اداب اشامیدن اب پس اینست که بکوئی نزد
اشامیدن اب الحَمدُ لِلّٰهِ مُنزِلِ الماءِ مِنَ السَّماءِ وَمُصَرِّفِ
سپاس مرخدایرا که فرود اورندهٔ ابست از اسمان وتغییر دهنده
الاَمرِ کَیفَ یَشاءُ بِسمِ اللهِ خَیرِ الاَسماءِ ومیکوئی بعد از
امراست هرطوری که میخواهد بنام خدا که بهترین نامهاست
اشامیدن

الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی سَقانی ماءً عَذباً وَلَم یَجعَلهُ مِلحاً
سپاس مرخدایرا که اب داد مرا ابی کوارا ونکردانید شور
اُجاجاً بِذُنوبی اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی سَقانی فَاَروانی وَاَعطانی
تلخ بسبب گناهان من سپاس مرخدایرا که اب داد مرا پس سیراب کردانید مرا وعطا
فَاَرضانی وَعافانی وَکَفانی وَهَنّانی اَللّهُمَّ اجعَلنی مِمَّن
کرد مرا پس خوشنود کردانید مرا وعافیت داد وبسنده کردانید مرا خداوندا بکردان مرا از انها
نُسقیهِ فِی المَعادِ مِن حَوضِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ
اب میدهی او را در قیامت از حوض محمد رحمت کناد خدا براو وال او
وَتُسعِدُهُ بِمُرافَقَتِهِ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ وسنّتست
ونیکبخت میکردانی او را برفیق بودن انحضرت برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان اشامیدن
اب مصّا نه عبّا پس بتحقیق که روایت شده است از پیغمبر صلی الله علیه واله
که اشامیدن اب عبّا مورث کباد است وسزاوار است که بیاشامی اب را
بدو دست خود وبسه نفس وحمد کن خدایتعالی را بعد از هر نفسی وسوال
کرده شده است حضرت صادق علیه السلام از اشامیدن بیکنفس پس
فرموده اند که اگر انکه اب میدهد بتو بندهٔ تو باشد پس بیاشام بسه نفس
واگر ازاد باشد پس بیاشام بیکنفس وبتحقیق که روایت شده است که هر که
بیاشامد اب پس باز گیرد انرا وهنوز خواهد انرا وحمد کند خدا را وبکند اینرا
سه مرتبه واجب میشود از برای او بهشت وسزاوار است اجتناب کردن
اشامیدن اب از طرف دسته واز جانبی که شکسته باشد وبسیار مخور اب
پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام پرهیز از بسیار
خوردن اب پس بدرستی که ان مادهٔ هر کوفتیست وروایت شده است
که هر که بیاشامد اب پس یاد کند حضرت امام حسین علیه السلام را ولعن کند
کشندهٔ او را مینویسد خدایتعالی از برای او صد هزار حسنه وساقط میکند

ازو صد هزار گناه و بلند میکند از برای او صد هزار درجه و بمنزلهٔ انست که ازاد کرده باشد صد هزار بنده **باب سیم** در انچه کرده میشود میانه زوال افتاب تا غروب و درین باب مقدمه است و چند فصل **مقدمه** روایت کرده است رئیس محدّثین در فقیه از پیغمبر صلّی الله علیه واله که فرمود که هرگاه زوال افتاب میشود کشوده میشود درهای اسمان و درهای بهشت و مستجاب میشود دعا پس خوشا حال کسی را که برده شود برای او عمل صالحی و روایت کرده است نیز از پیغمبر صلّی الله علیه واله که فرموده که افتاب را نزد زوال حلقه ایست که داخل میشود دران پس هرگاه داخل شود دران زایل میشود افتاب پس تسبیح میکند هر چه پائین عرش است بحمد پروردگار من عزّ و جل و این ساعتیست که صلوة میفرستد بر من دران پروردگار من جل جلاله و فرض کرده است بر من و بر امّت من دران نماز را و فرموده است اقم الصّلوة لدلوك الشّمس الی غسق اللّیل یعنی بپای دار نماز را از زوال افتاب تا نصف شب والله تعالی یعلم و این ساعتیست که می‌اورند دران جهنّم را در روز قیامت پس نیست مؤمنی که موافق افتاده باشد باین ساعت را اینکه بوده باشد او سجده کننده یا رکوع کننده یا ایستاده مگر اینکه حرام کرداند خدای تعالی بدن او را بر اتش **فصل** سزاوار است برخاستن بسوی نماز در اوّل وقت ان خواه نماز واجب باشد یا سنّت مگر انچه استثنا شده پس بدرستیکه فضل اوّل وقت بر اخر ان مثل فضل اخرتست بر دنیا چنانکه روایت شده است از حضرت صادق علیه السّلم و روایت شده نیز از انحضرت علیه السّلم که اوّل وقت خشنودی خدای تعالی و اخر ان عفو خدا و ظاهر اینست که این فضیلت در یافته میشود بمشغول شدن در اوّل وقت بمقدّمات نماز مانند طهارت بی سستی و درنگی چنانکه کفته شیخ ما شیخ شهید رحمه الله و موقوف نیست در یافتن ان بر داخل شدن در نماز در اوّل وقت و امّا انچه در بعضی روایات

مذکور شده که ظاهرش خلاف اینست چنانکه روایت شده از ائمه علیهم السّلم که توقیر و تعظیم نکرده است نماز را کسی که تاخیر کرده باشد طهارت را تا اینکه داخل شود وقت نماز پس نیافته‌ام من از برای ان سندی که اعتماد باشد بران و بر تقدیر اند راج عمل بان در عمل انچه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسندی حسن از حضرت صادق علیه السّلم که هر که بشنود چیزی پس بکند ان خواهد بود از برای او اجر ان و هر چند نبوده باشد حدیث چنانکه رسیده باشد باو پس ان ضرر نمیکند ما را چه ان دلالت نمیکند مگر اینکه در میان در امدن طهارت میان اوّل وقت و نماز منافی توقیر انست نه اینکه منافی دریافتن فضیلت وقتیست زیرا که ان امری دیگر است غیر توقیر نماز پس نه ترک کن و سزاوار است انتظار کشیدن نماز و مشرف شدن بسوی وقت ان چنانکه روایت شده که پیغمبر صلّی الله علیه واله انتظار کشید ند داخل شدن وقت نماز را و میفرمودند ارحنا یا بلال یعنی داخل کن بر ما راحت را ای بلال با علام کردن بداخل شدن وقت چنانکه فرموده است صلّی الله علیه واله قرّة عین من در نماز است و اوّل زوال شروع کردن سایه است در زیادتی بعد از کم شدن یا حادث شدن ان بعد از طرف شدن پس بدرستیکه هر چند زیاده میشود بلندی افتاب زیاده میشود کم شدن سایه تا اینکه هرگاه برسد افتاب بانچه نهایت بلندی انست درانروز میرسد سایه بانچه کم شدن انست درانروز یا بالکلیه بر طرف میشود و این نزد رسیدن افتابست بدائره نصف النّهار یعنی بمنتصف ما بین مشرق و مغرب و معلومست که اوضاع افتاب نسبت بساکنان اقالیم مختلف است پس نسبت بساکنان بعضی اقالیم میباشد در وقت زوال در طرف جنوب از سمت الرّاس ایشان و نسبت ببعضی در طرف شمال و نسبت ببعضی مقابل سر ایشان می افتد پس دران دو موضع اوّل بر طرف

نمیشود سایه در منتصف روز بلکه میماند درینوقت در انتهای کوتاهی ان
بقیه از سایه کشیده شده بطرف شمال یا جنوب و درین دو حال شروع سایه
در زیادتی اول وقت زوالست و در موضع سیم بر طرف میشود سایه بالکلیه
و اول ظاهر شدن ان اول زوالست و سایه شاخص را پیش از زوال ظل
میکویند و بعد از ان فیء میکویند چه فیء بمعنی رجوعست و سایه بعد
از زوال رجوع میکند بتدریج بمقداری که داشت پیش از زوال و میکشد
وقت فضیلت نماز ظهر از زوال تا اینکه بکردد فیء یعنی سایه که حادث میشود
بعد از زوال مساوی شاخص و وقت فضیلت عصر تا اینکه بکردد فیء دو
برابر شاخص و سنتست برای تو تاخیر کردن هر یك از فریضه ظهر و عصر از
اول وقت ان بمقدار اینکه بکذاری دران نافلهٔ انرا و کسی که نافله نمیکذارد
پس سزاوار نیست از برای او تاخیر از اول وقت فضیلت و مشهور اینست
که وقت نافلهٔ ظهر را که انرا صلوة اوابین میکویند از زوالست تا بکردد فیء دو
قدم یعنی بمقدار دو سبع شاخص چه غالب اینست که قامت هر شخصی بقدر
هفت قدم است بقدم خودش و وقت نافلهٔ عصر و انرا سبحه میکویند و
ان از فارغ شدن از ظهر است تا اینکه بکردد فیء چهار قدم و بعضی از علمای ما
برانند که میکشد وقت این نافلها بکشیدن وقت فضیلت فریضهٔ انها پس
نافلهٔ ظهر تا اینکه بکردد فیء مثل شاخص و نافلهٔ عصر تا اینکه بکردد دو
برابر ان و این قول دور نیست و در روایات معتبره دلالت بران هست بلکه در
بعضی احادیث واقع شده انچه دلالت میکند ظاهرا بر انچه زیاد ازین توسعست
چنانکه روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسندی صحیح از حضرت
صادق علیه السلام که فرموده نماز سنت بمنزلهٔ هدیه است هرکاه اورده شود
ان قبول کرده میشود پس مقدم دار هرچه را خواهی و مؤخر دار هرچه را خواهی
ولیکن نمیدانم کسی از علمای ما را که عمل کرده باشد بانچه مستفاد میشود

ازاطلاق

از اطلاق این روایت از توسعه در تقدیم و تاخیر و کویا مراد بتقدیم اداست
و بتاخیر قضا والله اعلم و مشهور میانه علمای ما قدس الله ارواحهم اینست
که جایز نیست اعتماد بر ظن بداخل شدن وقت مکر با عدم قدرت بر تحصیل
علم پس جایز نیست در ان اعتماد بر خبر یك عادل و نه بر اذان ثقه و هرچند خود ان
عادل باشد مکر با عجز از علم و ظاهر کلام محقق در معتبر اینست که جایز است
اعتماد بر اذان یك عادل اما خبر دو عادل یا اذان ایشان پس ظاهر جواز
اعتماد برانست و هرچند قادر باشد بر علم زیرا که علم شرعی حاصل است
بان و سزاوار است از برای کسی که اعتنا داشته باشد بشان نوافل و اهتمام
بدریافتن فضیلت اول وقت اینکه اماده کرده باشد در صحن خانه خود
یا بر روی بام چوبی راستی که نصب کرده باشد در مکانی هموار و باید که ان
راست نصب شده باشد بنحوی که هیچ طرف میل نکرده باشد و قسمت هفت
حصه پس هرکاه برسد سایه بنهایت نقصان و ابتدا کند در زیادتی یا
در حادث شدن پس شروع کند در نافلهٔ ظهر اکر کسی که توفیق داده است
خدای تعالی او را برای سعادت بجا اوردن نوافل یا در ادای ظهر در اول
وقت ان اکر محرومست از ان سعادت و تفحص کند فیء را پس هرکاه بکردد
بقدر دو سبع شاخص یا مثل ان بنا بر خلاف مشخص شود برای نافله کذار
بیرون رفتن وقت نافلهٔ ظهر پس اکر درین وقت هنوز تمام نکرده باشد
یك رکعت انرا ترك دهد نافله را و مشغول شود بفریضه و اکر تمام کرده
باشد یك رکعت از او تمامی رکعت باین میشود که فارغ شده باشد از ذکر
سجدهٔ دویم و هرچند برنداشته باشد سر از ان پس مقدم دارد ان هفت
رکعت بر فریضه و ظاهر تر انست که شش رکعت باقی درین هنکام اداست
زیرا که ان هشت رکعت در حکم یك نماز است بعد از ان میکزارد نماز ظهر را
و تفحص میکند سایه را بعد از ان پس اکر نرسیده باشد بچهار سبع شاخص یا دو

برابران انچه کذشت از خلاف پس شروع میکند در نافلهٔ عصر واکر رسیده باشد بان معلوم میشود بیرون رفتن وقت ان وخواهد بود حال ان در ترك ان ومقدم داشتن بر فریضه مثل حال نافله ظهر چنانکه کذشت وانچه مذکور شد در غیر روز جمعه است و در جمعه زیاده میشود برین دو وهشت رکعت چهار دیکر ومیکزارد ازین بیست رکعت هجده را پیش از زوال در حالی که سه حصّه کرده باشد انرا ثلث انرا که شش رکعت باشد در وقت پهن شدن افتاب وثلث دیکر را در وقت بلند شدن ان وثلث دیکر در وقت راست ایستادن ان ومیکزارد دو رکعت باقی را بعد از زوال **فصــل** انچه بجامی اوری بعد از مشخّص شدن زوال اینست که بخوانی انچه را روایت کرده رئیس محدّثین در فقیه که حضرت باقر علیه السّلام تعلیم کرده است انرا بمحمّد بن مسلم وفرموده است باو که محافظت کن برین چنانکه محافظت میکنی بر چشمهای خود

وان اینست سُبْحَانَ اللهِ وَلَآ اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

پاکست خدای نیست خدائی مکر خدای سپاس مر خدایرا که

لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

فرا نکرفته است فرزندی ونیست از برای او شریکی در ملك ونیست از برای او

وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا بعد از ان بشتاب بسوی وضو بعد

دوستی از خواری وتعظیم او را کن تعظیم کردنی از ان شروع میکنی در نافلهٔ زوال پس نیّت میکنی دو رکعت اوّل را ومیکوئی ان هفت تکبیر را با دعاهای انها بر نحوی که کذشت ذکر ان در باب اوّل بعد از ان میکوئی اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ومیخوانی بعد از فاتحه در رکعت اوّل سورهٔ توحید ودر رکعت دوّیم سورهٔ جحد چنانکه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند حسن بعد از ان سلام میدهی ومیکوئی ان سه تکبیر را که

بعد از نماز سنّت است وتسبیح زهرا علیها السّلام را بعد از ان میکوئی

اَللّٰهُمَّ اِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضَاكَ ضَعْفِي وَخُذْ اِلَى الْخَيْرِ

خداوندا بدرستی که من ضعیفم پس قوی کردان در رضای تو ضعف مرا وبکیر بسوی خیر

بِنَاصِيَتِي وَاجْعَلِ الْاِيمَانَ مُنْتَهٰى رِضَايَ وَبَارِكْ لِي فِيمَا

ناصیه مرا وبکردان ایمان منتهای خوشنودی من وبرکت ده برای من در انچه

قَسَمْتَ لِي وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كُلَّ الَّذِي اَرْجُوا مِنْكَ وَاجْعَلْ

قسمت کرده برای من وبرسان مرا برحمت تو بجمیع انچه امید دارم از تو وبکردان

لِي وُدًّا وَسُرُورًا لِلْمُؤْمِنِينَ وَعَهْدًا عِنْدَكَ بعد از ان میکزاری

از برای من دوستی وسروری از برای مؤمنان وپیمانی نزد تو

دو رکعت دیکر بهمان نحو بغیر شش تکبیر که در اوّل نماز کفته میشود با دعاهای انها بعد از ان دو رکعت دیکر مثل انها ومیخوانی بعد از هر یك ازین دو رکعتها تعقیب دعای را که مذکور شد وبعد از انکه تمام کردی شش رکعت را با توابع ان بر میخیزی واذان میکوئی از برای ظهر وصلح میکنی میان اذان واقامت بدو رکعت برهمان منوال واین دو رکعت هفتم وهشتم اند از نافلهٔ ظهر بعد از ان اقامت میکوئی ومیکوئی بعد از اقامت

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَآئِمَةِ بَلِّغْ

خداوندا ای پروردکار این دعوت تمام ونماز برپا ایستاده برسان

مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ

بمحمّد رحمت کناد خدا براو وال او بدرجه ومنزلت وزیادتی

وَالْفَضِيلَةَ بِاللهِ اَسْتَفْتِحُ وَبِاللهِ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ

وفضیلت بیاری خدا ابتدا میکنم طلب فیروزی میکنم وبمحمّد رحمت کناد خدای

عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَتَوَجَّهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي

براو وال او روی میاورم خداوندا رحمت بفرست بر محمّد وال محمّد وبکردان

بِهِم عِندَكَ وَجيهاً فِي الدُّنيا وَالآخِرَةِ وَمِنَ المُقَرَّبِينَ بعد

بسبب ایشان نزد تو روشناسی در دنیا و آخرت و بگردان مرا از جمله مقربین ازان

مشغول شو بنماز ظهر و رعایت کن جمیع آنچه رعایت کردی در نماز صبح از اعمال و آهسته بکن قراءت را بغیر بسم الله الرحمن الرحیم و میخوانی در رکعت اول سوره سبح اسم ربك الاعلى یا والشمس یا آنچه شبیه آنها باشد در درازی چنانکه روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام بسند صحیح و برخیز از تشهد اول و گوینده آنچه را میگفتی نزد برخاستن برای رکعت دویم صبح و بخوان حمد را با تسبیح اربع را سه مرتبه اضافه کننده بآنها استغفار را بعد ازان تکبیر بگو برای رکوع بردارنده دستها چنانکه گذشت و رکوع بکن و سجود بر نحوی که گذشت بعد ازان برخیز و بجا آور رکعت دیگر بر همان نحو و بعد ازان تشهد بخوان و سلام بده بعد ازان سه تکبیر را که در تعقیب مذکور شد میگوئی بعد ازان لا اله الا الله الهاً واحداً و نحن له مسلمون تا آخر دعا و چنانکه گذشت در تعقیب صبح بعد ازان تسبیح میکنی تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام و میخوانی هرچه را خواهی از دعاهای که پیش ذکر کردیم در تعقیب صبح است و دعاهای که متضمن ذکر دخول در صباحست مثل آن سه دعای آخر بعد ازان میگوئی یا مَن اَظهَرَ

الجَمیلَ وَسَتَرَ القَبیحَ یا مَن لَم یُؤاخِذ بِالجَریرَةِ ای کسی که ظاهر کرده است

وَلَم یَهتِكِ السِّترَ نیکوئی را و پوشانیده است زشت را ای کسی که نگیرد بسبب معصیت

یا کَریمَ الصَّفحِ یا عَظیمَ المَنِّ یا حَسَنَ التَّجاوُزِ یا واسِعَ و نمیدرد پرده را

ای گرامی در گذشتن ای بزرگ نعمت ای نیکو گرامی ای واسع

یا باسِطَ الیَدَینِ بِالرَّحمَةِ یا سامِعَ کُلِّ نَجوی المَغفِرَةِ مغفرت

ای گشاینده دستها برحمت ای شنونده هر راز

ویا منتهی

وَیا مُنتَهی کُلِّ شَکوی یا مُبتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبلَ استِحقاقِها یا

و ای منتهای هر شکایت ای ابتدا کننده بنعمتها پیش از استحقاق آنها

رَبّاه یا رَبّاه یا رَبّاه یا سَیِّداه یا سَیِّداه یا سَیِّداه یا غایَةَ

پروردگارا ای پروردگارا ای پروردگارا ای سیدا ای سیدا ای سیدا ای نهایت

رَغبَتاه یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ اَسئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

آرزو ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن سؤال میکنم ترا بحق محمد و علی

وَفاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَینِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعفَرٍ وَموسی

و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالحَسَنِ وَمُحَمَّدٍ صاحِبِ الزَّمانِ سَلامُ

و علی و محمد و علی و حسن و محمد صاحب زمان درود

اللهِ عَلَیهِم اَجمَعینَ اَن تُصَلِّيَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَکشِفَ

خدا بر ایشان باد همه اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برطرف کنی

کَربي وَتَغفِرَ ذَنبي وَتُنَفِّسَ هَمّي وَتُفَرِّجَ غَمّي وَتُصلِحَ شَأني

اندوه مرا و بیامرزی گناه و زایل کنی هم مرا و دفع کنی غم مرا و اصلاح کنی کار مرا

في دیني وَدُنیايَ وَاَن تُدخِلَنِي الجَنَّةَ وَلا تُشَوِّهَ خَلقي

در دین من و دنیای من و اینکه داخل کنی مرا در بهشت و زشت نگردانی اندام مرا

بِالنّارِ وَلا تَفعَلَ بي ما اَنَا اَهلُهُ بِرَحمَتِكَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

بآتش و مکن با من آنچه من سزاوار آنم برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

بعد ازان میگوئی یا سامِعَ کُلِّ صَوتٍ یا جامِعَ کُلِّ فَوتٍ یا بارِئَ

ای شنونده هر آوازی ای جمع کننده هر فوت شده ای آفریننده

النُّفوسِ بَعدَ المَوتِ یا باعِثُ یا وارِثُ یا سَیِّدَ السّادَةِ یا اِلهَ

نفسها بعد از موت ای برانگیزاننده ای میراث برنده ای بزرگ بزرگان ای خدای عبادت

الآلِهَةِ یا جَبّارَ الجَبابِرَةِ یا مَلِكَ الدُّنیا وَالآخِرَةِ یا رَبَّ

کرده شدگان ای جبر کننده متکبران ای پادشاه دنیا و آخرت ای پروردگار

وَيا مُنتَهىٰ كُلِّ شَكوىٰ يا مُبتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبلَ استِحقاقِها يا

وای منتهای هر شکایت ای ابتدا کننده بنعمتها پیش ... استحقاق ...

رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا رَبّاهُ يا سَيِّداهُ يا سَيِّداهُ يا ...

پروردگارا ای پروردگارا ای پ...

رَغبَتاهُ يا ذَا الجَلا...

ارزو ای صاحب بز...

وَفاطِمَةَ وَالحَسَنِ ...

وفاطمه وحسن

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَ...

وعلی ومحمد و...

اللهِ عَلَيهِم اَجمَعينَ ا...

خدا ... بر ایشان همه ...

كَرْبي وَتَغفِرَ ذَنبي وَ...

اندوه مرا وبیامرزی گناه ...

فى ديني وَدُنيايَ وَا...

در دین من ودنیای من وا...

بِالنّارِ وَلا تَفعَلْ بي ...

باتش ومکن با من انچه من ...

بعدازان میکوئی يا سامِعَ ...

ای شنونده ...

النُّفُوسِ بَعدَ المَوتِ يا باعِثُ يا وارِثُ يا سَيِّدَ السّادَةِ يا اِلٰهَ

نفسها بعدازموت ای برانگیزاننده ای میراث برنده ای بزرگ بزرگان ای خدای عبادت

الاٰلِهَةِ يا جَبّارَ الجَبابِرَةِ يا مَلِكَ الدُّنيا وَالاٰخِرَةِ يا رَبَّ

کرده شدگان ای جبر کننده متکبران ای پادشاه دنیا واخرت ای پروردگار

وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى يَا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا يَا

وای منتهای هر شکایت ای ابتدا کننده بنعمتها پیش از سزاوار بودن آنها

رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا سَيِّدَاهُ يَا مَوْلَاهُ

پروردگارا ای پروردگار

رَغْبَتَاهُ يَا

ارزو ای

وَفَاطِمَةَ وَ

وفاطمه

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ

وعلی و محمد

اللّٰهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ

خدا بر ایشان

كَرْبِي وَتَغْفِرَ

اندوه مرا و بیامرزی

فِي دِينِي وَدُنْيَايَ

در دین من و دنیا

بِالنَّارِ وَلَا تَفْ

باتش و نکن

بعدازان میکوئی

النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا سَيِّدَ السَّادَةِ يَا إِلٰهَ

نفسها بعد از موت ای برانگیزاننده ای میراث برنده ای بزرگ بزرگان ای خدای عبادت

الْآلِهَةِ يَا جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ يَا مَلِكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا رَبَّ

کرده شدگان ای جبر کننده متکبران ای پادشاه دنیا و آخرت ای پروردگار

... بین بعد

... ازان

... نماز صبح

... میخوانی در

... به اهتا

... ازحضرت

... امیکفتی

... و اسر

... رنده دستها

... برخیز و بجا

... بعد ازان

... الله الهنا

... بعد ازان

... الهی ازدعا

... ذکر خود

... طهر

... السّر

... بصرة

... الا

اَلاَرْبابِ یا مَلِکَ الْمُلُوکِ یا بَطّاشُ ذَا الْبَطْشِ الشَّدیدِ یا
پروردگان ای پادشاه پادشاهان ای بطّاش صاحب بطش سخت ای
مُبْدِئُ یا مُعیدُ یا فَعّالاً لِما یُریدُ یا مُحْصِیَ عَدَدِ الاَنْفاسِ
ابتدا کننده ای عود فرماینده ای کننده مرانچه را اراده میفرماید ای شمارنده عدد نفسها
وَنَقْلِ الاَقْدامِ یا مَنِ السِّرُّ عِنْدَهُ عَلانِیَةٌ اَسْئَلُکَ بِحَقِّ
و حرکت قدمها ای کسی که پنهان نزد او آشکارا است سؤال میکنم ترا بحق
خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَبِحَقِّهِمُ الَّذی اَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلی نَفْسِکَ
برگزیدگان تو از خلق تو و بحق ایشان که واجب کرده برای ایشان بر نفس خود
اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تَمُنَّ عَلَیَّ السّاعَةَ
اینکه رحمت بفرستی بر محمد و اهل بیت او و اینکه منت گذاری بر من در همین ساعت
بِفِکاکِ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَاَنْ تُنْجِزَ لِوَلِیِّکَ وَابْنِ نَبِیِّکَ الدّاعی
بخلاص کردن گردن من از آتش و اینکه بجا آوری برای حجت خود و پسر پیغمبر تو که خواننده است
اِلَیْکَ بِاِذْنِکَ وَاَمینِکَ فی اَرْضِکَ وَعَیْنِکَ فی عِبادِکَ وَ
بسوی تو برخصت تو و امین تو در زمین تو و دیده بان تست در میان بندگان تو
حُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ عَلَیْهِ صَلَواتُکَ وَبَرَکاتُکَ وَعْدَهُ اَللّهُمَّ
و حجت تست بر خلق تو بر او باد رحمتهای تو و برکتهای تو وعدهای او را خداوندا
اَیِّدْهُ بِنَصْرِکَ وَانْصُرْ عَبْدَکَ وَقَوِّ اَصْحابَهُ وَصَبِّرْهُمْ وَاجْعَلْ
تقویت کن او را بیاری خود و یاری کن بنده خود را و قوت ده اصحاب او را و صبر بفرما ایشان را و بگردان
لَهُمْ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصیراً وَعَجِّلْ فَرَجَهُ وَمَکِّنْهُ مِنْ اَعْدائِکَ
از برای ایشان از نزد خود قوتی یاری کننده و تعجیل راحت او و متمکن ساز او را در باره دشمنان
وَاَعْداءِ رَسُولِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ بعد از ان میگوئی اَللّهُمَّ رَبَّ
خود و دشمنان پیغمبر خود را ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا ای پروردگار
السَّمواتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الاَرَضینَ السَّبْعِ وَما فیهِنَّ وَما
آسمانهای هفتگانه پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه

بَیْنَهُنَّ وَما تَحْتَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ وَرَبَّ جَبْرَئیلَ وَ
و میان آنهاست و آنچه زیر آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و پروردگار جبرئیل و
میکائیلَ وَاِسْرافیلَ وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثانی وَالْقُرْآنِ الْعَظیمِ
میکائیل و اسرافیل و پروردگار سوره فاتحه و قرآن عظیم
وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُکَ
و پروردگار محمد خاتم پیغمبران رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم ترا
بِاسْمِکَ الاَعْظَمِ الَّذی بِهِ تَقُومُ السَّمواتُ وَالاَرْضُ وَبِهِ
بحق اسم اعظم تو که بان برپا ایستاده است آسمانها و زمین و بان
تُحْیِی الْمَوْتی وَتَرْزُقُ الاَحْیاءَ وَتُفَرِّقُ بَیْنَ الْمُجْتَمِعِ وَتَجْمَعُ بَیْنَ
زنده میکنی مردگان را و روزی میدهی زندگان را و پراکنده میکنی میانه فراهم آمدگان را و جمع میکنی
الْمُتَفَرِّقِ وَبِهِ اَحْصَیْتَ عَدَدَ الاَجالِ وَوَزْنَ الْجِبالِ وَکَیْلَ
میان پراکنده شدگان و بان شمرده عدد اجلها و وزن کوهها و کیل
الْبِحارِ اَسْئَلُکَ یا مَنْ هُوَ کَذلِکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
دریاها سؤال میکنم ترا ای کسی که او چنین است اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد
وَاَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَکَذا بعد از ان سوال میکنی حاجت خود را بعد
و اینکه بکنی با من فلان و فلان از ان سجده میکنی دو سجده شکر و میگوئی

در آنها بعد از آنها آنچه گذشت در باب اوّل فصل و بعد از آنکه فارغ شدی از آنچه متعلق است بنماز ظهر میخیزی بنافله عصر و تکبیرة الاحرام میگوئی جهت دو رکعت اوّل آن شش تکبیر دیگر را اگر سنت نیست گفتن آنها در هیچ نافله مگر در چهار جای اوّل نافله زوال و اوّل نافله مغرب و وتیره و یک رکعت آخر وتر و میخوانی در نافله عصر آنچه خواهی از سورها و بهتر اینست که بخوانی در ان و در غیر ان سورهائی که ترغیب واقع شده است در آنها از ائمه هدی علیهم السلام و اختیار میکنی از آنها

انچه بیرون نرود وقت بخواندن او بتحقیق که روایت شده از حضرت
باقر علیه السّلم که هر که بخواند سورهٔ صفّ را در نمازهای واجبی و سنّتی
خود بدارد خدا یتعالی اورا در یکصف با ملائکه خود و پیغمبران مرسل خود
و هم از انحضرتست علیه السّلام که هر که مداومت کند بر خواندن سورهٔ ق
در نمازهای واجبی و سنّتی خود فراخ کرداند خدا یتعالی بر روزی او را
و بدهد با و نامهٔ اعمال او را بدست راست او و حساب کند او را حساب اندک
و هم از انحضرت علیه السّلم که بسیار بکنید تلاوت سورهٔ الحاقه را در نمازهای
واجب و سنّت زیرا که این از جمله ایمان بخدا یتعالی و رسول اوست و هرگز زایل
نمیشود از خوانندهٔ ان ایمان او تا انکه بمیرد و بعد از فارغ شدن از دو رکعت اول
میکوئی اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

خداوندا بدرستی که نیست خدائی مگر تو که زنده بخود برپای بلند مرتبه بزرگ

اَلْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ

بردبار جوانمرد افریننده روزی دهنده زنده کننده میراننده ابتدا کننده نو پدید آورنده

لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْاَمْرُ

از برای تست سپاس و از برای تست منت و از برای تست کرم و از برای تست امر

وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ

به تنهائی تو نیست انبازی از برای تو ای یگانه ای یکتا ای بی نیاز ای کسی که نزا

يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ وَلَمْ يَتَّخِذْ

ئیده است و زاینده نشده است و نیست مر او را همتا کسی و فرا نگرفته است

صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

جفتی و نه فرزندی رحمت بفرست بر محمد و آل او و بکن با من فلان و فلان

و بعد از ان میکزاری دو رکعت دیکر بعد از انها اللّهمّ ربّ السّموات
السّبع تا اخر و بعد از ان میکزاری دو رکعت و میکوئی بعد از انها

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ يُونُسُ اِذْ ذَهَبَ

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بانچه خواند ترا بان بندهٔ تو یونس در وقتی که رفت

مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ

غضبناک پس دانست که تنگ نمیکنی تو براو پس ندا کرد در ظلمات

اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ

که نیست خدائی مگر تو بپاکی یاد میکنم ترا بدرستیکه من از ستمکنندگان بودم پس اجابت کردی

لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَاِنَّهُ دَعَاكَ

او را و نجات دادی او را از غم و همچنین نجات میدهی مؤمنان را پس بدرستی که او خواند ترا

وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا اَدْعُوكَ وَاَنَا عَبْدُكَ وَسَاَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ

و او بندهٔ تو بود و من میخوانم ترا و من نیز بندهٔ توام و سؤال کرد ترا و او بندهٔ تو بود

وَاَنَا اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَسْتَجِيبَ لِي

و من سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه اجابت برای

كَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ وَاَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ اَيُّوبُ اِذْ

چنانکه اجابت کردی برای او و میخوانم ترا بانچه خواند ترا بان بندهٔ تو ایوب در حالیکه

مَسَّهُ الضُّرُّ فَدَعَاكَ اِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

بوده او را بدی حال پس خواند ترا بدرستی که رسیده است بمن بدی حال و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَكَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَاٰتَيْتَهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ

پس اجابت کردی او را و رفع کردی انچه را با او بود از بدی حال و دادی باو اهل او و مثل ایشان را

مَعَهُمْ فَاِنَّهُ دَعَاكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا اَدْعُوكَ وَاَنَا عَبْدُكَ وَ

با ایشان پس بدرستیکه او خواند ترا و او بندهٔ تو بود و من میخوانم ترا و من نیز بندهٔ توام

سَئَلَكَ وَهُوَ عَبْدُكَ وَاَنَا اَسْئَلُكَ وَاَنَا عَبْدُكَ اَنْ تُصَلِّيَ

و سؤال کرد ترا و او بندهٔ تو بود و من سؤال میکنم ترا و من نیز بندهٔ توام اینکه رحمت

عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَاَنْ

بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه زایل کنی از من چنانکه زایل کردی از او و اینکه

تستجيب لي كما استجبت له وادعوك بما دعاك به عبدك

اجابت کنی از برای من چنانکه اجابت کردی از برای او و میخوانم ترا بانچه خواند ترا بآن بنده تو

يوسف اذ فرقت بينه وبين اهله واذ هو في السجن فانه

یوسف ۴ در وقتی که جدا کردی تو میان او و میان اهل او و در هنگامیکه او در زندان گردید پس بدرستیکه

دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا عبدك وسئلك و

خوانده ترا و او بنده تو بود و من میخوانم ترا و من نیز بنده توام و سؤال کرد ترا

هو عبدك وانا اسئلك وانا عبدك ان تصلي على محمد

و او بنده تو بود و من سؤال میکنم و من نیز بنده توام اینکه رحمت بفرستی بر محمد

وال محمد وان تفرج عني كما فرجت عنه وان تستجيب لي كما

و آل محمد و اینکه رحمت بدهی مرا چنانکه راحت دادی او را و اینکه اجابت کنی برای من چنانکه

استجبت له فصل على محمد وال محمد وافعل بي كذا وكذا

اجابت کردی او را پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و کن با من فلان و فلان

وذکر میکنی حاجت خود را و بعد از ان میگذاری دو رکعت اخر را و میگوئی بعد از انها یا من اظهر الجميل وستر القبيح تا اخر ان و بعد از فارغ شدن از ین اذان میگوئی برای نماز عصر و فاصله میکنی میان اذان و اقامت بسجده و دعا میکنی بانچه گذشت در صبح و ظهر بعد از ان مشغول شو بنماز عصر و رعایت کننده جمیع ان اداب که سابقاً مذکور شد و میخوانی در رکعت اول اذا جاء نصر الله والفتح یا الهكم التكاثر و مانند انها را در کوتاهی چنانکه روایت کرده است انرا شیخ طایفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام بسندی صحیح و بعد از فارغ شدن از نماز تعقیب میکنی بانچه تعقیب کردی بان در ظهر مگر انچه مخصوص بظهر است و میگوئی بعد از ان انچه مخصوص بعصر است و از اینست استغفر الله الذي لا اله الا هو الحي القيوم

طلب امرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مگر او زنده بخود برپای

الرحمن الرحيم ذو الجلال والاكرام واسئله ان يتوب علي

بخشاینده مهربان صاحب بزرگی و گرامی داشتن و سؤال میکنم او اینکه قبول کند توبه

توبة عبد ذليل خاضع فقير بائس مسكين مستكين مستجير

توبه بنده خوار فروتنی کننده فقیر سخت محتاج بیچاره محتاج زاری کننده پناه جوینده که

لا يملك لنفسه ضرا ولا نفعا ولا موتا ولا حيوة ولا

که مالک نیست از برای نفس خود ضرری و نه نفعی را و نه مردنی و نه زندگی و نه

نشورا اللهم اني اعوذ بك من نفس لا تشبع ومن قلب

برانگیخته شدن خداوندا بدرستیکه من پناه می اورم بتو از نفسی که سیر نمیشود و از دلی

لا يخشع ومن علم لا ينفع ومن صلوة لا ترفع ومن دعاء

که فروتنی نکند و از علمی که نفع ندهد و از نمازی که بالا برده نشود و از دعائی که

لا يسمع اللهم اني اسئلك اليسر بعد العسر والفرج بعد

شنیده نشود خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا اسانی بعد از دشواری و راحت بعد از ان

الكرب والرخاء بعد الشدة اللهم ما بنا من نعمة فمنك

اندوه و رفاهیت بعد از سختی خداوندا انچه با ماست از نعمت پس از تست

وحدك لا اله الا انت استغفرك واتوب اليك وست

که تنهائی نیست خدائی مگر تو طلب امرزش میکنم از تو و توبه میکنم بسوی تو

استغفار بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه و قراءت سورهٔ قدر ده مرتبه پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که فرمود هر که استغفار کند بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه بیامرزد خدای تعالی هفتصد گناه او را و از حضرت ابی جعفر ثانی علیه السلام که هر که بخواند انا انزلناه في ليلة القدر ده مرتبه بعد از عصر بگذرد ان از برای او بر مثل اعمال خلایق در ان روز و بعد از ان دو سجدهٔ شکر بکن و بخوان در انها انچه را که پیش گذشت و باید که بوده باشد اخر انچه میخوانی اینکه بگوئی

اَللّٰهُمَّ اِنّي وَجَّهْتُ وَجْهي اِلَيْكَ وَاَقْبَلْتُ بِدُعائي عَلَيْكَ

خداوندا بدرستی که من گردانیده‌ام روی خود را بسوی تو در وارده بودم بدعای خود بر تو

راجِياً اِجابَتَكَ طامِعاً في مَغْفِرَتِكَ طالِباً ما وَأَيْتَ بِهِ عَلى

امیدوار اجابت ترا طمع دارنده در آمرزش تو طلب کننده آنچه عهد کرده‌ای بآن بر

نَفْسِكَ مُسْتَنْجِزاً وَعْدَكَ اِذْ تَقُولُ اُدْعُوني اَسْتَجِبْ لَكُمْ

نفس خود سؤال کننده بجا آوردن وعدهٔ خود آنجا که میگوئی بخوانید مرا اجابت میکنم شما را

فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَقْبِلْ اِلَيَّ بِوَجْهِكَ وَارْحَمْني

پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و رو کن بسوی من بروی خود و رحمت کن مرا

وَاسْتَجِبْ دُعائي يا اِلٰهَ الْعالَمينَ فصل بتحقیق که گذشت

اجابت کن دعای مرا ای خداوند عالمیان که روز قسمت شده بدوازده

ساعت و هر یک از آنها منسوبست بیکی از ائمهٔ اثنی عشر سلام الله علیهم
و از برای هر یک از آنها دعائیست که مخصوص بآنست و بتحقیق که ما ذکر
کردیم دعاهای چهار ساعت را که منسوبند بچهار امام علیهم السلام و میگوئیم
در اینمقام و اما ساعت پنجم پس از زوال آفتابست تا گذشتن مقدار چهار
رکعت و این از حضرت صادق علیه السلام و این دعای آنست و بهتر
اینست که بخوانی این را بعد از رکعت چهارم از نافلهٔ زوال

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ الَّذي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ

خداوندا توئی خدائی که نیست خدائی مگر او همیشه زنده بخود برپا فرا نگیرد او را

سِنَةٌ وَلا نَوْمٌ هُوَ اللّٰهُ الَّذي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ

پینکی و نه خواب اوست که نیست خدائی مگر او دانای پنهان و

الشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحيمُ هُوَ الْاَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظّاهِرُ وَ

آشکار است اوست بخشاینده مهربان اوست اول و آخر و ظاهر و

الْباطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَليمٌ فالِقُ الْاِصْباحِ وَجاعِلُ اللَّيْلِ

باطن و او بهمه چیز داناست شکافنده صبح و گرداننده شب

سَكَناً وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْباناً ذٰلِكَ تَقْديرُ الْعَزيزِ الْعَليمِ

که آرام گیرند بآن و آفتاب و ماه حسابی است تقدیر غالب دانا

يا غالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ وَيا شاهِداً لا يَغيبُ يا قَريبُ يا مُجيبُ

ای غالبی که مغلوب نمیشود و ای ظاهری که غایب نمیشود ای نزدیک ای اجابت کننده

ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبّي لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَاِلَيْهِ اُنيبُ

اینست خدای پروردگار من که نیست خدای مگر او بر او توکل کردم و بسوی او باز گشت میکنم

اَتَذَلَّلُ اِلَيْكَ تَذَلُّلَ الطّالِبينَ وَاَخْضَعُ بَيْنَ يَدَيْكَ

فروتنی میکنم بسوی تو فروتنی طلب کنندگان و زاری میکنم در پیش تو

خُضُوعَ الرّاغِبينَ وَاَسْاَلُكَ سُؤالَ الْفَقيرِ الْمِسْكينِ وَاَدْعُوكَ

زاری کردن رغبت کنندگان و سؤال میکنم ترا سؤال فقیر بسیار محتاج و میخوانم ترا

تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً اِنَّكَ لا تُحِبُّ الْمُعْتَدينَ وَاَدْعُوكَ خَوْفاً وَ

زاری کننده و پنهان کننده بدرستی که تو دوست نمیداری از حد در گذرندگان را و میخوانم ترا ترسان

طَمَعاً اِنَّ رَحْمَتَكَ قَريبٌ مِنَ الْمُحْسِنينَ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ

و طمع کننده بدرستی که رحمت نزدیک است از نیکوکاران و متوسل میشوم بسوی تو

بِخِيَرَتِكَ وَصِفْوَتِكَ مِنَ الْعالَمينَ الَّذي جاءَ بِالصِّدْقِ

به برگزیده تو و انتخاب کرده تو از جملهٔ عالمیان آنکه آورده است صدق را

وَصَدَّقَ الْمُرْسَلينَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ النَّذيرِ الْمُبينِ

و تصدیق کرده است رسولان را که آن محمد است بنده تو و رسول تو که ترساننده است ظاهر

وَبِوَلِيِّكَ وَعَبْدِكَ عَلِيِّ بْنِ اَبي طالِبٍ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَبِالْاِمامِ

و بولی تو و بندهٔ تو علی بن ابی طالب امیر المؤمنان و بامام

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ عُلُومِ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ وَالْعالِمِ بِتَأْويلِ

محمد بن علی شکافنده علوم پیشینیان و پسینیان و داناست بتاویل

الْكِتابِ الْمُسْتَبينِ وَاَسْاَلُكَ بِمَكانِهِمْ عِنْدَكَ وَاُقَدِّمُهُمْ اَمامَ

کتاب ظاهر و سؤال میکنم ترا بحق منزلت ایشان نزد تو بهر حالی که مقدم میدارم

وبين يدى حوائجى ان توزعنى شكر ما اوليتنى من نعمك

پيشان را پيش خود وپيش حاجتهاى من اينكه در دل من اندازى شكر آنچه نعمت دادى مرا از نعمت

وتجعل لى فرجا ومخرجا من كل كرب وغم وترزقنى من حيث

وگردانى از براى من گشايشى وبيرون رفتنى از هر اندوهى وغمى وروزى كنى مرا از آنجا كه گمان

احتسب ومن حيث لا احتسب وتيسر لى من فضلك ما

دارم واز جائى كه گمان ندارم وميسر كنى از براى من از فضل خود آنچه

تغنينى به عن كل مطلب واقذف فى قلبى رجاءك واقطع

غنى گردانى بآن از هر مطلبى وبينداز در دل من اميد ترا وببر

رجائى ممن سواك حتى لا ارجو الا اياك انك تجيب المضطر

اميد مرا از كسى كه غير تست تا اينكه اميد نداشته باشم مگر ترا بدرستى كه اجابت ميكنى خواننده

اذا دعاك وتغيث الملهوف اذا ناداك وانت ارحم الراحمين

هرگاه بخوانند ترا وبفرياد ميرسى ستمديده را هرگاه آواز كند ترا وتو رحم كننده ترين رحم كنندگانى

واما ساعت ششم پس از گذشتن مقدار چهار ركعتست از زوال تا

نماز ظهر واين از حضرت صادق است عليه السلم واين دعاى انست و

خوبست اين را بعد از ركعت ششم از نافله زوال بخوانى اللهم انت

انزلت الغيث برحمتك وعلمت الغيب بمشيتك ودبرت

خداوندا تو فرستادى باران را برحمت خود ودانستى غيب را بارادهٔ خود وتدبير كردى

الامور بحكمتك وذللت الصعاب بعزتك واعجزت

كارها را بحكمت خود وآسان كردى دشوارها را بغلبه خود وعاجز كردى

العقول عن علم كيفيتك وحجبت الابصار عن ادراك

عقلها را از دانستن چگونگى خود وپوشاندى چشمها را از دريافتن

صفتك والاوهام عن حقيقة معرفتك واضطررت

صفت خود ووهمها را از حقيقت شناخت خود ومضطر كردانيدى

الافهام الى الاقرار بوحدانيتك يا من يرحم العبرة ويقيل

فهمها را باقرار بيگانگى خود اى كسى كه رحم ميكند اشك را ودرميگذرد

العثرة لك العزة والقدرة لا يعزب عنك فى الارض ولا

لغزش را از براى تست غلبه وقدرت پنهان نيست از تو در زمين و نه

فى السماء مثقال ذرة اتوسل اليك بالنبى الامى محمد

در آسمان همسنگ ذره توسل ميجويم بسوى تو به پيغمبر امى محمد

رسولك العربى المكى المدنى الهاشمى الذى اخرجتنا به

رسول تو عربى مكى مدنى هاشمى كه بيرون آوردى ما را بسبب او

من الظلمات الى النور وبامير المؤمنين على بن ابيطالب

از تاريكيها بسوى روشنى وبامير مؤمنان على بن ابيطالب

عليه الصلوة والسلام الذى شرحت بولايته الصدور

كه بر او باد رحمت ودرود كه وسعت دادهٔ بسبب ولايت او سينهها را

وبالامام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام فى الاخبار

وبامام جعفر بن محمد راستگو عليه السلام در خبرها

المؤتمن على مكنون الاسرار صلى الله عليه وعلى اهل

كه امين بود بر پوشيدهٔ سرها رحمت كناد خدا بر او وبر اهل

بيته بالعشى والابكار اللهم انى اسئلك بهم و

بيت او در شام وصبح خداوندا بدرستى كه من سؤال ميكنم ترا بحق ايشان

استشفع بمكانهم لديك واقدمهم امامى وبين يدى

وشفاعت ميجويم بمنزلت ايشان نزد تو ومقدم ميدارم ايشان را پيش خود وپيش

حوائجى فاعطنى الفرج الهنى والمخرج الوحى والصنع

حاجتهاى خود پس عطا كن بمن گشايش آسانى وبيرون رفتن زود واحسان

القريب والامان من الفزع فى اليوم العصيب وان تغفر

نزديك وامان از هول وترس در روز سخت وآنكه بيامرزى

لي موبقات الذنوب وتستر عليّ فاضحات العيوب فانت
ای هلاک کننده‌های گناهان مرا و میپوشانی بر من رسوا کننده‌های عیبها را پس تو

الربّ وانا المربوب وانا الطالب وانت المطلوب وانت
پروردگاری و من پرورده شده و من طلب کننده‌ام و تو طلب کرده شده و تو ئی

الّذی بذکرک تطمئنّ القلوب وانت الّذی تقذف
انکه بیاد اوری تو ارام میگیرد دلها و تو ئی انکه می اندازی

بالحقّ وانت علّام یا اکرم الاکرمین ویا خیر الفاصلین
حق را و تو ئی دانای ای گرامی ترین گرامیترین وای بهترین جدا کنندگان

ویا احکم الحاکمین ویا ارحم الرّاحمین وامّا ساعت هفتم
وای حاکم ترین حاکمان وای رحم کننده ترین رحم کنندگان پس از نماز ظهر است

تا گذشتن مقدار چهار رکعت پیش از عصر واین بحضرت کاظم علیه السلام تعلق دارد بر این دعا

اللّهمّ انت المرجوّ اذا اشتدّ الامر وانت المدعوّ اذا مسّ
خداوندا توئی امید داشته شده هرگاه سخت شود کار و توئی خوانده شده هرگاه برسد بدی حال

الضّرّ ومجیب الملهوف المضطرّ والمنجی من ظلمات البرّ
و اجابت کننده ستم رسیده بیچاره و نجات دهنده از تاریکیهای بیابان

والبحر ومن له الخلق والامر والعالم بوساوس الصّدور
و دریا و کسی که از برای اوست خلق و امر و داناست بوسوسه‌های سینه‌ها

والمطّلع علی خفیّ السّرّ یا غایة کلّ نجوی ومنتهی کلّ
و اگاهست بر پنهان سرّ ای نهایت هر راز و منتهای هر

شکوی یا من له الحمد فی الاخرة والاولی یا من خلق
شکایت ای کسی که از برای اوست سپاس در اخرت و دنیا ای کسی که افریده است

الارض والسّموات العلی الرّحمن علی العرش استوی له
زمین و اسمانها بلند مرتبه بسیار مهربان بر عرش مستولی شد برای او

ما فی السّموات وما فی الارض وما بینهما وما تحت الثّری
انچه در اسمانها و انچه در زمین است و انچه در میان انهاست و انچه زیر خاک است

وان تجهر بالقول فانّه یعلم السّرّ واخفی الله لا اله الّا
و اگر بلند میکنی گفتگو را پس بدرستی که او میداند سرّ را و پنهان را خدا نیست خدائی مگر

هو له الاسماء الحسنی اسئلک بمحمّد خاتم النّبیّین و
او از برای اوست نامهای نیکو سؤال میکنم ترا بحق محمّد خاتم پیغمبران و

خیرتک من خلقک والمؤتمن علی اداء رسالتک وبامیر
برگزیده او از میان خلق تو و امین کرده شده بر رسانیدن پیغام تو و بحق امیر

المؤمنین علیّ بن ابی طالب علیه الصّلوة والسّلم الّذی
مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السّلم که بر او باد رحمت و درود انکه

جعلت ولایته مفروضة مع ولایتک ومحبّته مقرونة
گردانیده دوستی او را واجب با دوستی تو و محبت او را نزدیک

برضاک ومحبّتک وبالامام الکاظم موسی بن جعفر علیهما
با خشنودی و محبت تو و با امام کاظم موسی بن جعفر که بر ایشان باد

السّلام الّذی سئلک ان تفرّغه لعبادتک وتخلیه لطاعتک
درود انکه سؤال کرد ترا که فارغ گردانی او را برای عبادت و که خالی کنی او را برای طاعت

فاجبت دعوته ان تصلّی علی محمّد واله صلوة تقضی بها
پس اجابت کردی دعوت او را اینکه رحمت بفرستی بر محمّد و آل او رحمتی که ادا کنی بان از من

عنّی واجب حقوقهم وترضی بها فی اداء فروضهم واتوسّل
واجب حقهای ایشان و راضی باشی بان در بجا آوردن فرضهای ایشان و متوسل میشوم

الیک بهم واستشفع بمنزلتهم وقد قدّمتهم امامی وبین یدی
بسوی تو بایشان و شفاعت میجویم بمنزلت ایشان و حال انکه مقدّم داشته‌ام ایشان را پیش خود و پیش

حوائجی ان تجرینی علی جمیل عوائدک وتمنحنی جزیل فوائدک
حاجتهای خود اینکه روان گردانی مرا بر نیکوئی احسانهای خود و عطا کنی بمن منفعتهای خود

وَتَاخُذَ بِسَمْعِي وَبَصَرِي وَعَلَانِيَتِي وَسِرِّي وَنَاصِيَتِي وَقَلْبِي

و فرا گیری گوش مرا و دیده مرا و آشکار مرا و نهان مرا و پیش سر مرا و دل مرا

وَعَزِيمَتِي وَلُبِّي اِلَى مَا تُعِينُنِي بِهِ عَلَى هَوَاكَ وَتُقَرِّبُنِي مِنْ اَسْبَابِ

و نیت مرا و عقل مرا بسوی آنچه یاری کنی مرا بآن بر خواهش تو و نزدیک گردانی مرا باسباب

رِضَاكَ وَتُوجِبَ لِي نَوَافِلَ فَضْلِكَ وَتَسْتَدِيمَ لِي مَنَائِحَ طَوْلِكَ

خوشنودی تو و واجب گردانی برای من زیادتیهای فضل خود و همیشه داری برای من عطاهای احسان خود را

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فصل واما ساعت هشتم پس از گذشتن

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان چهار رکعتست پیش از عصر تا نماز عصر و این از

حضرت امام رضا علیه السلام است و این دعای اوست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْكَاشِفُ لِلْمُلِمَّاتِ

وَالْكَافِي لِلْمُهِمَّاتِ وَالْمُفَرِّجُ لِلْكُرُبَاتِ خداوندا توئی دفع کننده اندوهها

و کفایت کننده مهمها و برطرف کننده اندوهها وَالسَّامِعُ لِلْاَصْوَاتِ

وَالْمُخْرِجُ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَالْمُجِيبُ لِلدَّعَوَاتِ و شنونده آوازها

و بیرون آورنده از تاریکیها و اجابت کننده مر دعاها را اَلرَّاحِمُ لِلْعَبَرَاتِ جَبَّارُ

الْاَرْضِ وَالسَّمٰوَاتِ يَا وَلِيُّ يَا مَوْلٰى رحم کننده مر اشکها را بسیار قهر کننده

زمین و آسمانها ای پادشاه ای پروردگار يَا عَلِيُّ يَا اَعْلٰى يَا كَرِيمُ

يَا اَكْرَمُ يَا مَنْ لَهُ الْاِسْمُ الْاَعْظَمُ ای بلند ای بلندتر ای بزرگوار

ای بزرگوارتر ای کسی که برای اوست اسم اعظم يَا مَنْ عَلَّمَ الْاِنْسَانَ مَا لَمْ

يَعْلَمْ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ای کسی که تعلیم کرده آدمی را آنچه

نمیدانست آفریننده آسمانهاست و زمین وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ اَسْئَلُكَ

بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰى مِنَ الْخَلْقِ الْمَبْعُوثِ و اوست که اطعام میکند اطعام کرده نمیشود سؤال میکنم

ترا بحق محمد که برگزیده شده است از خلق فرستاده شده

بِالْحَقِّ وَبِاَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِي اَوْلَيْتَهُ فَاَلْفَيْتَهُ شَاكِرًا

بحق و بحق امیر المؤمنین آنکه نعمت دادی او را پس یافتی او را شکر کننده

وابتلیته

وَابْتَلَيْتَهُ فَوَجَدْتَهُ صَابِرًا وَبِالْاِمَامِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسٰى

و آزمایش کردی او را پس یافتی او را صبر کننده و بامام رضا علی بن موسی

الَّذِي اَوْفٰى بِعَهْدِكَ وَوَثِقَ بِوَعْدِكَ وَاَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا

آنکه وفا کرد بعهد تو و اعتماد داشت بوعده تو و رو گردانید از دنیا

وَقَدْ اَقْبَلْتَ اِلَيْهِ وَرَغِبَ عَنْ زِينَتِهَا وَقَدْ رَغِبْتَ فِيهِ اَنْ

در حالیکه بتحقیق رو آورده بودی بسوی او و رغبت کرد از زینت دنیا در حالیکه بتحقیق رغبت کرده بودی در او

تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ

که رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس توسل جستم بایشان بسوی تو و مقدم داشتم ایشان را

اَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي اَنْ تَهْدِيَنِي اِلٰى سُبُلِ مَرْضَاتِكَ وَ

پیش خود و پیش حاجتهای خود اینکه هدایت کنی مرا بسوی راههای خوشنودی خود و

تُيَسِّرَ لِي اَسْبَابَ طَاعَتِكَ وَتُوَفِّقَنِي لِابْتِغَاءِ الزُّلْفَةِ بِمُوَالَاةِ

آسان گردانی برای من اسباب طاعت تو و توفیق دهی مرا برای طلب نزدیکی بسبب دوستی

اَوْلِيَائِكَ وَاِدْرَاكِ الْحُظْوَةِ مِنْ مُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ وَتُعِينَنِي

دوستان تو و دریافتن منزلت بواسطه دشمنی کردن دشمنان تو و یاری کنی مرا

عَلٰى اَدَاءِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ سُنَنِكَ وَتُوَفِّقَنِي وَتُوقِفَنِي

بر جا آوردن فرضهای تو بکار بردن سنتهای تو و واداری مرا بر جاده راهی که

عَلَى الْمَحَجَّةِ الْمُؤَدِّيَةِ اِلَى الْعِتْقِ مِنْ عَذَابِكَ وَالْفَوْزِ بِرَحْمَتِكَ

که برساند بسوی آزادی از عذاب تو و فیروزی برحمت تو

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واما ساعت نهم پس از نماز عصر است تا اینکه

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بگذرد دو ساعت و این از حضرت جواد علیه السلام است و این دعای اوست

اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ الْاَنْوَارِ وَمُقَدِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ تَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ

خداوندا ای آفریننده نورها و تقدیر کننده شب و روز میدانی آنچه بار دارد

كُلُّ اُنْثٰى وَمَا تَغِيضُ الْاَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ

هر مادینه و آنچه کم میکنند رحمها و آنچه زیاد میکنند و هر چه نزد او

وَتَأخُذَ بِسَمعِي وَبَصَرِي وَعَلانِيَتِي وَسِرِّي وَنَاصِيَتِي وَقَلبِي

و فرا گیری گوش مرا و دیده مرا و آشکار مرا و نهان مرا و پیش سر مرا و دل مرا

وَعَزِيمَتِي وَلُبِّي اِلَى مَا تُعِينُنِي بِهِ عَلَى هَوَاكَ وَتُقَرِّبُنِي مِن اَسبَابِ

و نیت مرا و عقل مرا بسوی آنچه یاری کنی مرا بآن بر خواهش تو و نزدیک گردانی مرا باسباب

رِضَاكَ وَتُوجِبَ لِي نَوَافِلَ فَضلِكَ وَتَستَدِيمَ لِي مَنَائِحَ طَولِكَ

خوشنودی تو و واجب گردانی برای من زیادتیهای فضل خود و بهمیشه داری برای من عطاهای احسان خود را

يَا اَرحَمَ الرَّاحِمِينَ فصـــل واما ساعت هشتم پس از گذشتن

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان چهار رکعتست پیش از عصر تا نماز عصر و این از

حضرت امام رضا علیه السلام است و این دعای آنست اَللّٰهُمَّ اَنتَ الكَاشِفُ لِلمُلِمَّاتِ

وَالكَافِي لِلمُهِمَّاتِ وَالمُفَرِّجُ لِلكُرُبَاتِ خداوندا توئی دفع کننده اندوهها

و کفایت کننده مهمها و برطرف کننده اندوهها وَالسَّامِعُ لِلاَصوَاتِ

وَالمُخرِجُ مِنَ الظُّلُمَاتِ وَالمُجِيبُ لِلدَّعَوَاتِ و شنونده آوازها

و بیرون آورنده از تاریکیها و اجابت کننده مر دعاها را اَلرَّاحِمُ لِلعَبَرَاتِ جَبَّارُ

الاَرضِ وَالسَّمٰوَاتِ يَا وَلِيُّ يَا مَولَى رحم کننده مر اشکها را بسیار قهر کننده

زمین و آسمانها ای پادشاه ای پروردگار يَا عَلِيُّ يَا اَعلَى يَا كَرِيمُ

يَا اَكرَمُ يَا مَن لَهُ الاِسمُ الاَعظَمُ ای بلند ای بلندتر ای بزرگوار

ای بزرگوارتر ای کسی که برای اوست اسم اعظم يَا مَن عَلَّمَ الاِنسَانَ مَا لَم

يَعلَم فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالاَرضِ ای کسی که تعلیم کرده آدمی را آنچه

نمیدانست آفریننده آسمانهاست و زمین وَهُوَ يُطعِمُ وَلَا يُطعَمُ اَسئَلُكَ

بِمُحَمَّدٍ المُصطَفَى مِنَ الخَلقِ المَبعُوثِ و اوست که اطعام میکند اطعام کرده نمیشود سؤال میکنم

ترا بحق محمد که برگزیده شده است از خلق فرستاده شده بِالحَقِّ وَبِاَمِيرِ المُؤمِنِينَ

اَلَّذِي اَولَيتَهُ فَاَلفَيتَهُ شَاكِرًا بحق و بحق امیر المؤمنین

آنکه نعمت دادی او را پس یافتی او را شکر کننده

وابتليته

وَابْتَلَيْتَهُ فَوَجَدْتَهُ صَابِرًا وَبِالْإِمَامِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

وازمایش کردی او را پس یافتی او را صبر کننده و بامام رضا علی بن موسی

الَّذِي أَوْفَى بِعَهْدِكَ وَوَثِقَ بِوَعْدِكَ وَاَعْرَضَ عَنِ الدُّنْيَا

انکه وفا کرد بعهد تو و اعتماد داشت بوعده تو و روگردانید از دنیا

وَقَدْ أَقْبَلَتْ إِلَيْهِ وَرَغِبَ عَنْ زِينَتِهَا وَقَدْ رَغِبْتُ فِيهِ أَنْ

در حالی که بتحقیق رو آورده بود بسوی او و رغبت کرد از زینت دنیا و حال آنکه بتحقیق رغبت کرده بود از

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ

یکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس توسل کردم بایشان بسوی تو و پیش داشتم ایشانرا

أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي أَنْ تَهْدِيَنِي إِلَى سُبُلِ مَرْضَاتِكَ وَ

پیش خود و پیش حاجتهای خود اینکه هدایت کنی مرا بسوی راههای خوشنودی خود و

تُيَسِّرَ لِي أَسْبَابَ طَاعَتِكَ وَتُوَفِّقَنِي لِابْتِغَاءِ الزُّلْفَةِ بِمُوَالاةِ

آسان گردانی برای اسباب طاعت تو و توفیق دهی مرا برای طلب نزدیکی بسبب دوستی

أَوْلِيَائِكَ وَإِدْرَاكِ الْحُظْوَةِ مِنْ مُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ وَتُعِينَنِي

دوستان تو و دریافتن منزلت بواسطه دشمنی کردن دشمنان تو و یاری کنی مرا

عَلَى أَدَاءِ فُرُوضِكَ وَاسْتِعْمَالِ سُنَنِكَ وَتُوَقِّفَنِي وَتُوَفِّقَنِي

بر جا آوردن فرضهای تو بکار بردن سنتهای تو و وا داری مرا بر جاده راهی که

عَلَى الْمَحَجَّةِ الْمُؤَدِّيَةِ إِلَى الْعِتْقِ مِنْ عَذَابِكَ وَالْفَوْزِ بِرَحْمَتِكَ

که برساند بسوی آزادی از عذاب تو و فیروزی برحمت تو

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَامّا ساعت نهم پس از نماز عصر است تا اینکه

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان بگذرد دو ساعت و این از حضرت جواد علیه السلام است و این دعای

اَللّٰهُمَّ يَا خَالِقَ الْأَنْوَارِ وَمُقَدِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ تَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ

خداوندا ای آفریننده نورها و تقدیر کننده شب و روز میدانی آنچه بار دارد

كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ

هر ماده و آنچه کم میکنند رحمها و آنچه زیاد میکنند و هر چیز نزد او

بِمِقْدَارٍ اِذَا تَفَاقَمَ اَمْرٌ طُرِحَ عَلَيْكَ وَاِذَا غُلِّقَتِ الْاَبْوَابُ
باندازه است هرگاه بزرگ باشد کاری انداخته میشود برتو و هرگاه بسته شود درها

قُرِعَ بَابُ فَضْلِكَ وَاِذَا ضَاقَتِ الْحَاجَاتُ فُزِعَ اِلَى سَعَةِ طَوْلِكَ
کوبیده میشود درگاه فضل تو و هرگاه تنگ شود حاجتها پناه آورده شود بسوی فراخی توانگری تو

وَاِذَا انْقَطَعَ الْاَمَلُ مِنَ الْخَلْقِ اتَّصَلَ بِكَ وَاِذَا وَقَعَ الْيَاْسُ
و هرگاه بریده شود امید از خلق پیوسته میشود بتو و هرگاه واقع شود ناامیدی

مِنَ النَّاسِ وَقَفَ الرَّجَاۤءُ عَلَيْكَ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الْاَوَّابِ
از مردم می ایستد امید و داشته میشود بر تو سؤال میکنم ترا بحق پیغمبر بسیار بازگشت

الَّذِيْ اَنْزَلْتَ عَلَيْهِ الْكِتَابَ وَنَصَرْتَهُ عَلَى الْاَحْزَابِ وَهَدَيْتَنَا
کننده آنکه فرو فرستادی براو کتاب را و یاری کردی او را بر احزاب و هدایت کردی ما را

بِهِ اِلَى دَارِ الْمَاٰبِ وَبِاَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيِّ بْنِ اَبِيْطَالِبٍ الْكَرِيْمِ النِّصَابِ
بان بسوی خانه بازگشت و به امیر المؤمنین علی بن ابیطالب گرامی اصل است

الْمُتَصَدِّقِ بِخَاتَمِهِ فِي الْمِحْرَابِ وَبِالْاِمَامِ الْفَاضِلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
تصدق کننده است انگشتری خود را در محراب و بحق امام فاضل محمد بن علی

عَلَيْهِ السَّلٰمُ الَّذِيْ سُئِلَ فَوَفَّقْتَهُ لِرَدِّ الْجَوَابِ
براو باد درود آنکه سؤال کرده شد پس توفیق دادی برای ردّ جواب

[illegible]

ازاب ٣٠ دریا داخل ان میشد ماهیهای کوچک پس می افتند زان پس شکار میکنند نهار چرغهای پادشاه ان پس آزمایش میکنند ابنها سلاله نبوت را پس متحیر گردانیدند ان مامون را گفت باد که کیستی تو پس فرزند کرم محمّد بن علی الرضا و بدان بعد از واقعه حضرت علیه السّلام و بود عمر ان حضرت علیه السّلام در ان وقت یازده سال و بعضی گفته اند ده سال پس فرود اورد مامون از اب خود و بوسید سر مبارک انحضرت را و فروتنی کرد از برای انحضرت علیه السّلام بعد از ان بزنی انحضرت داد دختر خود را

وامتحن فعضدته بالتوفیق والصّواب عضدته بعین بی نقطه و ضاد نقطه دار یعنی قوت دادی او را درین فقره اشارت است بانچه مشهور است که مامون جمع آورد کرو که بزنند به انحضرت علیه السّلام و حضر خدام الفضل را گفتند با و علمای عصر و رسیدگی او خرد سال

[illegible]

وَامْتُحِنَ فَعَضَدْتَهُ بِالتَّوْفِيْقِ وَالصَّوَابِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَعَلٰى
و ازمایش کرده شد پس یاری کردی بتوفیق و صواب رحمت کناد خدا براو و بر

اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَطْهَارِ اَنْ تَجْعَلَ مُوَالَاتِيْ لَهُمْ عِصْمَةً مِنَ النَّارِ
اهل بیت او که پاکیزه کانند اینکه بگردانی دوستی باایشان نگاهداری از آتش

وَمَحَجَّةً اِلَى دَارِ الْقَرَارِ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمَامَ
و جادّه بسوی خانه قرار پس بتحقیق که متوسل شدم بایشان بسوی تو و مقدم داشتم ایشانرا

وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَاۤئِجِيْ وَاَنْ تَعْصِمَنِيْ مِنَ التَّعَرُّضِ لِمَوَاقِفِ سَخَطِكَ
پیش خود و پیش حاجتهای خود و اینکه نگاهداری مرا از متعرض شدن جایها که محل غضب تست

وَتُوَفِّقَنِيْ لِسُلُوْكِ سَبِيْلِ مَحَبَّتِكَ وَمَرْضَاتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ
و توفیق دهی مرا از برای طی کردن راه محبت تو و خوشنودی تو ای ارحم کننده ترین رحم کنندگان

واما ساعت دهم پس از دو ساعت است بعد از نماز عصر تا نزدیک زردی
افتاب و این از حضرت هادیست علیه السّلام و این دعای انست

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيْدُ الْغَفُوْرُ الْوَدُوْدُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيْدُ
خداوندا تو ولی پاکی ستایش کرده شده آمرزنده دوستدارنده ابتدا کننده عود فرماینده

علی بن موسی بن جعفر بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السّلام دانسته که اگر خواسته شود بزنی دادن به کسی از بزرگان خواهد شد تا ... ... که هرچند یکی از محرم سؤال کرد ولیکن کلام ان حضرت ... ... بلکه مراد ... ... ایا کشته است ایلا ... ... و بنابرین تردید ان حضرت که محل بشد بنوعیست پس حکم انچه یحیی سؤال کرده بنابر احتمالی و زیادی برادرانکه صورت مجیب بودن باشد بیان فرمود و در این قصوری نرا... انقع است و حسن خصوص در کتابهای دیگر که این قصه نقل شده مجلا و مجرها نیست و بنابراین جواب موافق سؤال است جم می شکافد تمام شده روایت فراگیر ... ... بنت که ممکن است که کرده شود هر یک از ... فقره بر هر یک ازان چه روایت

ذوالعرش المجيد والبطش الشديد فعّال لما يريد يا من هو
صاحب عرش بزرگ و قهر سخت کننده هر آنچه میخواهی ای کسی که او
اقرب الیّ من حبل الوريد يا من هو على كلّ شيء شهيد يا من
نزدیکتر است بسوی من از حبل ورید ای کسی که او بر هر چیز گواه است ای کسی که
لا يتعاظمه غفران الذنوب ولا يكبر عليه الصفح عن
بزرگ نمی آید بخشیدن گناهان و بزرگ نیست بر او درگذشتن از
العيوب اسئلك بجلالك وبنور وجهك الذي ملأ اركان
عیبها سؤال میکنم ترا ببزرگی تو و بنور ذات تو که پر کرده است ارکان
عرشك وبقدرتك التي قدرت بها على خلقك وبرحمتك
عرش را و بقدرت تو که تقدیر کرده بآن بر خلق خود و برحمت تو
التي وسعت كلّ شيء وبقوّتك التي ضعف لها كلّ قويّ
که گنجایش دارد همه چیز را و بقوت تو که ضعیف از برای آن هر صاحب قوتی
وبعزّتك التي ذلّ لها كلّ عزيز وبمشيّتك التي ضعف فيها
و بعزت تو که فروتنی کرد از برای آن هر عزیزی و باراده تو که ضعیف در آن
كلّ كبير وبرسولك الذي رحمت به العباد وهديت به
هر بزرگی و برسول تو که رحمت کرده بآن بندگان را و هدایت کرده
الى سبل الرشاد وبامير المؤمنين علىّ بن ابيطالب عليه السّلام
باو بسوی راههای رشاد و بامیر مؤمنان علی بن ابیطالب علیه السلام
اوّل من آمن برسولك وصدّق والذي وفى بما عاهد
که اول کسی است که ایمان آورد برسول تو و تصدیق کرده است و آنچه وفا کرده است بآنچه عهد
عليه وتصدّق وبالامام البرّ علىّ بن محمّد عليه السّلام
کرده است باو و تصدیق کرده است و به امام نیکوکار علی بن محمد علیه السلام
الذي كفيته حيلة الاعداء وأريتهم عجيب الآيات اذ توسّلوا
آنکه کفایت کردی برای او حیله اعدا و نمودی بایشان معجزه عجیب هر گاه توسل

به في الدعاء ان تصلّي على محمّد وآل محمّد فقد استشفعت
جستند باو در دعا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد بتحقیق که شفاعت جستم
بهم اليك وقدّمتهم امامي وبين يدي حوائجي وان تجعلني
بایشان بسوی تو و مقدم داشته‌ام ایشان را پیش خود و پیش حاجتهای خود و اینکه گردانی
من كفيتك في حرز حريز ومن كلائتك تحت عزّ عزيز وتوزعني
از کفایت خود در پناه محکمی و از نگاهبانی خود زیر عزت عزیز و در دل من
شكر آلائك ومنك للاعتراف بايديك ونعمك يا ارحم الراحمين
اندازی شکر نعمتهای ترا و صله‌های ترا و توفیق دهی مرا از برای اعتراف باحسانهای تو و نعمتهای تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

فصل واما ساعت یازدهم از نزدیک زردی آفتابست
تا زردی آن و این از حضرت عسکریست علیه السلام و این دعای آنست
اللهمّ انك منزل القرآن وخالق الانس والجانّ وجاعل
خداوندا بدرستی که تو فرو فرستاده قرآنرا و آفریننده انس و جان را و قرار دهنده
الشمس والقمر بحسبان المبتدئ بالطول والامتنان والمبدي
آفتاب و ماه را بحساب ابتدا کننده بنعمت و امتنان و ظاهر کننده
للفضل والاحسان وضامن الرزق لجميع الحيوان لك الحامد
فضل و احسان و ضامن روزی از برای همه حیوان از برای تست همه حمدها
والمدائح ومنك العوائد والمنائح واليك يصعد الكلم
و مدحها و از تست همه احسانها و عطاها و بسوی تو بالا میرود سخنان
الطيّب والعمل الصالح وانت العالم بما تخفي الصدور و
نیکو و عمل صالح و توئی دانا بآنچه پنهان میکنند سینه‌ها و
الحوائج اسئلك بمحمّد صلّى الله عليه وآله رسولك الى
حاجتهای خوانا آنها سؤال میکنم ترا بحق محمد رحمت کناد خدا بر او و آل او رسول بسوی
الكافّة وامينك المبعوث بالرحمة والرأفة وبامير المؤمنين
خلق تو و امین تو که فرستاده شده بسبب رحمت و مهربانی و بامیر مؤمنان

عَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ عَلَیْهِ السَّلٰمُ الْمُفْتَرَضِ طاعَتُهُ عَلَی الْقَریبِ وَ

علی بن ابی طالب علیه السلام که فرض گردیده شده طاعت او بر نزدیک و

الْبَعیدِ الْمُؤَیَّدِ بِنَصْرِکَ فی کُلِّ مَوْقِفٍ مَشْهُودٍ وَبِالْاِمامِ الْحَسَنِ

دور و تایید کرده شده بیاری تو در هر موقف مشهودی و با امام حسن

بْنِ عَلِیٍّ الَّذی طُرِحَ لِلسِّباعِ فَخَلَّصْتَهُ مِنْ مَرابِضِها وَامْتُحِنَ

بن علی آنکه انداخته شد ازبرای سباع پس خلاص کردی او را از مرابض آن و امتحان کرده شد

بِالدَّوابِّ الصِّعابِ فَذَلَّلْتَ لَهُ مَراکِبَها اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ

بجانورهای صعب پس رام کردی ازبرای او پشت آنها را اینکه رحمت بفرستی بر محمد

وَ الِ مُحَمَّدٍ فَقَدْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ اِلَیْکَ وَقَدَّمْتُهُمْ اَمامی وَبَیْنَ

و آل محمد پس بتحقیق که متوسل شدم بایشان بسوی تو و مقدم داشتم ایشان را پیش خود

یَدَیْ حَوائِجی وَاَنْ تَرْحَمَنی بِالتَّوْفیقِ لِتَرْکِ مَعاصیکَ ما

پیش حاجتهای خود و اینکه رحم کنی مرا بتوفیق دادن ازبرای ترک معاصی تو چندانکه

اَبْقَیْتَنی وَتُعینَنی عَلَی التَّمَسُّکِ بِطاعَتِکَ ما اَحْیَیْتَنی وَ

باقی داری و یاری کنی مرا بر چنگ زدن بطاعت تو چندانکه زنده داری مرا و

اَنْ تَخْتِمَ لی بِالْخَیْراتِ اِذا تَوَفَّیْتَنی وَتَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِالْمَیاسَرَةِ اِذا

اینکه ختم کنی ازبرای من بخیرات هرگاه بمیرانی و تفضل کنی بر من باسان گرفتن هرگاه

حاسَبْتَنی وَتَهَبَ لِیَ الْعَفْوَ اِذا کاشَفْتَنی وَلا تَکِلْنی اِلی نَفْسی

حساب کنی مرا و بخشی برای من عفو را هرگاه برداری پرده از من و وامگذاری مرا بسوی نفس من

فَاَضِلَّ وَلا تُحْوِجْنی اِلی غَیْرِکَ فَاَذِلَّ وَلا تُحَمِّلْنی ما لا طاقَةَ لی بِهِ

پس گمراه شوم و محتاج مگردان مرا بسوی غیر تو پس خوار شوم و بار مکن مرا آنچه نباشد طاقت مرا بآن

فَاَضْعُفَ وَلا تَبْتَلِیَنّی بِما لا صَبْرَ لی عَلَیْهِ فَاَعْجِزَ وَاَجْرِنی عَلی جَمیلِ

پس ضعیف شوم و مبتلا مگردان مرا بآنچه نباشد صبر ازبرای من بر آن پس عاجز شوم و جاری کن مرا بر نیکو

عَوائِدِکَ عِنْدی وَلا تُؤاخِذْنی بِسُوءِ عَمَلی وَلا تُسَلِّطْ

احسانهای تو که نزد منست و بگیر مرا بسبب بد اعمال مرا و مسلط مگردان

عَلَیَّ مَنْ لا یَرْحَمُنی بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَاَمّا

بر من کسی را که رحم نکند مرا برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

ساعت دوازدهم پس از زرد شدن آفتاب است تا غروب آن از
حضرت خلف حق و حجت بر خلق علیه السلام و این دعای اوست

اَللّٰهُمَّ یا خالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَالْمِهادِ الْمَوْضُوعِ وَرازِقَ

خداوندا ای آفریننده سقف بلند کرده شده و بساط بست کرده شده و روزی

الْعاصی وَالْمُطیعِ الَّذی لَیْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ وَلِیٌّ وَلا شَفیعٌ اَسْئَلُکَ

دهنده عاصیان کننده و اطاعت کننده آنکه نیست مر او را از غیر او هیچ یاری و نه شفاعت کننده سؤال میکنم

بِاَسْمائِکَ الَّتی اِذا سُمِّیَتْ عَلی طَوارِقِ الْعُسْرِ عادَتْ یُسْراً وَاِذا

بحق نامهای تو که هرگاه نام برده شوند بر حادثهای دشواری برمیگردند باسانی و هرگاه

وُضِعَتْ عَلَی الْجِبالِ کانَتْ هَباءً مَنْثُوراً وَاِذا رُفِعَتْ اِلَی السَّماءِ

گذاشته شوند بر کوهها میگردند ریزهای پراکنده شده و هرگاه بالا برده شوند بسوی آسمان

تَفَتَّحَتْ لَهَا الْمَغالِقُ وَاِذا هُبِطَتْ اِلی ظُلُماتِ الْاَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا

گشوده میشوند ازبرای آنها درهای بسته شده و هرگاه پائین برده شوند بسوی تاریکیهای زمین گشاده میشوند ازبرای آنها

الْمَضائِقُ وَاِذا دُعِیَتْ بِهَا الْمَوْتی انْتَشَرَتْ مِنَ اللُّحُودِ وَاِذا نُودِیَتْ

تنگیها و هرگاه خوانده شوند بآنها مردها پراکنده شوند از لحدها و هرگاه ندا کرده شوند

بِهَا الْمَعْدُوماتُ خَرَجَتْ اِلَی الْوُجُودِ وَاِذا ذُکِرَتْ عَلَی الْقُلُوبِ

بآنها معدومات بیرون آیند بسوی وجود و هرگاه یاد کرده شوند بر دلها

وَجِلَتْ خُشُوعاً وَاِذا قَرَعَتِ الْاَسْماعَ فاضَتِ الْعُیُونُ دُمُوعاً

بترسند آنها از روی خشوع و هرگاه کوبیده شوند گوشها روان از دیدها اشکها

اَسْئَلُکَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِکَ الْمُؤَیَّدِ بِالْمُعْجِزاتِ الْمَبْعُوثِ بِمُحْکَمِ الْایاتِ

سؤال میکنم ترا بحق محمد فرستاده تو که تایید کرده شده بمعجزات و فرستاده شده است بآیهای محکم

وَبِاَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ بْنِ اَبی طالِبٍ الَّذِی اخْتَرْتَهُ لِمُواخاتِهِ

و بحق امیر مؤمنان علی بن ابی طالب آنکه اختیار کردی او را برای برادری

وَوَصِيِّهِ وَاصْطَفَيْتَهُ لِمُصَافَاتِهِ وَمُصَاهَرَتِهِ وَبِصَاحِبِ الزَّمَانِ

رسول تو و وصیت او و برگزیده او برای خاص بودن با او و داماد بودن او و بحق صاحب زمان

الْمَهْدِيِّ الَّذِي تَجْمَعُ عَلَى طَاعَتِهِ الْآرَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ وَتُؤَلِّفُ

مهدی آنکه جمع میکنی بر طاعت او رایهای پراکنده او میزش میدهی

بِهِ بَيْنَ الْأَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ أَوْلِيَائِكَ

باو میان خواهشهای مختلف و خلاص میکنی باو حقوق دوستان خود را

وَتَنْتَقِمُ بِهِ مِنْ شِرَارِ أَعْدَائِكَ وَتَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً وَإِحْسَاناً

و انتقام میکشی باو از بدان دشمنان خود و پر میکنی بان زمین را از عدل و احسان

وَتُوَسِّعُ عَلَى الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ فَضْلاً وَامْتِنَاناً وَتُعِيدُ الْحَقَّ إِلَى

و فراخ میگردانی بر بندگان بسبب ظهور او فضل و امتنان و عود میفرمائی حق را بسوی

مَكَانِهِ عَزِيزاً حَمِيداً وَتُرْجِعُ الَّذِينَ عَلَى يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً أَنْ

مکان خود عزیز و پسندیده شده و میگردانی دین بر دستهای او تازه و جدید اینکه

تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقَدِ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَقَدَّمْتُهُمْ

رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد پس بتحقیق که شفاعت جستم بایشان بسوی تو و مقدم داشتم

أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ فِي التَّوْفِيقِ

ایشانرا پیش خود پیش حاجتهای خود و اینکه در دل من اندازی شکر نعمت تو در توفیق

لِمَعْرِفَتِهِ وَالْهِدَايَةِ إِلَى طَاعَتِهِ وَتَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ

برای شناخت او و هدایت بسوی طاعت او و زیاد کنی برای من قوتی در چنگ زدن

بِعِصْمَتِهِ وَالْاِقْتِدَاءِ بِسُنَّتِهِ وَالْكَوْنِ فِي زُمْرَتِهِ إِنَّكَ سَمِيعُ

بنگهداری او و اقتدا بطریقه او و بودن در گروه او بدرستی که شنونده

الدُّعَاءِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ **بَابُ چهارم** آنچه

دعای برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

کرده میشود در میان غروب آفتاب تا وقت خواب اول وقت نماز مغرب بنا بر مشهور بر طرف شدن

سرخي

سرخی طرف مشرقست و میکشد وقت فضیلت ان تا پنهان شدن سرخی مغرب و وقت ادای ان تا اینکه باقی بماند تا نصف شب قدر گذاردن ان با نماز عشا پس هرگاه تحقیق کردی داخل شدن وقت را میگوئی ده مرتبه انچه را روایت کرده است از رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام از دعای نوح پیغمبر ما و بر او باد درود انچه روایت کرده است از ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح نیز از حضرت باقر علیه السلام و بتحقیق که گذشت ذکر انها در دعاهای نزد طلوع صبح و میگذاری دست خود را بر سر خود و بعد از ان میکشی از ان بر روی خود و میگیری ریش خود را و میگوئی أَحَطْتُ عَلَى نَفْسِي

وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي مِنْ غَائِبٍ وَشَاهِدٍ بِاللهِ

فرا گرفتم نفس خود را و اهل خود را و مال خود را و فرزندان خود را از غایب و حاضر بخدائی

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

که نیست خدائی مگر او دانای نهان و آشکار بسیار مهربان رحم کننده همیشه زنده

لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ تا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

ومر تراست اکتفا کنی بخود برای و میکرد او را چنگ و نیز تمام از بیکی از این سه دعا خصوصا هرگاه بترسی از تنگی وقت بعد از ان سزاوارست پیشی گرفتن بسوی نماز مغرب پس بدرستیکه مستفاد از روایات معتبره از اصحاب عصمت سلام الله علیهم انست که وقت مغرب تنگست و روایات درین باب بسیارست چنانکه روایت کرده از ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که جبرئیل علیه السلام اورد برای پیغمبر صلی الله علیه و آله از برای هر نماز دو وقت غیر نماز مغرب پس بدرستیکه وقت ان یکیست و وقت ان سقوط افتابست و چنانکه روایت کرده از رئیس محدثین در مجلس شصت و دوم از کتاب امالی از ابی اسامه که گفت شنیدم از حضرت ابی عبدالله علیه السلام که میفرمود که هرکه تاخیر کند مغرب را تا آنکه مشتبک شوند ستارها پس من از او بیزارم و چنانکه

روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از ذریح که گفت گفتم به حضرت ابی عبدالله علیه السّلام که جمعی مردم از اصحاب ابی الخطاب شام میکنند بنماز مغرب تا اینکه مشتبک میشوند ستارها پس فرمود آنحضرت که من بیزارم بسوی خدا از کسی که بکند این را عمداً و چنانکه روایت کرده است آنرا در تهذیب بسند صحیح از آنحضرت علیه السّلام که فرمود که جبرئیل علیه السّلام امر کرد پیغمبر را صلی الله علیه وآله بنمازها تمام آنها پس کردانید از برای هر نمازی دو وقت مگر مغرب پس بدرستیکه کردانید از برای آن یکوقت و بتحقیق که روایت شده است نیز در روایات معتبره بیرون رفتن وقت مغرب بزایل شدن شفق و عمل کرده اند بان جماعتی از علمای ما و کردانیده اند میانهٔ غروب و رفتن شفق را وقت از برای مختار و ما بعد آنرا وقت از برای مضطر و ظاهر تر مذهب متاخر نیست که وقت فضیلت تنکست نه وقت ادای آن پس بنابرین حمل کرده میشود بیزار بودن حضرت صادق علیه السّلام از کسی که تاخیر کند آنرا تا مشتبک شدن ستارها بر کسی که اعتقاد داشته باشد وجوب تاخیر آنرا تا آن وقت و سزاوار است که ترک نشود اذان و اقامت نماز شام پس بتحقیق که رفته اند جماعتی از علمای ما سیّد مرتضی و ابن ابی عقیل و ابن جنید رحمهم الله بوجوب آنها در نماز شام بلکه قایل شده اند بعضی از یشان بباطل شدن نماز بسبب ترک آنها عمداً و هرگاه اذان بگوئی پس فاصله کن میان اذان و میان اقامت بسکته یا نشستنی پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السّلام که فرموده که هر که بنشیند میان اذان مغرب و اقامت خواهد بود مثل کسی که بغلطد بخون خود در راه خدا و از آنچه گفته میشود میان اذان مغرب و اقامت این دعاست

اَللّٰهُمَّ اِنّیٓ اَسْئَلُكَ بِاِقْبَالِ لَيْلِكَ وَاِدْبَارِ نَهَارِكَ وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق روآوردن شب تو و پشت کردن روز تو و حاضر کردن نمازهای تو

وَاَصْوَاتِ دُعَاتِكَ وَتَسْبِيحِ مَلٰٓئِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ

و آوازهای نماز تو و تسبیح کردن ملائکه تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَاَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ و اما فاصله کردن

و اینکه قبول کنی توبه مرا بدرستی که ایشان تو پذیرندهٔ رحم کننده

میان آنها بکلام برداشتن پس مذکور است در کتابهای فقه و گفته است شیخ ما در ذکری که من نیافته ام درین باب حدیثی و میگوئی بعد از اقامت آنچه گذشت بعد از آن افتتاح کن نماز را رعایت کننده آدابی را که پیش گذشت و اختیار میکنی از سورها در رکعت اوّل نصر را یا تکاثر یا آنچه مانند آنها باشد در کوتاهی چنانکه روایت کرده است آنرا شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دوّم سورهٔ توحید و تعقیب میخوانی بعد از فراغ بان سه تکبیر و تسبیح زهرا علیها السّلام بعد از آن میگوئی سه مرتبه آنچه روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت علیه السّلام و آن اینست

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ غَيْرُهُ

سپاس مر خدایرا که میکند آنچه میخواهد و نمی کند آنچه میخواهد غیر او

بعد از آن بر میخیزی بنافله و اگر دوست داری طول دادن تعقیب را پس سزاوار آنست که بجا آوری آنچه را زیاد باشد بر آنچه مذکور شد بعد از نافله اگر وسعت داشته باشد وقت برای آن و بتحقیق روایت شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم تحریص بر نافلهٔ مغرب پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السّلام که فرموده بحارث بن مغیره که وامگذار چهار رکعت را بعد از مغرب در سفر و نه در حضری و اگر چه طلب کنند ترا سواران و مکروه است سخن میانهٔ مغرب و این چهار رکعت و در روایت واضح از حضرت صادق علیه السّلام دلالتی هست برین و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السّلام که فرموده که هر که نماز مغرب بگذارد پس از آن تعقیب کند و حرف نزند تا اینکه دو رکعت نماز بگذارد نوشته میشود آن دو رکعت از برای او در علیین پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته میشود آنها از برای او حجّی مقبول و مشهور نیست کراهت سخن گفتن در میانهٔ چهار رکعت و دلالت میکند بر کراهت آن روایت ابی الفوارس که گفته نهی کرد مرا حضرت ابی عبدالله علیه السّلام از سخن گفتن میانهٔ چهار

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِاِقْبالِ لَیْلِكَ وَاِدْبارِ نَهارِكَ وَحُضُورِ صَلَوٰ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق رو آوردن شب تو و پشت کردن روز تو و حاضر کردن نمازهای تو

وَاَصْواتِ دُعاتِكَ وَتَسْبیحِ مَلٰٓئِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و آوازهای نماز تو و تسبیح کردن ملائکه تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَاَنْ تَتُوبَ عَلَیَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحیمُ واما فاصله کردن

و اینکه قبول کنی توبه مرا بدرستی که بسیار توبه پذیر و رحم کننده میان نماها بکلام برداشتن

پس مذکور است در کتابهای فقه و گفته است شیخ ما در ذکری که من نیافته‌ام

درین باب حدیثی و میکوئی بعد از اقامت انچه گذشت بعد از ان افتتاح کن نماز را

رعایت کننده ادابی را که پیش گذشت و اختیار میکنی از سورها در رکعت اول

نصر را یا تکاثر یا انچه مانند انها باشد در کوتاهی چنانکه روایت کرده است انرا

شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دوم سوره توحید و تعقیب

میخوانی بعد از فراغ بان سه تکبیر و تسبیح زهرا علیها السلام بعد از ان میکوئی سه

مرتبه انچه روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت علیه السلام و ان اینست

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی یَفْعَلُ ما یَشآءُ وَلا یَفْعَلُ ما یَشآءُ غَیْرُهُ

سپاس مر خدایرا که میکند انچه میخواهد و نمی‌کند انچه میخواهد غیر او

بعد از ان بر میخیزی بنافله و اگر دوست داری طول دادن تعقیب را پس سزاوار

انست که بجا اوری انچه را زیاد باشد بر انچه مذکور شد بعد از نافله اگر وسعت

داشته باشد وقت برای ان و بتحقیق روایت شده است از اصحاب عصمت سلام الله

علیهم تحریص بر نافله مغرب پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق

علیه السلم که فرموده بحارث بن مغیره که وا مگذار چهار رکعت را بعد از مغرب در

سفر و نه در حضر و اگر چه طلب کنند ترا سواران و مکروه هست سخن میانه مغرب

و این چهار رکعت و در روایت اخفاف از حضرت صادق علیه السلم دلالتی هست

برین و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلم

که فرموده که هر که نماز مغرب بگذارد و پس از ان تعقیب کند و حرف نزند تا اینکه دو

رکعت نماز بگذارد نوشته میشود ان دو رکعت از برای او در علیین پس اگر بگذارد

چهار رکعت نوشته میشود از برای او حجی مقبول و مشهور نیست کراهت سخن

گفتن در میانه چهار رکعت و دلالت میکند بر کراهت ان روایت ابی الفوارس

که گفته نهی کرد مرا حضرت ابی عبد الله علیه السلم از سخن گفتن میانه چهار

روایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از ذریح که گفت گفتم به

اللهم انی اسئلک ...

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق ... شب و پشت گردن روز تو و حاضر کردن نمازهای تو

وَاَصْوَاتِ دُعَاتِكَ وَتَسْبِيحِ مَلَآئِكَتِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و آوازهای نمازگزاران تو و تسبیح کردن ملائکه تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَاَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ واما فاصله کردن

و اینکه قبول کنی توبه مرا بدرستی که بسیار توبه پذیر رحیم کننده

میان نمازها بکلام برداشتن پس مذکور است در کتابهای فقه و گفته است شیخ ما در ذکری که من نیافته‌ام درین باب حدیثی و میکوئی بعد از اقامت انچه کذشت بعد ازان افتتاح کن نماز را رعایت کننده ادابی را که پیش کذشت و اختیار میکنی از سورها در رکعت اول نصر را یا تکاثر یا انچه مانند انها باشد در کوتاهی چنانکه روایت کرده است انرا شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دویم سوره توحید و تعقیب میخوانی بعد از فراغ بان سه تکبیر و تسبیح زهرا علیها السلام بعد ازان میکوئی سه مرتبه انچه روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت علیه السلام و ان اینست

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ غَيْرُهُ

سپاس مر خدایرا که میکند انچه میخواهد و نمی‌کند انچه میخواهد غیر او

بعد ازان بر میخیزی بنافله و اگر دوست داری طول دادن تعقیب را پس سزاوار انست که بجا اوری انچه را زیاد باشد بر انچه مذکور شد بعد از نافله اگر وسعت داشته باشد وقت برای ان و بتحقیق روایت شده است از اصحاب عصمت سلام الله علیهم تحریص بر نافله مغرب پس بتحقیق که روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که فرموده بحارث بن مغیره که وامگذار چهار رکعت را بعد از مغرب در سفر و نه در حضر و اگر چه طلب کنند ترا سواران و مکروه است سخن میانه مغرب و این چهار رکعت و در روایت اخفاف از حضرت صادق علیه السلام دلالتی هست برین و روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هر که نماز مغرب بگذارد و پس ازان تعقیب کند و حرف نزند تا اینکه دو رکعت نماز بگذارد نوشته میشود ان دو رکعت از برای او در علیین پس اگر بگذارد چهار رکعت نوشته میشود انها از برای او حجی مقبول و مشهور نیست کراهت سخن کفتن در میانه چهار رکعت و دلالت میکند بر کراهت ان روایت ابی الفوارس که گفته نهی کرد مرا حضرت ابی عبدالله علیه السلام از سخن کفتن میانه چهار

رکعتی که بعد از مغربست و بتحقیق که استدلال کرده است علامه در منتهی باین
روایت بر کراهت سخن گفتن میانه مغرب و این چهار رکعت و موافقت کرده است
با و شیخ ما شیخ شهید در ذکری بر این استدلال و این چنانست که میبینی و اول
وقت این چهار رکعت فارغ شدن از نماز شام است و اخر آن بر مذهب مشهور
بر طرف شدن شفق است و مزاحمت رسانیده نمیشود باین چهار رکعت نماز
عشا خواه شروع شده باشد بآنها یا نه و بسا باشد که قول شده باشد بامتداد
وقت آنها تا اینکه باقی بماند بعد از مغرب پیش از نصف شب مقدار ادای نماز
عشا و بتحقیق که میل کرده است باین شیخ ما در ذکری لیکن کلام علامه در مطالب
ثراه در منتهی دلالت میکند بر اتفاق علمای ما بر اینکه آخر وقت آنها بر طرف
شدن شفق است پس عدولی نیست بنا بر این از مشهور و هرگاه فوت شود وقت
آنها پس سزاوار است قضای آنها مانند باقی نوافل شبانروزی پس از حضرت
صادق علیه السلام روایت شده که فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود بدرستی
که خدای تعالی مباهات میکند به بنده که قضا میکند نماز شب را در روز و می
گوید ای ملائکه من نگاه کنید بسوی بنده من که قضا میکند آنچه را واجب نکردانیدم
بر او گواه میگیرم شما را بدرستیکه من بتحقیق آمرزیدم او را بتحقیق که روایات از
ائمه علیهم السلام در تفسیر قول خدای تعالی والذین هم علی صلوتهم دائمون یعنی و
آنانکه ایشان بر نماز خود مداومت میکنند والله تعالی یعلم که مراد اینست که
مداومت میکنند آنرا در شب و سزاوار است نزد شروع در آنها اینکه افتتاح کنی
رکعت اول را بآن هفت تکبیر با سر دعای آنها که گذشت و بخوانی در آن بعد حمد
سوره توحید سه مرتبه و در رکعت دوم سوره قدر و اگر خواهی میخوانی در رکعت
اول سوره جحد و در دویم توحید و اگر اکتفا کنی بحمد مجزیست ترا چنانکه در باقی
نافلهای شبانروزی سنت و سزاوار است بلند کردن قرائت در آنها در جمیع نوافل شب میگوئی بعد از
فراغ از دو رکعت اول اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرٰى وَلَا تُرٰى وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى وَاِنَّ
خداوندا بدرستی که تو می بینی و دیده نمیشوی و تو بر منظر بلندتری و بدرستی که

اِلَيْكَ الرُّجْعٰى وَالْمُنْتَهٰى وَاِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْيٰى وَاِنَّ لَكَ الْاٰخِرَةَ
بسوی تست رجوع و منتهی و بدرستی که از برای تست مردن و زندگانی و بدرستی که از برای تست آخرت
وَالْاُوْلٰى اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِكَ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزٰى وَاَنْ نَاْتِيَ مَا عَنْهُ
و دنیا خداوندا ما پناه می آوریم بتو از اینکه خوار شویم و رسوا شویم و اینکه بجا آوریم آنچه
تَنْهٰى اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْئَلُكَ
نهی میکنی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم
الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ وَاَسْئَلُكَ
بهشت برحمت تو و پناه می آورم بتو از آتش بقدرت تو و سؤال میکنم ترا
مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِعِزَّتِكَ وَاَنْ تَجْعَلَ اَوْسَعَ رِزْقِيْ عِنْدَ كِبَرِ
از حور عین بعزت تو و اینکه گردانی فراخترین روزی مرا نزد پیری من
سِنِّيْ وَاَحْسَنَ عَمَلِيْ عِنْدَ اقْتِرَابِ اَجَلِيْ وَاَطِلْ فِيْ طَاعَتِكَ وَمَا
و نیکو گردانی کردار مرا نزد نزدیک شدن اجل من و دراز گردان در طاعت تو و آنچه
يُقَرِّبُ مِنْكَ وَيُحْظِيْ عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ عُمْرِيْ وَاَحْسِنْ
نزدیک گرداند بتو و بهره‌مند گرداند نزد تو و نزدیک گرداند نزد تو عمر مرا و نیکو گردان
فِيْ جَمِيعِ اَحْوَالِيْ وَاُمُورِيْ مَعْرِفَتِيْ وَلَا تَكِلْنِيْ اِلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
در جمیع احوال من و امور من معرفت من و وامگذار مرا بسوی احدی از خلق
وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِيْ لِلدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَابْدَاْ
و احسان کن بر من ببرآوردن جمیع حاجتهای من از برای دنیا و آخرت و ابتدا
بِوَالِدَيَّ وَوُلْدِيْ وَجَمِيعِ اِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ فِيْ جَمِيعِ مَا سَاَلْتُكَ
به پدر و مادر من و فرزندان من و جمیع برادران مؤمن من در جمیع آنچه سؤال کردم ترا
لِنَفْسِيْ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و بعد از آنکه فارغ شوی از آنچه
از برای نفس خود برحمت تو ای رحم کننده ترین رحم کنندگان متعلق است بدو رکعت اول
از نافله مغرب شروع میکنی در دو رکعت آخر بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
و میخوانی در رکعت اول از حمد اول سوره حدید بنام خداوند بخشنده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ لَهُ

تسبیح کرده است از برای خدا هر چه در آسمانها و زمین است و اوست غالب دانا از برای اوست

مُلْکُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ هُوَ

پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکرداند و میمیراند و او بر همه چیز تواناست او

الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ هُوَ

اول و آخر و ظاهر و باطن و او بر همه چیز داناست اوست

الَّذِی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِی سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی عَلَی

آنکه آفریده است آسمانها و زمین را در شش روز پس مستولی شده است

الْعَرْشِ یَعْلَمُ مَا یَلِجُ فِی الْاَرْضِ وَمَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ

عرش میداند آنچه فرو میرود در زمین و آنچه بر می آید از آن و آنچه فرود می آید از آسمان

وَمَا یَعْرُجُ فِیهَا وَهُوَ مَعَکُمْ اَیْنَمَا کُنْتُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ لَهُ

و آنچه را بالا میرود در آن و او با شماست هر جا که بوده باشید و خدا بآنچه میکنید بیناست از برای

مُلْکُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَی اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ یُولِجُ اللَّیْلَ

اوست پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خدا بر میگردد همه امور داخل میکرداند شب را

فِی النَّهَارِ وَیُولِجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَهُوَ عَلِیمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

در روز و داخل میگرداند روز را در شب و او داناست بآنچه در سینههاست

ومیخوانی در رکعت دویم لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰی جَبَلٍ لَرَاَیْتَهُ

آخر سورهٔ حشر — اگر می فرستادیم این قرآن را بر کوهی هر اینه میبینی او را

خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْیَةِ اللّٰهِ وَتِلْکَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ

زاری کننده شکافته شده از ترس خدای و این مثلها میزنیم آنها را از برای مردم

لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَ

شاید که ایشان تفکر کنند اوست خدا که نیست خدای مگر او دانای غیب و

الشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِکُ

آشکار اوست بسیار مهربان رحم کننده اوست خدا که نیست خدای مگر او پادشاه

القدوس

الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحَانَ

بسیار پاکیزه سلام امان دهنده حفظ کننده عزیز جبار متکبر پاکست

اللّٰهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ

خدای از آنچه شریک میگردانند او را اوست خدای تقدیر آفریننده صورت بخشنده از برای اوست نامهای

الْحُسْنٰی یُسَبِّحُ لَهُ مَا فِی السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ

نیکو تسبیح میکند از برای اوست آنچه در آسمانهاست و زمین و اوست عزیز حکیم

ومیگوئی در سجدهٔ آخر این اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ

دو رکعت هفت مرتبه — خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق ذات بزرگوار تو

وَاسْمِکَ الْعَظِیمِ وَمُلْکِکَ الْقَدِیمِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

و نام بزرگ تو و پادشاهی قدیم تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَغْفِرَ لِی ذَنْبِیَ الْعَظِیمَ اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ اِلَّا الْعَظِیمُ

بیامرزی از برای من گناه مرا که بزرگ است بدرستی که نمی آمرزد گناه بزرگ مگر بزرگ

پس هرگاه فارغ شدی ازین چهار رکعت پس مانعی نیست از کامل کردانیدن

تعقیب بعضی از آنچه گذشت در تعقیب صبح از آنچه خوانده میشود در صبح و شام

چنانکه آگاه کردیم ترا بآن **فصل** اگر وسعت داشته باشد وقت تو

پس بخوان از نافلهٔ مغرب این دعا را بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ الْبَشِیرِ النَّذِیرِ — بنام خداوند بخشنده بسیار مهربان

خداوندا رحمت بفرست بر محمد بشارت دهنده ترساننده — السِّرَاجِ الْمُنِیرِ الطُّهْرِ

الطَّاهِرِ خَاتَمِ اَنْبِیَائِکَ وَسَیِّدِ اَصْفِیَائِکَ وَخَالِصِ اَخِلَّائِکَ

پاکیزه خاتم پیغمبران تو و بزرگ برگزیده تو و خالص دوستان تو

ذِی الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَالْمَنْهَلِ الْمَشْهُودِ وَالْحَوْضِ الْمَوْرُودِ اَللّٰهُمَّ

صاحب جایگاه پسندیده و منهل مشهور و حوض مورود خداوندا

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ کَمَا بَلَّغَ رِسَالَتَکَ وَجَاهَدَ فِی سَبِیلِکَ وَنَصَحَ

رحمت بفرست بر محمد چنانکه رسانید پیغام ترا و جهاد کرد در راه تو و نصیحت کرد

لِاُمَّتِهِ حَتّٰى اَتاهُ الْيَقِينُ وَصَلِّ عَلٰى آلِهِ الطّاهِرِينَ الْاَخْيارِ

گرده امت خود را تا اینکه امد او را یقین و رحمت بفرست بر آل او که پاکان بر گزیدگان

الْاَتْقِياءِ الْاَبْرارِ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ

پرهیزکاران نیکوکارانند آنانکه برگزیدی ایشان را از برای نفس خود و اختیار کردی ایشان را

مِنْ خَلْقِكَ وَاَمَّنْتَهُمْ عَلٰى وَحْيِكَ وَجَعَلْتَهُمْ خُزّانَ عِلْمِكَ وَ

از خلق خود و امین گردانیدی ایشان را بر وحی خود و گردانیدی ایشان را خزانه‌دار علم خود و

تَراجِمَةَ وَحْيِكَ وَاَعْلامَ نُورِكَ وَحَفَظَةَ سِرِّكَ وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ

ترجمان وحی خود و علمهای نور خود و نگهداران خود سر خود و زایل کرده از ایشان

الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اَللّٰهُمَّ انْفَعْنا بِحُبِّهِمْ وَاحْشُرْنا

رجس را و پاک گردانیده ایشان را پاک گردانیدنی خداوندا سود ده ما را بسبب دوستی ایشان و حشر کن ما را

فِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لِوائِهِمْ وَلا تُفَرِّقْ بَيْنَنا وَبَيْنَهُمْ وَاجْعَلْنِي

در گروه ایشان و زیر علم ایشان و جدائی مکن میان ما و میان ایشان و بگردان

بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الَّذِينَ

بسبب ایشان نزد تو روشنائی در دنیا و آخرت و بگردان از مقربان آنانکه نیست

لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا هُمْ يَحْزَنُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَذْهَبَ النَّهارَ

خوفی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند سپاس مر خدا را که برد روز را

بِقُدْرَتِهِ وَجاءَ بِاللَّيْلِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقاً جَدِيداً وَجَعَلَهُ لِباساً

بقدرت خود و آورد شب را برحمت خود آفریده تازه و گردانید او را لباسی

وَسَكَناً وَجَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهارَ آيَتَيْنِ لِنَعْلَمَ بِهِما عَدَدَ السِّنِينَ

و آرامگاهی و گردانید شب و روز را دو نشانه تا اینکه بدانیم عدد سالها

وَالْحِسابَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اِقْبالِ اللَّيْلِ وَاِدْبارِ النَّهارِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و حساب سپاس مر خدا را برآوردن شب و پشت کردن روز خداوندا رحمت بفرست

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَصْلِحْ لِي دِينِيَ الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ اَمْرِي

بر محمد و آل او و اصلاح کن از برای من دین مرا که بوده است روزی نگاهبان امر من

واصلح لي

وَاَصْلِحْ لِي دُنْيايَ الَّتِي فِيها مَعِيشَتِي وَاَصْلِحْ لِي آخِرَتِيَ الَّتِي

و اصلاح کن از برای من دنیای مرا که در آن روزی منست و اصلاح کن از برای من آخرت مرا

اِلَيْها مُنْقَلَبِي وَاجْعَلِ الْحَياةَ زِيادَةً لِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ

بسوی آنست بازگشت من و بگردان زندگی زیاده از برای من از هر چیز نیکی و بگردان مرگ مرا

راحَةً لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَاكْفِنِي اَمْرَ دُنْيايَ وَآخِرَتِي بِما كُنْتَ بِهِ

راحتی از برای من در هر بدی و کارگذاری کن امر دنیای مرا و آخرت مرا بآنچه که بودی که کرده‌ای

اَوْلِياءَكَ حِزْبَكَ مِنْ عِبادِكَ الصّالِحِينَ وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُما وَ

دوستان خود را و گروه خود را از بندگان تو که صالح اند و بگردان از من شر دنیا و آخرت را

وَفِّقْنِي لِما يُرْضِيكَ عَنِّي يا كَرِيمُ اَمْسَيْنا لِلّٰهِ الْواحِدِ الْقَهّارِ وَما

و توفیق ده مرا از برای آن خوشنود میکرداند ترا از من ای کریم داخل شام شدیم برای خدای یگانه قهار است آنچه

فِي اللَّيْلِ وَالنَّهارِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي وَهٰذَا اللَّيْلَ وَالنَّهارَ خَلْقانِ مِنْ

در شب و روز است خداوندا بدرستی که من و این شب و روز دو آفریده اند از

خَلْقِكَ فَاعْصِمْنِي فِيهِما بِقُوَّتِكَ وَلا تُرِهِما جُرْاَةً مِنِّي عَلٰى مَعاصِيكَ

آفریدگان تو پس نگهدار مرا در آنها بقوت خود و منما بایشان جرات از من بر معاصی تو

وَلا رُكُوباً لِمَحارِمِكَ وَاجْعَلْ عَمَلِي فِيهِما مَقْبُولاً وَسَعْيِي مَشْكُوراً

و نه ارتکاب حرامهای تو و بگردان عمل مرا در آنها قبول کرده شده و سعی مرا جزا داده شده

وَسَهِّلْ لِي ما اَخافُ عُسْرَهُ وَاقْضِ لِي فِيهِ بِالْحُسْنٰى وَآمِنِّي مَكْرَكَ

و آسان گردان برای من آنچه میترسم دشواری آنرا و حکم کن برای من به نیکوئی و ایمن گردان مرا از مکر تو

وَلا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ وَلا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ

و مدر از من پرده خود را و فراموش گردان مرا یاد خود و مانع مشو میان من و میان

حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَلا تُلْجِئْنِي اِلٰى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَداً وَلا اِلٰى

حول و قوت خود و ملتجی مساز مرا بسوی نفس من یک چشم بر هم زدنی و نه بسوی احدی

اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يا كَرِيمُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ

از آفریدگان ای بزرگوار خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگشا

قلبی لذکرک حتّی اعی وحیک واتّبع امرک واجتنب نهیک

دل مرا برای ذکر تو تا اینکه حفظ کنم وحی ترا و پیروی کنم امر ترا و اجتناب کنم نهی ترا

اللّهمّ صلّ علی محمّد وآله ولا تصرف عنّی وجهک ولا تمنعنی

خداوندا رحمت بفرست بر محمّد و آل او و مگردان از من روی خود را و منع مکن از من

فضلک ولا تحرمنی عفوک واجعلنی اوالی اولیاءک واعادی

تفضّل خود را و محروم مگردان مرا از عفو خود و بگردان مرا که محبّت دارم دوستان ترا و دشمن دارم

اعداءک وارزقنی الرّهبة منک والرّغبة الیک والتّسلیم

دشمنان ترا و روزی کن مرا ترس از تو و رغبت بسوی تو و اطاعت کردن

لامرک والتّصدیق بکتابک واتّباع سنّة نبیّک صلّی الله

امر ترا و تصدیق نمودن بکتاب تو و پیروی کردن طریقهٔ پیغمبر رحمت کند

علیه واله اللّهمّ انّی اعوذ بک من نفس لا تقنع وبطن لا

بر او و آل او خداوندا بدرستی که پناه می‌گیرم از تو از نفسی که قناعت کند و شکمی که سیر

یشبع وعین لا تدمع وقلب لا یخشع وصلوة لا ترفع وعمل

نشود و چشمی که گریه نکند و دلی که فروتنی نکند و نمازی بالا برده نشود و عملی که

لا ینفع ودعاء لا یسمع واعوذ بک من سوء القضاء ودرک

نفع نکند و دعائی که شنیده نشود و پناه می‌آورم بتو از بدی قضا و دریافتن

الشّقاء وشماتة الاعداء وجهد البلاء وعمل لا یرضی واعوذ

بدبختی و شماتت دشمنان و مشقّت بلا و عملی که پسندیده نشود و پناه

بک من الفقر والکفر والغدر وضیق الصّدر وسوء الامر ومن

می‌آورم بتو از درویشی و کفر و بیوفائی و تنگی سینه و بدی حال و

بلاء لیس لی به صبر ومن الدّاء العضال وغلبة الرّجال وخیبة

از بلائی که نیست برای من صبری و از کوفتن سخت و غلبهٔ مردان و نومیدی

المنقلب وسوء المنظر فی النّفس والاهل والمال والدّین والولد

بازگشت و بدی نگریستن در نفس و اهل و مال و دین و فرزند

وعند

وعند معاینة ملک الموت واعوذ بالله من انسان سوء وجار

و نزد معاینهٔ ملک الموت و پناه می‌آورم بخدا از مردم ناخوش و همسایهٔ

سوء وقرین سوء ویوم سوء وساعة سوء ومن شرّ ما یلج

ناخوش و مصاحب ناخوش و روز ناخوش و ساعت ناخوش و از شرّ آنچه فرو رود

فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السّماء وما یعرج فیها

در زمین و آنچه بیرون آید از آن و آنچه فرود می‌آید از آسمان و آنچه بالا می‌رود در آن

ومن شرّ طوارق اللّیل والنّهار الّا طارقا یطرق بخیر ومن شرّ

و از شرّ حادثهای شب و روز مگر حادثه که حادث شود بخیر و از شرّ

کلّ دابّة ربّی آخذ بناصیتها انّ ربّی علی صراط مستقیم

هر جنبنده که پروردگار من گرفته است ناصیهٔ او را بدرستی که پروردگار من بر راه راست است

فسیکفیکهم الله وهو السّمیع العلیم الحمد لله الّذی قضی

پس زود باشد که کفایت کند ایشان را از تو خدا و اوست شنونده و دانا سپاس مر خدا را که رد کرد

عنّی صلوة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا بعد از آن مکوئی

از من نمازی را که هست بر مؤمنان فرض وقت قرار داده است

اللّهمّ انّی اسئلک بحقّ محمّد وال محمّد ان تصلّی علی محمّد

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحق محمّد و آل محمّد و اینکه رحمت بفرستی بر محمّد

وال محمّد وان تجعل النّور فی بصری والبصیرة فی دینی و

و آل محمّد و اینکه بگردانی روشنی در دیده و بینائی را در دین من و

الیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسّلامة فی نفسی والسّعة

یقین را در دل من و اخلاص را در عمل من و سلامتی در نفس من و فراخی

فی رزقی والشّکر لک ابدا ما ابقیتنی بعد از آن دو سجدهٔ شکر میکنی

در روزی من و شکر را از برای تو همیشه مادام که باقی داری

و مکوئی در آنها و بعد از آنها

آنچه گذشت و اقلّ آنچه مجزیست اینست که بگوئی در هر یک از آنها شکرا شکرا

شکرا و بتحقیق که روایت شده است کردن آنها بعد از نافلهٔ مغرب و در بعضی

روایات پیش ازان وبعد ازانکه فارغ شدی از نماز مغرب برای دو رکعت ساعت
غفلت پس میخوانی در رکعت اول بعد از الحمد وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا
فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِي الظُّلُمَاتِ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ودر
رکعت دویم بعد از الحمد وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي
نزد اوست خزانهای غیب که نمیداند انها کسی مگر او و میداند انچه در
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ اِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ
بیابان و دریاست وانچه افتد از برگی مگر اینکه میداند انرا و نه دانه
فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ اِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ بعد ازان
در تاریکیهای زمین و نیست تری و خشکی مگر در کتاب هویداست
قنوت میخوانی اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا
پس میگوئی خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق خزانهای غیب که نمیداند انرا
اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ
مگر تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و ال محمد واینکه بکنی با من فلان
كَذَا وَاَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ پس
وفلان واینکه بکنی با من انچه تو سزاوار انی و نکنی با من انچه سزاوار انم
ازان میگوئی اَللّٰهُمَّ اَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلٰى طَلِبَتِي تَعْلَمُ
خداوندا تو ئی صاحب نعمت و قادر بر مطلب من میدانی
حَاجَتِي فَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا
حاجت مرا پس سؤال میکنم ترا بحق محمد وال او که بر او و بر ایشان باد سلام برانیکه
قَضَيْتَهَا لِي وسؤال میکنی حاجت خود را پس بتحقیق که روایت کرده است
برآوری انرا برای من هشام بن سالم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که هر که نماز
کند این دو رکعت را میانه شام وخفتن ودعا کند باین دعا وسؤال کند حاجت
خود را عطا کند او را انچه سؤال کرده وبدانکه مشهور شده است نامیدن این

دو رکعت بدو رکعت غفیله و دو رکعت غفلت و دو رکعت ساعت غفلت
و وجه این اینست که ساعتی که گذارده میشود این دو رکعت دران وان میانه
شام وخفتن است نامیده میشود بساعت غفلت روایت کرده است رئیس
محدثین در فقیه از حضرت باقر علیه السلام که فرموده که بدرستیکه شیطان پرا
کنده نمیکند لشکر شب خود را مگر از هنگام غروب افتاب تا برطرف شدن شفق
و پراگنده نمیکند لشکر روز را مگر از هنگامی که طلوع میکند صبح تا طلوع افتاب
و ذکر کرده اند که پیغمبر صلی الله علیه واله میفرمودند بسیار کنید ذکر خدای تعالی
را درین دو ساعت والتجا برید بخدا از شر شیطان ولشکر او والتجا بفرمائید
کودکان خود را درین دو ساعت بدرستیکه این دو ساعت دو ساعت غفلتند
و روایت کرده شیخ طایفه در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که پیغمبر
صلی الله علیه واله فرموده که نافله گذارید در ساعت غفلت واگرچه بدو رکعت
سبک باشد پس بدرستیکه انها میراث میگذارند خانه کرامت را گفته شد ای
رسول الله کدامست ساعت غفلت فرموده میانه مغرب وعشا میانه وقت
نماز مغرب و وقت عشا است یعنی میانه غروب افتاب و برطرف شدن شفق چنانکه
دلالت میکند بران حدیث سابق نه میانه نمازها و بتحقیق که وارد شده است در
احادیث صحیح که اول وقت عشا برطرف شدن شفق است چنانکه بزودی خواهد امد
وازین مستفاد میشود که وقت گذاردن دو رکعت غفیله میانه غروب و زایل
شدن شفق است پس هر گاه بگذرد این وقت میگردد قضا و از انچه سنتست
کردن ان در ساعت غفلت دو رکعت است اگر بخوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا
زلزلت سیزده مرتبه و در دویم بعد از حمد سوره قل هو الله پانزده مرتبه پس
بتحقیق که روایت کرده است شیخ طایفه از حضرت صادق علیه السلام که هر که
بکند این را در هر شبی مزاحمت کند با من در بهشت ونداند ثواب انرا مگر خدای
تعالی فصل واول وقت نماز عشا فارغ شدن از نماز مغرب است بر مذهب

مشهور و میکشد وقت فضیلت آن تا ثلث شب و وقت ادای آن تا مقدار
گذاردن چهار رکعتست پیش از نصف شب و سزاوار است بعد از فارغ
شدن از دو رکعت غفیله این که ملاحظه کنی شفق را پس اگر باقی باشد
سزاوار نیست شروع در عشا تا اینکه طرف شود شفق و بتحقیق که رفته اند
شیخ طایفه و شیخ مفید باینکه داخل نمیشود وقت عشا مگر بر پنهان شدن
شفق و روایت شده است از حضرت صادق علیه السلام که اول وقت عشا
تا آخر رفتن سرخیست و روایت کرده است این را رئیس محدثین بسند صحیح و
این محمولست بر استحباب تأخیر آن تا رفتن شفق پس هرگاه تحقیق کردی برطرف
شدن شفق را پس سزاوار انست که مبادرت کنی بسوی اذان و اقامت بجا
آورند دعاهای را که پیش از اقامت و بعد از انست پس از آن شروع کن در نماز
عشا افتتاح کننده دعا خواننده چنانکه گذشت (وغیره آنی) در رکعت اول سوره اعلی یا
شمس یا انچه مانند اینها باشد در درازی چنانکه روایت کرده است از شیخ
طایفه در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دوم سوره توحید مانند باقی
نمازها و تکبیر میگوئی جهت قنوت و قنوت میخوانی بانچه گذشت در باب اول
و بانچه خواهد امد در باب ششم و طول میدهی قنوت را و تعقیب را اگر بدستیکه
وقت وسیع است پس میخوانی تعقیبهای را که مشترکست میان پنج نماز و تعقیبهائی
را که مشترکست میانه صباح و شام و انچه را مخصوص نماز عشا است پس میگوئی

اللهم بحق محمد وال محمد صل علی محمد وال محمد ولا تؤمنا
خداوندا بحق محمد وال محمد رحمت بفرست بر محمد وال محمد و ایمن مگردان مارا
مکرک ولا تنسنا ذکرک ولا تکشف عنا سترک ولا تحرمنا
از مکر خود و فراموش مگردان از ذکر خود و بر مدار از ما پرده خود را و محروم مگردان مارا
فضلک ولا تحلل علینا غضبک ولا تباعدنا من جوارک
از فضل خود و فرود میار بر ما غضب خود را و دور مگردان مارا از همسایگی خود

ولا

تنقصنا من رحمتک ولا تنزع عنا برکاتک ولا تمنعنا عافیتک
و کم مگردان ما را از رحمت خود و مکش از ما برکتهای خود و منع مکن از ما عافیت خود را
واصلح لنا ما اعطیتنا وزدنا من فضلک المبارک الطیب الحسن
و نیکو گردان برای ما انچه عطا کرده و زیاد گردان ما را از فضل خود که با برکت و پاکیزه است و نیکو
الجمیل ولا تغیر ما بنا من نعمتک ولا تؤیسنا من روحک ولا
و خوب و تغییر مده انچه با ماست از نعمت تو و نومید مگردان ما را از رحمت خود و خوار
تهنا بعد کرامتک ولا تضلنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من
مگردان ما را بعد از کرامت خود و گمراه مگردان ما را بعد از انکه هدایت کردی ما را ببخش
لدنک رحمة انک انت الوهاب بعد از ان میخوانی هر یک از سوره
نزد خود رحمتی بدرستی که توئی بسیار بخشنده فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ
برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را ده مرتبه و بعد از ان میگوئی
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ده مرتبه اللهم
پاکست خدا و سپاس مر خدا راست و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگست خداوندا
صل علی محمد وال محمد ده مرتبه بعد از ان میگوئی اللهم افتح
رحمت بفرست بر محمد وال محمد خداوندا بگشای
لی ابواب رحمتک واسبغ علی من حلال رزقک ومتعنی
از برای من درهای رحمت خود را و فراخ کن بر من از حلال رزق خود و بهره مند گردان
بالعافیة ما ابقیتنی فی سمعی وبصری وجمیع جوارحی اللهم
بعافیت مادام که باقی داری مرا در گوش من و دیده من و همه اعضای من خداوندا
ما بنا من نعمة فمنک لا اله الا انت استغفرک واتوب الیک
انچه با ماست از نعمت پس از تست نیست خدائی مگر تو طلب امرزش میکنم و توبه میکنم بسوی تو
بعد از ان میگوئی و از دعاها طلب در فهرست یا ارحم الراحمین اللهم انه لیس لی علم
خداوندا بدرستی که نیست از برای من علمی

مشهور و میکشد وقت فضیلت ان تا ثلث شب و وقت ادای ان تا مقدار
گذاردن چهار رکعتست پیش از نصف شب و سزاوار است بعد از فارغ
شدن از دو رکعت غفیله این که ملاحظه کنی شفق را پس اگر باقی باشد
سزاوار نیست شروع در عشا تا اینکه ظرف شود شفق و بتحقیق که رفته اند
شیخ طایفه و شیخ مفید باینکه داخل نمیشود وقت عشا مگر بر پنهان شدن
شفق و روایت شده است از حضرت صادق علیه السّلام که اول وقت عشا
تا اخر رفتن سرخیست و روایت کرده است این را رئیس محدّثین بسند صحیح و
این محمولست بر استحبات تاخیر ان تا رفتن شفق پس هر گاه تحقیق کردی بر طرف
شدن شفق را پس سزاوار انست که مبادرت کنی بسو...
اورند دعاهای را که پیش از اقامت و بعد از انست پس از...
عشا افتتاح کنند دعا خوانند چنانکه گذشت در رکعت...
شمس یا انچه مانند اینها باشد در درازی چنانکه روایت...
طایفه در تهذیب بسند صحیح و در رکعت دوم سورهٔ تو...
نمازها و تکبیر میگوئی جهت قنوت و قنوت میخوانی بانچه...
و بانچه خواهد امد در باب ششم و طول میدهی قنوت را و...
وقت وسیع است پس میخوانی تعقیبهای را که مشترکست میا...
را که مشترکست میانهٔ صباح و شام و انچه را مخصوص نماز عشا...

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ...

خداوندا بحق محمد و آل محمد رحمت بفرست بر محمد و آل محمد...

مَكْرَكَ وَلَا تُنْسِنَا ذِكْرَكَ وَلَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرَكَ وَ...

از مکر خود و فراموش گردان از ذکر خود و بر مدار از ما پردهٔ خود...

فَضْلَكَ وَلَا تُحِلَّ عَلَيْنَا غَضَبَكَ وَلَا تُبَاعِدْنَا...

از فضل خود و فرود میار بر ما غضب خود را و دور مگردان ما را...

تَنقُصنا مِن رَحمَتِكَ وَلا تَنزِع عَنّا بَرَكاتِكَ وَلا تَمنَعنا عافِيَتَكَ

وكم گردان مارا از رحمت خود ... مارا ... برکتهای خود ... منع مکن ... عافیت خود را

وَاَصلِح لَنا ما اَعطَيتَنا وَزِدنا مِن فَضلِكَ المُبارَكِ الطَّيِّبِ الحَسَنِ

و صلاح آور برای ما آنچه عطا کرده ... زیاد گردان برای ما از فضل خود که با برکت ... پاکیزه ...

الجَميلِ وَلا تُغَيِّر ما بِنا مِن نِعمَتِكَ وَلا تُؤيِسنا مِن رَوحِكَ وَلا

و خوب ... و تغییر مده آنچه با ماست از نعمت تو و نومید گردان مارا ... رحمت خود و خوار

تُهِنّا بَعدَ كَرامَتِكَ وَلا تُضِلَّنا بَعدَ اِذ هَدَيتَنا وَهَب لَنا مِن

گردان مارا ... گراه گردان مارا بعد از آنکه هدایت کردی مارا ببخش

... الوَهّابُ بعد از آن میخوانی هر یک از سوره

... بخشنده فاتحه و قل هو الله احد و قل اعوذ

... الناس ذاده مرتبه و بعد از آن میگوئی

... اِلٰهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ اَكبَرُ ده مرتبه اَللّٰهُمَّ

... خدائی مگر خدا و خدا بزرگت ... خداوندا

... مرتبه بعد از آن میگوئی اَللّٰهُمَّ افتَح

خداوندا بگشای

... مِن حَلالِ رِزقِكَ وَمَتِّعني

... از حلال رزق خود و بهرمند گردان

... وَبَصَري وَجَميعِ جَوارِحي اَللّٰهُمَّ

... و دیده مرا و همه اعضای مرا خداوندا

... اَنتَ اَستَغفِرُكَ وَاَتوبُ اِلَيكَ

... تو طلب آمرزش میکنم و توبه میکنم بسوی تو

یا ارحم الراحمین

... اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَيسَ لي عِلمٌ

خداوندا بدرستی که نیست از برای من علمی

... ریس عد تین بسند صحیح و

... ت بر سحبات باخیران تا رفتن شفق پس هر گاه تحقیقه کردی طلوع

شدن شفق را پس سزاوار است که ...

بموضع رزقي وانما اطلبه بخطرات تخطر على قلبي فاجول

بموضع روزی من در دستی که طلب میکنم باندیشها که در می اید در دل من پس میگردم

في طلبه البلدان وانا فيما اطلب كالحيران لا ادري أفي

در طلب ان در شهرها ومن در انچه طلب میکنم مانند حیرانم نمیدانم که ایا در هموار یست

سهل هو أم في جبل أم في أرض حزن أو في سماء أم في بر أم في

ان یا در کوه است یا در زمین است یا در اسمان است یا در خشکی است یا در

بحر وعلى يدي من ومن قبل من وقد علمت أن علمه عندك

دریا و بر دست کیست و از پیش کیست و بتحقیق میدانم که علم ان نزد تست

وأسبابه بيدك وأنت الذي تقسمه بلطفك وتسببه

و اسباب ان بدست تست و توئی که قسمت میکنی ان را از لطف خود و سبب میگردانی ان را

برحمتك اللهم فصل على محمد وآل محمد واجعل يا رب

برحمت خود خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و ال محمد و بگردان ای پروردگار من

رزقك لي واسعا ومطلبه سهلا ومأخذه قريبا ولا تعنني

روزی خود را برای من فراخ و طلب انرا اسان و فرا گرفتن انرا نزدیک و برنج میندازم مرا

بطلب ما لم تقدر لي فيه رزقا فإنك غني عن عذابي وأنا

بطلب کردن انچه تقدیر کرده برای من در ان روزی پس بدرستی که توئی بی نیاز از عذاب کردن من

فقير إلى رحمتك فصل على محمد وآل محمد وجد على عبدك

محتاجم بسوی رحمت تو پس رحمت بفرست بر محمد و ال محمد و بخشش کن بر بنده خود

بفضلك إنك ذو فضل عظيم بعد اذان بگو بسم الله الرحمن الرحيم

بفضل خود بدرستی که تو صاحب فضل بزرگی بنام خداوند بخشنده مهربان

اللهم صل على محمد وآل محمد صلوة تبلغنا بها رضوانك

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و ال محمد رحمتی که برسانی ما را بسبب ان بخشنودی خود

والجنة وتنجينا بها من سخطك والنار اللهم صل على محمد

و بهشت و نجات دهی ما را بسبب ان از غضب خود و اتش خداوندا رحمت بفرست بر محمد

وال محمد

وآل محمد وأرني الحق حقا حتى اتبعه وأرني الباطل باطلا

و ال محمد و بنما بمن حق را حق تا اینکه پیروی کنم انرا و بنما بمن باطل را باطل

حتى اجتنبه ولا تجعله علي متشابها فاتبع هواي بغير

تا اینکه اجتناب کنم از ان و مگردان انرا بر من مشتبه پس پیروی کنم هوای خود را بی راه

هدى منك واجعل هواي تبعا لرضاك وطاعتك وخذ

یافتن از تو و بگردان خواهش مرا پیرو خوشنودی خود و طاعت خود و فراگیر

لنفسك رضا من نفسي واهدني لما اختلف فيه من الحق

از برای نفس خود خوشنودی از نفس من و هدایت کن مرا برای انچه اختلاف شده است از حق

بإذنك إنك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم اللهم صل

بفرمان خود بدرستی که تو هدایت میکنی کسی را که میخواهی بسوی راه راست خداوندا رحمت بفرست

على محمد وآله واهدني فيمن هديت وعافني فيمن عافيت

بر محمد و ال او و هدایت کن مرا در انکه هدایت کرده و عافیت ده مرا در انکه عافیت داده

وتولني فيمن توليت وبارك لي فيما أعطيت وقني شر ما

در انکه متولی شده و برکت ده برای من در انچه عطا کرده و نگاهدار مرا از شر انچه

قضيت إنك تقضي ولا يقضى عليك ويجير ولا يجار عليك

تقدیر کرده بدرستی که تو تقدیر میکنی و تقدیر کرده نمیشود بر تو و زینهار میدهی و زینهار داده نمیشود

تم نورك اللهم فهديت فلك الحمد وعظم حلمك فعفوت

تمام است نور تو خداوندا پس هدایت کرده پس مر تراست سپاس و بزرگ است نزد تو پس عفو

فلك الحمد وبسطت يدك فأعطيت فلك الحمد تطاع ربنا

پس مر تراست سپاس و گشوده دست خود را پس عطا کرده پس مر تراست سپاس طاعت کرده میشوی ای پروردگار ما

فتشكر وتعصى ربنا فتغفر وتستر وتثني أنت كما اثنيت

پس جزا میدهی و عصیان کرده میشوی ای پروردگار ما پس می امرزی و می پوشانی و ثنا میکنیم ترا انچنان که ثنا کرده

على نفسك بالكرم والجود لبيك وسعديك تباركت و

بر نفس خود بکرم و جود اقامت میکنم در خدمت تو و یاری میکنم بر طاعت تو با برکت

تعالیت لا ملجأ و لا منجا منک الا الیک لا اله الا انت

و بلند مرتبه نیست پناهی و نه محل خلاصی از تو مگر بسوی تو نیست خدا مگر تو

سبحانک اللهم و بحمدک عملت سوء و ظلمت نفسی فاغفر لی

به پاکی یاد میکنم ترا خداوندا و حالی که متلبسم بحمد تو کرده‌ام بدی و ستم کرده‌ام نفس خود را پس بیامرز

و ارحمنی و انت ارحم الراحمین لا اله الا انت سبحانک انی

و رحم کن مرا و تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا که تو بدرستی که

کنت من الظالمین لا اله الا انت سبحانک اللهم و بحمدک

من بودم از ستمکنندگان نیست خدائی مگر تو تسبیح میکنم ترا خداوندا و متلبسم بحمد تو

عملت سوء و ظلمت نفسی فاغفر لی یا خیر الغافرین لا اله

کرده‌ام بدی و ستم کرده‌ام نفس خود را پس بیامرز مرا ای بهترین آمرزندگان نیست خدائی

الا انت سبحانک اللهم و بحمدک عملت سوء و ظلمت نفسی

سزاوار پرستش مگر تو به پاکی یاد میکنم ترا خداوندا و متلبسم بحمد تو کرده‌ام بدی و ستم کرده‌ام نفس خود را

فتب علی انک انت التواب الرحیم لا اله الا انت سبحانک

پس قبول کن توبه مرا بدرستی که توئی بسیار توبه قبول کننده و مهربان نیست خدا مگر تو به پاکی یاد میکنم

انی کنت من الظالمین سبحان ربک رب العزة عما یصفون

ترا بدرستی که من بودم از ستمکنندگان پاک است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند ایشان

و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین اللهم صل

و درود بر رسولان و سپاس مر خدا راست که پروردگار عالمیان است رحمت بفرست

علی محمد و آل محمد و بیتنی منک فی عافیة و صبحنی منک فی

بر محمد و آل محمد بگذران در شب مرا از جانب خود در عافیت و داخل صباح گردان مرا از جانب خود

عافیة و استرنی منک فی عافیة و ارزقنی تمام العافیة

در عافیت و بپوشان مرا از جانب خود در عافیت و روزی کن مرا تمامی عافیت و

و دوام العافیة و الشکر علی العافیة اللهم انی استودعک

همیشگی عافیت و شکر بر عافیت خداوندا به درستیکه من طلب نگاهداری میکنم

نفسی

نفسی و دینی و اهلی و مالی و ولدی و اهل خزانتی و کل

نفس خود و دین خود را و اهل خود را و مال خود را و فرزند خود را و اهل خزانه خود را و هر

نعمة انعمت بها علی و تنعم فصل علی محمد و آل محمد

نعمتی که انعام کرده برمن و انعام خواهی کرد پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

و اجعلنی فی کنفک و امنک و کلائتک و حفظک و حیاطتک

و بگردان مرا در سایه خود و امان خود و نگاهبانی خود و نگاهداری خود و حمایت خود

و کفایتک و سترک و ذمتک و جوارک و ودایعک یا من

و کارگذاری خود و پرده خود و زینهار خود و همسایگی خود و امانتهای تو ای کسی که

لا یضیع ودایعه و لا یخیب سائله و لا ینفد ما عنده

که ضایع نمی‌شود امانتهای او و نومید نمیگردد سائل او و فانی نمی‌شود آنچه نزد او

اللهم انی ادرأ بک فی نحور اعدائی فکد اللهم من کادنی

خداوندا بدرستی که من دفع میکنم بتو در نحرهای دشمنان خودم پس مکر کن با کسی که مکر کند با من

و بغی علی اللهم من ارادنا فارده و من کادنا فکده و من نصب

و ستم کند بر من خداوندا هر که قصد کند ما را پس قصد کن او را و هر که کید کند ما را پس کید کن او را و هر که برپا دارد

لنا عداوة فخذه یا رب اخذ عزیز مقتدر اللهم صل علی محمد

از برای ما عداوتی پس بگیر او را ای پروردگار گرفتن غالب با قدرت خداوندا رحمت بفرست بر محمد

و آل محمد و اصرف عنی البلیات و الآفات و العاهات و النقم

و آل محمد و بگردان از من بلاها و آفتها و عاهتها و عقابها را

و لزوم السقم و زوال النعم و عواقب التلف و ما طغی به الماء

و لازم شدن بیماری و زوال نعمتها و از پی درآوندهای تلف را و آنچه طغیان کرده است

لغضبک و ما عتت به الریح عن امرک و ما اعلم و ما لا اعلم

از برای غضب تو و آنچه از حد گذشته است بسبب آن باد از امر تو و آنچه را میدانم و آنچه نمیدانم

و ما اخاف و ما لا اخاف و ما احذر و ما لا احذر و ما

و آنچه خوف دارم و آنچه را خوف ندارم و آنچه را حذر دارم و آنچه حذر ندارم و آنچه را

انت اعلم به اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد وفرّج همّي و
تو داناتری بآن خداوندا رحمت بفرست بر محمّد وآل محمّد ودفع کن همّ مرا و

نفّس غمّي وسلّ حزني واكفني ما ضاق به صدري وعيل
برطرف کن غمم را وزایل کن اندوه مرا وکفایت کن مرا آنچه تنگ شده است بآن سینهٔ من و تمام

به صبري وقلّت فيه حيلتي وضعفت عنه قوّتي وعجزت
شده است بآن صبر من وکم شده است در آن چارهٔ من وضعیف است از آن قوّت من وعاجز است

عنه طاقتي وردّتني فيه الضّرورة عند انقطاع الآمال
از آن طاقت من وبرگردانیده است در آن ضرورت نزد بریده شدن آرزوها

وخيبة الرّجاء من المخلوقين اليك فصلّ على محمّد وآل
و نومیدی امید از آفریده شدگان بسوی تو پس رحمت بفرست بر محمّد وآل

محمّد واكفنيه يا كافيا من كلّ شيءٍ ولا يكفي منه شيءٌ اكفني
محمّد وکفایت کن از برای من ای کسی که بسنده است از هر چیز و بسنده نیست از او چیزی کفایت کن برای من

كلّ شيءٍ حتّى لا يبقى شيءٌ يا كريم اللهمّ صلّ على محمّد
هر چیز را تا اینکه باقی نماند چیزی ای بزرگوار خداوندا رحمت بفرست بر محمّد

وآل محمّد وارزقني حجّ بيتك الحرام وزيارة قبر نبيّك صلّى
وآل محمّد وروزی کن مرا حج خانهٔ حرام وزیارت قبر پیغمبرت رحمت کناد

الله عليه وآله مع التّوبة والنّدم اللهمّ انّي استودعك
خدا بر او وآل او با توبه وپشیمانی خداوندا بدرستی که من طلب نگاهداری میکنم از تو

نفسي واهلي وولدي واخواني واستكفيك ما اهمّني ومالم
نفس خود را واهل خود را وفرزندان خود را وبرادران خود را وطلب میکنم از تو کفایت آنچه غمگین دارد مرا

يهمّني واسألك بخيرتك من خلقك الّذي لا يمنّ بسؤالك
غمگین ندارد مرا وسؤال میکنم ترا بحق برگزیدهٔ تو از آفریدگان تو آنکه انعام نمیکند بآن غیر تو

ياكريم الحمد لله الّذي قضى عنّي صلوة كانت على المؤمنين
ای بزرگوار سپاس مر خدا را که ادا کرد از من نمازی را که هست بر مؤمنان

کتابا ١٢٨

كتابا موقوتا بعد از آن حاضر میکنی دو سجدهٔ شکر و میگوئی در سجدهٔ اول
نوشته شده دروقت معین اللهمّ انت نقطع الرّجاء لا دنيا باحد
خداوندا توئی ... که بریده شده است امید مگر از تو ...

من لا احد له غيرك يا احد من لا احد له غيرك يا احد من لا
نیست کسی از برای او غیر تو ای یکی که نیست از برای او غیر تو ای یکی کسی که نیست از برای

احد له غيرك يا من لا يزيده كثرة العطاء الّا كرما
او غیر تو ای کسی که زیاد نمیکند او را بسیاری بخشش مگر کرم

وجودا يا من لا يزيده كثرة العطاء الّا كرما وجودا يا من لا
وجود ای کسی که زیاد نمیکند او را بسیاری بخشش مگر کرم وجود ای کسی که

يزيده كثرة العطاء الّا كرما وجودا صلّ على محمّد واهل
زیاد نمیکند او را بسیاری بخشش مگر کرم وجود رحمت بفرست بر محمّد واهل

بيته صلّ على محمّد واهل بيته صلّ على محمّد واهل بيته
بیت او رحمت بفرست بر محمّد واهل بیت او رحمت بفرست بر محمّد واهل بیت او

وافعل بي كذا وكذا بعد از آن میگذاری گونهٔ راست خود را بر زمین
بکن بمن چنین وچنین ومیخوانی این دعا را بعد از آن میگذاری گونهٔ

چپ خود را بر زمین ومیخوانی همین دعا را بعد از آن عود میکنی بسجود
ومیگذاری پیشانی خود را بر زمین ومیخوانی همین دعا را بعد از آن میگوئی
واین از دعاهائیست که دفع میشود بآنها سختیها
يا سابغ النّعم يا دافع النّقم يا بارئ النّسم
ای واسع کننده نعمتها ای دفع کننده عقوبتها ای آفرینندهٔ بندگان

يا مجلي الهمم يا منشئ الظّلم يا كاشف الضّرّ والالم يا ذا الجود و
ای رفع کنندهٔ اندوه ای پوشانندهٔ تاریکیها ای زایل کنندهٔ بدی حال والم ای صاحب جود و

الكرم يا سامع كلّ صوت يا مدرك كلّ فوت يا محيي العظام وهي
کرم ای شنوندهٔ هر آوازی ای دریابندهٔ هر فوت شده ای زنده کنندهٔ استخوانها و حال

رَمِیمٌ وَمُنْشِئَهَا بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِی مِنْ

کہ پوسیدہ شدہ اند و احداث کنندہ انہا بعد از موت رحمت بفرست بر محمد و ال محمد و بگردان برای من از

أَمْرِی فَرَجاً وَمَخْرَجاً یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِکْرَامِ بعد ازان میکذاری دو رکعت

امر من گشایشی و بیرون و بیرون رفتنی ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن

وتیره را نشسته وجایز است

کذاردن انها ایستاده ومشهور در انها نشستن است وذکر کرده اند بعضی از علمای ما که نشستن در انها افضل است از ایستادن وروایت کرده شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرموده دو رکعتست بعد از نماز عشا پدرم میکذارد انها را وحال انکه نشسته بود ومن میکذارم انها را وحال انکه ایستاده ام وعمل ما بر مشهور است ومی کشد وقت این دو رکعت بکشیدن وقت عشا پس بعد از نصف شب قضا میشوند وافتتاح میکنی انها را بهفت تکبیر با سر دعای مذکور ومیخوانی در رکعت اول سورهٔ ملک یا واقعه ودر دویم سورهٔ توحید ومیخوانی بعد از فراغ هر دعائی که خواهی باب پنجم در انچه کرده میشود در میانهٔ وقت خواب تا نصف شب اول انچه بجا می اوری از ان نزد ارادهٔ خواب طهارتست روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از حضرت صادق علیه السلام که هر که طهارت بکیرد بعد ازان جای بکیرد در فراش خود شب بروز اورد در حالی انکه فراش او مانند مسجد او باشد وذکر کرده اند علمای ما که جایز است تیمم از برای خوابیدن هر چند قادر باشد اینکس بر اب مانند تیمم از برای نماز جنازه واز اعمال سنتی نزد خواب خواندن قل هو الله احد وقل یا ایها الکافرون است روایت کرده است انرا نیز رئیس محدثین در فقیه وارد است نیز از ارباب عصمت علیهم السلام خواندن سورهٔ قل هو الله صد مرتبه چنانکه روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از ابی اسامه که کفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام میفرمود که هر که بخواند قل هو الله احد صد مرتبه هنکامی

که میرود بخواب کناه پنجاه سال امرزیده شود برای او انچه قبل ازان کرده باشد وروایت کرده است در کافی نیز از انحضرت علیه السلام که فرموده که پیغمبر صلی الله علیه واله فرمود که هر که بخواند الهیکم التکاثر نزد خواب نکاه داشته شود از فتنهٔ قبر وسزاوارست که بخوابی در هنکامی که بخوابی بر پهلوی راست انچه روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه بسند حسن از محمد بن مسلم که کفت که فرموده بمن حضرت ابو جعفر علیه السلام که هر کاه بخوابد مرد بر جانب راست خود پس باید که بکوید بِسْمِ اللهِ وَفِی سَبِیلِ اللهِ وَعَلَی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ

بنام خدا در راه خدا و بر ملت رسول خدا رحمت بفرست بر او و ال او

اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْلَمْتُ نَفْسِی إِلَیْکَ وَوَجَّهْتُ وَجْهِی إِلَیْکَ وَفَوَّضْتُ

خداوندا بدرستی که کردن نهاده ام نفس خود را بسوی تو و کردانیده ام روی خود را بسوی تو و واگذاشته ام

أَمْرِی إِلَیْکَ وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِی إِلَیْکَ وَتَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَهْبَةً مِنْکَ

کار خود بسوی تو و تکیه داده ام پشت خود را بسوی تو و توکل کرده ام بر تو از ترس از تو

وَرَغْبَةً إِلَیْکَ لَا مَنْجَا وَلَا مَلْجَأَ مِنْکَ إِلَّا إِلَیْکَ آمَنْتُ بِکِتَابِکَ

و رغبت بسوی تو نیست پناهی و نه محل خلاصی از تو مکر بسوی تو ایمان اورده ام بکتاب تو

الَّذِی أَنْزَلْتَ وَبِرَسُولِکَ الَّذِی أَرْسَلْتَ بعد ازان تسبیح میکنی تسبیح

که فرو فرستاده و برسول تو که فرستاده

زهرا علیها السلام اینست اختلاف شده در انکه مشهور استحباب تسبیح زهراست علیها السلام دو دفعه یکی بعد از نماز ودیکری نزد خوابیدن وظاهر روایتی که وارد شده است نزد خوابیدن تقدیم سبحان الله بر الحمد لله وظاهر روایت صحیحی که وارد شده است در باب تسبیح زهرا علیها السلام مطلقا اقتضا میکند تاخیر انرا ازان وباکی نیست ببسط کلام در این مقام هر چند بیرونست از موضع کتاب پس میکوئیم بتحقیق اختلاف کرده اند علمای ما قدس الله ارواحهم درین با اتفاق ایشان بر ابتدای ان دوران بر الله اکبر زیرا که حدیث صحیح ابن سنان از حضرت باقر علیه السلام صریحست

در ابتدای بان و مذهب مشهور که بر انست عمل در تعقیبات تقدیم الحمد لله است بر سبحان الله و قایل شده است رئیس محدثین و پدر او و ابن جنید بتاخیران از ان و روایات از ائمه هدی سلام الله علیهم درین باب خالی نیست بحسب ظاهر از اختلاف و روایت معتبری که ظاهر ان تقدیم الحمد لله است شامل است بنا بر اطلاقی که دارد و انچه را گفته شود بعد از نماز و انچه گفته شود نزد خوابیدن و ان روایت انست که روایت کرده انرا شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از محمد بن عذافر که گفت داخل شدم با پدر خود بر حضرت ابی عبد الله علیه السلام پس سؤال کرد او و را پدرم از تسبیح زهرا علیها السلام پس فرمود انحضرت علیه السلام الله اکبر تا اینکه شمرد تا سی و چهار مرتبه پس گفت الحمد لله تا رسید بشصت و هفت مرتبه پس گفت سبحان الله تا رسید بصد مرتبه میشمرد انحضرت انها را بدست خود یکجمله و روایتی که ظاهر نشد تقدیم سبحان الله است و الحمد لله مخصوص است بانچه کرده میشود نزد خوابیدن و این روایتیست که روایت کرده رئیس محدثین در فقیه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود بمردی از بنی سعد که ایا حدیث کنم شما را از خود و فاطمه بدرستی که بود نزد من پس آب کشید بخیك تا اینکه اثر کرد در سینه او و خورد کرد باسیا تا اینکه ابله کرد دستها و جاروب کرد خانه را تا اینکه غبار الود شد جامهاش و اتش افروخت زیر دیك تا اینکه سیاه شد رختهاش پس رسید او را ازین ضرر سختی پس گفتم من باو که اگر بیائی پیش پدرت پس سؤال کنی از و خدمت کاری که کفایت کند از تو تعب و سختی انچه تو دراِی ازین عمل پس امد بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و اله پس یافت نزد انحضرت جوانی چند پس شرم کرد و برگشت پس دانست انحضرت که بدرستیکه او امده است از برای حاجتی پس صباح پیش امد و ما در لحاف خود بودیم پس فرمود السلام علیکم پس ساکت شدیم و شرم کردیم بسبب حال خود باز فرمود السلام علیکم پس ساکت شدیم و شرم کردیم بسبب

حال

حال خود باز فرمود السلام علیکم پس ترسیدم که اگر رد سلام نکنیم برو برگردد و بتحقیق که میکرد چنین سلام میکرد سه مرتبه پس اگر اذن داده میشد داخل میشد و اگر نه برمیگشت پس گفتم من و علیك السلام ای رسول خدا داخل شو پس داخل شد و نشست پیش سرهای ما و فرمود ای فاطمه چه بود حاجت تو دیروز نزد محمد پس ترسیدم من که اگر جواب ندهیم او را اینکه برخیزد پس بیرون اوردم من سر خود را پس گفتم والله من خبر میدهم ترا ای رسول الله بدرستیکه او اب کشید بخیك تا اینکه اثر کرد در سینه او و گردانید اسیا را تا اینکه ابله کرد دستهای او و جاروب کرد خانه را تا اینکه غبار الود شد جامهای او و اتش افروخت زیر دیك تا اینکه سیاه شد رختهای او پس من گفتم باو که بیائی پیش پدرت پس سؤال کنی از و خدمتکاری که کفایت کند از برای تو تعب انچه را تو درانی ازین عمل پس فرمود انحضرت صلی الله علیه و اله ایا پس تعلیم نکنم شما را انچه از ان بهتر باشد از برای شما از خدمتکار هرگاه فرا گیرید خوابگاه خود را پس تکبیر بگوئید سی و چهار تکبیر و تسبیح بگوئید سی و سه تسبیح و حمد بکنید سی و سه حمد پس بیرون اورد فاطمه علیها السلام سر خود را و گفت راضی شدم از خدا و رسول او راضی شدم از خدا و رسول او و پوشیده نماند که روایت صریح نیست در تقدیم تسبیح بر تحمید زیرا که واو افاده ترتیب نمیکند بلکه نیست ان مگر از برای مطلق جمع بنا بر مذهب اصح چنانکه بیان شده است در اصول بلی ظاهر تقدیم بحسب لفظ اقتضای ان میکند و همچنین روایت سابق صریح نیست در تقدیم تحمید بر تسبیح زیرا که لفظ ثم در انجا از کلام راویست پس باقی نماند در ان نیز مگر ظاهر تقدیم لفظی پس منافات میان این دو روایت نیست مگر بحسب ظاهر پس سزاوار است حمل و تیم بر اولی بسبب صحت سند ان و قوت یافتن ان ببعضی روایات ضعیفه چنانکه روایت کرده است ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام که فرمود در تسبیح زهرا علیها السلام ابتدا می کنی بتکبیر سی و چهار بار پس بتحمید سی و سه بار پس بتسبیح سی و سه بار و این روایت صریح است در تقدیم تحمید پس این مؤید ظاهر لفظ روایت صریح است

پس حمل کرده میشود روایت دیگر بر خلاف ظاهر ان تا اینکه بر طرف شود منافات
میان انها چنانکه گفتیم پس اگر بگوئی تو که ممکنست عمل کردن بظاهر هر دو روایت
باهم باینکه حمل کرده شود روایت اول بر انچه کرده میشود بعد از نماز و روایت دوم
بر انچه کرده میشود نزد خوابیدن و بنا بر این احتیاج نیست بگردانیدن دویم و ظاهر
ان پس چرا عدول کردهٔ تو از ین و چگونه قایل نمیشوی باین میگویم من از برای اینکه
من نیافتم کسی را که قایل شده باشد بفرق میان تسبیح زهرا علیها السلام درین دو
حال بلکه انچه ظاهر میشود بعد از تتبع اینست که هر یک از ین دو فرقه که قایلند بتقدیم
تحمید و تاخیر ان قایلند باین مطلق خواه واقع شود بعد از نماز یا پیش از خواب پس
قول بتفصیل احداث قول سیم است در برابر اجماع مرکب امّا انچه میگویند که
احداث قول سیم ممتنع نیست مگر وقتی که لازم اید از ان بر طرف شدن انچه اجماع
امّت شده باشد بران مانند پس دادن کنیز وطی کرده شده بسبب عیب بی ارش
زیرا که اتّفاق کرده اند همه بمنع ان بخلاف انچه چنین نباشد مثل قول بفسخ نکاح
ببعضی از عیبهای پنجگانه نه ببعضی دیگر زیرا که هر یک از فریقین موافقند در یکقسم
چنانکه در اینجاست زیرا که مانعی نیست از ین مثل قول بصحّت فروختن مالی که
غایب باشد و نکشتن مسلمان بعوض ذمّی بعد از قول پارهٔ از امّت بدویم و نقیض
اوّل و پاره دیگر بعکس ان پس جواب اینست که این تفصیل درست نیست مگر بر
مذهب سنّیان و امّا سایر انچه بیان کرده اند امامیه که حجیّت اجماع بسبب انست
که کاشف است از دخول معصوم پس این تفصیل معقول نیست چه مخالفت
معصوم لازم می اید هر چند موافق باشد قایل با هر یک از فریقین در قسمی و قیاس کن
برین مثال فروختن و کشتن **فصل** و سزاوار است که بوده باشد خوابیدن
تو بجانب راست پس بدرستیکه ان خواب مؤمنانست چنانکه روایت کرده است
از ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از احمد بن اسحق که گفت گفتم بحضرت ابی
محمّد یعنی حسن عسکری علیه السّلم گردیده شوم من فدای تو بدرستیکه من غمگینم

از برای چیزی که میرسد بخاطر من و بتحقیق که اراده کردم که سؤال کنم پدر ترا ع
از ان پس بر نیامد از برای من ان پس فرمود انحضرت چه چیز است یا احمد پس گفتم
روایت شده است برای ما از پدران تو علیهم السّلام که بدرستی که خواب پیغمبران
بر قفاهای ایشانست و خواب مؤمنان بر جانبهای راست و خواب منافقان بر جانب
چپ ایشانست و خواب شیاطین بر روهای ایشان پس فرمود انحضرت علیه السلام
چنین است این گفتم ای سیّد من بدرستیکه من جهد میکنم که بخوابم بر جانب راست
خود پس ممکن نمیشود مرا و نمیگیرد مرا خواب بران پس ساکت شد انحضرت ساعتی
بعد از ان فرمود که ای احمد نزدیک شو بمن پس نزدیک شدم پس فرمود که داخل کن
دست خود را از زیر جامهای خود پس مالید دست راست خود را بر جانب چپ من و دست
خود را بر جانب راست من سه مرتبه گفت ای احمد که پس نمیتوانم بخوابم بر جانب چپ خود
از ان وقت که کرد انرا با من انحضرت علیه السّلام مرا خوابی اصلاً و از انچه خوانده
میشود نزد پهلو خوابیدن انست که روایت کرده است از ثقة الاسلام در کافی
بسند صحیح از حضرت صادق علیه السّلم که فرمود هر که بگوید وقتی که میرود بخوابگاه
خود سه مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي بَطَنَ
سپاس مر خدایرا که بلند است پس غلبه کرده است و سپاس مر خدایرا که رفته است بباطن
فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يُحْيِي
پس خبر کرده است و سپاس مر خدایرا که مالک شد است چیزها را پس قادر است سپاس مر خدایرا که زنده میکند
الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بیرون رود از گناهان
مرده ها را و می میراند زنده ها را و او بر همه چیز تواناست مانند حالی که
زائیده است او را مادر او و روایت شده است در کتاب مذکور از پیغمبر صلّی الله
علیه و اله که فرمود هر که میخواند این ایه را نزد خوابیدن قل انّما انا بشر
مثلکم یوحی الیّ انّما الهکم اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربّه
فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرک بعبادة ربّه احداً بلند شود از برای و

نوری بسوی مسجد الحرام در میان ان نور ملایکه باشند که استغفار کنند
برای او و روایت شده است در کتاب مذکور نیز از حضرت صادق علیه السلام
که فرمود که نیست بنده که بخواند اخر کهف را در وقتی که میخوابد مگر اینکه بیدار
شود در ساعتی که میخواهد شیخ ره میفرماید که این از اسرار عجیبه مجربه است
که نیست شکی در انها و مراد باخر کهف ایه اخر است یعنی همین ایه که مذکور
شد و هر گاه خوف داشته باشی از عقرب مانند ان پس بگو انچه روایت کرده است
در کتاب مذکور از حضرت باقر علیه السلام که هر که بخواند این کلمات را پس من
ضامنم که نرسد باو عقربی ونه اَعُوذُ بِكَلِماتِ اللهِ الَّتِي لا يُجاوِزُهُنَّ
گزنده تا اینکه صبح کند — پناه میاورم بکلمات تامه خدا که نمی گذرد از انها
بَرٌّ وَلا فاجِرٌ مِنْ شَرِّ ما ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ ما بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ
نیکوکاری و نه بدکاری از شر انچه خلق کرده است و از شر انچه افریده است و از شر هر جنبنده که
هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها اِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ و روایت کرده است
او گرفته است ناصیه او را بدرستی که پروردگار من بر راه راست است — در کتاب مذکور
بسند صحیح از برای دفع احتلام از حضرت صادق علیه السلام که فرمود که هر گاه
بترسی از جنابت پس بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنَ الاِحْتِلامِ وَمِنْ شَرِّ
در رخت خواب خود — خداوندا بدرستی که من پناه می اورم بتو از احتلام و از شر
الاَحْلامِ وَمِنْ اَنْ يَتَلاعَبَ بِيَ الشَّيْطانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنامِ
خوابها که در خواب دیده میشود و از اینکه بازی کند با من شیطان در بیداری و خواب
و روایت شده است در کتاب مذکور نیز از برای ایمنی از اینکه فرود اید بر
خانه از حضرت رضا علیه السلام که فرموده که نگفت هیچکس هر گاه اراده کرده که بخواند
اِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰواتِ وَالاَرْضَ اَنْ تَزُولا وَلَئِنْ زالَتا اِنْ
بدرستی که خدا نگاه میدارد اسمانها و زمین را که میل از زوال شود و هر گاه زایل شوند اینها
اَمْسَكَهُما مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كانَ حَلِيماً غَفُوراً پس فرود اید
نگاه می دارد انها را از یکی از کسی بعد از خود بدرستی که او هست بردبار بسیار امرزنده — باشد بر [illegible]

و روایت شده است در کتاب مذکور نیز که پیغمبر صلی الله علیه واله هر گاه
میرفتند بجامه خواب میفرمودند بِاسْمِكَ اللّٰهُمَّ اَحْيا وَبِاسْمِكَ اَمُوتُ
پس هر گاه بیدار میشدند میفرمودند — بنام تو خداوندا زنده میشوم و بنام تو میمیرم
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَحْياني بَعْدَ ما اَماتَني وَاِلَيْهِ النُّشُورُ و روایت
سپاس مر خدا را که زنده گردانید مرا بعد از انکه میرانید مرا و بسوی او است زنده شدن — شده است
در کتاب مذکور نیز از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که هر گاه بشنوی
اواز خروس سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ
پس بگو — بسیار پاکیزه است بسیار منزه است پروردگار فرشتگان و روح است پیشی گرفته رحمت تو
غَضَبَكَ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ سُبْحانَكَ وَبِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً وَظَلَمْتُ
بر غضب تو نیست خدائی مگر تو — تسبیح میکنم ترا و حال انکه مشغولم بحمد تو کردم بدی و ستم کردم
نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا اَنْتَ و از انچه سزاوار
نفس خود را پس بیامرز مرا بدرستی که نمی امرزد گناهها را مگر تو — کردن ان نزد
خوابیدن سرمه کشیدن است پس بتحقیق که روایت شده که پیغمبر صلی الله
علیه واله میکشید باثمد و ان سنگیست که بان سرمه میکشند هر گاه
میخواست که برود بجامه خواب خود و بتحقیق که روایت شده از حضرت
رضا علیه السلام که فرموده که هر که برسد باو ضعفی در دیده او پس سرمه
بکشد هفت میل نزد خوابیدن از اثمد چهار میل در چشم راست و سه
میل در چشم چپ و روایت شده است هم از انحضرت که فرمود سرمه نزد
خوابیدن امان است از ابی که نازل شود در چشم و روایت شده است که ان
حضرت علیه السلام میخواندند این دعا را نزد سرمه کشیدن
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ
خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بحق محمد و ال محمد اینکه رحمت بفرستی بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ
و ال محمد و اینکه بگردانی نور را در دیده من و بینائی در دین من و یقین را

فِي قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي
در دل من واخلاص در عمل من وسلامتی در نفس من وفراخی در روزی من
وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وروایت کرده است ثقة الاسلام در کافی
وشکر از برای تو همیشه چندانکه باقی داری مرا بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام
که فرمود که هرگاه ببیند مرد چیزی را که ناخوش دارد در خواب خود پس بگردد
از جانبی که بران خوابیده بود و بگوید إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ
وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ بدرستی که نیست راز کردن از شیطان تا اندوهناک
کرداند انهارا ونیست ضرر رساننده ایشانرا چیزی مگر باذن خدا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
وبر خدا باید پس توکل کنند مؤمنان
بعد از ان عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ
بگوید پناه اورده ام بانچه پناه برده بان مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَأَنْبِيَاؤُهُ
الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُهُ الصَّالِحُونَ فرشتگان خدا مقربان وپیغمبران
مرسلان وبندگان صالحان او مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ از شر آنچه دیده ام واز شر شیطان
رانده شده **باب ششم** در انچه

گذارده میشود در میان نصف شب تا طلوع صبح و درین باب مقدمه است و چند فصل مقدمه بتحقیق که روایات بسیار واقع شده است از اصحاب عصمت علیهم السلام در باب برخواستن شب وبیان فضیلت ان روایت کرده است ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که فرموده که شرف مؤمن برخواستن اوست در شب وعزت او استغنای اوست از مردم وروایت کرده است نیز در کافی بسند حسن از عبد الله بن سنان که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که می فرمود سه چیز است که انها فخر مؤمن وزینت اویند در دنیا واخرت نماز در اخر شب ومایوس بودن او از انچه در دستهای مردم است وپیاری کردن او امام را از ال محمد صلی الله علیه واله وروایت کرده است نیز در کافی بسند حسن نیز از انحضرت علیه السلام در قول خدای تعالی کانوا

قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ فرمود که بودند ایشان چنین که اقل شبها فوت میشد از ایشان که برنمیخواستند در انها وروایت کرده است در کافی نیز که امد مردی بخدمت امیر المؤمنین علیه السلام پس گفت بدرستیکه من بتحقیق که محرومم از نماز شب پس فرمود امیر المؤمنین علیه السلام که تو مردی که بتحقیق دربند کرده است ترا گناهان تو وروایت کرده است شیخ طائفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام در قول خدای تعالی إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا که فرمود برخواستن اوست از رخت خواب خود که اراده نکند بان مگر خدا را وروایت کرده است شیخ ره در تهذیب بسند صحیح نیز از انحضرت علیه السلام که فرموده که نیست بنده مگر اینکه بیدار میشود در هر شب یکمرتبه یا دو مرتبه پس اگر برخیزد خواهد بود والا اگر نه میگشاید شیطان میان پاهای خود را پس بول میکند در گوش او ایا نمیبیند احدی از شما که هرگاه برمیخیزد ونبوده است این از و وبرمیخیزد وحال انکه گران ومکدر وسنگین وکاهلست وروایت کرده در تهذیب نیز بسند صحیح از عمر بن یزید که بدرستیکه او شنیده از حضرت ابی عبد الله علیه السلام که میفرموده بدرستیکه در شب هر اینه ساعتی هست که موافق نمی افتد انرا بنده مسلمانی که نماز کند ودعا کند خدا را دران مگر اینکه مستجاب کند خدای تعالی برای او ودر هر شب گفتم فاصلحك الله پس کدام ساعتست از شب پس فرمود هرگاه بگذرد نصف شب تا ثلث باقی وروایت کرده است رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح از عبد الله بن سنان که او سؤال کرده از حضرت صادق علیه السلام از قول خدای عز وجل سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ پس فرمود که ان بیداری از نماز است وروایات از اصحاب عصمت سلام الله علیهم در برخاستن شب بسیار است **فصل** هرگاه بیدار شدی از خواب پس اول انچه سزاوار است برای تو کردن ان اینست که سجده کنی از برای خدای تعالی پس بتحقیق که روایت شده است

کہ پیغمبر صلی الله علیه واله هرگاه بیدار میشدند از خواب خود سجده میکردند
بعد از آن بگو در حال سجود یا بعد از برداشتن سر از آن اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی اَحْیَانِی بَعْدَمَا اَمَاتَنِی وَاِلَیْهِ النُّشُورُ اَلْحَمْدُ سپاس مر خدا را
که زنده گردانید مرا بعد از آن که میرانید مرا و بسوی اوست برانگیخته شدن سپاس لِلّٰهِ الَّذِی
رَدَّ عَلَیَّ رُوحِی لِاَحْمَدَهُ وَاَعْبُدَهُ و روایت کرده ثقة الاسلام مر خدا را که
بر گردانید بر من روح مرا تا آنکه سپاس کنم او را و پرستش کنم او را در کافی بسند حسن از حضرت باقر ع
که فرمود که هرگاه برخیزی در شب پس نگاه کن در اطراف آسمان و بگو
اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ لَا یُوَارِی عَنْکَ لَیْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ
خداوندا بدرستی که نمی پوشاند از تو شب ساکن و نه آسمان صاحب برجها
وَلَا اَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ وَلَا بَحْرٌ
و نه زمین بساط دار و نه تاریکیها که بعضی از آن بالای بعضی باشند و نه دریا
لُجِّیٌّ تُدْلِجُ بَیْنَ یَدَیِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِکَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْیُنِ
عظیمی میرود در شب پیش کسی که میآید در شب بجانب تو از بندگان تو میدانی خیانت چشمها را و آنچه پنهان
وَمَا تُخْفِی الصُّدُورُ غَارَتِ النُّجُومُ وَنَامَتِ الْعُیُونُ وَاَنْتَ الْحَیُّ
میکنند سینهها فرو رفته اند ستارهها در خواب رفته اند چشمها و تو همیشه زنده
الْقَیُّومُ لَا تَاْخُذُکَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
بخود برپای فرا نمیگیرد ترا پینکی و نه خواب تسبیح میکنم خدا را که پروردگار عالمیانست
وَاِلٰهِ الْمُرْسَلِینَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ بعد از آن بخوان پنج آیه
و معبود مرسلان و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است از آخر آل عمران
اِنَّ فِی خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ لَآیَاتٍ
بدرستی که آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز هر آینه
لِاُولِی الْاَلْبَابِ الَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللّٰهَ قِیَامًا وَقُعُودًا وَعَلٰی
علامتهاست برای صاحبان عقول آنانکه یاد میکنند خدا را در حالی که ایستاده اند و نشسته اند و خوابیده اند بر
جُنُوبِهِمْ وَیَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ رَبَّنَا
پهلوی خود و اندیشه میکنند در آفرینش آسمان و زمین پروردگارا

ما خلقت

مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَکَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ رَبَّنَا اِنَّکَ
نیافریدی تو این را باطل پاکی تو پس نگاهدار ما را از عذاب آتش پروردگارا بدرستی که
مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْزَیْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِینَ مِنْ اَنْصَارٍ رَبَّنَا
تو هر که را داخل کنی در آتش بتحقیق خوار کرده ای او را و نیست از برای ستمکاران یاری کنندگان پروردگارا
اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِی لِلْاِیمَانِ اَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا
بدرستی که ما شنیدیم آواز کننده که آواز میداد برای ایمان که ایمان آورید به پروردگار خود پس ایمان آوردیم پروردگارا
فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَکَفِّرْ عَنَّا سَیِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا
پس بیامرز برای ما گناهان ما و ساقط کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان پروردگارا
وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰی رُسُلِکَ وَلَا تُخْزِنَا یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اِنَّکَ لَا
و عطا کن آنچه وعده کرده ما را بر زبان رسولان تو و رسوا مکن ما را روز قیامت بدرستی که تو خلاف
تُخْلِفُ الْمِیعَادَ تا آخر حدیث فصل هرگاه نصف شب بشود پس
نمیکنی وعده را بتحقیق که داخل شده است وقت نماز شب و کاهی تعبیر
میکنند از نصف شب بزوال روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه
که عمر بن حنظله سؤال کرده از حضرت صادق علیه السلام پس گفته که زوال
روز را میدانیم پس زوال شب را چون بدانیم فرمود آنحضرت علیه السلام که از برای
شب زوالیست مانند زوال آفتاب گفت بچه چیز بشناسیم آن را فرمود بستارها
هرگاه منحدر شوند و ظاهر اینست آنحضرت علیه السلام اراده کرده بستارها
ستارهها را که طلوع کرده باشند نزد غروب آفتاب چنانکه گفته است شیخ
شیخ شهید ره و مراد بمنحدر شدن آنها شروع آنهاست در پائین آمدن
و نماز شب اطلاق میشود در احادیث گاهی بر هشت رکعت و گاهی بر یازده
رکعت باضافهٔ دو رکعت نماز صبح و این نماز شب از سنتهای مؤکد است روایت
کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام
که فرمود که بود در وصیت رسول خدا صلی الله علیه واله بعلی ع ای علی وصیت

میکنم ترا در باب نفس خودت بچند خصلت پس حفظ کن انها را بعد از ان فرمودند
خداوندا یاری کن او را و ذکر کردند جمله از خصلتها تا اینکه فرمودند و علیك بصلوة
اللّیل و علیك بصلوة اللّیل و علیك بصلوة اللّیل و علیك بصلوة الزّوال
و علیك بصلوة الزّوال و علیك بصلوة الزّوال و ظاهر اینست که انحضرت
صلی الله علیه و اله اراده کرده اند بنماز شب سیزده رکعت را و بنماز زوال
هشت رکعتی را که نافلهٔ زوالست چنانکه گفته اند بعضی از علمای ما پس هرگاه
خواهی متوجّه شوی بسوی عبادت و بوده باشد ترا حاجتی بتخلّی پس ابتدا کن
بان اوّل پس هرگاه خواهی که داخل بیت الخلا شوی پس اگر بوده باشد در نقش
انگشتر تو یا همراه تو هر جا که باشد نامی که احترامی داشته باشد پس داخل مکن
انرا با خود و همچنین درمهای سفید را که در کیسه داشته باشد بعد از ان بگذار
پای چپ را نزد اوّل داخل شدن اگر بوده باشد ان خانه و اگر قضای حاجت بکنی
در فضای مثل صحرا و مانند ان پس پیش بگذار پای چپ را در موضعی که می نشینی
در ان و بگو بِسْمِ اللّهِ وَ بِاللّهِ اَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ الْخَبِیثِ الْمُخْبِثِ

بنام خدا و بیاری خدا پناه می اورم بخدا از گندیده نجس پلید مصدر پلید

الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ و اگر قضای حاجت بکنی در فضای پس اختیار کن موضعی را
که دیده نشود در ان شخص تو و باید که بوده باشد اعتماد و سنگینی تو در وقت
تخلّی بر پای چپ تو و سزاوار است گشودن پای راست و طول مدّه نشستن را
و حرف مزن مگر از برای حاجتی که خوف فوت ان داشته باشی یا خواندن ایة
الکرسی یا الحمد لله ربّ العالمین یا حکایت اذان یا ذکر خدا یتعالی و بعد از انکه
فارغ شوی برخیز و بکش دست راست خود را بر شکم خود و بگو اَلْحَمْدُ لِلّهِ
الَّذِی اَمَاطَ عَنِّی الْاَذَی وَ هَنَّانِی طَعَامِی وَ شَرَابِی وَ عَافَانِی سپاس مر خدایرا

که دور گردانید از راه دگرا و گوارانید طعام مرا و اب مرا و عافیت داد مرا

مِنَ الْبَلْوَی
و استبرا کن باینکه بگذاری انگشت میانه را نزد مقعد و بکشی انرا از

تا الصل

تا اصل ذکر بعد از ان بگذاری انگشت شصت را زیر ذکر و انگشت شهادت بالای
ان و بیفشاری بقوّة انرا سه مرتبه و تنحنح بکن در حال استبرا و هرگاه خواهی
که استنجا کنی باب پس بگو اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوراً وَ لَمْ یَجْعَلْهُ

سپاس مر خدایرا که گردانید اب را پاکن و نگردانید او را

نَجِساً و استنجا کن بدست چپ خواه باب استنجا کنی و خواه بکلوخ و مانند ان
نجس و اگر در دست تو انگشتری باشد که نگین ان از سنگریزه زمزم باشد
پس بیرون آر انرا و باید که بوده باشد شستن مقعد بانگشت بنصر یعنی
انگشتی که پهلوی انگشت کوچك است و مزن دست راست را بذکر و اختیار
کن در غیر متعدّی از غایط یعنی انچه بحوالی و اطراف مقعد نرسیده باشد
انرا بر کلوخ مالیدن و جمع میان اب و کلوخ بهتر است در متعدّی و غیر ان و بشو
مخرج غایط را تا اینکه احساس کنی بصدای ان و بگو در حال استنجا اَللّٰهُمَّ
حَصِّنْ فَرْجِی وَ اَعِفَّهُ وَ اسْتُرْ عَوْرَتِی وَ حَرِّمْنِی عَلَی النَّارِ خداوندا

باز دار فرج مرا از حرام و عفیف کردن انرا و پوشان عورت مرا و حرام گردان مرا بر اتش و مقدّم

دار شستن مخرج غایط را بر شستن مخرج بول و طاق بگردان عدد سنگها را
اگر پاك نشود محل بسه تا و برسان هر سنگی را بر تمام محل باینکه دور بدهی انرا
بر ان پس هرگاه بیرون ائی از خلا پس پیش بگذار پای راست را و بگو نزد بیرون امدن
اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی عَرَّفَنِی لَذَّتَهُ وَ اَبْقَی فِی جَسَدِی قُوَّتَهُ وَ اَخْرَجَ عَنِّی اَذَاهُ یَا

سپاس مر خدایرا که شناسانید لذت انرا و باقی گذاشت در بدن من قوّت انرا و بیرون کرد ازار انرا

لَهَا نِعْمَةً یَا لَهَا نِعْمَةً یَا لَهَا نِعْمَةً لَا یَقْدِرُ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا

از ای قوم تعجّب کنید از نعمت ای قوم تعجّب کنید ای قوم تعجّب کنید که قادر نیستند قادران شمردن انرا

پس هرگاه بیرون امدی از خلا ابتدا کن بمسواك بعد از ان وضو بساز وضوی
کامل چنانکه گذشت در باب اوّل بعد از ان خود را خوشبوی ساز پس بتحقیق که
روایت شده است از حضرت صادق علیه السّلام که فرموده که بود از برای پیغمبر

صلی الله علیه واله مشاهده کنی که هرگاه وضو میساخت میگرفت از بدن
خود وحال اینکه آن تر بود و روایت شده است نیز از انحضرت علیه السلام که
فرموده که دو رکعت که بگذاری از بوی خوش کرده افضل است از هفتاد رکعت
که بگذاری از بوی خوش نکرده و بدانکه بوی خوش کردن سنت است از برای هر
نمازی و هر دعائی و نیست مخصوص بنماز شب و دعاهای آن پس هرگاه وضو
ساختی و بوی خوش کردی پس بنشین رو بقبله و بخوان دعائی که حضرت زین العابدین (ع)
ذکر میخواندند الهی غارت نجوم سمائك ونامت عیون انامك و
درد دل شب ای خدای من فرو رفته اند ستارهای آسمان تو و خواب رفته است چشمهای آفریدگان تو
هدأت اصوات عبادك وانعامك وغلقت الملوك علیها ابوابها
و ساکن شده است صداهای بندگان تو و چارپایان تو و بسته اند پادشاهان بروی خود درهای خود را
وطاف علیها حراسها واحتجبوا عمن یسالهم حاجة او ینتجع
و میگردند بر در آنها نگاهبانان و پوشیده شده اند از کسی که سوال کند از ایشان حاجتی یا طلب کند
منهم فائدة وانت الهی حی قیوم لاتاخذك سنة ولا نوم ولا
از ایشان فایده و تو ای خدای من زنده و پاینده برپا می‌نمیگیرد ترا پینکی و نه خوابی و
یشغلك شیء عن شیء ابواب سمائك لمن دعاك مفتحات
مشغول نمی سازد ترا چیزی از چیزی درهای آسمان تو از برای کسی که بخواند ترا گشوده شده
وخزائنك غیر مغلقات وابواب رحمتك غیر محجوبات
و خزانهای تو بسته نشده اند و درهای رحمت تو منع کرده نشده اند
وفوائدك لمن سالك غیر محظورات بل هی مبذولات الهی
فایدهای تو برای کسی که سوال کند از او باز داشته نشده اند بلکه آنها داده شده اند ای خدای من
انت الکریم الذی لاترد سائلا من المؤمنین سالك ولا
تو آن کریمی که بر نمیگردانی هیچ سوال کننده از مومنان که سوال کند ترا و پوشیده نمیشوی
تحتجب عن احد منهم ارادك لا وعزتك وجلالك ولا تختزل
از کسی از ایشان که قصد کند ترا نه چنین نیست قسم بعزت و بزرگی تو و تعویق افتاد

حوائجهم دونك ولا یقضیها احد غیرك اللهم وقد تری
حاجتهای ایشان نزد تو و بر نمی آورد آنها را کسی غیر تو خداوندا و بتحقیق میبینی
وقوفی وذل مقامی بین یدیك وتعلم سریرتی وتطلع علی
و ایستادن و خواری جایگاه مرا پیش روی تو و میدانی سر مرا و مطلع میشوی بر
ما فی قلبی وما یصلح به امر آخرتی ودنیای اللهم ان ذکر الموت
در دل من است و آنچه اصلاح می‌یابد به امر آخرت من و دنیای من خداوندا بدرستیکه یاد مرگ
واهوال المطلع والوقوف بین یدیك نغصنی مطعمی ومشربی
و هولهای عرصه قیامت و ایستادن پیش روی تو تکدر کرده است خوردن مرا و آشامیدن مرا
واغصنی بریقی واقلقنی عن وسادی ومنعنی رقادی کیف
و گره کرده است در گلوی من آب دهن مرا و از بالش من و منع کرده است مرا خواب من چگونه
ینام من یخاف ملك الموت فی طوارق اللیل وطوارق النهار
بخوابد کسی که بترسد از ملک الموت در واردشوندگان شب و واردشوندگان روز
بل کیف ینام العاقل وملك الموت لاینام لا باللیل ولا
بلکه چگونه بخوابد عاقل و حال آنکه ملک الموت نمیخوابد نه در شب و نه
بالنهار ویطلب روحه بالبیات وفی آناء الساعات وبسجود
در روز و طلب میکند روح او را در شب و در اثنای ساعات میرفتند
انحضرت (ع) بعد از این دعا و میچسپانیدند گونه مبارك خود را بخاك و میفرمودند
اسالك الروح والراحة عند الموت والعفو عنی حین القاك
سوال میکنم ترا رحمت و راحت نزد مرگ و عفو از من در هنگامیکه ملاقات کنم ترا
و میگذاردند پیش از نماز شب دو رکعت که میخواندند در رکعت اول ان قل هو الله
احد و در دویم قل یا ایها الکافرون بعد از آن بلند میکردند دستهای مبارك
خود را بتکبیر و دعا میکردند و تو هرگاه بگذاری این دو رکعت را پس خوبست که بخوانی
این دعا را که روایت کرده است رئیس محدثین در کتاب امالی از ابی الدرداء که شنید

ازحضرت امیرالمؤمنین که میخوانند الٰهی کم من موبقة حلمت عن مقابلتها بنقمتك

ایند عا را در دل شب — ای خدای من بس از معصیت هلاک کننده که بردباری کردی از مقابله آن بعقاب

وکم من جریرة تکرمت عن کشفها بکرمك الٰهی ان طال فی عصیانك

بسا از گناهی که کرم ورزیدی از رسوا کردن آن بکرم خود ای خدای من اگر دراز گشته است در عصیان تو

عمری وعظم فی الصحف ذنبی فما انا مؤمل غیر غفرانك ولا انا براج غیر

عمر من و بزرگ است در نامه‌ها گناه من پس نیستم من امیدوار غیر آمرزش ترا و نه من طمع دارنده ام غیر

رضوانك الٰهی افکر فی عفوك فتهون علی خطیئتی ثم اذکر العظیم

خشنودی ترا ای خدای من اندیشه میکنم در عفو تو پس سهل می نماید بر من گناه من باز یاد می آورم آنچه عظیم است

من اخذك فتعظم علی بلیتی آه ان انا قرأت فی الصحف سیئة انا

از گرفتن تو پس بزرگ می نماید بر من بلیه من آه اگر من بخوانم در نامه‌ها گناهی را که من

ناسیها وانت محصیها فتقول خذوه فیا له من مأخوذ لا تنجیه عشیرته

فراموش کننده ام و تو حفظ کننده آنی پس بگوئی بگیرید او را پس ای قوم تعجب کنید از گرفته شده که خلاص نکند او را قوم او

ولا تنفعه قبیلته آه من نار تنضج الاکباد والکلی آه من نار نزاعة

و سود ندهد او را قبیله او آه از آتشی که می پزد جگرها و گرده‌ها را آه از آتشی که برکننده

للشوی آه من غمرة من لهبات لظی پس گریه کن بعد از این دعا و بکن هر دعا که

پوستها سرها آه از فرو گیرنده از زبانه‌های جهنم — خواهی بعد از آن برخیز برای نماز شب بتحقیق که اجماع کرده اند علمای ما بر اینکه اول وقت آن نصف شب است و اینکه هرچند نزدیک شود بصبح افضل است و خواهد بود افضل پس اگر طلوع کند آن و گذارده باشد چهار رکعت تمام کند باز اسبك بحمد تنها بی سوره بقصد ادا و مشهور آنست که جایز نیست تقدیم آن بر نصف شب مگر کسی که عذری داشته باشد و لیکن قضا آن افضل است از تقدیم هر گاه بخواهی شروع کنی در نماز اللهم انی اتوجه الیك بنبیك نبی

شب پس سزاوار است که بگوئی — خداوندا بدرستی که من رو آورده ام بسوی تو بپیغمبر تو پیغمبر

الرحمة واله واقدمهم بین یدی حوائجی فاجعلنی بهم وجیهاً فی الدنیا

پیغمبر رحمت و بآل او و مقدم میدارم ایشان را پیش حاجتهای خود پس بگردان مرا بسبب ایشان رو سفید در دنیا

والاخرة

والاخرة ومن المقربین اللهم ارحمنی بهم ولا تعذبنی بهم واهدنی بهم

و آخرت و از نزدیکان خداوندا رحم کن مرا بحق ایشان و عذاب مکن مرا بحق ایشان و هدایت کن مرا بحق

ولا تضلنی بهم وارزقنی بهم ولا تحرمنی بهم واقض لی حوائج الدنیا

و گمراه مکن مرا بحق ایشان و روزی ده مرا بحق ایشان و محروم مگردان مرا بحق ایشان و برآور برای من حاجتهای دنیا

والاخرة انك علی کل شیء قدیر وبکل شیء علیم بعد از آن ابتدا کن بر رکعت

و آخرت را بدرستی که تو بر همه چیز توانائی و بهمه چیز دانائی

اول بهفت تکبیر با سایر دعاها و افضل اینست که بخوانی بعد از حمد سوره قل هو الله احد سی مرتبه و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون و در شش رکعت باقی سورهای دراز مثل سوره انعام و کهف و انبیا و یس و حم‌ها و آنچه مانند اینها باشد در درازی و جایز است که در نمازهای سنتی خواندن سوره از روی مصحف هرچند از بر داشته باشی غیر از سوره ... در نماز فرضی واجبی پس جایز نیست الخ مگر اینکه هیچ سوره حفظ نداشته باشی و بعضی گفته اند در اینها نیز جایز است مطلقا و این قول ضعیف است و اگر تنگ باشد وقت تو از سوره‌های دراز کافیست ترا حمد و قل هو الله احد در هر رکعتی و مرتبه است اقتصار بر حمد تنها مانند باقی نوافل و بدانکه به تحقیق اتفاق کرده اند علمای ما بر اینکه قنوت چنانکه سنت است در نمازهای واجب سنت است در نمازهای سنتی نیز در هر رکعت دوم از نوافل نیز و روایت کرده است ابن ثقة الاسلام در کافی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام که کافیست در قنوت اینکه بگوئی

اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا فی الدنیا والاخرة انك علی

خداوندا بیامرز ما را و رحم کن بر ما و عافیت ده ما را و بگذر از ما در دنیا و آخرت بدرستیکه تو بر

کل شیء قدیر چنانکه روایت کرده است آنرا در کافی نیز از آنحضرت بسند حسن و روایت

همه چیز توانائی — شده است کافی بودن سه تسبیح نیز در قنوت و سنت است بلند خواندن قنوت هرچند در نوافل روز باشد و سزاوار است طول دادن آن خصوصا در نماز شب زیرا که وقت در آن وسعتی دارد و بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر که فرموده که هر که از شما درازتر باشد قنوت او در دار دنیا درازتر است راحت او در روز قیامت و بتحقیق که آورده است سید جلیل رضی الدین علی بن طاوس در کتاب

افضل پس از طلوع لندان ولذا زد باچهار رکعت تمام کند باراسبك بحمد تنها یی سوره بقصد
ادا و مشهور اکر جایز است تقدیم ان بر نصف شب برای کسی که عذر داشته باشد ولیکن قضا ان افضل است
از تقدیم هرگاه بخواهی شروع کنی در نماز اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْكَ بِنَبِیِّكَ نَبِیِّ
شب پس سزاوار است که بکویی

خداوندا بدرستی که من رو می آورم بسوی تو با پیغمبر تو

الرَّحْمَةِ وَآلِهِ وَاُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی فَاجْعَلْنِی بِهِمْ وَجِیهاً فِی الدُّنْیَا

پیغمبر رحمت و به آل او و مقدم میدارم ایشانرا پیش حاجتهای خود پس کردان مرا بسبب ایشان رو سفید در دنیا

والحجة

خداوندا بیامرز مرا و رحم کن بر ما و عافیت ده مرا و بخشش از ما در دنیا و اخرت بدرستی که بر

کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ چنانکه روایت کرده آنرا در کافی نیز از انحضرت ع بسند حسن و وارد
بر هر چیزی توانایی شده است کافی بودن سه تسبیح نیز در قنوت و سنت است بلند خواندن
قنوت هر چند در نوافل روز باشد و سزاوار است طول دادن ان خصوصا در نماز شب
زیرا که وقت در ان وسعتی دارد و بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر
که فرموده که هر که از شما دراز تر باشد قنوت او در دار دنیا دراز تر است راحت او در روز
قیامت و بتحقیق که اورده است سید جلیل رضی الدین علی بن طاوس در کتاب

از تقدیم هرگاه خواستی شروع کنی در نماز اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ
شب سزاوار است که بگوئی — خداوندا بدرستی که من رو می‌آورم بسوی تو بسبب پیغمبر تو

اَلرَّحْمَةِ وَآلِهِ وَاُقَدِّمُهُمْ بَیْنَ یَدَیْ حَوَائِجِی فَاجْعَلْنِی بِهِمْ وَجِیهاً فِی الدُّنْیا

پیغمبر رحمت و بآل او و مقدم میدارم ایشانرا پیش حاجتهای خود پس بگردان مرا بسبب ایشان رو شناس در دنیا

شده است کافی بودن سه تسبیح نیز در قنوت و سنت است بلند خواندن
قنوت هرچند در نوافل روز باشد و سزاوار است طول دادن آن خصوصاً در نماز شب
زیرا که وقت در آن وسعتی دارد و بتحقیق که روایت کرده است رئیس محدثین در فقیه از پیغمبر صلعم
که فرموده که هر که از شما درازتر باشد قنوت او در دار دنیا درازتر است راحت او در روز
قیامت و بتحقیق که آورده است سید جلیل رضی الدین علی بن طاوس در کتاب

در کتاب مهج الدعوات پاره از قنوتهای را ذکر قنوت میکرده اند بانها ائمه ما سلام الله
و نفرین میکرده اند در انها بر دشمنان دین و باکی نیست که بخوانی قنوت را در نوافل از روی
کتاب و مانند ان و منع شده است از ین در فرایض و از دعاهای مختصر که لایق است خوانده
شود در قنوت نوافل و فرایض انست که روایت شده از حضرت صادق علیه السلام

اِلٰهی کَیفَ اَدعوكَ وَقَد عَصَیتُكَ وَکَیفَ لا اَدعوكَ وَقَد عَرَفتُ

ای خدای من چگونه بخوانم ترا و حال انکه عصیان کرده ام ترا و چگونه نخوانم ترا و بتحقیق شناخته ام

حُبَّكَ فی قَلبی وَاِن کُنتُ عاصِیاً مَدَدتُ اِلَیكَ یَداً بِالذُّنوبِ مَملُوَّةً

دوستی ترا در قلب من و اگر بوده ام من عصیان کننده بلند کرده ام بسوی تو دستی را که بگناهان پر است

وَعَیناً بِالرَّجاءِ مَمدودَةً مَولایَ اَنتَ عَظیمُ العُظَماءِ وَاَنا اَسیرُ

و چشمی که با رزو بلند شده است ای پروردگار من تو بزرگ بزرگانی و منم اسیر

الاُسَراءِ اَنا الاَسیرُ بِذَنبی المُرتَهَنُ بِجُرمی اِلٰهی لَئِن طالَبتَنی بِذَنبی

اسیران منم اسیر بگناه خود در گرو جرم خود ای خدای من اگر باز خواست کنی مرا بگناه من

لَاُطالِبَنَّكَ بِکَرَمِكَ وَلَئِن طالَبتَنی بِجَریرَتی لَاُطالِبَنَّكَ بِعَفوِكَ

هر اینه باز خواست میکنم ترا بکرم تو و اگر باز خواست کنی مرا بمعصیت من هر اینه باز خواست میکنم ترا بعفو تو

وَلَئِن اَمَرتَ بی اِلَی النّارِ لَاُخبِرَنَّ اَهلَها اِنّی کُنتُ اَقولُ لا اِلٰهَ اِلَّا

و اگر امر کنی بردن مرا بسوی اتش هر اینه خبر میدهم اهل ان را بدرستی که من بودم چنین که میگفتم که نیست خدائی مگر

اللهُ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ الطّاعَةَ تَسُرُّكَ وَالمَعصِیَةَ لا

خدا محمد رسول خداست خداوندا بدرستی که طاعت خشنود میکند ترا و معصیت ضرر

تَضُرُّكَ فَهَب لی ما یَسُرُّكَ وَاغفِر لی ما لا یَضُرُّكَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

نمیرساند ترا پس ببخش بمن انچه خشنود میکند ترا و بیامرز برای من انچه ضرر نمیرساند ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

و از دعاهای متوسط که سزاوار است که خوانده شود در قنوت نیز و از جمله
دعاهای سایل بسوی مسایل اکرم و اشد از حضرت جواد علیه السلام این دعاست

اَللّٰهُمَّ اِنَّ الرَّجاءَ لِسَعَةِ رَحمَتِكَ اَنطَقَنی بِاستِقالَتِكَ وَالاَمَلَ

خداوندا بدرستی که ارزوی سبب فراخی رحمت تو گویا کرده است مرا بطلب فسخ کردن بیع کردن تو و امید

لاناتك

لِاَناتِكَ وَرِفقِكَ شَجَّعَنی عَلیٰ طَلَبِ اَمانِكَ وَعَفوِكَ وَلی یا رَبِّ

بسبب درنگ تو و مدارای تو جرات داده است مرا بر طلب امان تو و عفو تو و از برای منست پروردگارا

ذُنوبٌ قَد واجَهَتها اَوجُهُ الاِنتِقامِ وَخَطایا قَد لاحَظَتها اَعیُنُ

گناهان که روبرو واقع شده است رویهای انتقام و خطاهائی که بتحقیق نگریسته است دیدهای

الاِصطِلامِ وَاستَوجَبتُ بِها عَلیٰ عَدلِكَ اَلیمَ العَذابِ وَاستَحقَقتُ

اصطلام و سزاوار شده ام بسبب انها بر عدل تو الم رساننده عذاب را و مستحق شده ام

بِاجتِراحِها مُبیرَ العِقابِ وَخِفتُ تَعویقَها لِاِجابَتی وَرَدَّها اِیّایَ

بسبب اکتساب انها هلاک کننده عقاب را و خوف دارم از تعویق انداختن انها اجابت مرا و بر گردانیدن انها مرا

عَن قَضاءِ حاجَتی بِاِبطالِها لِطَلِبَتی وَقَطعِها لِاَسبابِ رَغبَتی

از بر اوردن حاجت من بسبب باطل کردن انها مر طلب را و بریدن انها مر اسباب رغبت مرا

مِن اَجلِ ما اَنقَضَ ظَهری مِن ثِقلِها وَبَهَظَنی مِنَ الاِستِقلالِ

بواسطه انچه سنگین کرده است پشت مرا از گرانی انها و انچه گران کرده است مرا از استقلال

بِحَملِها ثُمَّ تَراجَعتُ رَبِّ اِلیٰ حِلمِكَ عَنِ الخاطِئینَ وَعَفوِكَ عَنِ

برداشتن انها پس باز رجوع کردم ای پروردگار من بسوی بردباری تو از خطا کنندگان و عفو تو از

المُذنِبینَ وَرَحمَتِكَ لِلعاصینَ فَاَقبَلتُ بِثِقَتی مُتَوَکِّلاً عَلَیكَ

گنه کاران و رحمت تو از برای عاصیان پس رو اوردم با اعتماد خود توکل کننده بر تو

طارِحاً نَفسی بَینَ یَدَیكَ شاکِیاً بَثّی اِلَیكَ سائِلاً ما لا اَستَوجِبُهُ

اندازنده نفس خود را پیش روی تو شکوه کننده مر اندوه خود را بسوی تو سؤال کننده انچه سزاوار ان نیستم

مِن تَفریجِ الهَمِّ وَما لا اَستَحِقُّهُ مِن تَنفیسِ الغَمِّ مُستَقیلاً اِیّاكَ

از زایل کردن هم و انچه را مستحق ان نیستم از برطرف کردن غم طلب فسخ کننده بسوی تو

واثِقاً مَولایَ بِكَ اَللّٰهُمَّ فَامنُن عَلَیَّ بِالفَرَجِ وَتَطَوَّل عَلَیَّ

اعتماد دارنده ای پروردگار من بتو خداوندا پس منت گذار بر من بگشایش و تفضل کن بر من

بِسُهولَةِ المَخرَجِ وَادلُلنی بِرَاْفَتِكَ عَلیٰ سَمتِ المَنهَجِ وَاَزلِقنی

باسانی بدر شدن و راه بنما مرا بمهربانی خود بر سمت راه واضح و دور کن

بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّرِيقِ الْاَعْوَجِ وَخَلِّصْنِي مِنْ سِجْنِ الْكَرْبِ بِاِقَالَتِكَ

بقدرت تو از راه کج اخلاص کن مرا از زندان اندوه بدرگذشتن

وَاَطْلِقْ اَسْرِي بِرَحْمَتِكَ وَطُلْ عَلَيَّ بِرِضْوَانِكَ وَجُدْ عَلَيَّ بِاِحْسَانِكَ

خود وبگشای بند مرا برحمت خود ومنت نه برمن بخشنودی خود وجود کن بر من باحسان خود

وَاَقِلْنِي عَثْرَتِي وَفَرِّجْ كُرْبَتِي وَارْحَمْ عَبْرَتِي وَلَا تَحْجُبْ دَعْوَتِي

ودرگذر از لغزش مرا ودفع کن اندوه مرا ورحم کن اشک مرا ومنع مکن دعای مرا

وَاشْدُدْ بِالْاِقَالَةِ اَزْرِي وَقَوِّ بِهَا ظَهْرِي وَاَصْلِحْ بِهَا اَمْرِي

وسخت کن بدرگذشتن قوت مرا وقوی گردان بان پشت مرا واصلاح کن بان امر مرا

وَاَطِلْ بِهَا عُمْرِي وَارْحَمْنِي يَوْمَ حَشْرِي وَوَقْتَ نَشْرِي اِنَّكَ

ودراز گردان بان عمر مرا ورحم کن مرا روز حشر من ووقت برانگیختن من بدرستی که تو

جَوَادٌ كَرِيمٌ رَؤُفٌ رَحِيمٌ وميخوانى باهر دو ركعت از اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ

بسیار بخشنده کریمی مهربان رحیمی هشت رکعت این دعا را خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا

وَلَمْ يُسْاَلْ مِثْلُكَ اَنْتَ مَوْضِعُ مَسْاَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهٰى رَغْبَةِ

وسؤال کرده نشده است کسی مثل تو موضع سؤال سؤال کنندگان ومنتهای رغبت

الرَّاغِبِينَ اَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلُكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ

رغبت کنندگانی میخوانم ترا وخوانده نشده است کسی مثل تو ورغبت میکنم بسوی تو ورغبت کرده نشده

اِلٰى مِثْلِكَ وَاَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَاَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

کسی بسوی مثل تو وتوئی اجابت کننده دعای بیچارگان ورحم کننده ترین رحم کنندگانی

اَسْئَلُكَ بِاَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَاَنْجَحِهَا وَاَعْظَمِهَا يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ

سؤال میکنم ترا بتمامترین سؤالها وبرآمده ترین آنها وبزرگترین آنها ای خدای ای بخشنده

يَا رَحِيمُ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنٰى وَاَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَنِعَمِكَ الَّتِي

ای مهربان وبنامهای نیکوی تو ومثلهای بلند تو وبنعمتهای تو که

لَا تُحْصٰى وَبِاَكْرَمِ اَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَاَحَبِّهَا اِلَيْكَ وَاَقْرَبِهَا مِنْكَ

شمرده نمی شود وبگرامی ترین نامهای تو بر تو ودوست ترین آنها بسوی تو ونزدیک ترین آنها نزد تو

وَسِيلَةً وَاَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَاَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا وَ

از روی مرتبه وشریف ترین آنها نزد تو بمنزلت وعظیمترین آنها پیش تو از روی ثواب و

اَسْرَعِهَا فِي الْاُمُورِ اِجَابَةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْاَكْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ

وجلدترین آنها در امرها از روی اجابت وبنام پنهان کرده شده بزرگتر عزیزتر جلیلتر

الْاَعْظَمِ الْاَكْرَمِ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضٰى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ وَ

عظیمتر گرامی تر که دوست میداری آنرا وبخواهی آنرا وخشنود میشوی بآن از کسی که بخواند ترا و

اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيْكَ اَنْ لَا تَرُدَّ سَائِلَكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ

واجابت کرده برای او دعای او را وواجبست بر تو اینکه رد نکنی سؤال کننده خود را وبهر نامی که آن

هُوَ لَكَ فِي التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَبِكُلِّ

از برای تست در توریة وانجیل وزبور وقرآن عظیم وبهر

اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَمَلٰئِكَتُكَ وَاَنْبِيَائُكَ وَرُسُلُكَ

نامی که خوانده ترا بآن بردارندگان عرش تو وفرشتگان تو وپیغمبران تو ورسولان تو

وَاَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

واهل طاعت تو از آفریدگان تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واینکه

تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ وَتُعَجِّلَ خِزْيَ اَعْدَائِهِ وَاَنْ تَفْعَلَ

تعجیل کنی راحت حجت خود را وپسر حجت خود را وتعجیل کنی خواری دشمنان خود را واینکه بجا آوری

بِي كَذَا وَكَذَا بعد از آن تسبيح ميكني تسبيح زهرا عليها السلام ميخوانى بعد از آن

چنین وچنین دعائی که میخواهی پس از آن بسجده میکنی دو سجده شکر وخوبست که

بخواند دیگری از آنها ابن عیاش کار منسوبست بحضرت امام زین العابدین علیه السلام اِلٰهِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوْ

ای خدای من قسم بعزت تو وبزرگی تو وعظمت تو اگر

اَنِّي مُنْذُ بَدَعْتَ فِطْرَتِي مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ عَبَدْتُكَ دَوَامَ خُلُودِ

بدرستی که من بودم از آن وقت که تو پیدا کردی خلقت مرا از اول زمان که عبادت کرده بودم ترا بدوام همیشگی

رُبُوبِيَّتِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ سَرْمَدَ الْاَبَدِ بِحَمْدِ الْخَلَائِقِ

پروردگاری تو بهر موئی که در هر چشم زدنی همیشه روزگار بحمد خلایق

...لَهُ مَنْزِلَةً وَاجْزَلْ لَهَا الَّذِينَ تَوّاباً وَ

...ةً وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْاَكْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ

...حِبُّهُ وَتَهْوَاهُ وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ وَ

...حَقٌّ عَلَيْكَ اَنْ لَا تَرُدَّ سَائِلَكَ وَبِكُلِّ اسْمٍ

...الْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ وَبِكُلِّ

...عَرْشِكَ وَمَلٰئِكَتِكَ وَاَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ

...لُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ

...وَلِيِّكَ وَتُعَجِّلَ خِزْيَ اَعْدَائِهِ وَاَنْ تَفْعَلَ

...میکنی تسبیح زهرا علیها السلام و بخوان بعد از آن

...الهی پس از آن سجده میکنی دو سجده شکر و خواست کر

...الٰهِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوْ

...مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ عَبَدْتُكَ دَوَامَ خُلُودِ

...كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ سَرْمَدَ الْاَبَدِ بِحَمْدِ الْخَلَائِقِ

بسم الله الرحمن الرحیم

وکیل اموال ایتامی و کفیل الارامل غرمائی فدای حضور مبارک گردم عرض میشود از بابت الذین
ینفقون اموالهم فی سبیل الله و در دو جا من جاء بالحسنه فله عشر امثالها بحکم ما عندکم ینفد و ما
عند الله باق از معامله من ذا الذی یقرض الله قرضا حسنا بقول ان احسنتم احسنتم لانفسکم
تسلیم السائل فلا تنهر شود تا بوقت محاسبه حسابا یسیرا و در دیوان فمن یعمل مثقال ذرة
خیرا یره از ذخیره یوم لا ینفع مال و لا بنون بتاریخ یوم کان خمسین الف سنه مجرا و محسوب دارند
مدتیست قرض از تجارت و مصدع شدن اوقات شریفتان است که این اقل الدعاگو
چند نفر عیال و اولاد دارم اردی هم دارم روی سؤال هم ندارم و از اهل سؤال هم نیستم
مدتی هم مقروض شده ام از اینجائیکه فرموده اند تو تیره گی بر خورشید از هیچ ملو لااد
معالجه این مرض نکرده اند مزاحم شدم امیدوارم که انشاءالله لطف و مرحمت خود را در حق
دعاگو دریغ نفرمایند زیرا که بنده کان حق رحیم بردبار نخواهی اورند در اصلاح کار لابلا
دست نیاز بدرگاه بی نیاز حضرت تعالی دراید که حفظ الله انشاءالله توجه مرحمتی در حق دعا
گو بود در پیش خدا و رسول ضایع نخواهد شد انشاءالله تعالی عند ذلک الله فدا این

امر امر مطاع مبارک است

شرفها عندك منزلة واجزلها لديك ثوابا و

يف ترين انها نزد تو بمنزلت و عظيم ترين انها پيش تو از روی ثواب و

لامور اجابة وباسمك المكنون الاكبر الاعز الاجل

امرا از روی اجابت و بنام پنهان کرده شده بزرگتر عزیزتر جلیلتر

رم الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك و

تر که دوست میداری او را و بخواهی او را و خشنود میشوی از کسی که بخواند ترا و

دعاءه وحق عليك ان لا ترد سائلك وبكل اسم

دعای او را و واجبست بر تو اینکه رد نکنی سؤال کننده خود را و بهر نامی که ان

رية والانجيل والزبور والفرقان العظيم وبكل

و انجیل و زبور و قران عظیم و بهر

حملة عرشك وملائكتك وانبيائك ورسلك

بر دارند کان عرش تو و فرشتکان تو و پیغمبران تو و رسولان تو

من خلقك ان تصلي على محمد وال محمد وان

از افریدکان تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و ال محمد و اینکه

ك وابن وليك وتعجل خزي اعدائه وان تفعل

خود را و پسر حجت خود را و تعجیل کنی خواری دشمنان خود را و اینکه بکنی با

ز تسبیح میکنی تسبیح زهرا علیها السلم و میخوانی بعد از ان هر

کر میخواهی پس از ان سجده میکنی دو سجده شکر و خوبست که

از اکر مسنون است الهي وعزتك وجلالك وعظمتك لو

علیه السلم ای خدای من قسم بعزت تو و بزرکی تو و عظمت تو اگر

طرتي من اول الدهر عبدتك دوام خلود

تو پدید اوردی خلقت مرا از اول زمان که عبادت کرده بودم ترا بدوام همیشگی

ة في كل طرفة عين سرمد الابد بحمد الخلائق

در هر چشم زدنی همیشه روزگار بحمد خلایق

وَشُكْرِهِمْ اَجْمَعِيْنَ لَكُنْتُ مُقَصِّرًا فِيْ بُلُوْغِ اَدَاۤءِ شُكْرِ خَفِيِّ نِعْمَةٍ

شکر ایشان همگی هر اینه بودم من تقصیر کننده در رسیدن ادای شکر نعمت پنهانی

مِنْ نِعَمِكَ عَلَيَّ وَلَوْ اَنِّيْ كَرَبْتُ مَعَادِنَ حَدِيْدِ الدُّنْيَا بِاَنْيَابِيْ وَ

از نعمتهای تو بر من و اگر بدرستی که من کنده بودمی کانهای آهن دنیا بچنگهای خود و

حَرَثْتُ اَرْضَهَا بِاَشْفَارِ عَيْنِيْ وَبَكَيْتُ مِنْ خَشْيَتِكَ مِثْلَ بُحُوْرِ

زراعت کرده بودم زمین آنها را بمژگانهای چشم خود و گریه کرده بودم از ترس تو مثل دریاهای

السَّمٰوَاتِ وَالْاَرَضِيْنَ دَمًا وَصَدِيْدًا لَكَانَ ذٰلِكَ قَلِيْلًا فِيْ كَثِيْرِ

آسمانها و زمینها خون و خوناب هر اینه بودی آن اندک در بسیار آنچه

مَا يَجِبُ مِنْ حَقِّكَ عَلَيَّ وَلَوْ اَنَّكَ اِلٰهِيْ عَذَّبْتَنِيْ بَعْدَ ذٰلِكَ بِعَذَابِ

آنچه واجب است از حق تو بر من و اگر اینکه تو ای خدای من عذاب میکردی مرا بعد از آن بعذاب

الْخَلَاۤئِقِ اَجْمَعِيْنَ وَعَظَّمْتَ لِلنَّارِ خَلْقِيْ وَجِسْمِيْ وَمَلَاْتَ

خلایق همگی و بزرگ گردانیدی از برای آتش اندام مرا و جسم مرا و پر کرده بودی

طَبَقَاتِ جَهَنَّمَ مِنِّيْ حَتّٰى لَا يَكُوْنَ فِي النَّارِ مُعَذَّبٌ غَيْرِيْ وَلَا يَكُوْنَ

طبقهای جهنم را از من تا اینکه نمی بود در آتش عذاب کرده شده غیر از من و نمی بود

لِجَهَنَّمَ حَطَبٌ سِوَايَ لَكَانَ ذٰلِكَ بِعَدْلِكَ عَلَيَّ قَلِيْلًا فِيْ كَثِيْرِ

از برای جهنم هیمه بجز من هر اینه بودی آن بعدالت تو بر من اندکی در بسیاری

مَا اسْتَوْجَبْتُهُ مِنْ عُقُوْبَتِكَ پس هرگاه فارغ شدی از رکعت هشتم پس

آنچه سزاوارم از عقوبت تو بخوان این دعا را یا اللّٰهُ یا اللّٰهُ ده مرتبه

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ وَارْحَمْنِيْ وَثَبِّتْنِيْ عَلٰى دِيْنِكَ وَدِيْنِ نَبِيِّكَ وَلَا

رحمت فرست بر محمد و آل او و رحمت کن بر من و ثابت دار مرا بر دین تو و دین پیغمبر تو

تُزِغْ قَلْبِيْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِيْ وَهَبْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ

و میل مفرما دل مرا بعد از آنکه هدایت کردی مرا و بخش مرا از نزد خود رحمتی بدرستی که تو

الْوَهَّابُ و میگوئی نیز اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ

بسیار بخشنده. خداوندا توئی همیشه زنده بخود برپای بلند مرتبه بزرگ

اَلْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيْدُ الْمُحْيِيْ الْمُمِيْتُ الْبَدِيْعُ لَكَ الْكَرَمُ

آفریننده روزی دهنده زنده کننده میراننده ابتدا کننده و نو پدید آورنده

وَلَكَ الْجُوْدُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْاَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ يَا خَالِقُ

از برای تست کرم و از برای تست جود و از برای تست نعمت و از برای تست فرمان تنهائی نیست انبازی از برای تو ای آفریننده

يَا رَازِقُ يَا مُحْيِيْ يَا مُمِيْتُ يَا بَدِيْعُ يَا رَفِيْعُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ

ای روزی دهنده ای زنده کننده ای میراننده ای نو پدید آورنده ای بلند مرتبه سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَرْحَمَ ذُلِّيْ بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرُّعِيْ اِلَيْكَ وَوَحْشَتِيْ

و آل محمد و اینکه رحم کنی خواری مرا پیش روی تو و فروتنی مرا بسوی تو و رمیدن مرا

مِنَ النَّاسِ وَاُنْسِيْ بِكَ بعد از آن میگوئی آنچه را حضرت امیر المؤمنین علیه

از مردم و انس مرا بتو السلام میخواندند بعد از رکعت هشتم

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَاذَ بِكَ وَلَجَاَ اِلٰى عِزِّكَ وَاسْتَظَلَّ

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحرمت هر که پناه آورده بتو و التجا آورده بسوی عزت تو و آمده بزیر

بِفَيْئِكَ وَاعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ وَلَمْ يَثِقْ اِلَّا بِكَ يَا جَزِيْلَ الْعَطَايَا يَا

سایه تو و دست زده به پیمان تو و اعتماد نداشته مگر بتو ای بزرگ عطاها ای رها

مُطْلِقَ الْاُسَارٰى يَا مَنْ سَمّٰى نَفْسَهُ مِنْ جُوْدِهٖ وَهَّابًا اَدْعُوْكَ

کننده اسیرها ای کسیکه نامیده است نفس خود را بسبب خود بسیار بخشنده میخوانم

رَاغِبًا وَرَاهِبًا وَخَوْفًا وَطَمَعًا وَاِلْحَاحًا وَاِلْحَافًا وَتَضَرُّعًا وَتَمَلُّقًا

رغبت کننده و ترسنده و خوف دارنده و طمع کننده و الحاح کننده و جد کننده و فروتنی کننده و ملق

وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَرَاكِعًا وَسَاجِدًا وَرَاكِبًا وَمَاشِيًا وَذَاهِبًا وَجَائِيًا

کننده و ایستاده و نشسته و در رکوع کننده و سجود کننده و سواره و پیاده و رونده و آینده

وَفِيْ كُلِّ حَالَاتِيْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ

و در همه حالهای من سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه کنی با من

بِيْ كَذَا وَكَذَا و یاد میکنی حاجت خود را بعد از آن سجده میکنی و سجده شکر و میخوا

فلان و فلان در آنها و بعد از آن آنچه را گذشت **فصل** و بعد از آنکه فارغ

شک از هشت رکعت بر میخیزی براد و رکعت شفع و یک رکعت وتر و افضل اوقات انها میان صبح کاذب و صادقست چنانکه گذشت در باب اول نزد ذکر صبح صادق و کاذب و وارد شده است امر بان از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم و بدانکه شایع بر زبانهای علمای متاخرین اطلاق وتراست بر رکعت سوم تنها نه بر مجموع سه رکعت و شایع در احادیث که وارد شده از اصحاب عصمت سلام الله علیهم عکس اینست چنانکه روایت کرده است شیخ طایفه در تهذیب بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلم که پدر او از حضرت باقر علیه السلم میخوانده اند در وتر قل هو الله احد در هر سه رکعت اینچنانکه روایت کرده است نیز در تهذیب بسند موثق از آنحضرت علیه السلام که فرموده که پیغمبر صلی الله علیه و آله میگذارده اند هشت رکعت پس زوال و چهار رکعت نماز اول و هشت رکعت بعد از ان و چهار رکعت عصر و سه رکعت مغرب و چهار رکعت بعد از ان و عشا آخر چهار رکعت و هشت رکعت نماز شب و سه رکعت وتر و دو رکعت فجر و نماز صبح دو رکعت تا آخر حدیث و چنانکه روایت کرده است از رئیس محدثین بسند صحیح از حفص بن سالم حناط که گفت شنیدم از حضرت ابی عبد الله ع که میفرمود که باکی نیست باینکه بگذارد مرد دو رکعت از وتر را بعد از ان برود و برآورد حاجت خود را باز برگردد پس بگذارد یک رکعت و همچنین غیر اینها احادیث بسیار است و اما اطلاق وتر بر رکعت سوم تنها پس در احادیث بسیار کم است لیکن بسیار است در عبارتهای متاخرین علمای ما قدس الله ارواحهم و اما قدمای ما پس اکثر ایشان تعبیر میکنند از ان بمفرده و تر چنانچه تعبیر کرده است از ان شیخ طایفه از مصباح و غیر او و از اینجا ظاهر میشود که کسی که نذر کند نماز وتر موظف را بیرون نمی اید از عهده بیقین مگر بگذاردن سه رکعت و ظاهر میشود که انچه ذکر کرده است از شیخ جلیل ابو علی طبرسی عطر الله مرقده در کتاب مجمع البیان از وجه نامیدن سوره فاتحه بسبع المثانی باینکه مثنی میشود قراءت ان در هر نماز واجبی و سنتی کلامیست نه درست خالی از قصور و انچه اعتراض کرده اند بر او از انتقاض این کلیه بنماز وتر وارد نیست والله اعلم و میخوانی در هر یک از دو رکعت شفع بعد از حمد سوره قل هو الله احد و اگر خواهی میخوانی قل اعوذ برب الفلق در رکعت اول و قل اعوذ برب الناس در رکعت دوم پس هرگاه سلام دادی پس بخوان این دعا را الهی

قرئ

تَعَرَّضَ لَکَ فی هٰذَا اللَّیْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَکَ فیهِ الْقاصِدُونَ
متعرض شده اند ترا درین شب متعرض شوندگان و قصد کرده اند ترا درین قصد کنندگان
وَاَمَّلَ فَضْلَکَ وَمَعْرُوفَکَ الطّالِبُونَ وَلَکَ فی هٰذَا اللَّیْلِ نَفَحاتٌ
و امیدوارند فضل ترا و احسان ترا طلب کنندگان و مر تراست در این شب عطاها
وَجَوائِزُ وَعَطایا وَمَواهِبُ تَمُنُّ بِها عَلیٰ مَنْ تَشاءُ مِنْ عِبادِکَ
و صلها و بخششها و موهبها که منت میگذاری بانها بر هر که میخواهی از بندگان خود
وَتَمْنَعُها مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنایَةُ مِنْکَ وَها اَنَا ذا عَبْدُکَ
و منع میکنی انها را از هر که پیشی نگرفت از برای عنایت از تو و اینکه منم بنده تو
الْفَقیرُ اِلَیْکَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَکَ وَمَعْرُوفَکَ فَاِنْ کُنْتَ یا مَوْلایَ
محتاج بسوی تو امیدوار از فضل تو و احسان تو پس اگر بوده باشی تو ای آقای من
تَفَضَّلْتَ فی هٰذِهِ اللَّیْلَةِ عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ وَعُدْتَ عَلَیْهِ
چنین تفضل کرده باشی درین شب بر کسی از خلق تو و احسان کرده باشی بر او
بِعائِدَةٍ مِنْ عَطْفِکَ فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ
بصله از شفقت تو پس رحمت بفرست بر محمد و آل او که پاکیزگانند پاکانند
الْخَیِّرینَ الْفاضِلینَ وَجُدْ عَلَیَّ بِطَوْلِکَ وَمَعْرُوفِکَ یا رَبَّ
خیر کنندگان فاضلانند و احسان کن بر من بفضل خود و احسان خود ای پروردگار
الْعالَمینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَآلِهِ الطّاهِرینَ
عالمیان و رحمت کناد خدا بر محمد آخر پیغمبران و آل پاکان او
الَّذینَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهیراً اِنَّ اللّٰهَ حَمیدٌ
انانکه زدوده است خدا از ایشان رجس را و پاک گردانیده است ایشانرا پاک گردانیدنی بدرستی که خدا
مَجیدٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما اَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَ اِنَّکَ
ستوده شده بزرگوار است خداوندا بدرستی که که میخوانم ترا چنانکه امر کرده پس اجابت کن برای من چنانکه وعده کرده تو بدرستی که
لا تُخْلِفُ الْمیعادَ بعد از ان برمیخیزی برای مفرده وتر و افتتاح کن بهفت تکبیر
تو خلاف نمیکنی وعده ها را باستغفار انها و میخوانی در انها بعد از حمد قل هو الله احد

سوره توحید و معوذتین بعد از آن بلند میکنی دستها خود را و قنوت میخوانی و حال اینکه بر میکنی با خود را

بکو به بدذر با یخبر روایت کرده است از رئیس محدثین در فقیه بسند صحیح از معروف بن خربوذ از احدهما

یعنی حضرت باقر یا حضرت صادق علیهما السلام لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا

که فرموده بکو در وقت قنوت نیست خدا کر خدای بردبار کریم نیست خدا کر

اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ

خدای بلند مرتبه بزرگ پاکست خدای که پروردگار آسمانها هفت کانه و پروردگار زمینهای

السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اللّٰهُمَّ أَنْتَ اللّٰهُ

هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ خداوندا تو ئی خدا

نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللّٰهُ زَيْنُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ

که روشنی آسمانها و زمینی و تو ئی خدا زینت آسمانها و زمین و

أَنْتَ اللّٰهُ جَمَالُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللّٰهُ عِمَادُ السَّمٰوَاتِ وَ

تو ئی خدای جمال آسمانها و زمین و تو ئی خدا ستون آسمانها

الْأَرْضِ وَأَنْتَ اللّٰهُ قِوَامُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْتَ اللّٰهُ صَرِيخُ

و زمین و تو ئی خدا بپا دارنده آسمانها و زمین و تو ئی خدا فریادرس

الْمُسْتَصْرِخِينَ وَأَنْتَ اللّٰهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَأَنْتَ اللّٰهُ الْمُفَرِّجُ

فریادرسندگان و تو ئی خدا فریادرس فریادرسندگان و تو ئی خدا فرج بخشنده

عَنِ الْمَكْرُوبِينَ وَأَنْتَ اللّٰهُ الْمُرَوِّحُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ وَأَنْتَ اللّٰهُ

رنج رسیدگان و تو ئی خدا کشایش دهنده از غمناکان و تو ئی خدا

مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَأَنْتَ اللّٰهُ إِلٰهُ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللّٰهُ

اجابت کننده دعای بیچارکان و تو ئی خدا ای معبود عالمیان و تو ئی خدای

الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللّٰهُ كَاشِفُ السُّوءِ وَأَنْتَ اللّٰهُ بِكَ تُنْزَلُ

بخشنده مهربان و تو ئی خدای رفع کننده ناخوشی و تو ئی خدای که بتو فرود آورده میشود

كُلُّ حَاجَةٍ يَا اللّٰهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا حِلْمُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْ

هر حاجتی ای خدای بر نمیکرداند غضب ترا مکر حلم تو و خلاص نمیکند از

عقابك

عِقَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ وَلَا يُنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ فَهَبْ لِي

عذاب تو مکر رحمت تو و نجات نمیدهد از تو مکر فروتنی بسوی تو پس ببخش مرا

مِنْ لَدُنْكَ يَا إِلٰهِي رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ

از نزد خود ای خدای من رحمتی که بی نیاز کردانی مرا بآن از رحمت هر که غیر تو باشد

بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا أَحْيَيْتَ جَمِيعَ مَا فِي الْبِلَادِ وَبِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ

بقدرتی که بآن زنده کرده جمیع آنچه در شهرهاست و بآن بر می انگیزانی مرده

الْعِبَادِ وَلَا تُهْلِكْنِي غَمًّا حَتّٰى تَغْفِرَ لِي وَتُعَرِّفَنِي الْإِسْتِجَابَةَ فِي

بندکان را و هلاک مکردان مرا از غم تا اینکه بیامرزی مرا و بشناسانی مرا استجابت را در

دُعَائِي وَارْزُقْنِي الْعَافِيَةَ إِلٰى مُنْتَهٰى أَجَلِي وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَلَا

دعای من و روزی کن مرا عافیت تا منتهای اجل من و درکذران لغزش مرا و شماتت

تُشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ رَقَبَتِي اللّٰهُمَّ إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ

مکنان بمن دشمن مرا و متمکن مساز او را از کردن من خداوندا اگر بلند کنی مرا پس کیست

ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَإِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي

آنکه پست کند مرا و اگر پست کنی مرا پس کیست آنکه بلند کند مرا و اگر هلاک کنی مرا

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَحُولُ بَيْنَكَ وَبَيْنِي أَوْ يَتَعَرَّضُ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي

پس کیست که مانع شود میان تو و میان من یا متعرض شود مر ترا در چیزی از امر من

وَقَدْ عَلِمْتُ أَنْ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَلَا فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ وَإِنَّمَا يَعْجَلُ

و بتحقیق که دانسته ام که نیست در حکم تو ستمی و نه در عقاب تو تعجیلی و بدرستی که تعجیل میکند

مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ وَإِنَّمَا يَحْتَاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ

مکر کسی که ترسد از فوت و بدرستی که محتاج نیست بستم مکر ضعیف و بتحقیق که برتری تو

عَنْ ذٰلِكَ يَا إِلٰهِي فَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا وَلَا لِنَقِمَتِكَ نَصَبًا

از آن ای خدای من پس مکردان مرا از برای بلا نشانه و نه از برای عقوبت خود بپا داشته شده

وَمَهِّلْنِي وَنَفِّسْنِي وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَلَا تَبْتَلِيَنِّي بِبَلَاءٍ عَلٰى أَثَرِ بَلَاءٍ

و مهلت ده مرا و کشایش ده مرا و درکذران لغزش مرا و از پی مکردان بلای را در عقب بلائی

فَقَدْ تَرَىٰ ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي أَسْتَعِيذُ بِكَ اللَّيْلَةَ فَأَعِذْنِي

پس تحقیق که می بینی ضعیفی مرا و کمی حیله مرا پناه می برم بتو درین شب پس پناه ده مرا

وَأَسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي وَأَسْأَلُكَ فَلَا تَحْرِمْنِي بعد از آن دعا

و زنهار میجویم بتو از آتش پس زنهار ده مرا و سؤال میکنم ترا بهشت پس محروم مکن خدا را

بانچه دوست داری و استغفار کن خدا را هفتاد مرتبه اینست آخر حدیث و سنت است

که دعا کنی برای چهل کس از برادران خود یا زیاده پس میگوئی اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

لفلان و فلان تا آخر ایشان بعد از آن میگوئی أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ

إِلَيْهِ و سزاوار است اینکه بشمارد استغفار را بدست راست خود و راست نگاهدارد

دست چپ خود را چنانکه روایت کرده است از رئیس محدثین در فقیه بسند

صحیح و اگر برسی در استغفار بصد مرتبه خواهد بود افضل بعد از آن میگوئی هفت مرتبه

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لِجَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْمِي

طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست خدائی مگر او که زنده بخود قایم است از برای همه ظلم من و گناه من

وَإِسْرَافِي عَلَىٰ نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بعد از آن میگوئی رَبِّ أَسَأْتُ وَ

و افراط من بر نفس خود و توبه میکنم بسوی او ای پروردگار بد کرده ام

ظَلَمْتُ نَفْسِي وَبِئْسَ مَا صَنَعْتُ وَهٰذِهِ يَدَايَ يَا رَبِّ جَزَاءً بِمَا كَسَبَتْ

و ستم کرده ام نفس خود را و چه بد است آنچه کرده ام و اینست دستهای من ای پروردگار برای جزای

وَهٰذِهِ رَقَبَتِي خَاضِعَةً لِمَا أَتَيْتُ وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ لِنَفْسِكَ

کرده ام و این است گردن من فروتنی کننده برای آنچه بجا آورده ام و اینکه منم این پیش روی تو پس بگیر برای نفس خود

مِنْ نَفْسِي الرِّضَا حَتَّىٰ تَرْضَىٰ لَكَ الْعُتْبَىٰ لَا أَعُودُ بعد از آن میگوئی الْعَفْوَ

از نفس من خشنودی را تا که خوشنود شوی شوی از برای رضا رجوع نمی کنم العفو سیصد مرتبه بعد از آن میگوئی

إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ و سنت است طول دادن قنوت پس اضافه میکنی باین

در سی که تو بسیار قبول کننده توبه مهربانی آنچه پیش گذشت ذکر آن در هشت رکعت پس اگر

وسعت داشته باشی وقت اضافه کن بان دعائی را که میخوانده اند حضرت سید

العابدین ع چنانکه روایت کرده است رئیس محدثین در کتاب امالی و از اینست

سیّدی

سَيِّدِي سَيِّدِي هٰذِهِ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا إِلَيْكَ بِالذُّنُوبِ مَمْلُوَّةً

ای سید من ای سید من این است دستهای من بتحقیق بلند کرده ام بسوی تو بگناهان پر است

وَعَيْنَايَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً وَحَقٌّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلًا أَنْ

و چشمهای من در حالی که با امید بلند شده است و سزاوار است کسی را که بخواند ترا به پشیمانی از روی خواری

تُجِيبَهُ بِالْكَرَمِ تَفَضُّلًا سَيِّدِي أَمِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ

اینکه اجابت کنی او را بکرم از روی تفضل ای سید من آیا از اهل بدبختی خلق کرده مرا پس دراز کنم

بُكَائِي أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ رَجَائِي سَيِّدِي أَلِضَرْبِ

گریه خود را یا از اهل نیک بختی آفریده مرا پس مژده دهم امید خود را ای سید من آیا از برای

الْمَقَامِعِ خَلَقْتَ أَعْضَائِي أَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي سَيِّدِي

زدن گرزها خلق کرده اعضای مرا یا از برای آشامیدن حمیم آفریده رودهای مرا ای سید من

لَوْ أَنَّ عَبْدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ

اگر اینکه بنده میتوانست گریختن از خداوند خود هر اینه بودم من اول گریزندگان از تو

لٰكِنِّي أَعْلَمُ أَنِّي لَا أَفُوتُكَ سَيِّدِي لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي

لیکن میدانم بدرستی که من فوت نمی شوم ترا ای سید من اگر اینکه عذاب من از آنچه زیاد میکرد در

مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ غَيْرَ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي

پادشاهی تو هر اینه سؤال میکنم ترا صبر بران اما اینکه من میدانم اینکه زیاد نمیکند در

مُلْكِكَ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ

پادشاهی تو طاعت اطاعت کنندگان و کم نمی کند از آن معصیت عصیان کنندگان

سَيِّدِي مَا أَنَا وَمَا خَطَرِي هَبْ لِي بِفَضْلِكَ وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ

ای سید من چیستم من و چیست قدر من ببخش مرا بفضل خود و بپوشان مرا به پرده خود

وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ إِلٰهِي وَسَيِّدِي ارْحَمْنِي مَصْرُوعًا

و درگذر از تهدید من بکرم ذات خود ای خدای من و ای سید من رحم کن مرا در حالی که

عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي وَارْحَمْنِي مَطْرُوحًا عَلَى الْمُغْتَسَلِ

افتاده باشم بر فراش بگردانند مرا از پهلو برو دستهای دوستان من و رحم کن مرا در حالی که انداخته شده

يغسلني صالح جيرتي وارحمني محمولاً قد تناول الاقرباء اطراف

بر عملگاه که غسل دهد مرا صالح همسایگان من و رحم کن مرا در حالی که بر داشته باشم تحقیق که گرفته باشند خویشان اطراف

جنازتي وارحم في ذلك البيت المظلم وحشتي وغربتي ووحدتي

جنازهٔ مرا و رحم کن در این خانهٔ تاریک وحشت مرا و بیچارگی و تنهائی مرا

واگر تنگ باشد وقت طول دادن قنوت پس مر تراست اقتصار بر انچه خواهی از

انچه وسعت داشته باشد از وقت و از دعاهای مختصر که خوبست قنوت بان

در وسعت و تنگی وقت و تر اللهم ان كثرة الذنوب تكف ايدينا

و غیر این دعاست خداوندا بدرستی که بسیاری گناهان بسته میکرداند دستهای ما را

عن انبساطها اليك بالسؤال والمداومة على المعاصي تمنعنا

از گشادن انها بسوی تو بسؤال و مداومت بر گناهان باز میدارد مرا

عن التضرع والابتهال والرجاء يحثنا على سؤالك ياذا الجلال

از فروتنی و زاری و ارزو تحریص میکند ما را بر سؤال تو ای صاحب بزرگی

فان لم يتعطف السيد على عبده فممن يبتغي النوال فلا ترد

پس اگر شفقت نکند خداوند بر بندهٔ خود پس از که طلب کند عطا را پس مگردان

اكفنا المتضرعة اليك الا ببلوغ الامال وصلى الله على اشرف

کفهای ما را که تضرع کننده بسوی تو مگر برسیدن ارزوها و رحمت کناد خدا بر شریفترین

الانبياء والمرسلين محمد وآله الطاهرين پس هرگاه فارغ شدی از قنوت پس رکوع

پیغمبران و رسولان که محمد است و آل او که پاکانند کن و میگوئی سر از برداشتن رکوع

هذا مقام من حسناته نعمة منك وسيئاته بعمله وذنبه عظيم

اینست مقام کسی که نیکوئی او نعمت است از تو و بدی او بکردارهای او است و گناه او عظیم است

وشكره قليل الهي طموح الامال قد خابت الا لديك ومعاكف

و شکر او اندک است ای خدای من بلند شوندهای امیدها بتحقیق که بی بهره شده اند مگر نزد تو و جاهای

الهمم قد تقطعت الا عليك ومذاهب العقول قد سمت الا

عزمها بتحقیق بریده شده اند مگر نزد تو و راههای عقلها بتحقیق بلند شده است مگر

اليك فاليك الرجاء واليك الملتجا يا اكرم مقصود ويا اجود

بسوی تو پس بسوی تو است ارزو و بسوی تو است پناه ای کرامی ترین قصد کرده شده و ای بخشنده ترین

مسئول هربت اليك بنفسي يا ملجا الهاربين باثقال الذنوب

سؤال کرده شده گریخته ام بسوی تو بنفس خود ای پناه گریزندگان با سنگینهای گناهان

احملها على ظهري وما اجد لي اليك شافعا سوى معرفتي بانك

که بر داشته ام بر پشت خود و نمی یابم برای خود بسوی تو شفاعت کننده بغیر دانستن من بانکه

اقرب من رجاه الطالبون ولجا اليه المضطرون واملّ ما

[illegible]

لديه الراغبون يا من فتق العقول بمعرفته واطلق الالسن

انچه را نزد او است ثبت کنندگان ای کسی که شکافته است عقلها را بشناخت او و روان کرده است زبانها

بحمده وجعل ما امتن به على عباده كفاء لتادية حقه صلّ

بستایش خود و گردانیده است انچه را نعمت داده است بان بر بندگان خود بسنده از برای بجا آوردن حق او رحمت کن

على محمد وآله ولا تجعل للهموم على عقلي سبيلا ولا للباطل على

بر محمد و آل او و مگردان برای غمها بر عقل من راهی و نه برای باطل بر عمل من

عملي دليلا برحمتك يا ارحم الراحمين بعد از ان دو سجده میکنی و تشهد میخوانی

راهنمائی برحمت خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان پس هرگاه سلام دادی پس تسبیح کن تسبیح حضرت

زهرا علیها السلم بعد از ان بخوان این دعا را که معروفست بدعای حزین

اناجيك يا موجودا في كل مكان لعلك تسمع ندائي فقد عظم جرمي

مناجات میکنم با تو ای یافت شده در هر مکان امید هست که بشنوی اواز مرا پس بتحقیق که بزرگ است گناه من

وقل حيائي مولاي يا مولاي اي الاهوال اتذكر وايها انسى ولو

و کم است حیای من خداوندا ای خدای کدام یک از هولها را یاد کنم و کدام یک از انها را فراموش کنم

لم يكن الا الموت لكفى كيف وما بعد الموت اعظم وادهى

و حال انکه اگر نبوده باشد مگر مرگ هر انیه کافیست ان چگونه و حال انکه بعد از مرگ بزرگتر است و عظیمتر است

مولاي يا مولاي حتى متى والى متى اقول لك العتبى مرة بعد اخرى ثم

اقای من ای اقای من تا کی و تا چند گویم از برای تست عتبی مرتبه بعد از مرتبه باز

لا تجد عندي صدقا ولا وفاء فيا غوثاه ثم واغوثاه بك يا الله

نیابی نزد من راستی و نه وفائی پس ای باز ای دای بتو ای خدای

من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب علي ومن دنيا قد

از خواهشی بتحقیق غلبه کرده است بر من و از دشمنی بتحقیق که بر جسته است مانند سگ بر من و از دنیا که بتحقیق

تزينت لي ومن نفس امارة بالسوء الا ما رحم ربي مولاي يا

زینت داده است خود را برای من و از نفسی که بسیار امر کننده است به بدی مگر آنچه رحم کرده بنده پروردگار من خدای من ای

مولاي ان كنت رحمت مثلي فارحمني وان كنت قبلت مثلي فاقبلني

خدای من اگر بوده باشی چنین که رحم کرده باشی مثل من پس رحم کن مرا و اگر بوده باشی چنین که قبول کرده باشی مثل مرا

يا قابل السحرة اقبلني يا من لم ازل اتعرف منه الحسنى يا من

کن مرا ای قبول کننده ساحران قبول کن مرا ای کسی که همیشه میشناسم از او نیکوئی ای کسی که

يغذيني بالنعم صباحا ومساء ارحمني يوم اتيك فردا شاخصا

خورش میدهد مرا به نعمتها در صبح و شام رحم کن مرا روزی که می آیم ترا تنها بلند کننده

اليك بصري مقلدا عملي قد تبرا جميع الخلق مني نعم وابي وامي

بسوی تو دیده خود را بگردن انداخته شده عمل مرا بتحقیق که بیزاری جسته اند همه خلایق از من بلی و پدر من

ومن كان له كدي وسعيي فان لم ترحمني فمن يرحمني ومن يونس

و هر که بود از برای او کد من و سعی من پس اگر رحم نکنی مرا پس کیست که رحم کند مرا و که انس میدهد

في القبر وحشتي ومن ينطق لساني اذا خلوت بعملي وسالتني

در قبر وحشت مرا و که گویا میگرداند زبان مرا هرگاه خلوت کنم بعمل من و سؤال کنی مرا

عما انت اعلم به مني فان قلت نعم فاين المهرب من عدلك وان

از آنچه تو داناتری بآن از من پس اگر بگویم بلی پس کجاست محل گریختن از عدل تو و اگر

قلت لم افعل قلت الم اكن الشاهد عليك فعفوك عفوك يا

بگویم که نکرده ام میگوئی تو که آیا نبوده ام گواه بر تو پس طلب میکنم عفو ترا عفو ترا ای

مولاي قبل ان تلبس الابدان سرابيل القطران عفوك عفوك

مولای من پیش از آنکه پوشانیده شود بدنها پیراهنهای قطران عفو ترا عفو ترا

يا مولاي قبل ان تغل الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين وخير

ای خدای من پیش از آنکه غل کرده شود دستهای من بگردنها ای رحم کننده ترین رحم کنندگان و بهترین

الغافرين بعد ان اسجد اللهم صل على محمد وآله وارحم ذلي بين

آمرزندگان میگوئی و میگوئی خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و رحم کن خواری مرا پیش

يديك وتضرعي اليك ووحشتي من الناس وانسي بك يا كريم

روی تو و زاری کردن بسوی تو و وحشت من از مردم و آرام مرا بتو ای بزرگوار

يا كائنا قبل كل شيء يا مكون كل شيء يا كائنا بعد كل شيء لا

ای کسی که بوده پیش از همه چیز و ای آفریننده همه چیز و ای کسی هست بعد از هر چیز رسوا

تفضحني فانك بي عالم ولا تعذبني فانك علي قادر اللهم

مکن مرا پس بدرستی که تو بمن دانائی و عذاب مکن مرا پس بدرستی که بر من توانائی خداوندا

اني اعوذ بك من كرب الموت ومن سوء المرجع في القبور ومن

بدرستی که من پناه می آورم بتو از اندوه مرگ و از بدی بازگشت در قبرها و از پشیمانی

الندامة يوم القيمة اسئلك عيشة هنيئة وميتة سوية

پشیمانی روز قیامت سؤال میکنم ترا زندگانی گوارا و مردن هموار

ومنقلبا كريما غير مخز ولا فاضح اللهم مغفرتك اوسع من ذنوبي

و بازگشت نیکوئی نه خوار کننده و نه رسوا کننده خداوندا آمرزش تو فراخ تر است از گناهان من

ورحمتك ارجى عندي من عملي فصل على محمد وآل محمد واغفر لي

و رحمت تو امیدوار کننده تر است نزد من از عمل من پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا

يا حيا لا يموت وبعد از آنكه فارغ شدي از مفرده وتر وآنچه متعلق بآنست بر ميخيزي

ای زنده که نمی میری برای دو رکعت نافله صبح و مینامند آنها را دساستین باعتبار

آنكه پنهان ميشوند در نماز شب چنانكه روايت كرده است شيخ طائفه در تهذيب بسند

از حضرت رضا اگر پر كن بآنها نماز شب را و ظاهر كشتن وقت آنها ستا طلوع سرخى

چنانکه متضمن است روایات و چنانکه قایل شده اند ان جماعتی از علمای ما قدس
الله ارواحهم هر چند افضل اوقات انها میانه صبح کاذب و صادق است و میخوانی در
رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در دوم قل هو الله احد پس هرگاه
سلام دادی بخوان این کلمات را و بقبله رو کن که حضرت رسالت مکرر گذارند و نگاه کرد بر است و خود را
بر زد و دست استمسکت بعروة الله الوثقی التی لا انفصام لها
داشته جود و بگو دست زده ام بعروه خدا که محکم است که نیست شکستن مرا ازا
واعتصمت بحبل الله المتین واعوذ بالله من شر فسقة العرب
و چنگ زده ام بر ریسمان خدا که بسته است و پناه می آورم بخدا از شر فاسقان عرب
والعجم ومن شر فسقة الجن والانس ربی الله ربی الله ربی الله
و عجم و از شر فاسقان جن و انس پروردگار من خداست پروردگار من خداست پروردگار
امنت بالله توکلت علی الله لاحول ولا قوة الا بالله ومن
ایمان آورده ام بخدا و توکل کرده ام بر خدا نیست دنه قوتی مگر بخدا و هر که
یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل
توکل کند بر خدا پس او بسنده است او را بدرستی که خدا رساننده امر خود است بتحقیق که قرار داده است خدا
شیء قدرا حسبی الله ونعم الوکیل اللهم من اصبح وله
برای هر چیز اندازه بسنده است خدا و بهترین وکیل است خداوندا هر که داخل صبح شد و او را
حاجة الی مخلوق فان حاجتی ورغبتی الیک وحدک لاشریک
احتیاجی بسوی آفریده پس بدرستی که حاجت من و رغبت من بسوی تست تنها لی نیست شریک
لک لک الحمد الحمد لله رب الصباح الحمد لله فالق الاصباح
برای تو مر تراست سپاس سپاس مر خدا را که پروردگار صباح سپاس مر خدا را که شکافنده صبح
الحمد لله ناشر الارواح الحمد لله قاسم المعاش الحمد لله
سپاس مر خدا را برانگیزاننده روحها سپاس مر خدا را قسمت کننده روزی سپاس مر خدا را
جاعل اللیل سکنا والشمس والقمر حسبانا ذلک تقدیر
گرداننده شب چیزی را که آرام گیرند در آن آفتاب و ماه را حسابی این است تقدیر

العزیز

العزیز العلیم اللهم صل علی محمد وال محمد واجعل فی قلبی
غالب دانا خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان در دل من
نورا وفی بصری نورا وعلی لسانی نورا ومن بین یدی نورا
نوری و در دیده من نوری و بر زبان نوری و از پیش من نوری
ومن خلفی نورا وعن یمینی نورا وعن شمالی نورا ومن فوقی نورا
و از پشت سر من نوری و از جانب راست نوری و از جانب چپ من نوری و از بالای من نوری
ومن تحتی نورا واعظم لی النور واجعل لی نورا امشی به فی الناس ولا
و از زیر من نوری و بزرگ گردان از برای من نور را و بگردان از برای من نوری که راه روم با آن در میان مردم و
تحرمنی نورک یوم القیمة بعد از ان بخوان ایة الکرسی و ان فی خلق السموات
محروم مگردان مرا از نور خود روز قیامت معوذتین و پنج ایه اخر ال عمران والارض تا انک
لا تخلف المیعاد بعد از ان مینشینی و تسبیح میکنی تسبیح حضرت زهرا علیها السلم
بعد از ان میگوئی صد مرتبه سبحان ربی العظیم وبحمده استغفر الله
ربی واتوب الیه
منزه است پروردگار که بزرگ است و مشغولم بحمد او طلب آمرزش میکنم از
پروردگار خود و توبه میکنم بسوی او بعد از ان میگوئی بسم الله الرحمن الرحیم لاحول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم
بنام خدای بسیار رحم کننده مهربان و نیست حرکتی
بعد از ان سجده میکنی دو سجده شکر
و نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ
و میگوئی در ان ما یحضر بخاطر تو از دعاها که بیشتر لذت دعا بکن و انها از ترا و در امور خود پس
میگوئی اللهم رب الفجر ولیالی العشر والشفع والوتر واللیل اذا
خداوندا ای پروردگار صبح و شبهای ده گانه و جفت و طاق و شب هرگاه
یسر ورب کل شیء واله کل شیء وخالق کل شیء وملیک کل شیء
رود و پروردگار هر چیز و معبود هر چیز و آفریننده هر چیز و مالک هر چیز
صل علی محمد واله وافعل بی وبفلان وفلان ما انت اهله ولا
رحمت بفرست بر محمد و آل او و بکن با من و با فلان و فلان آنچه تو سزاوار آنی و مکن
تفعل بنا ما نحن اهله فانک اهل التقوی واهل المغفرة فصل
با ما آنچه ما سزاوار آنیم پس بدرستی که تو سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی

وسزاوار است که بخوانی بعد از فراغ از نماز شب یعنی سیزده رکعت
این دعا را که میخواند سید العابدین ع و این از دعاهای صحیفهٔ کامله است

اَللّٰهُمَّ يَا ذَا الْمُلْكِ الْمُتَأَبِّدِ بِالْخُلُودِ وَالسُّلْطَانِ الْمُمْتَنِعِ بِغَيْرِ
خداوندا ای صاحب پادشاهی پایدار جاوید و سلطنت غالب بی
جُنُودٍ وَلَا أَعْوَانٍ وَالْعِزِّ الْبَاقِي عَلَى مَرِّ الدُّهُورِ وَخَوَالِي الْأَعْوَامِ وَ
لشکر و بی مددکار و عزت پاینده بر گذشتن روزگار و سالهای رفته و
مَوَاضِي الْأَزْمَانِ وَالْأَيَّامِ عَزَّ سُلْطَانُكَ عِزّاً لَا حَدَّ لَهُ بِأَوَّلِيَّةٍ وَلَا
زمانهای گذشته غالب است سلطنت تو بغلبه که نیست طرفی مر آنرا باولیتی و نه
مُنْتَهَى لَهُ بِآخِرِيَّةٍ وَاسْتَعْلَى مُلْكُكَ عُلُوّاً سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ
منتهی مر آنرا بآخریتی و بلند است پادشاهی تو بلندی که افتادند همه چیزها
دُونَ بُلُوغِ أَمَدِهِ وَلَا يَبْلُغُ أَدْنَى مَا اسْتَأْثَرْتَ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى
پائین تر از رسیدن بنهایت آن و نمیرسد بپائین ترین آنچه مخصوص کردی آنرا بخود از این بلندیها
نَعْتِ النَّاعِتِينَ ضَلَّتْ فِيكَ الصِّفَاتُ وَتَفَسَّخَتْ دُونَكَ النُّعُوتُ
وصف کنندگان گم شد در تو صفتها و باطل شده است نزد تو نعتها
وَحَارَتْ فِي كِبْرِيَائِكَ لَطَائِفُ الْأَوْهَامِ كَذَلِكَ أَنْتَ اللّٰهُ الْأَوَّلُ
و حیران شده است در بزرگواریهای تو اندیشهای لطیف همچنین توئی خدای اول
فِي أَوَّلِيَّتِكَ وَعَلَى ذَلِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ وَأَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ
در اولیت خود و بر این نحو توئی همیشه که زایل نشوی و منم بندهٔ ضعیف
عَمَلاً الْجَسِيمُ أَمَلاً خَرَجَتْ مِنْ يَدِي أَسْبَابُ الْوُصُلَاتِ إِلَّا مَا
در عمل بزرگ در امید که بیرون رفته است از دستم اسباب پیوندها مگر آنچه
وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ وَتَقَطَّعَتْ عَنِّي عِصَمُ الْآمَالِ إِلَّا مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ
پیوند کرده است رحمت تو و بریده شده است از من رشتهای امیدها مگر آنچه من دست زننده ام بآن
مِنْ عَفْوِكَ قَلَّ عِنْدِي مَا أَعْتَدُّ بِهِ مِنْ طَاعَتِكَ وَكَثُرَ عَلَيَّ مَا
از عفو تو کم نزد من آنچه بشمار در آورم از طاعت تو و بسیار است بر من آنچه

ابوء

أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَنْ يَضِيقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنْ عَبْدِكَ
قرار کنم بآن از معصیت تو و تنگ نیست بر تو عفو کردن از بندهٔ خود
وَإِنْ أَسَاءَ فَاعْفُ عَنِّي اللّٰهُمَّ وَقَدْ أَشْرَفَ عَلَى خَفَايَا
و اگر چه بد کرده باشد پس عفو کن از من خداوندا و بتحقیق که مطلع شده است بر پنهانهای
الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ وَانْكَشَفَ كُلُّ مَسْتُورٍ دُونَ خُبْرِكَ وَلَا
کردارها علم تو و آشکارا شده است هر پوشیده نزد آگاهی تو و در نوردیده
تَنْطَوِي عَنْكَ دَقَائِقُ الْأُمُورِ وَلَا تَعْزُبُ عَنْكَ غَيِّبَاتُ
نمیشود از تو باریکیهای کارها و غایب نمیگردد از تو پنهانهای
السَّرَائِرِ وَقَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ عَدُوُّكَ الَّذِي اسْتَنْظَرَكَ لِغَوَايَتِي
رازها و بتحقیق که غالب شده است بر من دشمن تو که مهلت طلبیده است برای گمراهی من
فَأَنْظَرْتَهُ وَاسْتَمْهَلَكَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ لِإِضْلَالِي فَأَمْهَلْتَهُ
پس مهلت دادی او را و مهلت طلبیده است از تو تا روز جزا برای گمراه کردن من پس مهلت دادی
فَأَوْقَعَنِي وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ مِنْ صَغَائِرِ ذُنُوبٍ مُوبِقَةٍ وَكَبَائِرِ
پس انداخته مرا در مهلکه و بتحقیق که گریختم بسوی تو از گناهان خوردی که حبس کننده اند و از
أَعْمَالٍ مُرْدِيَةٍ حَتَّى إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِيَتَكَ وَاسْتَوْجَبْتُ
عملهای بزرگی که هلاک کننده اند چون نزدیکی کردم معصیت ترا و سزاوار شده ام
بِسُوءِ سَعْيِي سَخْطَتَكَ فَتَلَ عَنِّي عِذَارَ غَدْرِهِ وَتَلَقَّانِي
بسبب بدی سعی خود غضب ترا پیچید از من عنان حیلهٔ خود را و پیش آمد مرا
بِكَلِمَةِ كُفْرِهِ وَتَوَلَّى الْبَرَاءَةَ مِنِّي وَأَدْبَرَ مُوَلِّياً عَنِّي فَأَصْحَرَنِي
بکلمهٔ کفر خویش و بیزاری جست از من و برگشت اعراض کننده از من پس بروز داد مرا
لِغَضَبِكَ فَرِيداً وَأَخْرَجَنِي إِلَى فِنَاءِ نَقِمَتِكَ طَرِيداً لَا شَفِيعٌ
بسوی غضب تو تنها و بیرون کرد مرا بسوی ساحت انتقام تو رانده شده نه شفیعی
يَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ وَلَا خَفِيرٌ يُؤْمِنُنِي عَلَيْكَ وَلَا حِصْنٌ يَحْجُبُنِي
که شفاعت کند برای من بسوی تو و نه زنهار دهی است که ایمن گرداند مرا از تو و نه جای محکمی

عَنكَ وَلا مَلاذَ أَلجأُ إِلَيهِ مِنكَ فَهذا مَقامُ العائِذِ بِكَ

از تو و نه پناهی است که برم بسوی او از تو پس این مقام پناه آورنده است بتو

وَمَحَلُّ المُعتَرِفِ لَكَ فَلا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضلُكَ وَلا يَقصُرَنَّ

و جای اعتراف کننده است بگناه از برای تو پس باید تنگی نکند از من فضل تو و کوتاهی نکند

دُونَ عَفوِكَ وَلا أَكُن أَخيَبَ عِبادِكَ التّائِبِينَ وَلا أَقنَطَ

نزد من عفو تو و نباشم من بی بهره ترین بندگان تو که توبه کننده باشند و نه نومیدترین

وُفُودِكَ الآمِلِينَ وَاغفِر لِي إِنَّكَ خَيرُ الغافِرِينَ اللّهُمَّ

گروه وارد شوندگان که امیدوار باشند و بیامرز مرا بدرستی که بهترین آمرزندگانی خداوندا

إِنَّكَ أَمَرتَنِي فَتَرَكتُ وَنَهَيتَنِي فَرَكِبتُ وَسَوَّلَ لِيَ الخَطاءَ

بدرستی که تو امر کردی مرا پس ترک کردم و نهی کردی مرا پس ارتکاب کردم و آراست برای من خطا را

خاطِرُ السُّوءِ فَفَرَّطتُ وَلا أَستَشهِدُ عَلى صِيامِي نَهاراً

اندیشه بد پس تقصیر کردم و گواه نمیگیرم بر روزه داشتن خود روز را

وَلا أَستَجِيرُ بِتَهَجُّدِي لَيلاً وَلا تُثنِي عَلَيَّ بِإِحيائِها سُنَّةٌ

و پناه نمی برم بشب زنده داشتن خود شب را و ثنا نمی کند بر من سنتی بسبب زنده داشتن من آنرا

حاشا فُرُوضِكَ الَّتِي مَن ضَيَّعَها هَلَكَ وَلَستُ أَتَوَسَّلُ إِلَيكَ

مگر فرضهای تو که هر که ضایع گذاشت آنرا هلاک شده و نیستم من که وسیله جویم بسوی تو

بِفَضلِ نافِلَةٍ مَعَ كَثِيرِ ما أَغفَلتُ مِن وَظائِفِ فُرُوضِكَ

بفضل نافله با وجود بسیاری از آنچه غافل شده ام از شرایط فرضهای تو

وَتَعَدَّيتُ عَن مَقاماتِ حُدُودِكَ إِلى حُرُماتٍ انتَهَكتُها

و در گذشته ام از مقامهای حدود تو بسوی حرمتها که مبالغه کرده ام در دریدن

وَكَبائِرِ ذُنُوبٍ اجتَرَحتُها كانَت عافِيَتُكَ لِي مِن فَضائِحِها

و گناهان بزرگ که اکتساب نمودم آنها را عافیت تو مرا از رسوائیهای آنها

سِتراً وَهذا مَقامُ مَنِ استَحيا لِنَفسِهِ مِنكَ وَسَخِطَ عَلَيها

پرده و این مقام کسی است که شرمنده است برای نفس خود از تو و خشم دارد بر نفس خود

وَرَضِيَ عَنكَ فَتَلَقّاكَ بِنَفسٍ خاشِعَةٍ وَرَقَبَةٍ خاضِعَةٍ

و خوشنود گردید از تو پس پیش آمد ترا بنفسی ترسنده و گردنی فروتن

وَظَهرٍ مُثقَلٍ مِنَ الخَطايا واقِفاً بَينَ الرَّغبَةِ إِلَيكَ وَالرَّهبَةِ

و پشت گرانبار از خطاها ایستاده در میان رغبت بسوی تو و ترس

مِنكَ وَأَنتَ أَولى مَن رَجاهُ وَأَحَقُّ مَن خَشِيَهُ وَاتَّقاهُ

از تو و تو بهترین کسی که امیدوار شده شود و سزاوارترین کسی که ترسیده شود از او و پرهیز

فَأَعطِنِي يا رَبِّ ما رَجَوتُ وَآمِنِّي ما حَذِرتُ وَعُد عَلَيَّ

پس عطا کن مرا ای پروردگار آنچه آرزو دارم و ایمن گردان مرا از آنچه میترسم و احسان کن بر من

بِعائِدَةِ رَحمَتِكَ إِنَّكَ أَكرَمُ المَسؤُولِينَ اللّهُمَّ وَإِذ

بصله رحمت خود بدرستی که تو کریمترین سؤال کرده شدگانی خداوندا و چون

سَتَرتَنِي بِعَفوِكَ وَتَغَمَّدتَنِي بِفَضلِكَ فِي دارِ الفَناءِ

پوشش بندی بعفو خود و فرو گرفتی مرا بفضل خود در سرای فنا

بِحَضرَةِ الأَكفاءِ فَأَجِرنِي مِن فَضِيحاتِ دارِ البَقاءِ عِندَ مَواقِفِ

بحضور امثال پس رهائی ده مرا از رسوائیهای سرای بقا نزد ایستادنگاههای

الأَشهادِ مِنَ المَلائِكَةِ المُقَرَّبِينَ وَالرُّسُلِ المُكَرَّمِينَ وَالشُّهَداءِ

حاضران از فرشتگان مقربان و رسولان گرامی داشته شده و شهیدان

وَالصّالِحِينَ مِن جارٍ كُنتُ أُكاتِمُهُ سَيِّئاتِي وَمِن ذِي رَحِمٍ كُنتُ

و صالحان از همسایه که پنهان میداشتم از او گناهان خود را و از خویشی که شرم

أَحتَشِمُ مِنهُ فِي سَرِيراتِي لَم أَثِق بِهِم رَبِّ فِي السِّترِ عَلَيَّ وَ

میداشتم از او در کارهای پنهانی خود اعتماد نداشتم بایشان ای پروردگار در پوشاندن بر من

وَثِقتُ بِكَ رَبِّ فِي المَغفِرَةِ لِي وَأَنتَ أَولى مَن وُثِقَ بِهِ وَ

و اعتماد کرده بودم بتو ای پروردگار در آمرزش من و تو بهترین کسی که اعتماد کرده شود و

أَعطى مَن رُغِبَ إِلَيهِ وَأَرأَفُ مَنِ استُرحِمَ فَارحَمنِي اللّهُمَّ

بخشنده ترین کسی که رغبت شده باشد بسوی او و مهربان تر بر کسی که طلب رحمت کرده باشد پس رحم کن مرا

وَأَنْتَ حَدَرْتَنِي مَاءً مَهِيناً مِنْ صُلْبٍ مُتَضَائِقِ الْعِظَامِ

و تو پائین آوردی مرا آبی خوار حقیر از پشت تنگ در هم رفته استخوانهایش

حَرِجِ الْمَسَالِكِ إِلَى رَحِمٍ ضَيِّقَةٍ سَتَرْتَهَا بِالْحُجُبِ تُصَرِّفُنِي حَالاً

تنگ راههایش بسوی رحمی تنگ پوشانیدی آنرا به پردها میگردانیدی مرا از حالی

عَنْ حَالٍ حَتَّى انْتَهَيْتَ بِي إِلَى تَمَامِ الصُّورَةِ وَأَثْبَتَّ فِيَّ

بحالی تا اینکه رسانیدی مرا تا تمام شدن صورت و ثابت گردانیدی در من

الْجَوَارِحَ كَمَا نَعَتَّ فِي كِتَابِكَ نُطْفَةً ثُمَّ عَلَقَةً ثُمَّ مُضْغَةً

اعضا را چنانکه وصف کرده در کتاب خود اول نطفه پس از آن پاره خون پس از آن پاره گوشت پس از آن

ثُمَّ عَظْماً ثُمَّ كَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْتَنِي خَلْقاً آخَرَ

استخوانها پس از آن پوشانیدی استخوانها را گوشتی پس آفریدی مرا خلقی دیگر چنانکه

كَمَا شِئْتَ حَتَّى إِذَا احْتَجْتُ إِلَى رِزْقِكَ وَلَمْ أَسْتَغْنِ عَنْ غِيَاثِ

خواستی تا چون محتاج شدم به روزی تو و بی‌نیاز نبودم از فریادرسی

فَضْلِكَ جَعَلْتَ لِي قُوتاً مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَشَرَابٍ أَجْرَيْتَهُ

فضل تو گردانیدی برای من قوتی از زیادتی خوردنی و آشامیدنی که جاری ساختی آنرا

لِأَمَتِكَ الَّتِي أَسْكَنْتَنِي جَوْفَهَا وَأَوْدَعْتَنِي قَرَارَ رَحِمِهَا وَلَوْ

از برای کنیز خود که ساکن گردانیدی مرا در شکم او و امانت گذاشتی مرا در رحم او و اگر

تَكِلُنِي يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالاتِ إِلَى حَوْلِي أَوْ تَضْطَرُّنِي إِلَى

وامیگذاشتی مرا ای پروردگار من در این حالها بقدرت من یا چاره میساختی مرا بقوت من هر آینه

قُوَّتِي لَكَانَ الْحَوْلُ عَنِّي مُعْتَزِلاً وَلَكَانَتِ الْقُوَّةُ مِنِّي بَعِيدَةً

بودی قوت من کناره کننده و هر آینه بودی قوت از من دور

فَغَذَوْتَنِي بِفَضْلِكَ غِذَاءَ الْبَرِّ اللَّطِيفِ تَفْعَلُ ذَلِكَ بِي

پس غذا دادی مرا بفضل خود غذا دادن مهربان لطف کننده میکنی اینها را با من از روی

تَطَوُّلاً عَلَيَّ إِلَى غَايَتِي هَذِهِ لَا أَعْدَمُ بِرَّكَ وَلَا يُبْطِئُ بِي

تفضل بر من تا این غایت که رسیدم گم نمیکنم نیکوئی ترا و درنگ نمیکند

حسن

حُسْنُ صَنِيعِكَ وَلَا تَتَأَكَّدُ مَعَ ذَلِكَ ثِقَتِي فَأَتَفَرَّغَ

نیکوئی احسان تو و محکم نیست با وجود این اعتماد من پس فارغ شوم

لِمَا هُوَ أَحْظَى لِي عِنْدَكَ قَدْ مَلَكَ الشَّيْطَانُ عِنَانِي فِي سُوءِ

بآنچه آن بهره دارتر است برای من نزد تو بتحقیق که مالک شده است شیطان عنان مرا در بد

الظَّنِّ وَضَعْفِ الْيَقِينِ فَأَنَا أَشْكُو سُوءَ مُجَاوَرَتِهِ لِي وَطَاعَةَ

گمانی و سستی یقین پس شکوه میکنم از بدی همسایگی او مرا و فرمان بردن

نَفْسِي لَهُ وَأَسْتَعْصِمُكَ مِنْ مَلَكَتِهِ وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي أَنْ

نفس من او را و دست میزنم بتو از تسلط او و زاری میکنم بسوی تو در اینکه

تُسَهِّلَ إِلَى رِزْقِي سَبِيلاً فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ابْتِدَائِكَ بِالنِّعَمِ

آسان گردانی بسوی روزی من راهی پس مر تراست سپاس بر ابتدا کردن تو بنعمتهای

الْجِسَامِ وَإِلْهَامِكَ الشُّكْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَالْإِنْعَامِ فَصَلِّ عَلَى

بزرگ و در دل انداختن تو شکر بر احسان و انعام پس رحمت فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَهِّلْ عَلَيَّ رِزْقِي وَأَنْ تُقَنِّعَنِي بِتَقْدِيرِكَ لِي

بر محمد و آل او و آسان گردان بر من روزی مرا و اینکه قانع گردانی مرا باندازه که کردی برای من

وَأَنْ تُرْضِيَنِي بِحِصَّتِي فِيمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنْ تَجْعَلَ مَا ذَهَبَ

و اینکه خوشنود سازی مرا بحصه من در آنچه قسمت کرده برای من و اینکه گردانی آنچه رفته است

مِنْ جِسْمِي وَعُمُرِي فِي سَبِيلِ طَاعَتِكَ إِنَّكَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ اللَّهُمَّ

از بدن من و عمر من در راه طاعت تو بدرستیکه تو بهترین روزی دهندگانی خداوندا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارٍ تَغَلَّظْتَ بِهَا عَلَى مَنْ عَصَاكَ وَتَوَعَّدْتَ

بدرستیکه پناه میبرم بتو از آتشی که غلیظ گردانیدی آنرا بر کسی که عصیان کرد ترا و وعید

بِهَا مَنْ صَدَفَ عَنْ رِضَاكَ وَمِنْ نَارٍ نُورُهَا ظُلْمَةٌ وَهَيِّنُهَا

فرمودی بآن کسی را که برگردان رفته است از رضای تو و از آتشی که نوران تاریکی است و سهل آن

أَلِيمٌ وَبَعِيدُهَا قَرِيبٌ وَمِنْ نَارٍ يَأْكُلُ بَعْضَ وَيَصُولُ بَعْضُهَا

دردناک و دور آن نزدیک و از آتشی که میخورد بعضی از آنرا بعضی و حمله میکند بعضی از آن

عَلى بَعضٍ وَمِن نارٍ تَذَرُ العِظامَ رَميماً وَتَسقي اَهلَها حَميماً وَمِن

بر بعضی ورز آتشی که ری که ازا استخوانها را پوسیده وا ب میدهد اهل خود اب گرم

نارٍ لا تُبقي عَلى مَن تَضَرَّعَ اِلَيها وَلا تَرحَمُ مَن استَعطَفَها وَلا

آتشی که رحم نمی کند بر کسی که فروتنی کند بسوی ان و رحم نمی کند کسی که طلب مهربانی کند ازان

تَقدِرُ عَلَى التَّخفيفِ عَمَّن خَشَعَ لَها وَاستَسلَمَ اِلَيها تَلقى سُكّانَها

و قادر نیست بر سبک کردن از کسی که فروتنی کند بسوی او و فرمان برداری کند او را ببرون پیش ساکنانش

بِاَحَرِّ ما لَدَيها مِن اَليمِ النَّكالِ وَشَديدِ الوَبالِ وَاَعوذُ بِكَ

گرمترین انچه نزد اوست از عقاب دردناک و مصیبت سخت و پناه میبرم بتو

مِن عَقارِبِهَا الفاغِرَةِ اَفواهُها وَحَيّاتِهَا الصّالِقَةِ بِاَنيابِها

از عقربهای ان که واکرده اند دهنهای خود را و مارهای ان که میزنند نیشهای خود را

وَشَرابِهَا الَّذي يُقَطِّعُ اَمعاءَ وَاَفئِدَةَ سُكّانِها وَيَنزِعُ

و از شراب ان که پاره می کند رودها و دلها ساکنان انرا و میکند دلهای اصحاب را

قُلوبَهُم وَاَستَهديكَ لِما باعَدَ مِنها وَاَخَّرَ عَنها اَللّهُمَّ صَلِّ

دلهای ایشان و راه می جویم از تو بسوی انچه دور گرداند از ان آتش و دور گرداند ازان خداوندا رحمت بفرست

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَجِرني مِنها بِفَضلِ رَحمَتِكَ وَاَقِلني عَثَراتي

بر محمد و آل او و پناه ده مرا ازان آتش بفضل رحمت تو و درگذران از من لغزشهای

بِحُسنِ اِقالَتِكَ وَلا تَخذُلني يا خَيرَ المُجيرينَ اِنَّكَ تَقِي الكَريهَةَ

به نیکوئی درگذشتن تو و خوار مگردان مرا ای بهترین پناه دهندگان بدرستی که تو نگاه میداری

وَتُعطِي الحَسَنَةَ وَتَفعَلُ ما تُريدُ وَاَنتَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ

از چیزهای ناخوش و عطا میکنی نیکی را و میکنی انچه میخواهی و تو بر هر چیز توانائی

اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اِذا ذُكِرَ الاَبرارُ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و هرگاه یاد کرده شوند نیکوکاران و رحمت بفرست بر محمد

وَآلِهِ مَا اختَلَفَ اللَّيلُ وَالنَّهارُ صَلوةً لا يَنقَطِعُ مَدَدُها

و آل او چندانکه تردد کننده شب و روز رحمتی که بریده نشود مدد ان

وَلا يُحصى عَدَدُها صَلوةً تَشحَنُ الهَواءَ وَتَملَاُ الاَرضَ وَ

و شمرده نشود عدد ان رحمتی که پر کند هوا را و لبالب سازد زمین را و

السَّماءَ صَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وَآلِهِ حَتّى يَرضى وَصَلَّى اللّهُ عَلَيهِ وَآلِهِ

آسمان را رحمت کند خدا بر او و آل او تا اینکه خوشنود شود و رحمت بفرستد خدا بر او و آل او

بَعدَ الرِّضا صَلوةً لا حَدَّ لَها وَلا مُنتَهى يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ

بعد از خوشنود شدن رحمتی که حدی نباشد از برای او و نه منتهائی ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

خاتمه که سزاوار است از برای نماز گذارنده ملاحظه معانی ذکرها نماز را دعاها ان و تعقیبهای ان و انچه خوانده میشود دران و اینکه نبوده باشد ذکر او و دعا او و قراءت او محض حرکت دادن زبان است بی ملاحظه معنی که قصد کرده شده است از انها پس بوده باشد حال او مثل حال عربی که بگوید کلام فارسی را بی انکه داند معنی انچه را می گوید مثل حال ساهی یا مصروع هرگاه بگوید چیزی بی اینکه بگذرد معنی ان بخاطر او کافیست در تنبیه نماز گذارنده و تحریص او بر ملاحظه معنی انچه میگوید در نماز قول خدا تعالی یا اَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا لا تَقرَبُوا الصَّلوةَ وَاَنتُم سُكارى حَتّى تَعلَموا ما تَقولونَ یعنی جماعتی که ایمان اورده اید نزدیک نشوید نماز را و حال انکه مست باشید تا اینکه بدانید انچه میگوئید والله تعالی یعلم و روایت کرده است رئیس محدثین از حضرت صادق که فرموده هرگاه نماز بگذارد دو رکعت که داند انچه میگوید در انها بر گردد و حال انکه نباشد میان او و میان خدا گناهی مگر اینکه امرزیده شده باشد ان برای او و ما بتوفیق خدا تعالی بیان کردیم دعاهای گذشته انچه را محتاج است ببیان و شرح کردیم از انچه احتیاج دارد بشرح از ذکرهای نماز و بعضی را انچه خوانده میشود دران و تلاوت کرده میشود بعد ازان از تعقیبات و بتحقیق که ختم کردیم کتاب را بتفسیر فاتحه از برای امید نیکوئی خاتمه و برای اینکه بوده باشد جمیع انها گفته میشود در نماز و پیش ازان و بعد ازان از انچه ذکر کردیم از ان درین کتاب تفسیر کرده شده شرح کرده شده اسان فرا گرفتن ان بر برادران دین و دوستان یقین و بر خدا توکل میکنم و با و یاری میجویم تا اینجا قلم شکسته رقم بر ترجمه کلام شیخ رحمه الله اقدام نموده و چون بعد ازین در تفسیر فاتحه اطناب نموده اند و

خاتمهٔ مؤلف المستعان

حمد بیحد و سپاس بیعد خالق ذو الجلال شانه را سزد که با کفا خاوی و ستر احوال البشر منطقه

الرحمن و اسما بتحدث کرد التسبیح تقدس بیمن بتحمید و ایجاد را الکه کدای نعمت بی پایان

دستمع و بکشکول بسیم دمام و مهر کشون عطا تعالت شانه عما یقول در دین بی

پایان و شد آنا الی سبیل السلام و حصر این لقا محمد الکرام علیه الصلوة و السلام طالب

طرق رادات از منهیات غوص ضلالت ها بسر منزل رشاد رسیده حقیقی بند باید جنین بعد میکنان اقل

الاحبا بن مرحوم معفو شیخ محمد عبد الوهاب شیرازی که جواز مضا مین آیات بینات و احادیث معجزات

فاوی ساهر که از بدایت الی النهایات جمیع اشیا موجود ممکنات مرهون لفظی امر معنی او وهم مستطاب

بخصوص عبادات اکثر ما استخلقت عالم و اصل سلسله نظام بنی آدم کما قال الله تعالی فی محکم کتابه

المکنون و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون بس ظاهر و هویدا است که اصل مقصود از ایجاد عباد اوست و بر اصحاب تصفیه

قلب از زنگ کدورات و اغراض نفسانیه و غرض جسمانیه و رعایت معانی نسبت تو مانست بمقاربانیه تا بمفاحدت

بفکر و تفکر ساحت عیب ازلیه اسرار حرف بحر و پایان کنت کنزا مخفیا الا ان عرجواز و امر حقیقیه

ذکر کرده اند تحقیقی چند که منتفع نمیشود از آن مگر کسی که او را بهره از علم بوده باشد و غرض این قلیل البضاعه از ترجمهٔ این کتاب شریف عموم نفع و شمول فایدهٔ آن بوده نسبت بهمه طوایف انام از خواص و عوام پس اولی و انسب چنین بنظر میشود که سوره فاتحه و سایر ادعیه ها و دعاهای سابقه ترجمه شود و جائی که احتیاج بتوضیحی باشد در حاشیه قلمی نماید پس برین نهج سلوک نمود

والله اعلم بحقایق الامور

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام — یعنی ابتدا میکنم و میجویم — خدای بسیار رحم کننده مهربان

الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم مالک یوم

سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیان است — بسیار بخشنده مهربان — صاحب روز

الدین ایاک نعبد و ایاک نستعین اهدنا الصراط

جزا — همین ترا عبادت میکنیم و همین از تو یاری میجوییم — هدایت کن ما را براه

المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب

راست — راه آنانکه — انعام کردی برایشان نه خشم گرفته شده

علیهم ولا الضالین

[illegible] ایشان و نه گمراهان

فحمداً لخالق الکل

اعراب و نقاط اینها توأمند بتوفیق الله از اسماء طیبات خود شمس معرفت را تابان و اقمار هدایت

را درخشان بینند لکن حصول این مطلب بکوشش عشر عشیر از کامل نیست بل غیر میسر است

لذلک شیعیان ائمه طاهرین را بشارت باد که اینک فها هذا آیات بینات از مطلع سعادت درخشید

و با نامهای معرفت دینیه پیر و برنا خورسندی کرد خورشید آن یعنی کتاب مستطاب مفتاح الفلاح که هادی داب

نمازها و ادعیه یومیه و سنن است بمجد تمام کامل و درست ترجمه صحیح از تألیفات جناب عالم المعقول والمنقول جامع

الفروع والاصول شیخ بهاء الدین علیه الرحمه که جوینده ما عارف و بیننده را جامع است اکر حمید اکو مؤمنان

جلیس نماز کار این عزیز سایه بنایان اگر کامل را باصفا جار نقدیان شاهد رعنا کردند

دوازده رساله بن احسن خط خوب صحیح و تصحیح کامل طبع نموده

گوهر سر بار ظهور و دوری		تا خرید و اول کون و مکان نوید
این کتاب مصنف از دو جهان مستغنی است		طالبی کو که همه از جان و جهان بخرد

کتبه العبد المذنب العاصی الحقیر الفقیر المحتاج اقل عباد الله ابو طالب ابن المرحوم ملا علی اکبر [illegible]

در یوم بیست و هفتم شهر محرم الحرام مطابق سنه ۱۳۰۲ صورت اتمام پذیرفت









